

# جزیرہ خضرا

و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا

نویسنده: ناجی النجار

ترجمہ و تحقیق: علی اکبر مہدی پور





# جزیرہ خضرا

و تحقیقی پوسٹیرامون

مکتب برمودا

تألیف : ناجی التجار

ترجمہ و تحقیق : علی اکبر مہدی پور

بیت  
یکه در و صد و سی

ولادت

حضرت یحییٰ بن زکریا علیه السلام

روایع العیالین له یفد









## ترجمه تقریظ

علامه بزرگ حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین  
مرعشی نجفی مدظله العالی

### بسمه تعالی

سپاس و ستایش از آن خداوندی است که با وجود حجت باهره‌ای  
بر بندگان منت نهاد که رمز بقای جهان هستی است و اگر لحظه‌ای در  
روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کاش فرو می‌برد. و صلوات  
سلام بر افضل پیامبران و اشرف سفیران الهی، سید و سرور ما حضرت  
محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و عترت و اهل بیت او باد. به خصوص  
پسرعم، جانشین و وارث علومش، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب  
(علیه السلام).

بر پژوهشگران و صاحب نظران پوشیده نیست که ظهور مهدی  
موعود (عجل الله تعالی فرجه) از مسائلی است که پیروان همه ادیان، از  
مسیحیان، کلیمیان، زرتشتیان، بت پرستان و جز آنها، با اختلاف نظری  
که دارند، در این مسئله اتفاق نظر دارند. حتی پیروان مکتبهای الحادی نیز  
معتقدند که فراگیر شدن فساد در جهان هستی، وجود مصلح نیرومندی را  
ایجاب می‌کند که بی عدالتیها را از بین برده، به عدالت و انصاف داوری  
کند. پیروان ادیان آسمانی و به ویژه مسلمانان کتابها و رساله‌های  
بی شماری در اثبات آن مصلح الهی نوشته‌اند و از هیچ تلاشی در این راه  
کوتاهی نکرده‌اند. و تعدادی از علمای اعلام گروهی از مؤمنان چون  
مقدس اردبیلی، سید بحر العلوم، حاج علی بغدادی و... به دیدار مولایمان  
حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه) تشریف یافته‌اند. و برخی از  
علمای بزرگوار کتابهایی را در پیروامون شرح دیدار نیکبختانی که به دیدار



آن کعبه مقصود نائل شده‌اند، به رشته تحریر درآورده‌اند که از آن جمله است: استاد اساتید ما در حدیث، مرحوم ثقة الاسلام نوری، که کتاب «نجم الثاقب» را در این رابطه تألیف کرده، و شاگرد گرانقدرش علامه محمد باقر بیرجندی، که کتاب «بغیة الطالب فیمن رأی الامام الغائب» را تألیف نموده است. و همچنین کتابهای دیگری که قدما متأخرین در این زمینه تألیف کرده‌اند.

از مسائل شایان دقت و حائز اهمیت در این رابطه، داستان «جزیره خضراء» و راه یافتن دانشمند عالیقدر «علی بن فاضل مازندرانی» به این جزیره، و تشریف او به دیار ولی عصر و ناموس دهر (علیه السلام) می‌باشد. که داستان «جزیره خضراء» تا این اواخر در هاله‌ای از ابهام فرورفته بود، زیرا معلم نبود که در چه نقطه‌ای از جهان و در چه محدوده‌ای از مکان قرار دارد، تا پژوهشگران معاصر با حوادث شگفت «مثلت برمودا» روبرو شدند. و در پیرامون شگفتیهای آن، کتابها، رساله‌ها و مقاله‌ها نوشته، در روزنامه‌ها مجلات علمی جهان منتشر نمودند.

از کسانی که در این زمینه توفیق یاری اش نموده، جوان تلاشگر در خدمت به مذهب، و صاحب قریحه سرشار در تألیف و تحریر: «حجة الاسلام شیخ علی اکبر مهدی پور تبریزی» است، که کتاب «جزیره خضراء» را به رشته تحریر درآورده، و بر اساس شواهد قرائن موجود، انطباق «جزیره خضراء» را با «مثلت برمودا» بیان کرده است. و در تنظیم این نوشتار تلاش فراوان نموده و زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده، که بحمدالله، کتاب ارزنده‌ای پدیدار گشته، که در موضوع خود ممتاز و پیشتاز است. صفحاتی چند از این کتاب را برای من خواند و من استماع کردم و چنین یافتم که گفتم.

پروردگار متعال بهترین پاداشها را به او عنایت کرده، از جام لبریز سیرابش نموده، با خاتم اوصیاء (عجل الله فرجه) محشورش فرماید و

در میان اهل علم و به ویژه در این حوزه علمیّه، امثالش را فراوان کند.  
انشاء الله.

به قلم خدمتگزار علوم اهل بیت عصمت و طهارت: ابوالمعالی، سید  
شهاب الدین مرعشی نجفی، که خداوند در زیر لوای جدّ بزرگوارش سید  
مظلومان (علیه السلام) محشورش فرماید.

حوزه علمیّه قم - حرم ائمه اطهار و عتق آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)  
(محلّ امضاء و مهر شریف)

کامل می گوید: آقازاده ای را دیدم چون ماه چهارده شبه که حدوداً چهار سال داشت، مرا به اسم مخاطب قرار داده فرمود:

«ای کامل! آمده ای از حجت خدا چنین و چنان پرسسی؟»

کامل می گوید: از شکوه و هیبت آقازاده، موی بر بدنم راست شد، بی درنگ گفتم: آری سید و مولای من. آنگاه یک یک پرسشهایم را طرح کرده پاسخ فرمود.

کامل می گوید: آنگاه پرده به حال خود بازگشت و دیگر نتوانستم آقازاده را زیارت کنم.

آنگاه امام حسن عسکری (ع) نگاهی آمیخته با تبسم نمود و فرمود: دیگر منتظر چه هستی؟ همه پرسشهایت را حجت خدا پاسخ داد، که اوبعد از من حجت پروردگار است.<sup>۲۸</sup>

• • •

گذشته از اصحاب و یاران خاص حضرت عسکری (ع) گروهی نیز از خاندان عصمت و طهارت به دیدار حضرت بقیه الله (عج) نائل شده اند که نمونه بارز آن جناب حکیمه است:

۱۳- حکیمه، عمه امام حسن عسکری (ع) علاوه بر شب میلاد مسعود، هر چهل روز یکبار به دیدار آن مهر تابان و خورشید فروزان نائل می شد که چنین سعادتى برای هیچکس نصیب نشده است.

جناب حکیمه می گوید: هر وقت تصمیم گرفتم پرسشی را از محضر آن ذخیره الهی بپرسم، او پیش از طرح سؤال به پاسخ آن پرداخت. و بسیار پیش آمده که حادثه ای بر ما روی داده و در همان لحظه رهنمودی از محضر آن سرور به ما رسیده است.<sup>۲۹</sup>

و گروهی از خدمتگزاران دودمان امامت که همواره در آن بیت رفیع ولایت، اقامت داشتند، بارها و بارها به دیدار آن کشتی نجات و مشعل هدایت نائل شده اند که از «عقیده» سخن گفتیم و اینک اسامی

۲۸- کشف الغمه ج ۲ ص ۴۹۹ و بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۵۰

۲۹- کمال الدین ص ۴۲۹ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۶۷



## گروهی دیگر:

۱۴- ابونصر خادم، بارها حضرت بقیة الله (عج) را دیده، در کنار گهواره اش ایستاده با امام زمانش سخن گفته و حدیث نقل کرده است. ۲۵

۱۵- ابوغانم خادم، که بارها، از جمله در روز سوّم ولادت با سعادت آن سرور، به دیدار حجت پروردگار نائل شده و اوصاف مبارکش را برای ما نقل کرده است. ۳۱

۱۶- ابوعلی خیزرانی کنیزی داشت که آنرا به امام حسن عسکری (ع) بخشیده بود. پس از رحلت امام عسکری (ع) به هنگام غارت دودمان امامت، او به منزل ابوعلی پناه برده و داستانهای از مولود مسعود برای او تعریف کرده که در میان آنها تبرک فرشتگان از گهواره آن اختر تابان مذکور است. ۳۲

۱۷- ماریه، که در دودمان امامت خدمت می کرد و در روز ولادت حضرت ولی عصر (عج) او را دیده است که با انگشت سیابه به سوی آسمان اشاره کرده می گوید: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اله...» ۳۳

۱۸- نسیم خادم، یک شب بعد از ولادت حضرت بقیة الله (عج) آنحضرت را زیارت نموده و روایتی نقل کرده است. ۳۴

۱۹- آخرین کسی که در عهد امام حسن عسکری (ع) به دیدار حضرت ولی عصر (عج) نائل شده، ابوسهل، اسماعیل بن علی نوبختی است که در واپسین لحظات زندگی حضرت عسکری (ع) به دیدار امام (ع) رفته و در حالی رسیده که امام می خواست کاسه ای را که در آن مصطکی ۳۵ با آب جوشیده بود میل کند و از شدت بیماری قادر نبوده و از فرزندش

۳۰- غیبت شیخ طوسی ص ۱۴۸ و کشف الغمه ج ۲ ص ۴۹۹

۳۱- کمال الدین ص ۴۳۱

۳۲- اثبابة الهداة ج ۳ ص ۶۹۹

۳۳- کشف الغمه، ج ۲ ص ۴۳۱

۳۴- اثبابة الهداة، ج ۳ ص ۶۶۸

۳۵- چیزی شبیه سقر که از ساقه درخت مصطکی بیرون می آید (فرهنگ معین).

حضرت مهدی (عج) خواسته که او را یاری کند. حضرت مهدی (ع) کاسه را به دست مبارک گرفته، پدر بزرگوارش را یاری کرده تا آنرا تناول فرموده است. آنگاه فرمود: که مرا آماده نماز کنید. حضرت ولی عصر (عج) او را یاری کرد تا وضو ساخت و خطاب به فرزند بزرگوارش فرمود:

«مژده باد ترا، فرزندم! که تو «صاحب الزمان»، «مهدی» و «حجت خدا در روی زمین» هستی. تو پسر و جانشین من هستی...»  
 ابوسهل می گوید: سخنان امام حسن عسکری (ع) پایان یافت و همان لحظه جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>۳۶</sup>

\*\*\*

از بررسی نمونه های یاد شده به خوبی روشن می شود که امام عسکری علیه السلام در مدت پنجمسال (۲۵۵-۲۶۰ هجری) از هر فرصتی برای معرفی فرزند بزرگوارش استفاده کرده، خبر ولادت او را در اقصی نقاط جهان به گوش شیعیان خاص و خالص خود رسانید. و هنگامی که از نزدیک شدن اجلس آگاه شد مجلسی ترتیب داد که چهل نفر از خواص اصحابش را در آن مجلس گرد آورد، آنگاه قبله خوبان، مقصد پاکان، حجت یزدان، حضرت صاحب الزمان (روحی و ارواح العالمین له الفدا) را در آن مجلس به آنان ارائه نمود تا دیگر جای تردیدی برای هیچکس نماند.<sup>۳۷</sup>

سپس نامه های فراوانی نوشته به شیعیان خالص خود در اقطار و اکناف کشور پهناور اسلامی فرستاد که یک نمونه آن نامه هائی است که توسط «ابوالادیان» ۱۵ روز پیش از وفات خود به مدائن فرستاد.<sup>۳۸</sup>

امام حسن عسکری (ع) در آخرین شب زندگی خود (هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هـ) علیرغم ضعف و ناتوانی شدیدی که بر آنحضرت عارض شده بود و بدون کمک گرفتن از اعضای خانواده قادر به وضو

۳۶- بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۱۶

۳۷- کمال الدین ص ۴۳۵ و بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۶

۳۸- کمال الدین، ص ۴۷۵

گرفتن نبود، نامه های بسیاری نوشته به مدینه ارسال نمود. ۳۹  
در اثر تلاش طاقت فرسای امام حسن عسکری (ع) و یاران فداکار  
آنحضرت، به هنگام وفات حضرت عسکری (ع) همه شیعیان مورد اعتماد،  
از وجود حضرت بقیة الله (عج) آگاه بودند.

### تجلی حجت خدا در تشییع پدر

مراسم تشییع جنازه حضرت امام حسن عسکری (ع) مقطع بسیار  
حساس و سرنوشت ساز در مسئله رهبری حضرت ولی عصر (عج) بود، که  
اگر آن مهرتابان و خورشید فروزان با تجلی شکوهمند خود اعلام موجودیت  
نمی کرد، در اعتقاد بسیاری از شیعیان ساده لوح تزلزل ایجاد می شد،  
زیرا:

الف: دستگاه خلافت با تمام قدرت تلاش می کرد که بر توده  
مردم ثابت کند که امام حسن عسکری (ع) بدون داشتن فرزند به درود  
حیات گفته است.

ب: برادر نا آگاه امام حسن عسکری (ع) که به «جعفر کذاب»  
شهرت یافته، تلاش فروانی آغاز کرده بود که خود را تنها وارث امام  
حسن عسکری (ع) و جانشین آنحضرت معرفی کند. از این رهگذر برای  
کسب شخصیت اجتماعی و سابقه قانونی به صورت صاحب عزا در کنار  
دودمان امامت ایستاده بود، و تسلیت شیعیان را پذیرا می شد. و خود را  
برای نماز گزاردن به جنازه برادر آماده می کرد. که حضرت مهدی (ع) با  
تجلی شکوهمند خود نقشه های دستگاه خلافت و عمومی فرصت طلب را نقش  
بر آب کرد. و اینک داستان را از زبان یکی از یاران امام (ع) می شنویم:

ابوالادیان می گوید: جنازه امام (ع) آماده می شد، «جعفر» در  
کنار منزل امام ایستاده بود، مردم دسته دسته می آمدند و او را در سوک  
برادر تسلیت گفته، بر منصب امامت تهنیت می گفتند. من با آن سابقه ای  
که از جعفر داشتم با خود گفتم: اگر امامت به جعفر منتقل شود، امامت



باطل و تباه خواهد شد.

در این میان «عقید خادم» آمد و به جعفر گفت: سرور من، جنازه آماده است. جعفر وارد شد در کنار جنازه ایستاد و دستها را برای تکبیر بالا برد...

ناگهان دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.  
آفتاب جهانتاب از کنج خانه درخشیدن گرفت و ابرهای تاریک را از افق خانه بزدود:

کودکی نورسته، با چهره‌ای گندم‌گون، موهائی پر پشت به نورانیت خورشید، و ابهت کوه و صلابت شمشیر، از گوشه‌خانه ظاهر شد و با گامهائی استوار به سوی جعفر آمد و از گوشه‌عبای جعفر گرفت و فرمود:  
«عمو! برو عقب، که برای نماز گزاردن بر جنازه پدر من شایسته ترم».  
جعفر در حالی که از وحشت و خجلت رنگش زرد شده بود، خود را عقب کشید.

آنگاه حجت خدا بر جنازه پدر نماز خواند.<sup>۴۰</sup>  
احمد بن عبدالله هاشمی از اولاد «عباس بن عبدالمطلب» چنین تعریف می‌کند:

«آن قبله پاکان و مقصد نیکان، با چنان هیبت و وقاری ظاهر شد که ما نشناخته به احترام او به پا خاستیم. سیمای مبارکش دهساله نشان می‌داد».<sup>۴۱</sup>

در میان انبوه نماز گزاران بر جنازه امام عسکری (ع) که شاهد تجلی حضرت بقیه‌الله (عج) بودند، ۳۹ نفر در تاریخ ثبت شده، که اسامی شماری از آنها به قرار زیر است:

۱- ابراهیم بن محمد تبریزی

۲- ابوالادیان

۳- احمد بن عبدالله هاشمی

۴۰- کمال‌الدین ص ۱۷۵

۴۱- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۵

۴- حاجز و شَاء

۵- حسن بن علی (سلمه)

۶- همان و... ۴۲

• • •

## تجلیات امام عصر(ع) در غیبت صغری

مدت پنجاه سال از غیبت ۷۴ ساله حضرت بقیه الله (عج) در عهد پدر بزرگوارشان سپری شده و مدت ۶۹ سال آن بعد از رحلت پدر؛ در صفحات گذشته با اسامی ۲۵ نفر از شخصیت‌های شیعه آشنا شدیم که در عهد امام حسن عسکری(ع) و یا در مراسم تشییع آنحضرت به دیدار حجت خدا نائل شده‌اند و اینک اسامی گروهی دیگر، که بعد از رحلت آنحضرت در غیبت صغری به دیدار ماه تابان و مهر فروزان نائل گشته‌اند:

- ۲۶- ابوسعید غانم، اهل کشمیر(هند) که در موسم حج به محضر امام عصر(عج) تشریف یافته و معجزه‌ای مشاهده کرده است.<sup>۴۳</sup>
- ۲۷- ابوسوره (محمد بن حسن بن عبدالله تمیمی) که در حیره به خدمت آنحضرت رسیده و هدیه‌ای دریافت نموده است.<sup>۴۴</sup>
- ۲۸- ابوعلی بن مطهر، که جمال عالم آرای حجت خدا را دیده، و اوصافش را بیان کرده است.<sup>۴۵</sup>
- ۲۹- ابوالعباس، محمد بن جعفر حمیری، که با کاروانی از قم به

۴۳- اثبات الهداة، ج ۳ ص ۶۵۷ و کمال الدین ص ۴۳۷-۴۴۰

۴۴- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۴

۴۵- همان مدرک.

سامرا رفته، پس از تحمل شداید فراوان به کعبهٔ آمال نائل آمده، و معجزاتی را هم مشاهده نموده است.<sup>۴۶</sup>

۳۰- ابو محمد، حسن بن وجنہ، از «نصیبین» که خود در موسم سعادت تشریف یافته و جدش به هنگام غارت خانهٔ امام حسن عسکری (ع) حضرت بقیة اللہ (عج) را دیدار کرده است.<sup>۴۷</sup>

۳۱- ابو محمد، عیسی بن مهدی جوهری، که در سال ۲۶۸ در موسم حج به محضر مقدس آن قبلهٔ موعود شرفیاب شده، در کنار سفره اش نشسته، از غذاهای بهشتی تناول کرده است.<sup>۴۸</sup>

۳۲- احمد بن ابراهیم بن ادريس می گوید: در حدود ۲۰ سال داشت که حجت خدا را دیدم و بر دست و پیشانی اش بوسه زدم.<sup>۴۹</sup>

۳۳- ازدی، در اثنای طواف به کعبهٔ دل رسیده و معجزه ای دیده است.<sup>۵۰</sup>

۳۴- حسین بن حمدان، سعادت تشریف و مشاهدهٔ معجزه را پیدا کرده است.<sup>۵۱</sup>

۳۵- زهری، پس از سالها تلاش، سرانجام با توسل به عثمان بن سعید تشریف حاصل کرده، مسائلی چند از پیشگاه مقدس آفتاب جهانتاب فرا گرفته است.<sup>۵۲</sup>

۳۶- علی بن حسین بمانی، رنج سفر بر خود هموار کرده، به سامرا رفته، سه روز در بست نشسته، سرانجام به مقصود دل نائل شده است.<sup>۵۳</sup>

۳۷- محمد بن اسماعیل، نوادهٔ حضرت موسی بن جعفر (ع) و مسن ترین علوی عصر غیبت، در میان مکه و مدینه به دیدار مشعل هدایت

۴۶- کمال الدین، ص ۱۷۶-۱۷۹

۴۷- همان مدرک ص ۱۷۳

۴۸- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۶۸-۷۰

۴۹- ارشاد مفید، ص ۳۵۱

۵۰- کمال الدین، ص ۴۴۴

۵۱- کشف الفهم، ج ۲ ص ۵۰۱

۵۲- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵

۵۳- اثبابة الهداة، ج ۳ ص ۶۶۰

نائل گشته است. ۵۴

۳۸- محمد بن عبید الله قمی، پس از ۳۰ سال تلاش، که در به در به دنبال کعبه مقصود دویده، و ۲۰ سال به امید وصال در حریم شریفین مجاور شده است، سرانجام در سال ۲۹۳ هـ. فرزند قهرمان توحید را در مقام ابراهیم، دیدار نموده است. ۵۵

۳۹- محمد بن عثمان، که بارها در عهد حضرت عسکری (ع) و بعد از رحلت آنحضرت، تشریف یافته است، می گوید: آخرین بار که حجت خدا را دیدم، در کنار خانه خدا بود که استار کعبه را گرفته، می گفت: خدایا، انتقام مرا از دشمنانم بگیر. ۵۶

۴۰- یوسف بن احمد جعفری، به سال ۳۰۹ به هنگام مراجعت از مکه معظمه در سرزمین شامات به دیدار حضرت ولی عصر (عج) نائل آمده، معجزه‌ای هم مشاهده کرده است. ۵۷

\*\*\*

اینها شماری اندک از انبوه عاشقانی است که در غیبت صفری در کوی محبوب گام نهاده، سرانجام مهر تابان و خورشید فروزان بر آنها تجلی نموده، چشمان جستجوگرشان را با نور جمالش منور ساخته است. وگرنه شمارش همه آنها در این مقدمه نگنجد. و خوانندگان، خوب واقفند که هر یک از این نیک بختان را داستانی جالب و شنیدنی است که ما در اینجا فقط اسامی آنان را فهرست وار برشمریم. علاقمندان می توانند به منابعی که در پاورقیها آوردیم مراجعه کنند و یا به کتابهایی که در این زمینه نگارش یافته است، رجوع کنند. ۵۸

\*\*\*

۵۴- ارشاد مفید، ص ۲۵۰

۵۵- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۴ و ۳

۵۶- کمال الدین، ص ۴۴۰

۵۷- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۵

۵۸- از قبیل: ۱- تبصرة الولی، از بحرانی ۲- جنة المأوی، از نوری ۳- النجم الثاقب، هم از او ۴- العبقری الحسان، از نهاوندی ۵- دارالسلام، از عراقی ۶- چهره‌هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند، از مرزوقی ۷- تجلیات امام عصر، از نشر کوکب.

### معجزات حضرت مهدی (عج)

پیشوایان معصوم هر چه به دوران غیبت نزدیک می شوند، معجزات بیشتری از خود نشان می دهند تا شیعیان و ارادتمندان با عزمی راسخ و ایمانی استوار، گام در عصر غیبت نهاده، پیروزمندانه دوران غیبت را پشت سر قرار دهند، از این رهگذر مشاهده می شود که شمار معجزاتی که از امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) صادر شده، هرگز قابل مقایسه با شمار معجزات پیشوایان قبلی نبود. و به همین دلیل در دوران غیبت صغری، هر چه به «غیبت کبری» نزدیکتر می شویم معجزات بیشتری از ناحیه مقدسه صادر می شود و به خصوص به صورت خبرهای غیبی در مورد زندگی شخصی افراد، که در مدتی کوتاه به وقوع پیوسته، اعجاز آن آفتابی می گردد. و چون این خبرها به صورت کتبی به آن افراد رسیده و آنها به دوستان مورد اعتماد ارائه نموده اند، بعد از تحقق محتوای آن، معجز بودن آنها در سطح وسیعی در میان شیعیان به ثبوت می رسد. از این رهگذر معجزاتی که از طرف حضرت بقیه الله (عج) در غیب صغری به وقوع پیوسته، بیرون از حد و شمار است و جز پروردگار کسی شمار آنها را نمی داند. ما برای اینکه کتابمان از نقل این معجزات خالی نباشد، اسامی ۵۰ تن از افرادی را که در غیبت صغری به مشاهده معجزه ای از آن «هسته مرکزی جهان آفرینش» نائل شده اند به ترتیب حروف الفباء می شماریم:

«ابن اعجمی، ابن بادشاله، ابن قاسم بن موسی، ابو ثابت، ابوجعفر رفا، ابورجا، ابوعبدالله بن فروخ، ابوعبدالله جنیدی، ابوعبدالله کنندی، ابوعلی اسدی، ابوالقاسم بن ابی حابس، ابوالقاسم بن دبیس، ابومحمد بن هارون، ابومحمد بن وجناء، احمد بن ابی الحسن، احمد بن اسحاق، اسحاق کاتب، بسامی، بلالی، جعفر بن حمدان، جعفری، حاجز، حسن بن فضل بن یزید، حسن بن نصر، حسن هارون، حسن بن یعقوب، حصینی، زیدان، شمشاطی، عاصمی، عطار، علی بن احمد، علی بن محمد، علی بن محمد بن اسحاق، فضل بن یزید، قاسم بن علا، قاسم بن موسی، مجروح، مرداس، مسرور طباطبای،



محمد بن ابراهیم مهزیار، محمد بن ابی الحسن، محمد بن اسحاق، محمد بن شاذان، محمد بن شعیب، محمد بن صالح، محمد بن کשמرد، محمد بن محمد، محمد بن محمد کلینی، محمد بن هارون بن عمران، و هارون قرار». ۵۹

\*\*\*

## در آستانه غیبت کبری

در مدت ۷۴ سال (۲۵۵ - ۵۳۲۹) از غیبت حضرت بقیه الله (عج) که غیبت صغری نامیده می شود، شیعیان می توانستند توسط نواب خاص آنحضرت پرسشها و درخواستهای خود را به پیشگاه آفتاب امامت برسانند و پاسخهای لازم را دریافت کنند. و این ویژگی، دوران ۷۴ ساله را از دیگر دورانهای غیبت جدا می سازد و عنوان «غیبت صغری» را به آن اختصاص می دهد.

نواب خاص حضرت ولی عصر (عج) در آن دوره عبارت بودند از:

- ۱- عثمان بن سعید، از یاران خاص امام هادی و امام حسن عسکری (ع).
  - ۲- محمد بن عثمان، که بعد از پدر به این مقام نصب شده، در آخر جمادی الثانیة ۳۰۴ هجری درگذشت.
  - ۳- حسین بن روح نوبختی، که بعد از محمد بن عثمان به مقام نیابت خاص نصب شده و در شعبان ۳۲۶ هجری درگذشت.
  - ۴- علی بن محمد سمري، که آخرین سفیر خاص حضرت بقیه الله (عج) است و در نیمه شعبان ۳۲۹ هجری جهان را به درود گفت. با درگذشت چهارمین سفیر خاص، در نیابت خاص بسته شد، دیگر کسی ادعای نیابت نمی کند جز اینکه رسوا می شود.
- روز نهم شعبان ۵۳۲۹. توقیع شریف از ناحیه مقدسه صادر شد

۵۹- برای تحقیق بیشتر مراجعه شود به: اعلام الوری ص ۴۲۵، اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۶۹، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۱، کشف الغم ج ۲ ص ۵۳۲ و کمال الدین ص ۴۴۲

که در آن به خط حضرت ولی عصر (عج) نوشته شده بود:  
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ای علی بن محمد سمی! خداوند پاداش  
 برادرانت را در سوک تو افزون کند که تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت.  
 دیگر به کسی وصیت نکن که دوران غیبت دوم (غیبت کبری) فرا رسیده  
 است...»<sup>۶۰</sup>

شش روز بعد طبق توقیع شریف، علی بن محمد سمی جهان را  
 به درود گفت: و با رحلت او غیب صغری پایان یافت و غیبت کبری آغاز  
 گردید.

نیمه شعبان امسال (۱۴۰۳ هـ) درست یک هزار و هفتاد و چهار سال  
 تمام از غیبت کبری می گذرد و اینک ۱۱۴۸ سال است که سریر عدالت در  
 انتظار اوست که ظهور کرده، مرزهای جغرافیائی را درهم ریخته،  
 حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهاده، پرچم  
 پرافتخار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ» را بر فراز کوه  
 خاکی به اهتزاز در آورد. به امید آن روز.

\*\*\*

## غیبت کبری

در مورد هیچ مسئله‌ای از مسائل حیاتی اسلام به میزان مسئله «مهدویت» روایت نرسیده است و هم اکنون بیش از شش هزار حدیث از پیشوایان معصوم در پیرامون وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) در دست داریم، از این رهگذر بزرگان ما از عصر معصومین تا به امروز کتابهای بیشماری در مسائل مختلف مهدویت نوشته‌اند<sup>۶۱</sup> که در این میان مسئله غیبت از اهمیت خاصی برخوردار است و بیش از یکصد کتاب به نام «غیبت» یا در «موضوع غیبت» نوشته شده است. جالب توجه و شایان دقت است که دهها کتاب پیش از تولد حضرت ولی عصر (عج) درباره غیبت آنحضرت نگارش یافته است که در اینجا شماری از آنها را یاد می‌کنیم:

۱- ابواسحاق، ابراهیم بن صالح انما طی کوفی اسدی، از اصحاب حضرت موسی بن جعفر (ع) کتابی در «غیبت» نوشته و «ابن قولویه» آنرا با یک واسطه از مؤلف نقل کرده است.<sup>۶۲</sup>

۶۱- نگارنده کتابی در دست تألیف دارد که در آن خصوصیت بیش از یک هزار جلد کتاب که مستقلاً در پیرامون حضرت مهدی (عج) نوشته شده، آمده است.

۶۲- رجال نجاشی ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی ص ۷۵

- ۲- ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری، معاصر حضرت موسی بن جعفر (ع) کتابی به نام «الغیبة» نوشته است. ۶۳
- ۳- ابوالحسن، علی بن عمر اعرج کوفی، از یاران حضرت موسی بن جعفر (ع) کتابی به نام «الغیبة» نوشته است. ۶۴
- ۴- حسن بن علی بن ابی حمزه بظاینی، که در عصر امام رضا (ع) می زیست، کتابی در پیرامون «غیبت» نوشته است. ۶۵
- ۵- ابوالفضل، عباس بن هشام ناشری، از اصحاب امام رضا (ع) و متوفی ۲۲۰ هجری است، کتابی دارد به نام «غیبت». ۶۶
- ۶- ابومحمد، فضل بن شاذان ازدی، از اصحاب امام رضا (ع) که عمر طولانی و با برکتی داشته، ۱۸۰ جلد کتاب در دفاع از حریم تشیع نوشته، که یکی از آنها «کتاب الغیبه» است. وی به سال ۲۶۰ درگذشت. ۶۷

اینها نمونه ای چند از کتابهایی است که پیش از ولادت حضرت بقیة الله (عج) در پیرامون غیبت آنحضرت تألیف شده است، اما کتابهایی که بحث غیبت را در بر داشته باشد، بیرون از شمار است. ۶۸

در این کتابها بیش از یکصد حدیث از معصومین علیهم السلام، در پیرامون غیبت حضرت ولی عصر (عج) نقل شده که در شماری از آنها تصریح شده بر اینکه او را دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری دراز. ۶۹ و در برخی آمده است: غیبت دوم به قدری طولانی می شود که جز صاحبان یقین و بینش مستقیم، همگان در حق او به تردید می افتند. ۷۰ و در برخی آمده است در غیبت دوم کسی از اقامتگاه او آگاه نیست، مگر

۶۳- رجال شیخ طوسی ص ۳۵۷، رجال نجاشی ص ۱۹۳ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۱۸

۶۴- رجال نجاشی ص ۱۹۴

۶۵- قاموس الرجال ج ۳ ص ۱۹۳، رجال نجاشی ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی ص ۷۵

۶۶- رجال نجاشی ص ۲۱۵، رجال شیخ طوسی ص ۳۸۴ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۷

۶۷- فهرست شیخ طوسی ص ۱۵۰، رجال شیخ طوسی ص ۴۲۰ و رجال نجاشی ص ۲۳۵

۶۸- رجوع شود به «او خواهد آمد» چاپ هشتم، بخش چهارم.

۶۹- منتخب الاثر ص ۲۵۱-۲۷۳

۷۰- ینابیع الموده ص ۴۲۷

خدمتگزارانی که به خدمت او گماشته شده‌اند. ۷۱

\*\*\*

## تجلیات امام عصر (عج) در غیبت کبری

در توقیع شریفی که در آستانه شروع غیبت کبری به «علی بن محمد سمری» صادر شده است، برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده و دعوی نیابت و سفارت، آمده است: «هر کس ادعای مشاهده بکند پیش از خروج سفیانی و بانگ آسمانی دروغگو و افتراپرداز است». ۷۲

با وجود این حدیث، تا کنون دهها نفر ادعای با بیت و نیابت خاصه نموده و هزاران نفر را گمراه ساخته‌اند و این توقیع شریف به چنین افرادی نظر دارد و گرنه تا کنون هزاران نفر از شخصیت‌های علمی و دینی که هرگز احتمال خلاف واقع در حق آنها نمی‌رود به حضور آنحضرت شرفیاب شده‌اند، با این تفاوت که در غیبت صغری به هنگام تشریف آنحضرت را می‌شناختند ولی در غیبت کبری به هنگام تشریف نمی‌شناسند ولی بعد از جدا شدن با دلایل قطعی متوجه می‌شوند که حضرت ولی عصر (عج) بوده است. از این رهگذر مرحوم آیت الله بحر العلوم که خود از تشریف یافتگان است در توضیح توقیع شریف می‌فرماید: «ممکن است این توقیع در مورد کسانی باشد که دعوی شناخت آنحضرت را در حین رؤیت داشته باشند» ۷۳

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: «ما هرگز نمی‌توانیم ادعا کنیم که حضرت بقیه الله (عج) از همه شیعیان پوشیده است، بلکه ممکن است برای خیلی از آنها ظاهر شود. و کسی جز از حال خود با خبر نیست». ۷۴

مرحوم سید مرتضی علم الهدی، در کتاب «تنزیه الانبیاء» می‌فرماید: هیچ مانعی ندارد که امام علیه السلام برای برخی از دوستانش،

۷۱- غیبت نعمانی ص ۸۹ و الفصول العشرة ص ۱۸

۷۲- غیبت شیخ طوسی ص ۲۴۳

۷۳- رجال بحر العلوم، ج ۳ ص ۳۲۱

۷۴- غیبت شیخ طوسی، ص ۶۸

که می‌داند آسیبی از ناحیه آنها نمی‌رسد، ظاهر شود. و این مطلبی است که کسی نمی‌تواند به خلاف آن قطع پیدا کند، زیرا هیچکس راهی برای اطلاع از حال دیگران ندارد.<sup>۷۵</sup>

مرحوم سید بن طاوس، پس از نقل توقیع شریف می‌فرماید: «اگر چه امروز حضرت ولی عصر (عج) برای همگان ظاهر نیست ولی بدون تردید گروه بیشماری در غیبت کبری به محضر آنحضرت رسیده‌اند و معجزات بینات از آنحضرت دیده‌اند. و هیچ مانعی ندارد که گروهی به حضورش رسیده، از گفتار و کردارش بهره‌ها ببرند».<sup>۷۶</sup>

مرحوم علامه مجلسی، در ذیل توقیع شریف می‌نویسد: «شاید منظور از «ادعای مشاهده» در این توقیع شریف، ادعای نیابت و نقل پیام از زبان آن بزرگوار باشد».<sup>۷۷</sup>

مرحوم میرزای نوری، در پایان «جنة المأوی» بخشی را به اثبات امکان رؤیت و تأویل توقیع شریف اختصاص داده است.<sup>۷۸</sup>

روی این بیان تردیدی در امکان رؤیت حضرت ولی عصر (عج) در زمان غیبت کبری باقی نمی‌ماند و هزاران نفر به دیدار آن کشتی نجات و مشعل هدایت نائل شده‌اند که بعد از جدا شدن با دلائل قطعی بر آنها ثابت شده که حضرت ولی عصر (عج) بوده است. تشریح برخی از علمای بزرگوار قطعی و بی‌تردید است که از آن جمله است:

۱- سید بن طاوس، متوفی ۶۶۴ هـ. ۷۹

۲- علامه حلی، متوفی ۷۲۶ هـ. ۸۰

۳- مقدس اردبیلی، متوفی ۹۹۳ هـ. ۸۱

۷۵- بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۲۳

۷۶- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف ص ۱۸۴

۷۷- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۱

۷۸- جنة المأوی = بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۱۸-۳۳۱

۷۹- بحار الانوار = جنة المأوی، ج ۵۳ ص ۳۰۲

۸۰- الزام الناصب ص ۱۵۱ وروضات الجنات ج ۲ ص ۲۸۳

۸۱- منتخب الاثر ص ۴۱۳



۴- بحر العلوم، متوفی ۱۲۱۲ هـ. ۸۲

۵- شیخ مرتضی انصاری، متوفی ۱۲۸۱ هـ. ۸۳

و صدها نفر از علمای بزرگ در طول قرون متمادی که نقل آنها به طول می انجامد.

\*\*\*

از بررسی دیدارهایی که در غیبت کبری به عمل آمده، چنین نتیجه می گیریم که در غالب این دیدارها یکی از دو هدف اصلی منظور بوده است:

۱- آموزش

۲- امداد

غالب دیدارهای آموزشی برای موارد زیر انجام یافته:

۱- حل مشکلات علمی، چنانکه در مورد مقدس اردبیلی روی

داده. ۸۴

۲- تعلیم معارف عالی، در ضمن دعاهاى مأثوره. ۸۵

۳- پافشاری بر مسائلی که کمتر مورد توجه واقع می شود، چنانکه در

مورد نماز شب، نمازهای نافله، زیارت عاشورا و زیارت جامعه، تأکید و توصیه فرموده اند. ۸۶

۴- ارشاد دیگران، چنانکه مکرر برای افراد شایسته از غیرشیعه

تجلی نموده، آنها را به راه راست رهنمون شده اند. ۸۷

و دیدارهای امدادی غالباً به شکلهای زیر انجام گرفته:

۱- شفای بیمارانی که پزشکان پاسخ منفی داده اند، که نمونه های

۸۲- جنة المأوی = بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۰۲ و ۲۳۶

۸۳- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۱۰۵

۸۴- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۷۴ و نجم الثاقب ص ۳۳۴

۸۵- دوست دانشمند آقای اهری بیش از ۳۰ دعای صادره از ناحیه مقدسه را در «صحيفة المهدی» (عج) گردآورده است.

۸۶- ینابیع الموده ص ۴۶۵ و نجم الثاقب ص ۳۴۳

۸۷- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۷۷ و نجم الثاقب ص ۳۴۶

بسیاری در تاریخ ثبت شده است.<sup>۸۸</sup>

۲- کمک مالی به صورت حواله دادن همراه با یک نشان قطعی،  
که در موارد فراوانی اتفاق افتاده است.<sup>۸۹</sup>

۳- راهنمایی گمشدگان، چنانکه تا کنون در صدها مورد اتفاق  
افتاده که از قافله جدا شده، راه را گم کرده با خطر هلاکت روبرو شده،  
از اعماق دل بانگ «یا ابا صالح المهدی ادرکنی» برآورده، و آن امام رؤف  
به فریادش رسیده و او را از مهلکه نجات داده است.<sup>۹۰</sup>

\*\*\*

---

۸۸- المهدی، از آیت الله صدر ص ۱۴۵ و بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۷۷

۸۹- نجم الثاقب ص ۳۰۶

۹۰- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۷۶

## زندگی شخصی حضرت مهدی (عج)

بزرگان ما از دانشمندان و اندیشمندان، از دیرزمانی کتابهای گرانبھائی در پیرامون زندگی حضرت مهدی (عج) نوشته اند و آنرا از ابعاد مختلف، مورد بحث قرار داده اند ولی چند بُعد از ابعاد زندگی آن یکتا بازمانده الهی هنوز ناگفته مانده است که در رأس آنها مسئله «زندگی شخصی حضرت بقیة اللہ» (عج) است که کجا و چگونه زندگی می کند؟ کتابی که اکنون در دست شماست، گامی لرزان به سوی شناخت بُعدی تازه از ابعاد زندگی آن مهرتابان و قبله خوبان است. و چون این مسئله قبلاً مورد تحقیق قرار نگرفته است، طبعاً این کتاب هم پاسخگوی همه جوانب مسئله نخواهد بود، ولی امید است که سرآغاز فصل جدیدی باشد و پژوهشگران را به تحلیل عمیق و تحقیق دقیق مسئله وادارد و ما شاهد انتشار دهها کتاب پرارج و تحقیقی در این زمینه باشیم.

نگارنده به دلیل محدود بودن منابع تحقیق و کمی بضاعت علمی، مدتی در دست زدن به چنین کار مهم مردد بود، تا سرانجام با مشورت دو تن از مراجع بزرگوار و جمعی از اساتید فن به این مهم پرداخت. و اینک از همه صاحب نظران استمداد می جوید که با ارسال نظریات، پیشنهادات و انتقادات بر او منت نهند، تا در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار بگیرد.

• • •

برخی از صاحب نظران که فی الجمله تشریفشان به پیشگاه اقدس مهرتابان و قبله پاکان حضرت بقیه الله، امام زمان (روحی فداه) تردیدناپذیر است، معتقدند که در اقیانوس اطلس سه جزیره به دور از تیررس دشمنان محل اقامت آن بزرگوار است که یکی از آنها محل اقامت اختصاصی آن خورشید فروزان، دیگری محل اقامت اولاد عالیمقام آن سرور، و سومی مخصوص زراعت و دامداری است که مواد غذایی دو جزیره اول در جزیره سومی تهیه و تأمین می شود.

می گویند: احدی از فرزندان را به جزیره اختصاصی آنحضرت راه نیست، بلکه شماری از اوتاد که تعداد آنها از ۱۰ کمتر است در آن جزیره مسئولیتهائی دارند و به خدمتگزاری آن کعبه مقصود و قبله موعود، مفتخر هستند.

• • •

### اولاد حضرت بقیه الله (عج)

از بررسی روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود که حضرت ولی عصر (عج) در محل اقامت خود تنها نیست، بلکه تعدادی از «اوتاد» در محضر آن سرور هستند که در این دوران عزلت، وسیله رفع غربت از وجود اقدس آن هادی امت و عصاره خلقت می باشند.

امام صادق (ع) تعداد آنها را سی نفر فرموده اند.<sup>۹۱</sup>

علامه مجلسی می فرماید: این روایت دلالت می کند بر اینکه: همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن بزرگوار هستند که هرگاه عمر یکی از آنها به سر آید، یکی دیگر جای او را پر می کند.<sup>۹۲</sup>

مرحوم میرزای نوری می فرماید: اگر مقدر نباشد که این ۳۰ نفر چون حضرت بقیه الله (عج) از عمر طولانی برخوردار باشند، لازمست که در هر قرنی عوض بشوند و افراد دیگری جای آنها را بگیرند. به هر حال در هر

۹۱- غیبت نعمانی ص ۹۹ و غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۲

۹۲- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۸

قرنی ۳۰ نفر از مؤمنان پرهیزگار (اوتاد- اولیاء) سعادت تشریف و مجاورت آن بزرگوار را دارند. ۹۳

امام صادق (ع) می فرمایند: در غیبت کبری کسی از اقامتگاه امام (ع) اطلاع ندارد به جز خواص شیعیان ۹۴ و در حدیثی دیگر فرمود: به جز خدمتکاری که متصدی امور آن سرور است. ۹۵

و در برخی تشریفات از «خدم و حشم» بحث شده است. ۹۶

روی این بیان آنچه از روایات استفاده می شود و مشاهدات آنرا تأیید می کند، اینست که حضرت بقیه الله (ع) در عهد غیبت کبری تنها نیستند بلکه جمعی از اوتاد، صلحاء، اولیاء و خدمتگزاران در حضور آن حضرت هستند.

### همسر و فرزند

اما در مورد اینکه آیا حضرت بقیه الله (عج) در غیبت کبری، همسر و فرزندی دارد یا نه؟ دلیل قطعی بر وجود یا عدم آن نداریم. تنها چیزی که هست، اینست که سه نوع شواهد و قرائن داریم که وجود همسر و فرزند را برای آنحضرت اثبات می کند:

۱- قواعد کلی

۲- روایات

۳- دعاها

•••

### ۱- قواعد کلی

احکام کلی شریعت محمدی (ص) ایجاب می کند که حضرت بقیه الله (عج) نیز چون دیگر پیشوایان معصوم تشکیل خانواده داده، از سنت جد بزرگوارش حضرت ختمی مرتبت (ص) پیروی نماید.

۹۳- جنة المأوی، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۲۰

۹۴- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۵

۹۵- غیبت نعمانی ص ۸۹

۹۶- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۹-۱۲ و کمال الدین ص ۴۵۳ و ص ۴۶۵-۴۷۰

میرزای نوری می فرماید: «چگونه ترک خواهند فرمود چنین سنت عظیمه جد بزرگوار خود را، با آنهمه ترغیب و تحریص که در فعل آن، و تهدید و تخویف که در ترکش شده است. سزاوارترین اقامت در اخذ به سنت پیغمبر (ص) امام هر عصر است و تا کنون کسی ترک آنرا از خصایص آنجناب نشمرده است».<sup>۹۷</sup>

مرحوم نهایندی می فرماید: «بالجمله بعد از اعتقاد به زندگی و غیبت آن بزرگوار، و استحباب تناکح و تناسل، و منع از رهبانیت و عزوبت، لابد آنحضرت را عیال و اولاد می باشد. و کثرت آن به سبب طول عمر، چنانکه عادت اقتضاء می کند، باعث اختیار بلدی خاص است که خالی از غیرخواص باشد. تا آنکه ذکر آنحضرت چنانکه مقتضای حکمت غیبت است، مستور بماند. و اولاد او هم به آسودگی خاطر زندگی کنند. پس گوی این شبهات را مخور و انکار وجود بلاد و اولاد آن بزرگوار را افسانه شمر».<sup>۹۸</sup>

\*\*\*

## ۲- روایات

در مورد همسر و یا همسران حضرت بقیه الله (عج) فقط یک سر نخ وجود دارد و آن روایتی است که مرحوم «کفعمی» در مصباح نقل کرده است. براساس این روایت: «همسر حضرت بقیه الله (عج) از نسل «عبدالعزی» (پسر عبدالمطلب) می باشد».<sup>۹۹</sup> اما در مورد اولاد آنحضرت روایاتی هست که وجود آنها را به روشنی اثبات می کند:

۱- سید بن طاوس، در جمال الاسبوع می فرماید: روایتی با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر (ع) را اولاد بسیاری هست که در شهرهای کرانه دریا حاکم و والی هستند، و در نیکی و بزرگواری در رأس نیکان روزگار، و در قله صفات ابرار و اخیار هستند.<sup>۱۰۰</sup>

۹۷- نجم الثاقب ص ۲۲۴

۹۸- العبقری الحسان ج ۲ ص ۱۳۴

۹۹- نجم الثاقب ص ۲۲۵

۱۰۰- جمال الاسبوع ص ۵۱۲



- ۲- روایت انباری، که به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. ۱۰۱
- ۳- روایت علی بن فاضل، که متن کامل آن در بخش سوم خواهد آمد. و مدارک آن را در یادداشت اول بخش چهارم بازگو خواهیم کرد.
- ۴- امام صادق (ع) می فرماید: «برای صاحب این امر دو غیبت است، که یکی از آنها به قدری طولانی می شود که برخی از مردم گویند: وفات کرده، برخی گویند: کشته شده، و برخی گویند: آمده و رفته، جز تعدادی اندک از شیعیان، بر باور خود استوار نماند. و کسی از اقامتگاه او مطلع نمی شود، حتی فرزندانش جایگاه او را ندانند. به جز کسی که متصدی امور اوست». ۱۰۲
- ۵- محمد بن مهدی، در «مزار» از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: «گویا می بینم نزول قائم (عج) را در مسجد سهله، با اهل و عیالش». ۱۰۳
- ۶- رسول اکرم (ص) در آخرین شب زندگی خود، قلم و دواتی خواست، و صایای فراوانی املاء کرد و امیرمؤمنان (ع) نوشت. آنگاه و صایائی هم در رابطه با فرزندان حضرت مهدی بیان فرمود. و دستور داد که آنرا امامان معصوم (ع) دست به دست به حضرت مهدی (عج) برسانند و او نیز به هنگام وفات به پسرش تقدیم نماید. ۱۰۴
- مرحوم شیخ حرعاملی، در کتاب «الایقاظ من الهجعه» بابی را به بحث از دولت فرزندان حضرت مهدی (ع) اختصاص داده است. ۱۰۵
- مرحوم علامه مجلسی، بابی را به خلفاء و اولاد حضرت مهدی (ع) اختصاص داده است. ۱۰۶
- در برابر احادیث یاد شده، فقط یک روایت داریم که ظاهرش با

---

۱۰۱- بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۲۱۳-۲۲۱

۱۰۲- غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۳ و بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۳

۱۰۳- نجم الثاقب ص ۲۲۵

۱۰۴- الایقاظ من الهجعه ص ۳۹۳، غیبت شیخ طوسی ص ۹۷ و بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۴۸

۱۰۵- ص ۳۹۲-۴۰۵

۱۰۶- بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۴۵-۱۴۹

روایات فوق سازگار نیست و آن روایتی است که می گوید: «هر امامی باید فرزند داشته باشد، به جز حضرت مهدی که فرزند ندارد». ۱۰۷

میرزای نوری می فرماید: ظاهر اینست که مراد حضرت، از نداشتن فرزند، یعنی فرزندی که امام باشد، زیرا آنحضرت خاتم الاوصیاء است و فرزندی که امام باشد ندارد. ۱۰۸

مرحوم شیخ طوسی نیز با توجه به روایت فوق می فرماید: هر کس بگوید: حضرت مهدی (ع) فرزندی «امام» دارد، که تعداد امامان ۱۳ عدد بشود، سخن باطل گفته است. ۱۰۹

روی این بیان از بررسی مجموع احادیث استفاده می شود که حضرت مهدی (ع) را فرزندان بسیاری هست که همه از اولیاء، صلحاء، و شرفا هستند ولی سمت امامت ندارند، که «امام» منحصر به دوازده معصوم است.

میر محمد میر لوحی، معاصر علامه مجلسی نیز در کتاب «ریاض المؤمنین» تنافی احادیث را این چنین رفع کرده است. ۱۱۰

\*\*\*

### ۳- دعاها:

در ضمن دعاهاى بسيارى که از پیشوایان معصوم و یا از ناحیه مقدسه صادر شده، که در زمان غیبت در ایام متبرکه و یا اماکن مقدسه خوانده شود، از اولاد و اهل بیت حضرت ولی عصر (عج) سخن به میان آمده، در حق آنها دعا شده و یا بر آنها درود و سلام تقدیم شده است، که به دلیل ماثور بودن آنها، دلیلهای خوبی برای اثبات وجود اولاد حضرت مهدی (عج) می باشند. در این دعاها تعبیرهای صریحی چون «وُلد»، «ذریه»، «اهلیت» و «آل بیت» به کار رفته که وجود همسر و فرزند را برای آنحضرت اثبات می کنند. در این زمینه دعاهاى بسيارى هست که در این

۱۰۷- غیبت شیخ طوسی ص ۱۳۴

۱۰۸- نجم الثاقب ص ۲۲۶

۱۰۹- غیبت شیخ طوسی ص ۱۳۷

۱۱۰- کفایة المهتدی - مخطوط -

فرصت به تعدادی از آنها دست یافتیم و در اینجا به خوانندگان گرامی تقدیم می‌نمائیم:

۱- در آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه مقدسه صادر شده،

چنین می‌خوانیم:

وَصَلِّ عَلَىٰ وَليِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَوَمَدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ  
وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ أَفْصَىٰ أَمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

یعنی: و درود بی‌پایان خود را بر ولی امرت و اولیاء عهدش و پیشوایان از اولادش نازل بفرما، و بر عمر و اجلشان بیفزای، و به عالیتین آرزوهای دینی، دنیوی و اخروی‌شان برسان، که به راستی به هر چیزی توانائی. ۱۱۱

۲- در ضمن دعائی که به هنگام وداع سرداب مقدس وارد شده

چنین می‌خوانیم:

وَصَلِّ عَلَىٰ وَليِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ...

یعنی: صلوات و سلام خود را بر ولی امرت و اولیاء عهدت و پیشوایان از فرزندان بفرست. ۱۱۲

۳- و در زیارت مخصوصه حضرت ولی عصر (عج) در روزهای

جمعه، چنین آمده است:

اَللّٰهُمَّ اَعْطِ عَلِيَّ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ وَعَلَىٰ الْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ...

یعنی: سلام بر اولیاء عهدش و پیشوایان از اولادش... ۱۱۳

۴- در دعائی که امام رضا (ع) تعلیم فرموده که در عصر غیبت

خوانده شود، چنین آمده است:

اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاهْلِهِ وَوَلْدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَاَقْبَتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا  
تُقَرَّبُ بِهِ عَيْنُهُ وَتُسَرَّبُ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيْبًا وَ

۱۱۱- غیبت شیخ طوسی ص ۱۷۰، مصباح کفعمی ص ۵۴۸، جمال الاسبوع سید بن طاوس ص

۵۰۴ و بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۲

۱۱۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۱۱۴ و مصباح الزائر ص ۲۳۷

۱۱۳- بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۲۲۸

بَعِيدَهَا وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيْلَهَا، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَيَّ كُلَّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ.

یعنی: بار خدایا! به او در باره خودش، اهلش، فرزندانش، امتش و همه رعیتش عطا فرما، آنچه را که دیده‌اش روشن و دلش مسرور گردد و همه ملک دنیا را از خرد و کلان و دور و نزدیک برای او گرد آور، تا حکمش بر همه حکمها چیره، و حقش بر همه باطلها پیروز گردد. ۱۱۴

۵- و شبیه همین عبارت در وداع زیارت سرداب مقدس وارد شده، جز اینکه لفظ «فرزندان» ندارد ولی لفظ «اهل» و «ذریه» برای استشهاد کافی است. ۱۱۵

۶- در فرازی از زیارت مخصوص حضرت ولی عصر (عج) که در روزهای جمعه وارد است، چنین می‌خوانیم:

وَاسْئَلُ اللّٰهَ اَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِيْنَ لَكَ وَّالتَّابِعِيْنَ وَّالتَّاصِرِيْنَ لَكَ عَلَيَّ اَعْدَاكَ وَّالْمُسْتَشْهَدِيْنَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ اَوْلِيَائِكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَّعَلَى اٰلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ... صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَّعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الظَّاهِرِيْنَ.

یعنی: از خدا می‌خواهم که درود بی پایان خود را بر محمد و آل محمد نازل فرماید و مرا از منتظران مقدم تو و از یاران و پیروان تو و از پیکارگران در برابر دشمنان تو و از شهیدان در محضر تو در میان دوستان تو قرار دهد، ای مولای من ای صاحب الزمان! که دروهای بی پایان خدا بر تو و اهل بیت تو باد، که امروز روز جمعه است و آن روزی است که ظهور تو و فرج مؤمنان به دست مبارک تو و نابودی کافران با شمشیر تو در آن روز انتظار کشیده می‌شود، ای مولای من همان توهستم و توبه پناه دادن مأمور هستی، مرا به عنوان مهمان بپذیر و پناهم ده، که صلوات خدا بر تو و اهل بیت پاک و پاکیزه تو باد. ۱۱۶

۱۱۴- بحار الانوار، ج ۹۵ ص ۳۳۲، مصباح کفعمی ص ۵۵۰ و جمال الاسبوع ص ۵۱۰ و ۵۱۶

۱۱۵- مصباح الزائر ص ۲۳۶ و کلمة الامام المهدي ص ۳۸۲

۱۱۶- جمال الاسبوع ص ۳۸ و نجه الثاقب ص ۲۲۴

۷- دعای بسیار طولانی از ناحیہ مقدسہ صادر شدہ کہ سید بن طاوس آنرا از تعقیبات عصر جمعہ شمرده و می فرماید اگر بہ هیچکدام از اعمال عصر جمعہ ہم موفق نشوی، این دعا را ترک نکن کہ از ناحیہ مقدسہ بہ آن امر شدہ است، در فرازی از این دعا چنین می خوانیم:

«حَتَّى نَنْظُرَ إِلَىٰ وَليِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ...»

یعنی: تا ولی ترا ببینیم - کہ صلوات تو بر او و آل او باد - با گفتاری روشن، برہانی آشکار، از گمراہی می رہاند و از نادانی نجات می بخشد...

تعبیر «صلواتک علیہ و آلہ» در متن توقیع شریف آمدہ و شایستہ استناد است. ۱۱۷

۸- در بخشی از صلوات بسیار مفصلی کہ در صبح جمعہ وارد است چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ... وَتَجَعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ فِيهَا الْأَيْمَةَ الْوَارِثِينَ.

یعنی: بار خدایا تو خود ولی، حافظ، یار و یاور ولی ات باش، تا اورا بہ خواست خود در روی زمین ساکن فرمائی و اورا تا مدت طولانی در آن متمتع گردانی، اورا و ذریہ اش را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی. ۱۱۸

۹- همین مضمون در دعای شب بیست و سوم ماہ رمضان نیز وارد است کہ آنرا سید ابن طاوس بہ سند خود در کتاب «عمل شهر رمضان» آورده است ۱۱۹

۱۰- در فرازی از صلواتی کہ از ناحیہ مقدسہ صادر شدہ است چنین می خوانیم: اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشِعْبَتِهِ وَرَعَّتِيهِ وَخَاصَّتِيهِ وَعَامَّتِيهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقْرِبُهُ عَيْتَهُ وَتُسْرِبُهُ نَفْسَهُ

۱۱۷- کمال الدین ص ۵۱۲ و جمال الاسبوع ص ۵۲۳

۱۱۸- بحار الانوار، ج ۸۹ ص ۳۴ و نجم الثاقب ص ۲۲۶

۱۱۹- نجم الثاقب ص ۲۲۶ و ۴۳۴

وَتَلْفَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

یعنی: خدایا! به او در باره خودش، ذریه اش، شیعیانش، رعیتش، دوستانش، دشمنانش و همه مردم جهان، آنچه را که دلش شاد و دیده اش روشن گردد عطا فرما، و او را به برترین آرزوهای خود در دنیا و آخرت برسان که به راستی به هر چیزی توانا هستی. ۱۲۰

۱۱- همین مضمون در ضمن دعای بعد از زیارت سؤم سرداب مقدس وارد شده است که تکرار نمی کنیم. ۱۲۱

۱۲- در فرازی از دعائی که امام رضا (ع) امر فرموده در عصر غیبت در مورد حضرت ولی عصر (عج) خوانده شود، چنین آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ...

فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخَزَائِنُ عِلْمِكَ وَدَعَائِمُ دِينِكَ وَوُلاةِ عَهْدِكَ وَخَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيائِكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيائِكَ وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

یعنی: پروردگارا، صلوات و سلام خود را بر اولیاء عهد او و پیشوایان بعد از او نازل بفرما...

که آنها معدن کلمات تو، خزانه علم تو، استوانه های دین تو، و اولیاء امر تو، و برگزیده های بندگان تو، و سلاله های اولیای تو، و انتخاب شده های اولاد پیامبرت (ص) هستند که سلام و رحمت و برکات خدای بر آنها باد. ۱۲۲

مرحوم کفعمی در حاشیه مصباح نوشته اند که مراد از «پیشوایان بعد از او» فرزندان آنحضرت است... سپس می افزاید: که دعائی که از حضرت مهدی (عج) نقل کردیم آنرا تأیید می کند. ۱۲۳

۱۲۰- غیبت شیخ طوسی ص ۱۷۰، مصباح کفعمی ص ۵۴۷، جمال الاسبوع ص ۵۰۲ و بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۲

۱۲۱- بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۱۰۱، مصباح الزائر ص ۲۲۸ و کلمة الامام المهدی ص ۳۷۹

۱۲۲- جمال الاسبوع ص ۵۱۱، بحارالانوار ج ۹۵ ص ۳۳۲ و ج ۱۰۲ ص ۱۱۵

۱۲۳- مصباح کفعمی ص ۵۵۰



از بررسی همه روایات و دعا‌های مأثور از معصومین علیهم السلام، استفاده می‌شود که حضرت بقیة اللہ (عج) را در عهد غیبت فرزندان هست که از اخیار و ابرار هستند و به هنگام ظهور در حضور آنحضرت خواهند بود و پس از حضرت مهدی (عج) ادامه دهنده راه او هستند.

وقتی که از جمع بندی روایات به این نتیجه می‌رسیم که حضرت ولی عصر (عج) را در دوران غیبت همسر و فرزندی هست، و طبعاً در مدت یازده و نیم قرن، که از عمر شریفش می‌گذرد، شمار آنها بسیار زیاد خواهد بود، نخستین پرسشی که در اذهان مطرح می‌شود اینست که پس در کجا زندگی می‌کنند؟ آیا آنها نیز به دور از دیدگان ما اقامتگاه گزیده‌اند؟ و یا در میان ما به صورت عادی و ناشناخته زندگی می‌کنند؟

در فصل پیشین از روایات استفاده کردیم که حضرت مهدی (عج) در غیبت کبری تنها زندگی نمی‌کند بلکه همواره گروهی از اوتاد و گروهی از خدمتگزاران در حضور آن سرور هستند، که به جز آنها کسی از اقامتگاه امام اطلاعی ندارد. چنانکه مرحوم «شیخ مفید» می‌فرماید:

«اخبار فراوانی از پیشوایان معصوم از آل محمد (ص) به ما رسیده است که برای قائم منتظر (عج) دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است. در غیبت کوتاه خواص شیعه از جایگاه او آگاه خواهند بود. ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامتگاه او بی‌خبر خواهند بود، به جز دوستان مورد اعتمادش، که متصدی خدمتگزاری آن حضرت می‌باشند». ۱۲۴

در بخش روایات یاد آور شدیم که حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: «در غیبت کبری حتی فرزندان از جایگاه او آگاه نخواهد بود، به جز افرادی که متصدی خدمت او هستند». ۱۲۵

با توجه به روایات فوق و با توجه به اینکه اگر همسر و فرزندی

۱۲۴- الفصول العشره، ص ۱۸

۱۲۵- غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۳

برای آنحضرت ثابت شود، به مقتضای حکمت ازدواج که همان توالد و تناسل است، طبعاً تعداد آنها در این مدت طولانی بسیار زیاد خواهد بود، می توان استنباط کرد که فرزندان حضرت مهدی (عج) در کنار آنحضرت و به دور از آنحضرت زندگی می کنند که داستان «جزیره خضراء» نیز آنرا ثابت می کند،<sup>۱۲۶</sup> که دائماً تحت اشراف و عنایات خاص آن بزرگوار هستند ولی از جایگاه او بی خبرند.

• • •

## اقامتگاه حضرت ولی عصر (عج)

در مورد اقامتگاه حجت خدا، آنچه مسلم و تردید ناپذیر است، اینست که همه ساله در موسم حج به زیارت خانه خدا تشریف می‌برند و در مراسم حج شرکت می‌کنند ولی انبوه حجّاج او را نمی‌بینند<sup>۱۲۷</sup> و یا می‌بینند و نمی‌شناسند.<sup>۱۲۸</sup> از این رهگذر در طول غیبت آن خورشید جهانتاب، عاشقان کوی او به حج خانه خدا روی آورده در مراسم حج به جستجوی جای پای او پرداخته‌اند. و چه بسیار نیک بختانی که توفیق تشرّف به پیشگاه آن کعبه مقصود و قبله موعود را در کنار خانه خدا یافته‌اند.<sup>۱۲۹</sup>

ولی در غیر موسم حج، دلیل قاطعی بر اقامت آن بزرگوار در مکان معینی نداریم، فقط اشارات و کنایاتی در برخی از احادیث وارد شده که قسمتی از آنها را در زیر می‌آوریم:

### ۱- سرزمینهای دور دست

در توقیع شریفی که در سال ۴۱۰ هجری از ناحیه مقدسه به افتخار

۱۲۷- کمال الدین صدوق ص ۳۴۷ و ۳۵۱، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۵۱ و ۱۵۶

۱۲۸- بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۲

۱۲۹- غیبت شیخ طوسی ص ۱۵۶-۱۵۸

«شیخ مفید» صادر شده است و با خط شریف حضرت حجت (عج) شرف تحریر یافته، چنین آمده است:

«اگر چه ما در سرزمین دوردستی سکنی گزیده ایم که از جایگاه ستمگران بدوریم. زیرا که خداوند مصلحت ما و شیعیان مؤمن ما را در این دیده که تا حکومت دنیا در دست تبهاران است در این نقطه دوردست مسکن نمائیم. ولی از اخبار شما آگاهیم. و هرگز چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی ماند. و می دانیم که چه گرفتاری و پریشانی بر شما رسیده است، از آن وقتی که بسیاری از شماها به کارهایی دست زدند که پیشینیان صالح شما از آنها به دور بودند، و پیمانی را که خداوند از آنها گرفته بود پشت سر انداختند، گوئی که از آن بی خبر بودند. ما شما را رها نکرده، و یاد شما را از خاطر نبرده ایم و گرنه سختی ها به شما روی می آورد و دشمنان شما را از ریشه و بن بر می کنند...»<sup>۱۳۰</sup>

## ۲- مدینه طیبه

هنگامی که از امام حسن عسکری (ع) می پرسند، اگر حادثه ای بر شما روی دهد، کجا از فرزند بزرگوار شما سراغ بگیریم؟ فرمود: «در مدینه».<sup>۱۳۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز هنگامی که از غیبت کبری بحث می کند، می فرماید: «چه جایگاه خوبی است، مدینه».<sup>۱۳۲</sup>

## ۳- دشت حجاز

ابراهیم بن مهزیار توسط فرستاده حضرت ولی عصر (عج) به پیشگاه آن سرور فراخوانده می شود، از طائف می گذرد و به دشت حجاز که «عوالی» نامیده می شود هدایت شده در آنجا به کعبه مقصود می رسد، در این دیدار امام علیه السلام به پسر مهزیار می فرماید:

«پدرم با من پیمان بسته است که در مخفی ترین و دورترین

۱۳۰- احتجاج طبرسی ص ۴۹۷

۱۳۱- غیبت شیخ طوسی ص ۱۳۹

۱۳۲- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۷

سرزمینها مسکن گزینم، تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشیم، این پیمان مرا به این ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از نجد تا تهامه) انداخته است...»<sup>۱۳۳</sup>

#### ۴- کوه رَضَوِی

امام صادق علیه السلام از کوه «رَضَوِی» بحث کرده، در پایان می فرماید: «از هر درخت میوه در آن هست، و چه پناهگاه خوبی است برای شخص خائف، و چه پناهگاه خوبی، صاحب این امر را در آن دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.»<sup>۱۳۴</sup>

#### ۵- کرعه

مرحوم مجلسی در تذکرة الائمة از کتب اهل سنت نقل می کند که حضرت مهدی (ع) در غیبت کبری در قریه ای به نام «کرعه» اقامت می کند.<sup>۱۳۵</sup>

#### ۶- جابلقا و جابلسا

مرحوم میرزای نوری می فرماید: اخبار بسیاری هست که از نظر معنی متواترند و دلالت دارند بر اینکه در مشرق و مغرب دو شهر به نامهای: «جابلقا» و «جابلسا» وجود دارد که اهل آنها از انصار حضرت ولی عصر (عج) هستند و در محضر آن حضرت خروج می کنند.<sup>۱۳۶</sup>

پژوهش محققان در اصل و منشأ و حقیقت این دو اسم به جایی نرسیده است. سهروردی در «حکمة الاشراق» آنها را در اقلیم هشتم جای داده، و «شهرزوری» در شرح آن، «جابلسا» را مظهر و مجلای جمیع حقایق اسماء الهیه دانسته است.<sup>۱۳۷</sup>

در همه منابع قدیم روی این دو اسم تکیه شده، «جابلسا» شهری

۱۳۳- کمال الدین ص ۴۴۷

۱۳۴- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۳

۱۳۵- العبقری الحسان، ج ۲ ص ۱۳۴

۱۳۶- نجم الثاقب ص ۳۰۰

۱۳۷- فرهنگ معین، ج ۵ ص ۴۱۶

در غربی ترین نقطه دنیا و «جابلقا» شهری در شرقی ترین نقطه دنیا معرفی شده است.

نام این دو شهر در خطبه امام حسن مجتبی (ع) در حضور معاویه و خطاب به او آمده است که فرمود: «اگر میان جابلقا و جابلسا بگردید که مردی از تبار پیامبر (ص) پیدا کنید که جدش رسول اکرم (ص) باشد، جز من و برادرم حسین (ع) پیدا نمی کنید». ۱۳۸

### ۷- بلد مهدی (ع)

علامه مجلسی در جلد «السماء و العالم» بحار، از کتاب «قسمت اقالیم ارض و بلاد آن» که تألیف یکی از علمای اهل سنت است، نقل می کند که «بلد مهدی علیه السلام شهری است نیکو و محکم، که بنا کرده آنرا مهدی فاطمی و برای آن قلعه ای قرار داده...» ۱۳۹

### ۸- بیت الحمد

امام صادق (ع) فرمود: «برای صاحب این امر، خانه ایست که به آن «بیت الحمد» گفته می شود. در آن خانه چراغی است که از روز ولادت آنحضرت روشن است. این چراغ خاموش نمی شود تا روزیکه به شمشیر قیام کند». ۱۴۰

### ۹- جزایر مبارکه

داستان مفصل و معروف «انباری» حکایت از این دارد که شخص محترمی در مجلس «عون الدین وزیر» اظهار داشت که من در سال ۵۲۲ هجری از زادگاه خود همراه یک کاروان تجارتنی به سرزمین بربر رفتیم و از آنجا سفر دریائی آغاز کردیم، سرانجام به جزیره هائی رسیدیم که ناخدای کشتی نیز برای نخستین بار به این جزیره ها سفر کرده بود، وقتی از اسامی آنها پرسیدیم، معلوم شد که آنجا ۵ جزیره به نامهای:

### ۱- مبارکه

۱۳۸- سفینه البحار، ج ۱ ص ۱۴۵

۱۳۹- العبقری الحسان، ج ۱، بساط ۳ ص ۵۸

۱۴۰- غیبت نعمانی، ص ۱۲۶

۲- زاهره

۳- صافیه

۴- ظلوم

۵- عناطیس

وجود دارد که همگی مسلمان و شیعه هستند و بر آنها ۵ نفر از اولاد حضرت صاحب الزمان (عج) حکومت می کند که اسامی آنها به قرار زیر است:

۱- طاهر، پسر صاحب الامر (عج)

۲- قاسم، پسر صاحب الامر (عج)

۳- ابراهیم، پسر صاحب الامر (عج)

۴- عبدالرحمن، پسر صاحب الامر (عج)

۵- هاشم، پسر صاحب الامر (عج)

آنگاه از اخلاق و رفتار نیکوی آنها، و از زیبایی و صفای بی نظیر آنجا سخن گفته، و خود را مسیحی معرفی کرده است. چون سخنان او به پایان رسیده، وزیر ناصبی و وهابی منش، از یکایک حاضران تعهد گرفته، که این داستان را هرگز نقل نکنند.

این داستان در منابع فراوانی نقل شده، از جمله:

۱- الصراط المستقیم، تألیف: زین الدین علی بن یونس عاملی.

۲- السلطان المفرج عن اهل الایمان، تألیف: علی بن عبد الحمید

نیلی.

۳- حدیقة الشیعة، تألیف: مقدس اردبیلی. (ص ۷۶۵-۷۷۰)

۴- الانوار النعمانیة، تألیف: سید نعمة الله جزایری. (ج ۲ ص

۵۸-۶۵).

۵- جنة المأوی، تألیف: حسین نوری طبرسی. (حکایت سوم)

۶- نجم الثاقب، تألیف: مرحوم نوری. (ص ۲۱۷-۲۲۸)

۷- العبقری الحسان، تألیف: شیخ علی اکبر نهاوندی. (ج

۲ ص ۱۲۳-۱۲۶).

و خلاصه اش را مرحوم صاحب «وسائل» در «اثبابة الهداة» نقل کرده است. (ج ۳ ص ۵۷۹)

\*\*\*

### ۱۰- جزیره خضراء

داستان جزیره خضراء که به تفصیل در بخش سوم کتاب خواهد آمد، حکایت از آن می کند که: زین الدین علی بن فاضل مازندرانی، در سال ۶۹۰ هجری<sup>۱۴۱</sup> به اقیانوس اطلس سفر کرده، و از سرزمین برابر سه روز با کشتی در دل اقیانوس رفته، تا به جزائر روافض (جزیره های شیعیان) رسیده است. در آنجا اطلاع یافته که جزیره ای به نام «جزیره خضراء» وجود دارد که اولاد حضرت ولی عصر (عج) در آنجا زندگی می کنند، مدت چهل روز در آنجا اقامت نموده سرانجام بعد از چهل روز هفت کشتی مواد غذایی از جزیره خضراء به این جزیره آمده است. ناخدای کشتی او را با نام و نام پدر صدا کرده و گفته مشخصات ترا به من گفته اند و اجازه دادند که ترا به جزیره خضراء ببرم. او را به جزیره خضراء برده اند. بعد از ۱۶ روز دریانوردی سرانجام به «آبهای سفید» رسیده اند، آن ناخدا توضیح داده که این آبها چون «سوربلد» جزیره را احاطه کرده است و کشتی دشمنان هرگز نمی تواند از آن آبها بگذرد و به برکت حضرت ولی عصر (عج) در آن آبها غرق می شود.

به جزیره خضراء رسیده، جمعیت انبوهی را با بهترین لباس و وضع مشاهده کرده، شهری بسیار آباد با درختان سرسبز و انواع میوه ها و بازارهای بسیار و ساختمانهای مجلل از ستگهای شفاف رخام دیده است. که شخص بزرگواری به نام «سید شمس الدین» که او را نوه پنجم حضرت ولی عصر (عج) معرفی می کنند، متصدی تعلیم، تربیت و اداره آنجا است که نائب خاص آنحضرت در آن جزیره است و مستقیماً از امام (عج) فرمان می گیرد، ولی آنحضرت را نمی بیند، بلکه به اینصورت که صبح هر جمعه نامه ای به خط امام علیه السلام در نقطه معینی گذاشته



می شود و در آن اوامر آنحضرت و آنچه مورد نیاز جناب سید شمس الدین تا یک هفته خواهد بود، مندرج می باشد.

علی بن فاضل مدت ۱۸ روز در آن جزیره اقامت نموده، از محضر پر فیض جناب سید شمس الدین خوشه ها چیده، و بعد از هجده روز به او دستور رسیده که به وطن خود بازگردد.

علی بن فاضل آنچه را که از محضر جناب سید شمس الدین استفاده کرد، در کتابی به نام «الفوائد الشمسیه» گرد آورده و مشروح تشریف خود را به چند نفر از علمای بزرگ عصر خود بازگو کرده است.

«فضل بن یحیی طیبی» نویسنده معروف قرن هفتم، به تاریخ ۱۱ شوال ۶۶۹ هجری، مشروح داستان را از زبان شخص «علی بن فاضل» در حله شنیده و آنرا در کتابی به نام «الجزیره الخضراء» گرد آورده است. این کتاب مورد توجه علمای شیعه واقع شده است:

۱- شهید اول آنرا به خط خود نوشته، و خط او در خزانه امیرمؤمنان پیدا شده.

۲- محقق کرکی آنرا به فارسی ترجمه کرده.

۳- علامه مجلسی آنرا در بحارالانوار درج کرده.

۴- مقدس اردبیلی آنرا در حدیقه الشیعه آورده.

۵- شیخ حرّ عاملی آنرا در اثبات الهداة درج نموده.

۶- وحید بهبهانی به مضمون آن فتوی داده.

۷- بحر العلوم در رجال خود به آن استناد نموده.

۸- قاضی نورالله شوشتری محافظت آنرا بر هر مؤمنی لازم

دانسته.

۹- میرزا عبدالله اصفهانی (افندی) آنرا در «ریاض العلماء»

نقل کرده.

۱۰- میرزای نوری آنرا در «جنة المأوی» و «نجم الثاقب» درج

کرده. و دهها نفر دیگر از بزرگان شیعه آنرا در کتابهای خود درج کرده و

یا به آن استناد نموده اند. ۱۴۲

\*\*\*

از مجموع آنچه در این مقدمه بحث کردیم به این نتیجه رسیدیم:

- ۱- مقتضای قواعد کلی اینست که حضرت مهدی (ع) نیز چون دیگر پیشوایان معصوم از سنت رسول اکرم (ص) پیروی کرده، صاحب همسر و فرزند باشد.
- ۲- در روایات بسیاری از اولاد حضرت ولی عصر (عج) بحث شده است.

۳- در دعاهای بسیاری که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده، به فرزندان و اهل بیت آنحضرت درود و صلوات تقدیم شده است.

۴- در مورد سرنخهائی که در رابطه با محلّ اقامت حضرت ولی عصر (عج) و اولاد عالی مقامش به دست آمده، گویاتر از همه داستان انباری و علی بن فاضل است، که داستان «انباری» از شخص مجهول نقل شده و ما به همین دلیل به آن استناد نمودیم ولی داستان «علی بن فاضل» از هر جهت قابل اعتماد و استناد است، زیرا او خود دانشمندی پرهیزگار و در زهد و تقوی یگانه روزگار می باشد و راوی داستان شخصیتی چون «فضل بن یحیی» است که از هر جهت مورد اعتماد است.

۵- بر اساس داستان «علی بن فاضل» فرزندان حضرت مهدی (ع) در جزیره ای به نام «جزیره خضراء» در اقیانوس اطلس زندگی می کنند. و شخص آن مهرتابان همه ساله در موسم حج شرکت نموده، بعد از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره باز می گردند و اقامت غالب آن بزرگوار در همان جزیره است.

\*\*\*

---

۱۴۲- ترجمه متن کامل «جزیره خضراء» را در بخش سوم کتاب آوردیم، و منابع و مدارک آنرا به تفصیل در نخستین یادداشت بخش چهارم درج نمودیم و شرح زندگی «علی بن فاضل» و «فضل بن یحیی» را در یادداشت های دوم و سوم آخر کتاب به طور فشرده آوردیم. و مناقشه های مربوط به آنرا در یادداشت ششم قرار دادیم.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر چنین جزیره‌ای در اقیانوس اطلس وجود دارد چرا تا کنون از طرف دریانوردان و فضانوردان کشف نشده است؟! به خصوص بعد از اختراع هواپیما، که در ساعات محدود می‌توان گرداگرد کره زمین را دور زد.؟! چگونه ممکن است چنین سرزمین پهناوری از دور بین هواپیماها و سفینه‌های فضائی که پروازهای اکتشافی در اطراف زمین دارند، پوشیده بماند؟!

پاسخ قطعی این پرسش اینست که:

اگر خداوند بخواهد حجت خود را از چشم دشمنان پوشیده نگه بدارد، می‌تواند او را با همه خدم، حشم، همسر و فرزندان پوشیده نگه بدارد. و در برابر قدرت او کوچک و بزرگ، خرد و کلان، سبک و سنگین فرق نمی‌کند، چنانکه امیرمؤمنان می‌فرماید:

«وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ، وَالثَّقِيلُ وَالْخَفِيفُ، وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ، فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءٌ».<sup>۱۴۳</sup>

میرزای نوری، معجزات فراوانی از رسول اکرم (ص) در رابطه با پوشیده شدن آنحضرت از چشم دشمنان نقل می‌کند، که قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هنگامی که قرآن را تلاوت کنی، میان تو و آنها که به روز رستاخیز ایمان نیاورده‌اند، پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم.»<sup>۱۴۴</sup> و در کتب تاریخ و سیره نقل شده که ابوسفیان، نضر بن حارث، ابوجهل، و ام‌جمیل (همسر ابولهب) بارها در صدد آزار آنحضرت برآمده‌اند و تا کنار آنحضرت آمده، او را ندیده‌اند.

سپس می‌افزاید: چه استبعاد دارد که چنین بلاد عظیمه در دریاها و صحراها باشد ولی خداوند چشم جهانیان را از آن محجوب نماید. و اگر عبورشان به آن مناطق بیفتد، جز صحرای قفر و دریای شگرف چیزی نبینند.<sup>۱۴۵</sup>

۱۴۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، ج ۲ ص ۷۲۶

۱۴۴- سوره اسراء، آیه ۴۵

۱۴۵- نجم الثاقب ص ۲۲۷

مرحوم نهاوندی، پس از نقل مواردی از معجزات پیامبر اکرم (ص) در رابطه با پوشیده ماندنش از چشم دشمنان، می فرماید:

«چنانکه اصل وجود مبارک و طول عمر شریفش و محجوب بودنش از انظار اغیار، از آیات عجیبه پروردگار است، هم چنین آنچه از خدم، حشم، مقرّ، مستقرّ و غیر اینها منسوب و متعلق به آن بزرگوار، و از لوازم سلطنت حقّه خفیّه الهیّه آنجناب است، از آیات عجیبه حضرت پروردگار می باشد. عقل آنرا جایز (ممکن عقلی) می بیند و کسی را برای تکذیب خبر دهنده آن راهی نیست. واستبعاد آن دلیلی جز ضعف ایمان ندارد»<sup>۱۴۶</sup>

از دعاهای حضرت ولی عصر (عج) در دوران غیبت است:

«اللَّهُمَّ اخْجِبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي وَأَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي ...»

— «بار خدایا! مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده نگه دار، بین من و

دوستانم اجتماع حاصل کن...»<sup>۱۴۷</sup>

از طرفی مشیت خدا بر آن تعلق یافته که حجتش را از دیدگان دشمنان پوشیده بدارد، و از طرف دیگر امام، که البته دعایش مستجاب است، چنین درخواست نموده است، طبعاً تا روزی که خدا بخواهد، در کنف حمایت حضرت پروردگار، با همه خدم و حشم و همسر و فرزندان، به دور از شر دشمنان، و پوشیده از دیدگان آنان خواهد بود.

\*\*\*

برخی از نویسندگان که بیش از واقع به نوشته های خود خوشبین هستند، در طرح پرسش فوق چنین گفته اند: «کره زمین، در این زمان، و بلکه از قرنهای پیش، و جب به جب، و متر به متر، شناسائی شده است، و مردم بر تمام زوایا و گوشه های آن آگاه گشته اند. ولی با اینهمه هیچکس بر چنین جائی دست نیافته و بر اینگونه جزیره ها و شهرها، دست نیافته است. و اگر وجود می داشت به طور حتم و مسلم شناخته می شد و از

۱۴۶- العبقری الحسان، ج ۱- بساط ۳ ص ۵۹.

۱۴۷- مصباح کفعمی، ص ۲۱۹ و مهج الدعوات ص ۳۰۲.

مهمترین مراکز اسلامی به حساب می آمد. بنابراین به طور قطع چنین مکانی وجود خارجی ندارد»!!!<sup>۱۴۸</sup>

ما در یادداشت ششم پایان کتاب آنرا پاسخ گفته، از خود غربی ها مدرک نقل کرده ایم که چنین خوش باوری و خوشبینی صحت ندارد و آنها خود معترف هستند که هنوز مناطق ناشناخته زیادی روی کره خاکی وجود دارد. گذشته از این برای یک پژوهشگر هرگز شایسته نیست که این چنین با قاطعیت سخن بگوید. زیرا حداکثر می تواند ادعا کند که چنین جزیره ای را نیافته است. و آن دلیل بر نبودن آن نیست. (عدم الوجودان لا يدل علی عدم الوجود = نیافتن دلیل نبودن نیست).

قدما در رد این خرده گیران به مسائلی چون: سد اسکندر، غار اصحاب کهف، جابلسا و جابلقا، مدینه النحاس و امثال آنها می پرداختند و می گفتند که این شهرها و بناها در منابع هست ولی هنوز کشف نشده است.<sup>۱۴۹</sup> ولی ما نیازی به آن نداریم، زیرا در عهد ما نمونه های بارزی چون «مثلث برمودا» وجود دارد که در اقیانوس اطلس منطقه وسیعی را تشکیل می دهد و تاکنون هیچ اقیانوس پیمائی نتوانسته به وسط مثلث برود و هیچ هواپیمائی نتوانسته از روی آن پرواز کند. جالبتر اینکه در وسط مثلث آب سفیدی هست که دقیقاً با گفته های «علی بن فاضل» مطابقت می کند و تاکنون هیچ کشتی کوه پیکری به این آب نزدیک نشده، جز اینکه در کام اقیانوس فرورفته است. و هیچ هواپیمائی بر فراز آبهای سفید به پرواز در نیامده، جز اینکه برای همیشه در کام حوادث فرورفته و کوچکترین سرنخی از خود به جای نگذاشته است. وقوع این حوادث که صدها کشتی و هواپیمای اکتشافی را در کام خود فرو برده، ما را به یاد سخنان علی بن فاضل می اندازد که از ناخدای کشتی جزیره نقل می کند که فرمود:

«کشتی دشمنان ما هنگامی که وارد این آبهای سفید بشوند، هر چه

۱۴۸- تاریخ غیبت کبری، ص ۹۰.

۱۴۹- نجم الثاقب، ص ۲۹۷-۳۰۲.

محکم باشند، از برکت مولای ما حضرت صاحب الزمان (عج) غرق می‌شوند.»<sup>۱۵۰</sup> و این دقیقاً همان مطلبی است که در گزارش خلبانان و ملوانان از «مثلت برمودا» به دست ما رسیده است.

\*\*\*

## مثلث برمودا

مثلث برمودا که عجیب‌ترین و مرموزترین حوادث روی زمین در آن اتفاق می‌افتد، در غربی‌ترین بخش اقیانوس اطلس قرار دارد. حوادث مثلث برمودا هنوز هم صدها نفر از پژوهشگران دنیا را به خود جلب کرده، با تلاشی پی‌گیر برای کشف اسرار آن همت گماشته‌اند ولی متاسفانه هرچه بیشتر تلاش می‌کنند، کمتر نتیجه می‌گیرند. و تاکنون تئوری مورد اعتمادی ارائه نکرده‌اند.

چارلز برلیتز که بیش از دیگران تلاش‌هایش مورد توجه قرار گرفته، چنین می‌نویسد:

«این اتفاقات همانقدر برای دنیای کنونی ما ناشناخته است، که قدرت رادیوم برای کیمیاگران قرن پانزدهم مبهم بود»<sup>۱۵۱</sup> و در جای دیگر می‌گوید: «با وجود اینکه بشر اکنون به بسیاری از ابهامات فضا پی برده و به گونه‌ای زیرکانه جهان هستی را در اختیار دارد و به تمام رازهای گیتی دست یافته، هنوز سه پنجم کره زمین، یعنی ژرفای دریاها، همچون

آشفشانهای کره ماه برایش ناشناخته است» ۱۵۲.  
**موقعیت جغرافیائی**

مثلث برمودا در غرب اقیانوس اطلس و در شرق فلوریدا و در شمال جزایر آنتیل و در جنوب جزایر برمودا قرار دارد. رأس این مثلث: برمودا، میامی و سن خوان می باشد. ۱۵۳

این مثلث به نام رأس آن که «جزایر برمودا» می باشد، به نام «مثلث برمودا» شهرت یافته است. این نام را برای نخستین بار آقای «وینست گادیس» مؤلف کتاب «افق نامرئی» بر این منطقه اطلاق کرده و سپس به همین نام مشهور شده است. ۱۵۴

### جزایر برمودا

در شمال غربی اقیانوس اطلس در حدود ۳۶۰ جزیره کوچک وجود دارد که به جزایر برمودا معروف است این جزایر که پایتخت آنها «هامیلتون» نام دارد ۱۵۵ بهشت اقیانوس اطلس نامیده می شوند، زیرا مناظر این جزایر بسیار زیبا و اقلیم آنها نیز فرح انگیز است. ۱۵۶

جزیره های بزرگ این مجمع الجزایر عبارتند از: برمودا، سنت جورج، سنت دیوید، گوپر، سومرست و لونگ ایسلاند. ۱۵۷ که تقریباً ۲۰ جزیره آنها مسکونی است و در حدود ۶۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد. ۱۵۸ اگر چه این جزیره ها گرمسیر است ولی هوای سالم و مطبوعی دارند. هنگامی که در نیویورک موسم بر فریزان است در برمودا سطح زمین سراسر از لاله پوشیده است. برمودا نوبر سبزیها و گلها را در چله زمستان به ایالات متحده صادر می کند. ۱۵۹

۱۵۲- مثلث برمودا ص ۱۵.

۱۵۳- همان مدارک ص ۱۳۴.

۱۵۴- مثلث برمودا ص ۲۵.

۱۵۵- دائرةالمعارف حیات (ترکی)، ص ۱۷۱.

۱۵۶- فرهنگنامه، ج ۴ ص ۳۴۶.

۱۵۷- قاموس الاعلام ترکی، ج ۲ ص ۱۲۸۸.

۱۵۸- جغرافیای کامل جهان، ص ۵۸۶.

۱۵۹- جغرافیای جهان برای خردسالان، ص ۱۷۵.



این جزیره‌ها در سال ۱۵۱۹ م. توسط یک پوینده اسپانیائی به نام «خوان دو برمودر» کشف شد<sup>۱۶۰</sup> و در سال ۱۶۰۹ م. هنگامی که کشتی «جورج سومرس» در آن ناحیه شکست این جزیره‌ها توسط او به انگلستان تعلق یافت.<sup>۱۶۱</sup>

جزیره برمودا که تقریباً در ۳۳ درجه عرض شمالی و ۶۴ درجه طول غربی قرار دارد، یکی از رأسهای مثلث برمودا را تشکیل میدهد.<sup>۱۶۲</sup> دو رأس دیگر مثلث در «میامی» و «سن خوان» قرار دارد.<sup>۱۶۳</sup> بندر میامی در ساحل شرقی «فلوریدا» مهمترین شهر این ایالت و یکی از بنادر مهم ایالات متحده می باشد. فلوریدا با چهار میلیون جمعیت بیست و هفتمین ایالت آمریکاست.<sup>۱۶۴</sup>

سن خوان (سن ژوان) پایتخت «پورتوریکو» است. پورتوریکو با سه میلیون جمعیت یکی از جزائر بزرگ دریای کارائیب است که در شرق کشور «دومینیکن» قرار دارد.<sup>۱۶۵</sup>

یک ضلع مثلث، از «برمودا» تا «میامی» در مجاورت جریان گرم «گلف استریم»، و ضلع دیگرش از «میامی» تا «پورتوریکو» در مجاورت «جریان گرم استوائی» و ضلع سومش از «پورتوریکو» تا «برمودا» بر دریای «سارگاسو» قرار دارد.<sup>۱۶۶</sup>

## دریای سارگاسو

قسمت اعظم مثلث برمودا، بر دریای سارگاسو قرار دارد. دریای سارگاسو منطقه عظیمی از قسمت شمال غربی اقیانوس اطلس است، که دارای مشخصه رویش نوعی خزّه شناور به نام «سارگاسوم» می باشد، که

۱۶۰- فرهنگنامه، ج ۴ ص ۳۴۶.

۱۶۱- قاموس اعلام ترکی، ج ۲ ص ۱۲۸۸.

۱۶۲- همان مدرک.

۱۶۳- مثلث برمودا، ص ۱۳۴.

۱۶۴- فرهنگنامه، ج ۳ ص ۲۶۳.

۱۶۵- جغرافیای کامل جهان، ص ۵۸۶.

۱۶۶- مجله آرگوسی، سلسله مقالات «ویسنت گادیس».

این قسمت را از اقیانوس جدا می کند و کوههای مهیب زیر دریا را در اقیانوس تشکیل می دهد که قله بلندترین آنها سر از زیر آب بیرون آورده جزایر آژورس را ایجاد می کند. این دریا به غیر از سواحل در بقیه جاها تقریباً از هر جریانی عاری است. فینیقیها و کارتاژها از هزاران سال پیش این دریا را آرام توصیف کرده اند. «آدمیرال» اهل کارتاژ ۵۰۰ سال پیش از میلاد در رابطه با این دریا می گوید: هیچ بادی کشتی را هدایت نمی کند. ۱۶۷

بیشتر حوادث مرموز و غیر قابل توجیه مثلث برمودا، در منطقه دریای سارگاسو اتفاق می افتد.

### سابقه دراز

اسرار و رازهای نهفته در این منطقه از جهان، سابقه ای بس دراز دارد، و در حقیقت با تاریخ قاره جدید آمیخته است. زیرا اولین حادثه مرموزی را که از این منطقه در تاریخ ثبت شده، به سر «کریستف کلمب» آمده است:

کریستف کلمب در اواخر سپتامبر ۱۴۹۲ م. در سفری که سر از قاره جدید در آورد، در قسمت غربی دریای سارگاسو، با از کار افتادن قطب نمای کشتی مواجه شد. این اختلال الکترومغناطیسی پس از گذشت ۵ قرن هنوز در هوا و دریای این منطقه از مثلث حکمفرماست. ۱۶۸ در طول ۵ قرن هرگز حوادث مرموز در این منطقه قطع نشد، بلکه با افزایش وسائل ارتباطی، آوازه آن به تمام اقطار و اکناف جهان رسید. باتأسیس کشتیهای بخاری و مدرن، و تراکم ترافیک دریائی، هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید مثلث به گوش رسید.

اخبار مربوط به غرق شدن کشتیها به قدری عجیب و باور نکردنی بود که نخست با تردید تلقی می شد ولی با غرق شدن ناوچه ها

۱۶۷- مثلث برمودا، ص ۷۱-۷۳.

۱۶۸- همان مدرک، ص ۹۶.

وزیر دریائی ها، تردیدها از بین رفت.

افزایش روز افزون این حوادث ایالات متحده را بر آن داشت که اقدامات جدی تری در این زمینه بنماید. که در این میان یک گروه متشکل از ۵ هواپیمای جنگنده «تی. بی. ام» در مأموریتی از پایگاه نظامی «فورت لادر دیل» در روز ۵ دسامبر ۱۹۴۵ م. که به وسیله ۵ افسر خلبان و ۹ هنرجوی پرواز هدایت می شدند، به صورت گروهی ناپدید شدند و هواپیمای «مارتین مارینر» پر قدرت ترین هواپیمای نجات، که تا کنون ساخته شده، برای نجات دادن آنها فرستاده شد، آن نیز به همان مصیبت دچار شد. ۱۶۹

حوادث مثلث برمودا ابعاد وسیعتری به خود گرفت و هر هواپیمائی که بر حریم هوائی آبهای سفید تجاوز کرد، به صورت مرموزی ناپدید شد، هر هواپیمائی که به قصد اکتشاف هواپیماهای ناپدید شده، رفت، خود نیز به حادثه مشابه آن گرفتار شد. ایالات متحده ناچار شد به این واقعیت اعتراف کند و از گوشه و کنار جهان مغزهای متفکر را دعوت کرده، سمینارها و کنگره‌هائی تشکیل دهد. صدها نفر دانشمند با امکانات وسیعی که آمریکا در اختیارشان قرار داد به تحقیق و پژوهش پرداختند، اینک نتیجه تلاش آنها را بررسی می کنیم:

\*\*\*

## نتیجه تحقیقات پژوهشگران

در نیمه دوم قرن بیستم که مثلث برمودا بیش از پیش بر سر زبانها افتاده، دهها نفر از دانشمندان و پژوهشگران به منطقه مسافرت کرده، تحقیقات وسیعی نموده کتابهای پر ارجی را به رشته تحریر در آورده اند که اسامی برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱- افق نامرئی، از: وینسنت گادیس

۲- این دنیای به هم پیچیده، از: جان گادوین

۳- بالهای پرابهام، از: دیل تیتلر

۴- برزخ گمشده، از: جان والاس اسپنسر

۵- پدیده های غیر عادی مثلث برمودا، از: مانسون والتین

۶- تحولات عمده و ناگهانی زمین، از: هاگ آچینکلوس بران

۷- در اعماق، از: پیتربنچلی ۱۷۰

۸- ساکنین نامرئی، از: ایوان ساندرسن

۹- غرق شدن و بازیابی کشتیها، از: رابرت برگس

۱۰- لحظه های عجیب و پرابهام، از: هارلد ویلکیتز

کتابی که بیش از همه آنها منتشر شده و جلب توجه نموده است،

---

۱۷۰- ترجمه فارسی آن به صورت سلسله مقالاتی در مجله «آوای هامون» شماره های (۳۹-۴۲)

انتشار یافت و به صورت فیلم نیز درآمد.

کتاب «مثلث برمودا» نوشته دانشمند معروف آمریکائی «چارلز برلیتز» می باشد که در سال ۱۹۷۳ نگارش یافته، و به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

نخستین ترجمه فارسی آن به صورت سلسله مقالاتی در مجله گرانقدر «دانشمند» به قلم آقای «حسین ارژنگی» به سال ۱۳۵۵ انتشار یافت. ۱۷۱

ترجمه دیگری از آن به صورت سلسله مقالاتی در مجله «آوای هامون» در زمستان ۱۳۶۱ منتشر شد. ۱۷۲

ترجمه سومی از آن به قلم «محمد جواد پاکدل» اخیراً انتشار یافته است.

این کتاب که نتیجه ۵ سال تحقیق و بررسی و مشاهدات شخصی مؤلف در منطقه است، بهترین اثری است که تا کنون در مورد مثلث برمودا به فارسی برگردان شده است.

سلسله مقالات دیگری در مجله اطلاعات هفتگی به قلم «سیروس گنجوی» انتشار یافت که فقط به شماره های ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۲ دست یافتم. ۱۷۳

صدها نفر از دانشمندان شرق و غرب مقالات پر ارجی در مجلات علمی جهان منتشر نموده اند که اسامی برخی از آنها به قرار زیر است:

۱- ام. کی. جسوپ.

۲- الکساندر کاتزنوف

۳- ادگار کایس

۴- پلاتو

۵- جیمز تورن

---

۱۷۱- مجله دانشمند، سال ۱۳ شماره ۱۰ تا سال ۱۴ شماره ۵ سلسله مقالات «اسرار مرگ آور مثلث برمودا».

۱۷۲- آخرین قسمت آن در شماره ۳۸ مجله «آوای هامون» در بیستم بهمن ماه ۶۱ چاپ شد.

۱۷۳- اطلاعات هفتگی، دهم شهریور تا ششم بهمن ۱۳۵۷ سلسله مقالات «گمشدگان مثلث برمودا».

- ۶- لارنس دیوید کوش
- ۷- لسلی لیچر
- ۸- فرانک ادواردز
- ۹- ویلبرت بی. اسمیت
- ۱۰- صدها مصاحبه و گزارش که از خلبانها و ملوانها در مطبوعات جهان منتشر شده است.

تاکنون دهها سازمان علمی و تحقیقی برای مطالعه حوادث پیچیده مثلث برمودا تأسیس شده که برخی از آنها به قرار زیر است:

- ۱- سازمان ملی تحقیقات پدیده های فضائی
- ۲- جامعه محققان پدیده های غیر قابل تفسیر
- ۳- مرکز تحقیقات و مطالعات پیچیده هنری و علمی آیسس
- ۴- پروژه بولیمود
- ۵- پروژه ماگنت

\*\*\*

## تئوریا

بعد از تحقیق فراوان، هیچ تئوری قابل اعتمادی که با قوانین فیزیکی مطابقت کند، ابراز نشد، بلکه یک سلسله تئوریهای ناقص گفته شد که هر یک از آنها فقط می توانست تعداد انگشت شماری از حوادث مثلث را توجیه کند، که در زیر فهرست قسمتی از تئوریهای ابراز شده توسط دانشمندان شرق و غرب را به خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم:

### ۱- گردابهای دریائی و چاههای هوائی

برخی از دانشمندان گردابهای دریائی و چاههای هوائی را موجب بروز این حوادث دانسته اند ولی اگر این حوادث صرفاً به دلیل گردابهای دریائی و چاههای هوائی اتفاق بیفتد، باید سرنخی از کشتیهای غرق شده و هواپیماهای سقوط کرده به دست آید و حداقل بنزین و یا دیگر مواد سوختی آن موجب آلودگی آب دریا بشود، تا در پروازهای اکتشافی حداقل

محل وقوع حادثه معلوم شود. پرواضح است که از گم شدن یک کشتی در دریا بالاخره اثری میماند که کشتیهای تحقیقاتی آن علایم و آثار را جمع آوری کرده، محل و علت بروز حادثه را کشف می کنند، در صورتی که در حوادث مثلث هیچ سرنخی به دست نیامده است.<sup>۱۷۴</sup>

## ۲- نقص فنی

بعضی از دانشمندان خیال می کنند که نقص فنی در این هواپیماها و کشتیها موجب بروز این حوادث شده است. ولی دیگر دانشمندان می گویند: «گم شدن چندین زیر دریائی اتمی در غرب اقیانوس اطلس، مهم تر از آنست که با از کار افتادن آلات دقیق و یا نقص فنی، توجیه شود».<sup>۱۷۵</sup>

## ۳- اشتباه و عدم صلاحیت - ناپیتانها

برخی معتقدند که ممکن است خلبانها و ملوانها صلاحیت کافی برای هدایت هواپیما و کشتی نداشته باشند و یا در محاسبه های خود دچار اشتباه شوند و چنین حوادثی روی دهد. که حوادث ناگهانی و مکرر و غیر قابل توجیه آنرا رد می کند.

## ۴- ترافیک سنگین

برخی می گویند چون این منطقه بسیار محل رفت و آمد است، در نتیجه سنگینی ترافیک موجب بروز این حوادث است. ولی دیگران معتقدند که در هیچ نقطه دیگر چنین حوادث مبهم و مرموزی روی نمی دهد. ما باید فرق بگذاریم بین دریائی که قطعات کشتی شکسته را پس می دهد، با دریائی که هیچ سرنخی در اختیار ما قرار نمی دهد.

## ۵- هوای متغیر و غیر قابل پیش بینی

بعضی معتقدند چون هوای دریای کارائیب قابل پیش بینی نیست، و لذا گاهی یکمرتبه طوفانی برمی خیزد و حادثه ای به بار می آورد.

۱۷۴- مثلث برمودا، ص ۲۳.

۱۷۵- همان مدرک ص ۹۳.

ولی در گزارشها روی این نکته تکیه شده که غالب حوادث در هوای کاملاً صاف روی داده است.

### ۶- هیاهوی سرویسهای خبری

برخی می گویند: اینها همه هیاهو و جنجالهای سرویسهای خبری است. که معتقدیم ارزش بحث را ندارد. چون با گفتن این جمله ناپدید شدن صدها هواپیما و هزاران کشتی توجیه نمی شود.

### ۷- خصوصیت جریان گلف استریم

برخی از دانشمندان این حوادث را با جریان گرم «گلف استریم» و به خصوص تقاطع آن با جریان آبی استوایی مربوط می دانند. در صورتی که پیشتر این حوادث در دریای آرام «سارگاسو» روی می دهد.

### ۸- آبهای سفید

برخی معتقدند که بین این حوادث و آبهای سفید رابطه ای هست که روی این تئوری بحث خواهیم کرد.

### ۹- نور سبز

برخی از دانشمندان از نور سبزی که به داخل برخی هواپیماها در این منطقه نفوذ می کند، سخن می گویند و آن را موثر می دانند که روی این تئوری هم سخن خواهیم گفت.

### ۱۰- اعماق دریاها

ایوان ساندرسن می گوید: عامل این حوادث را باید در اعماق دریاها جستجو کرد.

### ۱۱- اشیاء نورانی

جان اسپنسر، چون گروهی دیگر از دانشمندان بین حوادث مثلث برمودا و بشقابهای پرنده ای که در آن اطراف گاه و بیگاه دیده می شود، رابطه قائل شده اند و معتقدند که آنها را مخلوقات کرات دیگر برای دست یافتن



به پیشرفتهای تکنولوژی ما، ر بوده اند.

## ۱۲- خارج از بعد زمان

دکتر مانسون والنتین، که سالها منطقه را زیر نظر داشت، می گوید: «انسانهایی که در داخل هواپیماها و یا کشتیها در مثلث برمودا ناپدید شده اند، به محلی خارج از بُعد زمان و فضا پرتاب شده اند، و هم اکنون آنجا زنده هستند».

## ۱۳- استثناء در جهان طبیعت

برخی معتقدند که این منطقه استثنائی در جهان آفرینش است و با مقیاسهای جهان طبیعت قابل توجه نیست.

## ۱۴- ویژگی این منطقه

برخی می گویند: این منطقه یکی از دو نقطه روی زمین است که قطب نمای مغناطیسی شمال حقیقی را نشان می دهد. و به همین دلیل خصوصیتی در این منطقه هست.

## ۱۵- قاره گمشده

برخی معتقدند که قاره آتلانتیک و تمدنهای غرق شده در آبهای اقیانوس اطلس در این مثلث قرار دارد و آنها چنین حوادثی را به وجود می آورند.

## ۱۶- اهرام

برخی می گویند: هرمهایی شبیه اهرام مصر، در زیر آبهای مثلث وجود دارد که موجب بروز این حوادث می شوند.

## ۱۷- فلزات ناشناخته

برخی دیگر می گویند: این حوادث به دلیل وجود فلزات ناشناخته در اعماق دریا به وجود می آید.

## ۱۸- نیروی نامرئی مغناطیسی

و یلبرت بی. اسمیت، نیروی مغناطیسی نامرئی با حفاظ کاهش یافته را موجب به وجود آمدن این حادثه‌ها می‌داند.

### ۱۹- ماوراء طبیعی

ام. کی. جسوب، معتقد است یک عامل ماوراء طبیعی در اینجا دست دارد و هرگز با تئوریهای دیگر قابل توجیه نیست.

### ۲۰- تغییرات کره ماه

و سرانجام یک دانشمند روسی برای اینکه از قافله عقب نماند، تئوری جدیدی، ابراز کرده و می‌گوید: این حوادث در اثر تغییرات کره ماه به وجود می‌آید.<sup>۱۷۶</sup>

اینها قسمتی از تئوریهائی است که در این بررسی گذرا توفیق گردآوری اش را داشتیم. برای توضیح بیشتر به «مثلث برمودا» نوشته: «چارلز برلیتز» مراجعه فرمائید.<sup>۱۷۷</sup>

\*\*\*

همه دانشمندانی که به نوعی با مسائل مثلث برمودا سرو کار داشتند، در این موضوع اتفاق نظر دارند که یک نوع ابهام و پیچیدگی بر مثلث سایه افکنده است:

دانشمندان آمریکائی، به صراحت اعلام می‌کنند که در این منطقه باید یک نیروی اهریمنی ناشناخته، نهفته باشد، که ممکن است نیروی مغناطیسی زمین و یا نیروی دیگری باشد که آگاه یا ناآگاه هر چه را در مسیرش می‌یابد، می‌بلعد و نابود می‌سازد.<sup>۱۷۸</sup>

چارلز برلیتز می‌نویسد: جواب این معمای پر ابهام هر چه باشد، به دریا ارتباط دارد و در حال حاضر یکی از مرموزترین پدیده‌هائی است که

---

۱۷۶- مجله دانشمند، سال ۱۴ ش ۳ ص ۱۷ به نقل از خبرگزاریها.

۱۷۷- مثلث برمودا، صفحات: ۸۱-۱۲۸-۱۳۲-۱۳۶-۱۴۰-۱۴۹-۱۶۳-۲۰۱-۲۰۷-۲۲۴ برخی از این تئوریها در متن کتاب (بخش اول) از طرف مؤلف مورد بررسی و انتقاد قرار خواهد گرفت.

۱۷۸- مجله دانشمند، سال ۱۳ ش ۱۱ ص ۱۶.

بشر با آن رو بروست. ۱۷۹

وی پس از آنکه صریحاً اعلام می کند که: «تا به حال هیچ هواپیما و یا کشتی نتوانسته از این منطقه گذشته، سالم به مقصد برسد»، اظهار نظر کرده، چنین می گوید:

«به نظر می رسد که این جریان هشدار برای مردم است که در این ناحیه یک علت مرموز و یا غیر طبیعی وجود دارد». ۱۸۰

یک افسر نیروی دریائی آمریکا می گوید: «ما همیشه بر این عقیده بوده ایم که چیز عجیبی در مثلث برمودا وجود دارد، ولی تا به حال هیچکس نتوانسته به ماهیت آن پی ببرد. هیچ دلیل فیزیکی و معقول برای این حوادث یافت نمی شود. مانند اینست که کشتی ها به طور ناگهانی به وسیله نوعی استتار الکترونیکی از نظر محومی شود. ۱۸۱

### آبهای سفید

کریستف کلمب، اولین شخصی است که متوجه درخشش ناشناخته دریا در این ناحیه شد. او بر عرشه کشتی سانتاماریا، در ۱ اکتبر ۱۴۹۲ م. دو ساعت بعد از غروب متوجه آبهای سفید و درخشان «باهاما» در لبه غربی دریای «سارگاسو» شد.

درخشندگی آبهای سفید، در سطحی است که از سطح آب و فضا قابل مشاهده است.

فضانوردان آپولو ۱۲ درخشش های آبهای سفید مثلث برمودا را به عنوان آخرین نور قابل رؤیت از زمین مشاهده کردند. ۱۸۲

جالب توجه و شایان دقت است که هر کجا از حوادث مثلث سخن به میان آمده، از آبهای سفید هم سخن رفته است. ۱۸۳

مجاری آبهای سفید از سرچشمه اصلی جریان یافته، حدود یک

۱۷۹- مثلث برمودا، ص ۱۵

۱۸۰- همان مدرک، ص ۱۴.

۱۸۱- مثلث برمودا، ص ۹۵.

۱۸۲- همان مدرک، ص ۲۲ و ۹۶.

۱۸۳- مجله دانشمند، سال ۱۳ ش ۱۰ ص ۱۰۸ و سال ۱۴ ش ۵ ص ۱۴۰.

مایل یا بیشتر امتداد می یابد.

چارلز برلیتز می گوید: جالب است در این باره گفته شود، که وضعیت مرموز آبهای سفید که «کریستف کلمب» و فضا نوردان اخیر، متفقاً به آن اشاره کرده اند به عملکرد نیروی یاد شده، ارتباط دارد. ۱۸۴

در آخرین پیام دریافت شده از پرواز ۱۹ تایلور که مشروحاً در کتاب از آن بحث خواهد شد، از آبهای سفید سخن به میان آمده، او می گوید: «ما کاملاً گم شده ایم. ما وارد آبهای سفید شده ایم» دیگر پیامی از او شنیده نشد. ۱۸۵

یکبار دیگر سخنان علی بن فاضل را به یاد می آوریم که از ناخدای کشتی نقل می کرد: «این آبهای سفید چون دیوار جزیره خضراء را احاطه کرده، کشتیهای دشمنان ما هر قدر هم محکم باشند وقتی وارد این آبها بشوند، غرق می شوند، به برکت مولای ما، حضرت صاحب الزمان (عج)» ۱۸۶



منشأ بازتاب این نورها هنوز به درستی روشن نشده است.

ادگار کایس معتقد است که «آنها ژنراتورهای بزرگی هستند که می توانند نیروی لازم برای حرکت سفینه های فضائی و دریائی را تأمین نمایند. و می توانند دستگاههایی چون تلویزیون و رادیو را به کار انداخته، از مسافت خیلی دور عکس بگیرند».

چارلز برلیتز می افزاید: تفسیر او از گزارشات محققان و مشاهدات شخصی خود در منطقه استخراج شده، و با پیشرفتهای علمی امروزی بسیار قابل قبول است. ۱۸۷

ادگار کایس، معتقد است، ساکنان مثلث، هزاران سال پیش از

۱۸۴- مثلث برمودا، ص ۲۲۴.

۱۸۵- مجله دانشمند، سال ۱۳ ش ۱۱ ص ۱۱۴.

۱۸۶- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۶۶.

۱۸۷- مثلث برمودا، ص ۱۲۶

کشف اشعه لیزر، از کریستال به عنوان منبع قدرت استفاده می کردند. ۱۸۷  
نورسبز

در مورد حوادث مربوط به «مثلث برمودا» از «نورسبز» نیز سخن به میان می آید، که ممکن است راهگشائی در داستان «جزیره خضراء» باشد:

چاک ویکلی، خلبان آموزشی ایالات متحده، مشاهده نورسبز را چنین توصیف می کند: (... فرودگاه «ناسا»<sup>۱۸۸</sup> را کمی پس از غروب آفتاب ترک کردم. هوا بسیار صاف بود، و ستارگان در حال درخشش بودند. در حدود ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، از شمالی ترین قسمت اندروس<sup>۱۸۹</sup> گذشتم، حدود ۳۰-۵۰ مایل از اندروس گذشته، در مسیر مستقیمی به سوی «بیمینی»<sup>۱۹۰</sup> در ارتفاع هشت هزار پا می رفتم که متوجه چیزی غیرعادی شدم: بالهای هواپیما حالتی درخشان و یا اصطلاحاً شب نما به خود گرفته بود. نخست فکر کردم در اثر انعکاس نور اطاق خلبان بر روی پلاستیک رنگ شده داخل کابین دچار خطای باصره شده ام. زیرا بالهای هواپیما شفاف شده، رنگ آن سبز مایل به آبی به نظر می رسید. در حالی که رنگ آن سفید بود. در عرض ۵ دقیقه شدت درخشندگی بالها آنچنان زیاد شد که دیگر نمی توانستم عقربه ها را بینم... هیچکدام از دستگاههای الکترونیکی تحت کنترل من نبود، یا از مدار خارج شده و یا اشتباه عمل می کردند. به زودی تمام هواپیما نورانی شد، این نور انعکاسی نبود، در خود هواپیما ایجاد شده بود. هنگامی که از پنجره به بالها نگریدم، متوجه شدم که حالت درخشندگی غیرعادی است... درخشندگی کورکننده ای به مدت ۵ دقیقه ادامه داشت. و سپس به تدریج از شدت آن کاسته شد.

هنگامی که این نور از میان رفت، تمام دستگاهها به حالت عادی

۱۸۷- همان مدرک، ص ۱۵

۱۸۸- پایتخت مجمع الجزائر باهاما.

۱۸۹- جزیره بزرگی است در غرب «ناسا» (اطلس کامل ص ۵۳).

۱۹۰- مجموعه ای از جزیره های باهاماست (الموسوعة العربية المیسره ص ۴۷۳)

برگشت... پس از فرود آمدن هنگامی که مشاهدات خود را به سایر خلبانها گفتم، معلوم شد که نظیر این اتفاق برای دیگران نیز روی داده است که نمی‌خواهند در آن باره گفتگو کنند. ۱۹۱

\*\*\*

نگارنده پس از برخورد با حوادثی که در آنها از «نور سبز» گفتگو شده، یک مرتبه این سؤال در ذهنش پدید آمد: راستی چرا به «جزیره خضراء»، «خضراء» گفته می‌شود؟ آیا برای اینست که سرسبز و خرم است؟ همه جزیره‌های روی زمین سرسبز و خرم است، پس باید دلیل دیگری در آن نهفته باشد. شاید «جزیره خضراء» درخشش سبزی دارد و از خود نور سبزرنگی ساطع می‌کند؛ و به همین جهت خضراء نامیده می‌شود. شاید.

جالب توجه و شایان دقت است که گروهی هواپیمای اکتشافی در اقیانوس اطلس بر فراز مثلث برمودا به پرواز درآمدند و به مصیبت دیگر هواپیماها مبتلا شدند. در آخرین پیامی که توانستند به مرکز زمین مخابره کنند چنین گفتند:

— دیگر هواپیما در اختیار ما نیست!

— همه دستگاهها از کار افتاده است!

— ما روی آبهای سفید هستیم!

— جزیره‌ای می‌بینیم که در وسط آبهای سفید است ولی نور سبزرنگی

آنها احاطه کرده است که نمی‌توانیم از آن فیلمبرداری کنیم!!!

سپس ارتباط برای همیشه قطع شد و دیگر خبری از آنها نشد.

جالبتر اینکه، عین همین پیام از دیگر هواپیماهای همراه نیز

دریافت شد!

اینجاست که سر نخ دیگری به دست می‌آید و این احتمال قوت

می‌گیرد که شاید «جزیره خضراء» در اقیانوس اطلس و در مثلث برمودا

باشد و همه این حوادث مربوط به همان نیروی غیبی الهی باشد و

پژوهشگران حق داشته باشند که چیزی از حوادث مثلث را نتوانند توجیه کنند.

\*\*\*

### تذکر لازم

- ۱- در پایان مقدمه، یادآوری این نکته ضروری است که ما هرگز ادعا نمی کنیم که جزیره خضراً همان مثلث برمودا است، بلکه به عنوان یک احتمال مطرح می کنیم تا شاید پژوهشگران به نتیجه قطعی برسند و آنرا به طور قطع اثبات یا نفی کنند.
- ۲- طرح این احتمال، اولاً: برای اینست که راه تحقیق باز شود. ثانیاً: خوانندگان گرامی در مدت مطالعه این کتاب به یاد حضرت بقیة الله (عج) باشند که یاد آن مهرتابان و کعبه پاکان روح را صفا و دل را جلا می بخشد.
- ۳- حوادث مربوط به مثلث برمودا، مربوط به مرکز مثلث است که هرگز هوایمائی نتوانسته از روی آن عبور کند ولی در کناره های آن، جزایر مسکونی هست و هوایمما و کشتی در آنها در حرکت است. اگر چه در اطراف و کناره های آن نیز کم و بیش حوادثی روی می دهد. و آنها که دچار سانحه شده و جان سالم به در برده اند، در همان اطراف و به دور از مرکز مثلث دچار سانحه شده اند.
- ۴- در ترجمه این کتاب، مقدمه مؤلف را با اجازه معظم له به صورت آزادترجمه کرده ایم. و بخش چهارم را به صورت یادداشتهای مترجم بسط و گسترش داده ایم.
- ۵- ما این ترجمه را از روی چاپ اول کتاب به فارسی برگردانده ایم ولی مؤلف از روی لطف و بزرگواری یادداشتهای اضافات چاپ دوم را نیز در اختیار ما گذاشته، از آنها بهره جسته ایم.
- ۶- یک بار دیگر از صاحب نظران درخواست می کنیم با ارسال پیشنهادات، انتقادات و نظریات سودمند خود، بر ما منت نهاده به تکمیل چاپهای بعدی کتاب یاری فرمایند.

به امید روزی که بنیانگذار حکومت واحد جهانی، حضرت  
ولیی عصر، صاحب زمان (عج) ظهور نموده، مرزهای جغرافیائی را در هم  
ریخته، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهد، و ما  
با دسترسی به آن کعبه مقصود و قبله موعود، از سخن گفتن به ظن و گمان  
رهائی یابیم. به امید آنروز.

حوزه علمی قم — ۱۵ شعبان ۱۴۰۳

علی اکبر مهدی پور



پیشگفتار مؤلف

پیشرفت انسان در علوم امروزی، و پیاده شدن او بر فراز کره ماه، و پرتاب سفینه‌های فضائی و قمرهای مصنوعی، و ساختن مغزهای الکترونی و... به این معنی نیست که همه مشکلات حل شده، و همه اسرار و رموز جهان هستی کشف شده است! و دیگر مشکلی برای او نمانده و نکته ابهامی از اسرار هستی ناشناخته نمی ماند!

دانش بشری در برابر اسرار جهان هستی، قطره‌ای بیش، در برابر اقیانوس بیکران نمی باشد.

انسان علی‌رغم پیشرفت سریع و گسترده قافله بشری از نظر صنعت و تکنیک، فرهنگ و تمدن، در برابر ساده‌ترین مشکلات جهان طبیعت، ناتوان است.

انسان مغروری که در آسمانها پایگاه هوائی می سازد در برابر حوادث ساده‌ای چون: زلزله، طوفان، آتشفشان و نظایر آنها از پا در می آید. گاهی بارش چند میلی متر باران و ریزش چند سانتی متر برف آنچنان چرخ زندگی را دچار رکود می کند که ماشینهای الکترونیکی و سفینه‌های فضائی هم نمی تواند به یاری انسان بشتابد.

چقدر زیبا و لطیف است تعبیر قرآن کریم، که ضعف و زبونی

انسان را به شیواترین تعبیرها بیان می فرماید:

«آنهائی را که جز خدا می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی را بیافرینند، اگرچه همه برای این کار گرد آیند. و اگر مگس چیزی را از آنها بر باید، نتوانند که آنرا از او بازستانند. طالب و مطلوب، هر دو ناتوانند»<sup>۱</sup>

عاجزان که عاجزان را بنده اند      چون فتد کاری زهم شرمنده اند  
براستی آن غربی مغرور و پرزور، در برابر مگسی که چیزی را از او ربوده است چه می تواند انجام دهد؟! آیا همه اختراعات و اکتشافات او، از ماشینهای الکترونیکی گرفته، تا بمبهای اتمی و سفینه های فضائی، در بازپس گرفتن چیزی که مگس و یا پشه ای از وی ربوده است چه کمکی می تواند انجام دهد؟! انسان مغروری که کره خاکی را برای خود کوچک می بیند و می خواهد آسمان را جولانگه خود قرار دهد در برابر حیوان ضعیفی چون پشه، بیچاره و ناتوان است.

یکبار که امام جعفر صادق (ع) از طرف منصور دوانیقی جلب و دستگیر شده بود، در لحظات حساسی که منصور با غرور و تکبر وصف نشدنی سخن می گفت، پشه ای او را سخت بیچاره کرد تا شیرازه سخنش درهم گسست. به امام صادق (ع) رو کرد و گفت: «خداوند این حیوان را برای چه آفریده است؟!» امام بدون درنگ فرمود: «تا جباران و ستمگران را به وسیله آن خوار و زبون سازد».

این انسان ضعیف و ناتوانی که نمونه ای از ناتوانی او را در بیان قرآن کریم و امام صادق (ع) یادآور شدیم، هرگز نمی تواند ادعا کند که همه اسرار جهان هستی را به دست آورده و بر آن تسلط یافته است.

انسان در برابر جهان هستی چون خس بی مقداری است که روی موجهای کوه پیکر اقیانوس دستخوش امواج شده و از خود اراده ای ندارد. او دیگر نمی تواند از وسعت اقیانوس و اسرار نهفته در اعماق آن آگاه باشد. حتی انسانی که با نیرومندترین تلسکوپها در بزرگترین

رصدخانه‌های جهان مشغول تحقیق در اجرام سماوی است، اطلاعاتش از جهان هستی به قدری ناچیز است که اگر به مجهولاتش مقایسه شود، قطره‌ای ناچیز در برابر اقیانوس ناپیدا کرانه می‌باشد.

کره زمینی که بر روی آن زندگی می‌کنیم در برابر اجرام آسمانی آنقدر ناچیز است که از دیگر گوشه منظومه شمسی با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود. و منظومه شمسی ما با همه کرات و اقمارش از دیگر گوشه کهکشان با چشم عادی قابل رؤیت نیست. و کهکشان ما در برابر میلیونها سحابی که تا کنون شناخته شده است بسیار ناچیز است.

انسانی که هنوز کره مسکونی اش را نشناخته، و از پیرامونش اطلاعات وسیعی به دست نیاورده، حتی از اسرار آفرینش خودش معلومات چندانی ندارد، تا جائیکه دکتر الکسیس کارل بزرگترین زیست‌شناس جهان، کتابش را «انسان موجود ناشناخته» نامگذاری می‌کند، میزان آگاهی انسان از دیگر کرات منظومه، و از دیگر منظومه‌های کهکشان، و دیگر کهکشانهای جهان روشن می‌شود.

برای گفتگو از فواصل ستارگان و دیگر اجرام آسمانی از سال نوری استفاده می‌شود.

می‌دانیم که نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه می‌پیماید. روی این حساب هر دقیقه ۱۸ میلیون کیلومتر، و هر ساعت یک میلیارد و ۸۰ میلیون کیلومتر، و هر روز ۲۵ میلیارد و ۹۲۰ میلیون کیلومتر، و هر ماه ۷۷۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون کیلومتر می‌پیماید.

روی این بیان سال نوری که واحد مسافت اخترشناسان است ۹۳۳۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون کیلومتر می‌باشد. پس اگر گفته شد که فلان ستاره یک سال نوری از ما فاصله دارد، می‌فهمیم که فاصله آن تا کره زمین ۹۳۳۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون کیلومتر می‌باشد.

در میان اجرام آسمانی از همه نزدیکتر به کره زمین «ماه» است که همسایه دیوار به دیوار ما به شمار می‌آید. فاصله متوسط آن از زمین در

حدود ۳۸۴ هزار کیلومتر است<sup>۲</sup> که نور آنرا تقریباً در یک ثانیه و یک سوم ثانیه می‌پیماید.

و در میان سیارات زهره با حداکثر ۲۵۲ میلیون کیلومتر و حداقل ۴۰ میلیون کیلومتر نزدیکترین سیارات منظومه می‌باشد<sup>۳</sup> و در میان ستاره‌ها، خورشید با فاصله متوسط ۱۴۹/۵ میلیون کیلومتر، نزدیکترین ستاره‌ها به زمین است.<sup>۴</sup> که نور آن در مدت ۸ دقیقه تقریباً به ما می‌رسد. بعد از خورشید، نزدیکترین ستاره‌ها به ما، ستاره «پروکسیما» است که بیش از چهار سال نوری از ما فاصله دارد<sup>۵</sup> و سپس به ترتیب: شعری<sup>۶</sup> ۹ سال، جدی ۵۰ سال، عیوق ۹۰ سال و ثریا ۱۴۰ سال نوری از ما فاصله دارند و همسایگان نزدیک ما به شمار می‌روند.

اگر بخواهیم از کهکشان خود گامی فراتر نهاده، از همسایه دیوار به دیوار کهکشان، سحابی «المرأة المسلمه» دیدن کنیم، اگر بتوانیم با سرعت نور حرکت کنیم، یک میلیون سال وقت لازم دارد!

سحابی «المرأة المسلمه» با فاصله ای در حدود یک میلیون سال نوری، نزدیکترین سحابی های جهان است که هر سحابی، شامل میلیونها منظومه و ستاره است، از این سحابیها تا کنون تعداد بی شماری کشف شده است و تعداد واقعی سحابیهای جهان را جز خدا کسی نمی‌داند.

تعداد ستاره‌های موجود در کهکشان ما را ۳۰ میلیارد تخمین می‌زنند. و در کهکشانهای دور دست میلیونها ستاره وجود دارد که از میلیونها سال پیش نور افشانی می‌کنند ولی هنوز نورشان به ما نرسیده است.

علیرغم پیشرفتهای روز افزون علوم و صنایع، هنوز بشر نتوانسته است تلسکوپهایی بسازد که بتواند به وسیله آنها وسعت جهان را ببیند و اندازه گیری کند. به خصوص که جهان هر لحظه گسترش می‌یابد، و قرآن

۳- نجوم بی تلسکوپ ص ۳۱

۴- از جهانهای دور ص ۲۱۸

۵- به من بگو چرا؟ ج ۱ ص ۱۱۶

به صراحت آنرا اعلام می کند، آنجا که می فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» یعنی: «ما آسمان را به دست قدرت برافراشتیم و هر لحظه آنرا گسترش می دهیم».<sup>۶</sup>

گسترش جهان با تصریح قرآن، قرن‌ها پوشیده ماند تا در اوایل قرن نوزدهم آبه لومتر انبساط عالم را کشف کرد و بدینگونه معنی آیه شریفه نیز که یکی از معجزات علمی قرآن است، آشکار گردید.

طبق عقیده دانشمندان فلکی، جهان با سرعت عجیبی در حال گسترش است. آنها می گویند: کهکشان شجاع در هر ثانیه ۶۰ هزار کیلومتر از ما دور می شود. روی این حساب، این کهکشان در هر ساعت بیش از ۲۰۰ میلیون کیلومتر از ما دور می شود.<sup>۷</sup>

هنگامی که انبساط عالم را مورد توجه قرار می دهیم، مشاهده می کنیم که قویترین ماشینهای حساب نیز از محاسبه گسترش جهان در طول میلیونها سال که بر آن گذشته، عاجز و ناتوان هستند.

انسانی که در گوشه‌ای از این زمین خاکی با دید محدود خود، این جهان را تماشا می کند، هرگز به خود اجازه نخواهد داد که خود را آگاه از اسرار جهان هستی تصور کند. بلکه در برابر آفریدگار آن پیشانی خضوع بر زمین ادب نهاده، این آیه را زمزمه خواهد کرد:

«در آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز، و کشتیهائی که به سود مردم در دریاها روانند، و آبهاییکه پروردگار از آسمان فرو می فرستد و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده می کند، و آنچه از جنبندگان بر روی زمین پراکنده ساخته، و در گردش بادها و ابرهائی که در میان آسمان و زمین گوش به فرمان پروردگارند. نشانه‌هائی هست برای آنانکه عقل خود را به کار ببندند».<sup>۸</sup>

۶- سوره الذاریات، آیه ۴۷

۷- به کتاب مرزهای نجوم مراجعه فرمائید.

۸- سوره بقره، آیه ۱۶۴

بحث و گفتگو از ناچیز بودن معلومات بشری در برابر اسرار جهان هستی، به این معنی نیست که تلاشهای شبانه روزی دانشمندان جهان را نادیده گرفته، به هیچ بیانگاریم. بلکه تلاشهای پی گیر و طاقت فرسای آنها از نظر قرآن و در معیارهای اسلامی بسیار ارزنده و پرارج می باشد. و ما در عین اینکه به کوششهای آنها ارج می نهیم، می خواهیم به خودمان یادآور شویم که این پیشرفتهای علمی موجب غرور ما نشود و ما خیال نکنیم که دیگر مجهولی برای انسان مانده است، تا این پندار بی اساس موجب شود که همه چیز را با معلومات ناقص خود بسنجیم و هر کدام مطابق نشد بی اعتبار بدانیم. چنانکه افراد کم سواد و بی بضاعت به این بیماری مبتلا هستند. ولی دانشمندانی که خود کاشف و مبتکر قسمتی از علوم و فنون جهان هستند، هر چه پیشتر می روند، بیشتر به مجهولات خود پی می برند و در برابر عظمت جهان هستی و آفریدگار آن سر تعظیم فرود می آورند. فی المثل و یلیام جیمس می گوید: اگر کسی را پیدا کنم که بتواند به پرسشهای من پاسخ دهد، من بیش از ۵۰ سال پرسش دارم که هم اکنون بی جواب مانده است.

هر رازی که از رازهای جهان طبیعت با سر انگشتان علم کشف می شود، صدها راز نهفته در کنار آن برای دانشمندان تجلی می کند و در نتیجه پیشرفت علوم، مجهولات بیشتری را برای دانشمندان به دنبال می آورد. و اگر ما مطلبی برای پرسیدن نداریم به دلیل کمی معلومات است و گرنه دانشمندان بزرگ هزاران مطلب برای پرسیدن دارند که کسی را نمی یابند که بتواند مشکل آنها را بشکافد.

\*\*\*

یکی از مطالب مهمی که برای دانشمندان مطرح هست و تا کنون کسی نتوانسته است آن مشکل را حل کند و حتی کوچکترین قدمی به سوی کشف آن راز بردارد، داستان «مثلث برمودا» است.

در مورد مثلث برمودا تا کنون احدی از دانشمندان نتوانسته است راه حلی را ارائه دهد و پاسخ اطمینان بخشی را عرضه کند. و آنچه به صورت

تئوری در این زمینه گفته شده، خود بر پیچیدگی موضوع افزوده است. پس از نشر اخبار مثلث برمودا در صفحات اول پرتیراژترین روزنامه های جهان، و بازگوشدن آن در رسانه های گروهی همه کشورهای جهان، سمینارهای بسیاری برای تحلیل این داستان تشکیل شد و هر دانشمندی از زاویه رشته اختصاصی خود این داستان را مورد مطالعه قرار داد، ولی متأسفانه هیچکدام به پاسخ اطمینان بخشی دست نیافت. ما که اکنون در صدد تحلیل داستان مثلث برمودا برآمده ایم، تمام منابعی را که از مجلات غربی و عربی در دست داریم، زیر و رو کرده، فشرده مطالب آنها را در مورد اصل داستان بازگومی کنیم سپس تحلیلی را که برای حل آن به نظر رسیده است عرضه می داریم و در اینجا اضافه می کنیم که مطالب همه روزنامه ها و مجلات یکنواخت و تکرار مکررات است و ما آنها را بیشتر از منابع عربی که در دسترس مردم هست نقل می کنیم و آنها نیز عموماً از روزنامه ها و مجلات علمی جهان ترجمه کرده اند.

ما در اینجا در نقل اصل داستان هیچ مطلب تازه ای نداریم که به متن نوشته های جراید اضافه کنیم، بلکه متن نوشته روزنامه ها را در اینجا نقل خواهیم کرد. تنها موضوعی که ما اضافه خواهیم کرد، نقل روایت الجزیره الخضراء، اقامتگاه احتمالی حضرت ولی عصر (عج) می باشد که آنرا از کتاب پرارج «بحار الانوار» نوشته مرحوم علامه مجلسی ترجمه خواهیم کرد و خواهیم دید که در خصوصیات بسیاری میان «مثلث برمودا» و «جزیره خضرا» که برخی از دانشمندان ۷۰۰ سال پیش به آنجا مشرف شده و اوصاف آن جزیره مقدسه را برای ما تعریف کرده اند، تناسب و تشابه فراوانی وجود دارد. زیرا به طوریکه توضیح خواهیم داد هر دو در اقیانوس اطلس قرار دارند و هر دو با آب سفیدرنگی احاطه شده اند و هر دو موجب نابود شدن کشتی، هواپیما و هر چیزی می شوند که بخواهد به حریم آبی، خاکی و یا هوایی آنها تجاوز کند.

در اینجا باید یادآور شوم که ما هرگز نمی توانیم به طور قاطع



بگوئیم: که «مثلث برمودا» همان «جزیره خضرا» است، که آنرا جز آفریدگار جهان نمی داند، بلکه فقط می خواهیم بگوئیم که میان داستان «مثلث برمودا» که خبرگزاریها و رسانه های گروهی خبرش را در جهان منتشر کردند و میان داستان «جزیره خضرا» که مرحوم «شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی» در مسافرت خود به اسپانیا و اندلس به سوی آن هدایت شده و اوصافش را برای ما بازگو کرده است، وجه تشابه فراوان است. به امید روزی که بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی، حضرت ولی عصر، حجة بن الحسن المهدی (عج) ظهور نموده، همه مشکلات جهان را با دست با کفایت خود حل فرمایند و ما را از سخن گفتن به ظن و گمان برهانند.

نجف اشرف

ناجی نجار

## مثلث برمودا

- \* موقعیت جغرافیائی مثلث برمودا
- \* سرگردانی دانشمندان
- \* در برمودا چه می گذرد
- \* دانشمندان و مثلث برمودا
- \* تئوریا

**اقیانوس اطلس**، بعد از اقیانوس آرام بزرگترین اقیانوس جهان به شمار می آید، که مساحت آن بیش از ۸۲ میلیون کیلومتر مربع می باشد، و میان قاره آمریکا و دو قاره اروپا و آفریقا را پر کرده است. اقیانوس اطلس به وسیله کانال پاناما به اقیانوس آرام متصل می شود، و دریای مدیترانه به وسیله تنگه جبل الطارق به اقیانوس اطلس مربوط می شود. دریای کارائیب و خلیجهای هودسن، پافین<sup>۱</sup> و مکزیک پیش رفتگیهای اقیانوس اطلس در قاره آمریکاست. دریاهاى مدیترانه، بالتیک و شمال<sup>۲</sup> و خلیجهای گینه و بیسکای<sup>۳</sup> پیش رفتگیهای اقیانوس اطلس در قاره های اروپا و آفریقا است. از بندر داکار (پایتخت سنگال) تا کرانه های برزیل، نزدیکترین مسیر کشتیرانی بین دو قاره آفریقا و آمریکاست. هزاران رودخانه از کرانه های اروپا، آفریقا و آمریکا به این اقیانوس می ریزد.

جریانهای دریائی مهمی در این اقیانوس جریان دارد که مهمترین

---

۱- خلیج پافین، در شمال کانادا قرار دارد.

۲- دریای شمال، در مشرق انگلستان است.

۳- خلیج بیسکای با گاسکونی، بزرگترین خلیجهای اروپا در شمال اسپانیا است.

آنها جریان آبی خلیج (گلف استریم) است، که این جریانها موجب به وجود آمدن مه غلیظی است که آسمان اقیانوس را از کران تا کران می پوشاند.

فعالترین و پرتراфик ترین کشتیرانی جهان در این اقیانوس در میان دو جهان قدیم و جدید (اروپا و آمریکا) رفت و آمد دارد.<sup>۱</sup>

جهانگردان و جغرافی دانهای فراوانی در گذشته و حال از اخبار و احوال اقیانوس اطلس برای ما سخن گفته اند که ما به نقل قسمتی از سخنان دانشمندان نامی قرن هفتم احمد بن عبدالوهاب نویری بسنده می کنیم:

«اقیانوس اطلس، دریای ظلمات نیز نامیده می شود، زیرا همواره مه غلیظی آسمان آنرا می پوشاند و شکل آن برای کسی قابل رؤیت نیست. و به همین دلیل و به دلایل دیگری چون امواج کوه پیکر آن، غلظت آب و دگرگونی آب و هوایش، معلومات بیشتری از اقیانوس اطلس به دست نیامده است و از مناطق مسکونی اش جز جزیره های نزدیک به خشکی شناخته نشده است.

«از جزیره هائی که در غرب اقیانوس شناخته شده، شش جزیره ایست که به آنها جزیره های جاویدان و جزیره های خوشبختی می گویند.

«و در امتداد شرقی آن شش جزیره در محاذات چین به نام جزیره های سیلی وجود دارد که گفته می شود ساکنان آنها علوی هائی هستند که از دست بنی امیه فرار کرده به این جزیره ها پناه برده اند.

«گفته می شود تاکنون دیده نشده که کسی وارد جزیره های سیلی شود و بخواهد که از آنها بیرون بیاید. زیرا هوایش بسیار مطلوب و آبش بسیار گوارا است. از این رهگذر هر کس وارد این جزیره ها شود، از نظر وضع زندگی هر قدر هم در سختی باشد به جهت آب و هوایش هرگز نمی خواهد که از آنها بیرون رود.

«از جزیره‌های آباد این اقیانوس، جزیره بریتانیاست که مردم آن موطلائی و چشم آبی هستند.

«در محاذات فرانسه، جزیره‌هایی هست که در آنها گروهی از فرنگی‌ها سکونت دارند. ساکنین آنها به هیچ دینی پای بند نیستند و تحت استعمار هیچ کشوری نیستند.

«در این اقیانوس جزیره آبادی هست که طول محیط آن به ۷۵۰ میل می‌رسد. این جزیره چهار شهر مهم دارد که هر شهری برای خود پادشاهی دارد.

«و جزیره برفاغه با چهار هزار میل طول محیط، از جزیره‌های آباد این اقیانوس است که سه شهر آباد دارد و پر برف و باران و سرسبز و خرم است.

«و جزیره انگستان، شهرهای آباد، کوههای بلند و دشتهای وسیع دارد که آب و هوای زمستانی دارد. و از قاره اروپا ۱۲ میل فاصله دارد»<sup>۱</sup>.



### موقعیت جغرافیائی مثلث برمودا

اکنون که موقعیت جغرافیائی اقیانوس اطلس را از بیان دو نویسنده، یکی از دانشمندان معاصر و دیگری از قرن هشتم هجری خواندیم، وقت آن رسیده است که موقعیت جغرافیائی مثلث برمودا را در «اقیانوس اطلس» مورد مطالعه قرار دهیم:

در غربی‌ترین نقطه اقیانوس اطلس منطقه اسرارآمیز و اعجاب‌انگیزی هست که مدت درازی توجه خبرگزارها و رسانه‌های گروهی جهان را به خود جلب کرد و اخبار پرشور و پرهیجان آن مدتی تیرهای روزنامه‌های علمی جهان را به خود اختصاص داد.

حوادثی که در این منطقه از اقیانوس اطلس، برای کشتی‌ها و هواپیماها روی داده است به قدری جالب و شنیدنی است که ممکن

است شنونده آنرا افسانه بپندارد، زیرا هرگز چنین رویدادهائی در دیگر نقطه جهان اتفاق نیفتاده است. این منطقه در زبان علمی جهان به «مثلث برمودا» شهرت یافته است.

مثلث برمودا در غربی ترین نقطه اقیانوس اطلس، در دهانه دریای کارائیب و در مسیر جریان آبی «گلف استریم» قرار گرفته است. این منطقه را می توانیم به صورت مثلثی فرض کنیم که رأس مثلث در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا قرار بگیرد.

این منطقه اگرچه از آرام ترین نقطه های اقیانوس است، از قدیم در میان دریانوردان به منطقه خطر و وحشت شهرت یافته است.<sup>۱</sup> اگر نامهای این منطقه را از زبان دریانوردان نقل کنیم، تا حدی اعجاب و ابهام حاکم بر منطقه، معلوم می شود و تا حدی اسرار نهفته در این منطقه بازگومی شود.

قسمتی از نامهای مثلث برمودا که در زبان ملوانها و دریانوردان رائج است به قرار زیر است:

- مثلث شیطان
- مثلث مرگ
- دریای اشباح
- قبرستان اطلسی
- دریای کشتی های ناپدید شده
- دریای وحشت
- آرامگاه کشتی ها<sup>۲</sup>

از این نامها به روشنی معلوم می شود که ملوانها و کاپیتانها از این منطقه به شدت وحشت داشتند و در طول قرنها هرگز هوس نکرده اند که گذرشان به این منطقه بیفتد که خدای نکرده به دنبال صدها کشتی مفقود الاثر در کام خطر فرو نروند و رهسپار دیار نیستی نشوند.

۱- مجله انباء مسکو ۲۲ اکتبر ۱۹۷۷ میلادی.

۲- روزنامه جمهوریت، چاپ بغداد شماره ۲۵۰۸ بتاريخ ۶ دسامبر ۱۹۷۵

و از این نامها به خوبی روشن می شود که تا کنون دانشمندان نتوانسته اند توجیه علمی رویدادهای این منطقه را بیان کنند. دانشمندان تصریح کرده اند که آنچه در این منطقه از اقیانوس اطلس می گذرد در حاله ای از ابهام پوشیده است و کسی نتوانسته توجیه علمی آنرا پیدا کند.<sup>۳</sup> اخیراً در رسانه های گروهی عنوان مثلث برمودا شهرت فراوانی یافته و دیگر نامها را تحت الشعاع قرار داده است.

نامهایی از قبیل: مثلث خطر، مثلث مرگ، دریای وحشت، آرامگاه اطلسی و آرامگاه کشتی ها، وحشت و اضطراب ملوانها و ناخدایان را از این منطقه می رساند.

نامهایی از قبیل: مثلث شیطان و دریای اشباح، وضع اسرارآمیز و ابهام انگیز آنجا را می رساند. و بیانگر اینست که دانشمندان پس از مطالعه و تحقیق سرانجام به پاسخ منطقی رویدادهای این منطقه دست نیافته اند و هنوز هم بسیاری از مردم اروپا خیال می کنند که یک نیروی مرموز موجب سقوط هواپیماها و ناپدید شدن کشتی ها در این منطقه است.

اخیراً چهار کتاب در پاریس در پیرامون «مثلث برمودا»، منتشر شده است که این منطقه را شوم، اسرارآمیز، افسانه ای و سراسر ابهام معرفی کرده اند.<sup>۴</sup>

نام شایع و رائج این منطقه در اصطلاح خبرگزاریها و رسانه های گروهی امروز همان «مثلث برمودا» است و در مراکز علمی جهان به همان نام شناخته می شود.

پرواضح است که این نام به مناسبت مجاورت این منطقه با «جزایر برمودا» است و رأس مثلث مفروض بر جزایر برمودا قرار می گیرد.<sup>۵</sup> از این رهگذر این مثلث را به نام رأس آن می نامند.

اکنون که اسرار نهفته در آفرینش این منطقه کشف نشده، و این

۳- مجله هفتگی «طب و علوم» ضمیمه روزنامه جمهوریّت ۳۰ مارس ۱۹۷۸، شماره ۵۰

۴- مجله اسبوع عربی ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ شماره ۱۰۰۱

۵- بیشتر یادآور شدیم که قاعده آن نیز جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا می باشد.

منطقه یکی از آیات و نشانه‌های اعجاب‌انگیز الهی است، چه مانعی هست که این منطقه را «مثلث الهی» بنامیم؟!

این نامگذاری، گذشته از کشش معنوی و جذبۀ روحی که دارد، به دور از مفاهیم وحشت‌انگیز و رعب‌آور است که بر زبان ملوانها رواج یافته است.

نامگذاری این منطقه به نام «مثلث الهی» پیوند ناگسستی ما را با آفریدگار جهان که قدرتش بر تمام ذرات جهان هستی حاکم و نافذ است، تحکیم می‌بخشد و ما را از اعتقاد به تأثیر اشباح و شیطان در این منطقه رهائی می‌بخشد. تا دیگر در قرنی که آنرا عصر مشعشع طلائی می‌دانیم شیطان و پری را به جای توجیه علمی پذیرا نشویم.<sup>۶</sup>

این نامگذاری مانع آن نیست که دانشمندان با تلاشهای پی‌گیر خود در راه کشف اسرار این منطقه بکوشند و یکی دیگر از رازهای نهفته جهان خلقت را با چاقوی دانش بشکافند که قرآن کریم همه‌جا ما را به این کار تشویق می‌فرماید و از نگاه سطحی به جهان آفرینش باز می‌دارد و می‌فرماید:

«چقدر از نشانه‌های پروردگار در آسمانها و زمین است که از کنار آنها می‌گذرند و روی می‌تابند».<sup>۷</sup>

\*\*\*

## سرگردانی دانشمندان

سرگردانی دانشمندان در مورد رویدادهای مثلث برمودا، تنها به حوادث اسرارآمیزی که کشتیها و هواپیماها را در کام خود فرو می‌برد، منحصر نیست، بلکه حوادث دیگری نیز در این منطقه روی می‌دهد که شگفتی آن کمتر از حوادث کشتیها و هواپیماها نمی‌باشد، که تا کنون بیش از هزار نفر از خلبانان و ملوانان و دیگر مسافران دریائی و هوائی به

۶- این تعبیر به معنای انکار وجود شیطان و جن نیست که وجود آنها به صریح قرآن ثابت است.

۷- سوره یوسف، آیه ۱۰۵



هنگام عبور از این منطقه اسرارآمیز جان خود را از دست داده‌اند.<sup>۱</sup>  
 از حوادث شگفت‌انگیز مثلث برمودا، اینست که مسافران، به  
 هنگام نزدیک شدن به این منطقه، یکمرتبه متوجه می‌شوند که ساعتهای  
 آنها دچار اختلال شده، و عقربه‌ها موازنه خود را از دست داده‌اند. خلبانها  
 و ملوانها نیز متوجه می‌شوند که همه بی‌سیم‌ها و دیگر وسائل ارتباطی از  
 کار افتاده‌اند.<sup>۲</sup>

مجله بارالیلی بلغارستان می‌نویسد: لئندبیرک شخصاً به هنگام  
 پرواز از نزدیکی منطقه یاد شده، در سال ۱۹۲۸ که عازم فلوریدا بود،  
 متوجه شده است که قطب‌نما و ارتفاع‌سنج هواپیما دچار اختلال گشته  
 است.<sup>۳</sup>

در اینجا داستان جالبی است که «روزنامه جمهوری» آنرا نقل  
 می‌کند و می‌گوید که این داستان را پژوهشگر معروف آمریکائی  
 سندرسن برای چاره‌جویی از اختلال زمان در اطراف مثلث برمودا مطرح  
 می‌سازد، تا مشکل هواپیماهایی را که دیرتر از موعد مقرر به مقصد  
 می‌رسند چاره‌سازی کند. داستان از این قرار است:

«چندسال پیش یک فروند هواپیمای شرکت «ناشنال ایرلاینز» با  
 ۱۲۷ سرنشین به فرودگاه میامی (فلوریدا) از سمت شمال شرقی<sup>۴</sup> نزدیک  
 شد و محل فرود آمدن آن از طرف مسئولین فرودگاه تعیین گردید. ولی  
 ناگهان هواپیما از دیدگاه برج نگهبانی ناپدید شد و پس از سپری شدن ده  
 دقیقه یکبار دیگر هواپیما بر فراز فرودگاه ظاهر شد و به شکل عادی فرود  
 آمد. ولی سرنشینان هواپیما از وحشتی که بر فرودگاه حاکم بود دچار  
 شگفت شدند، به خصوص که متوجه شدند که ساعت همه سرنشینان  
 هواپیما ده دقیقه عقبتر از ساعت فرودگاه است! جالبتر اینکه خلبان و دیگر

۱- مجله الف باء، ۳۱ ماه مه ۱۹۷۸ شماره ۵۰۶

۲- همان مدرک.

۳- مجله الفکر الجدید شماره اوت ۱۹۷۷ به نقل از مجله بارالیلی بلغارستان.

۴ که مثلث برمودا نیز در همین سمت واقع است.

سرویس هدایت کننده هواپیما، بیست دقیقه پیش از فرود، ساعت‌های خود را با ساعت فرودگاه تنظیم کرده بودند.

مسئول برج کنترل فرودگاه به خلبان هواپیما گفت: بسیار جای شگفت است که شما مدت ده دقیقه در آسمان فرودگاه ناپدید بودید!<sup>۴</sup>

روزنامه جمهوریّت در مقاله‌ای تحت عنوان «خبرهای تازه از مثلث برمودا» می‌نویسد: سرنشینان هواپیما همه دچار شگفتی شده بودند که این ده دقیقه را کجا بودند؟! و هر یکی ساعت خود را به دقت واریسی می‌کرد که چگونه در ظرف ۲۰ دقیقه، ۱۰ دقیقه عقب مانده است؟! که همگی پس از اعلام وقت از بلندگوی هواپیما، ساعت‌های خود را با ساعت فرودگاه تنظیم کرده بودند.

همگی از خود می‌پرسیدند: ۱۰ دقیقه از عمر ما کجا سپری شده است؟! و چگونه ممکن است که زمان به مدت ۱۰ دقیقه متوقف شود؟! جداً جای شگفت است که ۱۲۷ نفر سرنشین به اضافه سرویس هواپیما ندانند که آنها و هواپیما در این مدت کجا بوده‌اند؟!.

این داستان بُعد تازه‌ای به ابعاد حوادث «مثلث برمودا» افزوده، و در عین حال به پیچیدگی رموز و اسرار نهفته در آن نیز افزوده شد.<sup>۵</sup>

دانشمندانی که در مورد مثلث برمودا مشغول مطالعه هستند، هر چه بیشتر مطالعه می‌کنند بر حیرت و سرگردانی آنها افزوده می‌شود. آنها هرگز نتوانسته‌اند راز این معما را حل کنند که چگونه در این منطقه زمان متوقف می‌شود و ساعت‌های مسافران از کار میماند و قطب‌نماها و بی‌سیمها از کار می‌افتد و همه وسائل مخابراتی کشتیها و هواپیماها مختل می‌شود؟!.

دانشمندان با خود می‌اندیشند:

۱- چگونه است که هواپیماهای تیزپرواز و کشتیهای کوه‌پیکر هنگامی که به این منطقه می‌رسند روابطشان برای همیشه از جهان قطع

۴- جمهوریّت، شماره ۲۸۲۸ چاپ بغداد ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶

۵- روزنامه جمهوریّت، شماره ۳۵۰۲ چاپ بغداد ۷ فوریه ۱۹۷۹

می شود و دیگر خبر و اثری از آنها یافت نمی شود؟! ۶

۲- چگونه است که گاهی ملوانها ناپدید می شوند و کشتیهای بی سرنشین بدون کوچکترین اثر و ردپائی از نیروی مهاجم و خارجی باز گردانده می شوند؟! ۷

۳- چگونه است که گاه و بیگاه ملوانها به صورت مرده و با چهره ای هراسناک از آن منطقه برگردانده می شوند؟! ۸

۴- و چگونه است که کشتیها و هواپیماهایی به سلامت از آنجا می گذرند و با هیچ ناملایمی روبرو نمی شوند، و دسته دیگری از آنها در کام حوادث ناگواری قرار می گیرند ولی پیش از آنکه در کام طوفان حوادث فرو بروند از طرف این مثلث الهی مورد عفو و گذشت واقع می شوند؟! ۹

پاسخ این چراها چیست؟ آیا یک سلسله علل طبیعی می توانند؛ پاسخگوی این چراها باشند؟! اگر یک قانون طبیعی موجب این رویدادها می باشد، پس چگونه به صورت یکنواخت اجرا نمی شود و در حق برخی از کشتیها و هواپیماها ارفاق می شود؟! ۱۰

پیش از آنکه به پاسخ اصلی این پرسشها پردازیم، لازمست که چند نمونه از سرگذشتهای جالبی را که در این منطقه واقع شده است، برای خوانندگان گرامی بازگو نمایم:

### در برمودا چه می گذرد؟

حوادثی که در ۱۵۰ سال اخیر در برمودا روی داده و دانشمندان را دچار سردرگمی کرده است، بسیار جالب و در عین حال پیچیده است. زیرا از این حوادث کوچکترین اثر و نشان و سرنخی به دست نمی آید که پژوهشگران بتوانند براساس آن معمای «مثلث برمودا» را حل کنند و

۶- چنانکه در حادثه شماره ۴ خواهد آمد.

۷- چنانکه در سرگذشت شماره یک خواهد آمد.

۸- چنانکه در داستان شماره سه بازگو خواهد شد.

۹- چنانکه در فرازی تحت عنوان «حادثه مهم» خواهد آمد.

حداقل گامی به سوی کشف آن بردارند.

گذشته از رسانه های گروهی، آمارهای رسمی نیز تصریح می کند براینکه حوادث شگفت و غیرقابل توجیه این مثلث بیش از صدها و هزارهاست. ولی هیچ تفسیر و تأویلی از این رویدادها در دسترس نیست. از این رو من خود را ناگزیر می بینم از اینکه رویدادهای مهم این مثلث را که در روزنامه ها و مجلات علمی کشور از منابع خبری شرق و غرب نقل شده، دسته بندی کرده، نمونه هائی را برای خواننده گرامی نقل کنم:

### ۱- سرگذشت کشتی «ماری سیلست»:

در دسامبر ۱۸۷۲ میلادی کشتی «ماری سیلست» بدون هیچ نقص فنی بر روی آبهای اقیانوس اطلس پیدا شد. این کشتی مدتی پیش به هنگام عبور از مثلث برمودا ناپدید شده بود.

کشتی از هر جهت بی نقص و بی عیب بود و همه دستگاہهای کشتی سالم و دلخواه بود. موتور سالم بود، مواد سوختی به قدر کافی بود، سیمها و لوله ها و طنابها محکم و سالم بود. مخزن آب پر بود و برای مدت شش ماه، آب آشامیدنی سرنشین ها در مخزن موجود بود. و کوچکترین علامتی که نشان دهنده هجوم و حمله و تعرضی باشد به چشم نمی خورد. کشتی از هر جهت سالم بود و بدون هیچ نقص و دستبردی به روی آنها رها شده بود.

از سرگذشت کشتی و سرنشینان آن هیچ خبری نبود. در کابین ناخدا، دفتر باز بود و تمام اطلاعات تا وقتی که کشتی به «جزیره های ازور» در نزدیکی مثلث برمودا برسد در آن ثبت شده بود.

در کشومیز کاپیتان پول، جواهر و اوراق بهادار فراوانی بود که دست نخورده بود و در آنجا پیراهن کودکی بود که در ماشین خیاطی بود و دوختش کامل نشده بود.

غذای سرنشینان روی میز به دقت چیده شده بود و نیازمندیهای آنان در جاهای معین خود محفوظ بود، ظرفها و تانکرها پر از آب آشامیدنی و صندوقها و یخچالها پر از مواد غذایی بود. آب و مواد غذایی ذخیره شده

برای مدت شش ماه، سرنشینهای کشتی را بی نیازی ساخت.  
 همه چیز در جای خود مرتب بود و کوچکترین اثر و نشانی از  
 درگیری و اعمال فشار بر سرنشینان کشتی دیده نمی شد ولی معلوم نبود که  
 سرنشینان کشتی کجا رفته اند؟ و بر سر سرنشینان چه آمده است؟<sup>۱</sup>  
 برخی از جراید می افزایند: همه چیز در جای خود بود به جز دو  
 چیز که همراه سرنشینان ناپدید شده بود:

۱- اسناد و مدارک مربوط به کشتی

۲- دستگاه سدسی

دستگاه سدسی، دستگاهی است که بر اساس تئوری انعکاس نور  
 ساخته شده و برای اندازه گیری زاویه ها به کار می رود. بیشترین مورد  
 استفاده این دستگاه در کشتی هاست که برای اندازه گیری زاویه ارتفاع  
 خورشید به کار می برند و بدین وسیله طول و عرض جغرافیائی محل کشتی  
 و موقعیت آنرا بر روی نقشه به دست می آورند. این دستگاه با دست قابل  
 حمل و نقل است.<sup>۲</sup>

تلاش پژوهشگران برای یافتن سرنخی که پرده از سرگذشت  
 کشتی و سرنوشت سرنشینان آن بردارد بی نتیجه ماند و به جایی نرسید و  
 مراکز تحقیق، بدون یافتن هیچ خبر و اثری از سرنشینان کشتی «ماری  
 سیلست» به کار خود پایان دادند. و به این طریق تلاشهای طاقت فرسای  
 مرکز تحقیقات انگلستان و کوششهای پلیس اسکاتلند عقیم ماند و سرنخی  
 به دستشان نیامد.<sup>۳</sup>

## ۲- سرگذشت «اتلانتا» ناو جنگی انگلستان:

در سال ۱۸۸۰م. یک ناو جنگی به نام «اتلانتا» متعلق به  
 بریتانیا با ۲۹۰ سرنشین از جزیره برمودا حرکت کرد و پس از مدت  
 کوتاهی ناپدید شد و در مدت یکصد سالی که از ناپدید شدن آن می گذرد

۱- مجله الفباء، شماره ۵۰۶ چاپ بغداد، ۳۱ مه ۱۹۷۸م.

۲- الموسوعة العربية المیسرة، چاپ دوم ص ۱۹۷

۳- روزنامه جمهوریت، شماره ۲۸۲۸ چاپ بغداد بتاريخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶م.

کوچکترین خبری از ناو و سرنشینهای آن به دست نیامده است.<sup>۴</sup>  
**۳- سرگذشت کشتی پرتغالی «سانتاماری»:**

کشتی «سانتاماری» متعلق به کشور پرتغال با همهٔ سرنشینها و ملوانهایش ناپدید شد و پس از گذشت سالها برفراز آبهای اقیانوس اطلس، کشتی بدون هیچ عیب و نقصی پیدا شد که سرنشینها و ملوانها به صورت مرموزی در جاهای خود خشک شده بودند که تا کنون هیچ سرنخی به دست نیامده است که بیانگر حوادثی باشد که بر کشتی و سرنشینهای آن در مثلث برمودا گذشته است.<sup>۵</sup>

**۴- سرگذشت ۵ هواپیمای ناپدید شدهٔ آمریکائی:**

یکی از پیچیده‌ترین حوادث مثلث برمودا، ناپدید شدن ۵ فروند هواپیمای جنگی آمریکا، از نوع «تی. بی. ام. افینگر ۳» می‌باشد.<sup>۶</sup> در پنجم دسامبر ۱۹۴۵، ۵ فروند هواپیمای آمریکائی، از فرودگاه (فورث لودیردال بسولایه) «فلوریدا» برای یک عمل اکتشافی همزمان پرواز کردند و از فرودگاه فلوریدا به سوی مثلث برمودا به پرواز اکتشافی پرداختند.

ساعت یک و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر، ستوان یکم «چارلز تایلور» کاپیتان و فرمانده پرواز اکتشافی با برج مراقبت فلوریدا تماس برقرار کرد و مطالب زیر بین او و برج مراقبت رد و بدل شد:

— من چارلز تایلور هستم.

برج مراقبت را می‌خواهیم،

وضع فوق‌العاده‌ای روی داده است.

ما تسلط خود را از دست داده‌ایم!.

ما بیچاره شدیم.

راه را گم کرده‌ایم.

۴- مجلهٔ الف باء چاپ بغداد به تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۸ م.

۵- همان مدرک.

۶- خبرگزاریهای جهان و جراید کشور، از جمله روزنامهٔ جمهوریت و مجلهٔ الف باء.

زمین را نمی بینیم!.

— تکرار می کنم:

ما زمین را نمی بینیم.

همه چیز برای ما درهم ریخته است.

حتی دریا هم برای ما دگرگون شده است.

ما تا کنون دریا را به این صورت ندیده ایم.

ما نمی توانیم زمین را ببینیم.

ما را راهنمایی کنید.

ما نمی توانیم زمین را ببینیم.

— برج مراقبت:

کجا هستید؟ موقعیت خود را تثبیت کنید.

— چارلز:

ما نمی دانیم که کجا هستیم؟! به نظر می رسد که ما گم

شده ایم!

— برج مراقبت:

آیا به سوی غرب در پرواز هستید؟

— چارلز:

ما اصلاً نمی دانیم که شرق کجاست و غرب کدامست؟! حتی

دریا نیز به شکلی که باید باشد، نیست!

در اینجا ارتباط برج مراقبت با چارلز تایلور قطع شد، و پس از

تلاش فراوان برج توانست که تماس خود را با پرواز شماره ۱۹ از نوبرقرار

کند:

— چارلز:

قطب نما، دیوانه وار به دور خود می چرخد!

قطب نما خراب نیست ولی سراسیمه می چرخد!

شاید ما در نزدیکی فرودگاه باشیم ولی اصلاً نمی دانیم که کجا

هستیم!؟

— برج مراقبت:

با استمداد از خورشید به سوی شمال برگردید و به سمت خورشید پرواز کنید.

— چارلز:

ما برفراز جزیره کوچکی هستیم و جزآن چیزی را نمی بینیم! اینجا ارتباط برج با ستوان چارلز به کلی قطع شد، ولی برج مراقبت همچنان مکالمات هواپیماها را با یکدیگر می شنید که بیچارگی و پریشانی خود را از این رویداد مرموز با یکدیگر بازگومی کردند. و همه آنها از وضع مشابهی سخن می گفتند. در ضمن این گفتگوها یکی از خلبانها ابراز کرد که من خیال می کنم ما از فلوریدا دور شده ایم و به سوی مکزیک می رویم. چارلز تایلور پیشنهاد کرد که همگی ۱۸۰ درجه تغییر مسیر دهند تا شاید در سمت فلوریدا قرار بگیرند. هنگامی که مسیر خود را تغییر دادند به تدریج صدایشان ضعیفتر و ضعیفتر شد تا بکلی قطع شد. آخرین جمله ای که توسط برج مراقبت شنیده شده جمله زیر است:

— ما برفراز آبهای سفیدی قرار گرفته ایم!

ماراه را گم کرده ایم

تنها چیزی که از دست مسئولین برج مراقبت برمی آید، گوش دادن به گفتگوی خلبانها بود، که با دقت به سخنان آنها گوش فرا می دادند و می فهمیدند که آنها به کلی دید خود را از دست داده اند که حتی خورشید را هم نمی بینند. و در یک حالت بهت زدگی، تعجب و شگفت خود را با یکدیگر بازگومی کردند.

از سخنانشان برمی آمد که باد خزان بر بهار زندگی شان وزیده، همه دستگاههای هواپیماها از کار افتاده است.

۷— این تعبیر از زبان کاپیتان «جورج ستایگر» ضبط شده که مسئولین برج مراقبت را مخاطب قرار داده، داد می زند که ما نمی فهمیم کجا هستیم؟ فقط احساس می کنیم که برفراز آبهای سفیدی قرار گرفته ایم. (مجله الکفاح العربی، بتاريخ ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ م.)



## ۵- سرگذشت ۲۴۰ کشتی اکتشافی:

هنگامی که ارتباط ۵ هواپیما با فرودگاه فلوریدا به کلی قطع شد، برای مسئولین فرودگاه مسلم شد که هواپیماها با خطر مرگباری مواجه شده‌اند. از این رهگذر در همانروز یک هواپیمای اکتشافی غول‌پیکر برای ردیابی هواپیماهای ناپدید شده به پرواز درآمد. این هواپیما که گذشته از کاپیتان، ۱۳ ملوان ورزیده و کارآزموده‌ای را هم با خود برده بود چند دقیقه پس از اوج گرفتن با برج مراقبت تماس گرفته چنین گفت:

— من در اوج ۱۸۰۰ متری هستم، اینجا آنچنان باد شدیدی در حال وزیدن است که... و بلافاصله ارتباطش قطع شد. و بدین سان این هواپیما نیز برای همیشه ناپدید شد و به ابدیت پیوست.<sup>۸</sup>

یک روز بعد (۶ دسامبر ۱۹۴۵) بزرگترین عملیات اکتشافی در تاریخ هواپیمائی جهان آغاز گردید تا شاید سرنخی از سرگذشت مرگبارش فرزند هواپیمای آمریکائی به دست آید.

در این عملیات اکتشافی: ۲۴۰ کشتی اقیانوس‌پیما، ۶۷ فروند هواپیما، چهار ناوشکن، ۱۸ قایق نگهبانی مرزهای آبی، و تعداد بیشماری از کشتی‌ها و قایقهای شخصی و صدها هلی کوپتر و هواپیمای شخصی و هزاران دریانورد متعلق به ناوگان دریائی انگلستان و جزایر باهاما، شرکت کردند.

این عملیات اکتشافی که بزرگترین عملیات اکتشافی هوائی دریائی می‌باشد، کوچکترین سرنخی از سرگذشت هواپیماهای ششگانه و سرنوشت کاپیتانهای آنها به دست نیاورد. و هیچ نشانی از اسکلت هواپیماها، یا اجساد سرنشینهای آنها نیافت. و بدون هیچ نتیجه‌ای به عملیات خود پایان داد.<sup>۹</sup>

۸- روزنامهٔ جمهوریت، شمارهٔ ۲۵۰۸

۹- روزنامهٔ جمهوریت، شمارهٔ ۲۵۰۸ چاپ بغداد به تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۷۵

## ۶- سرگذشت جت‌های سوخت‌رسان:

و در سال ۱۹۶۳ دو هواپیمای جت که در آسمان به هواپیماها سوخت می‌رسانید برفراز مثلث برمودا بدون هیچ عامل ظاهری منفجر شدند.<sup>۱۰</sup>

## ۷- سرگذشت ناو‌جنگی اوچکرافت:

در یکی از روزهای دسامبر ۱۹۶۷ ناو‌جنگی اوچکرافت در حالیکه با دوربین مسئولین اسکله میامی دیده می‌شد، در برابر دیدگان آنها در منطقه مثلث برمودا ناپدید گشت و تا کنون هیچ خبری از آن دریافت نشده است.<sup>۱۱</sup>

## ۸- حوادث سال ۱۹۷۵:

در سال ۱۹۷۵ چهار حادثه مهم دریائی در مثلث برمودا روی داد، که تفصیل آنرا خبرگزاریها مخابره کردند و رسانه‌های گروهی خبر آنرا منتشر کردند.<sup>۱۲</sup>

## ۹- حوادث سال ۱۹۷۶:

و در سال ۱۹۷۶ شش حادثه وحشتناک در منطقه مثلث برمودا به وقوع پیوست که در هر یکی دهها نفر قربانی شد و در کام آبهای مثلث فرو رفت.<sup>۱۳</sup>

## ۱۰- آمار رسمی:

حوادثی که در مثلث برمودا روی می‌دهد و در صفحات روزنامه‌ها و در خلال اخبار خبرگزاریها منعکس می‌شود قابل شمارش نیست ولی جالب اینست که بیش از یکصد حادثه مهم هوائی - دریائی در ۳۰ سال گذشته در آمار رسمی کشورها ثبت شده است که از ناپدید شدن بیش از

۱۰- مجله انباء مسکو، ۲۲ اکتبر ۱۹۷۷

۱۱- همان مدرک.

۱۲- مجله انباء مسکو به تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۷۷ م.

۱۳- همان مدرک.

یکصد هواپیما و کشتی در این منطقه اسرارآمیز حکایت می کند. همه این حوادث به صورت مرموزی در مثلث برمودا و در منطقه ای بین جزیره های برمودا و جزیره های پاناما به وقوع پیوسته است و سرنخی از این حوادث به دست پژوهشگران نیفتاده است.<sup>۱۴</sup>

به طوریکه در لابلای رویدادها منعکس بود، این حوادث اختصاص به کشتی ها و هواپیماها نداشت، بلکه در موارد بسیاری کشتیها روی آب رها شده بود ولی سرنشینان آنها به صورت مرموزی ناپدید شده بودند، چنانکه برخی از مجلات علمی به آن تصریح کرده اند:

«حقیقت امر اینست که مسئله ناپدید شدن اختصاص به کشتی ها و هواپیماها ندارد، بلکه تا کنون ناپدید شدن بیش از هزار نفر تثبیت شده است، و این عدد کوچکی نیست. در ۱۵۰ سال گذشته مثلث اسرارآمیز برمودا صحنه حوادث مرموز فراوانی بوده است که ناپدید شدن صدها کشتی و هواپیما و هزاران تن سرنشین آنها را در این نقطه اعجاب انگیز به نمایش گذاشته است».<sup>۱۵</sup>

### رویدادهای دیگر:

در اینجا خالی از مناسبت نیست به این نکته اشاره کنیم که حوادث پیچیده دیگری در دیگر مناطق جهان روی می دهد که از جهت پیچیدگی و ابهام آمیز بودن با حوادث مثلث برمودا کاملاً شبیه است با این تفاوت که این حوادث در مثلث برمودا هرچندی یکبار تکرار می شود و در نقاط دیگر جهان در طول قرنهای متمادی یکی دو بار این حوادث روی می دهد. و اینک به چند نمونه از این حوادث اشاره می کنیم:

۱- در فوریه ۱۹۴۸ خبرگزاری های انگلستان و هلند، پیام استمداد کشتی «اورانج میدان» را پخش کردند که در تنگه «مالاگا» در نزدیکی مالزی دچار سانحه شده بود.

این دو خبرگزاری توانستند جمله های زیر را از کشتی یاد شده

۱۴- روزنامه جمهوریت به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ به نقل از مجله «علم و زندگی» شوروی.

۱۵- مجله الف باء به تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۸

دریافت کنند که می گفت:

— کاپیتان و همه افسران دریائی مردند و من تنها کسی هستم که  
از سرنشینهای کشتی زنده‌ام!

بعداً ارتباط قطع شد و پس از برقراری مجدد تماس، این جمله را  
دریافت کردند که می گوید:

— آه، منم دارم می میرم!

سپس ارتباط به کلی قطع شد. و چندین اکیپ نجات به محل  
حادثه رهسپار شدند، که دیگر دیر شده بود و همه سرنشینان به صورت  
مرموزی برجای خود خشک شده بودند و چهره‌های بهت‌انگیز آنها هر  
تماشاگری را به وحشت و حیرت می انداخت.

کاپیتان، افسران و همه سرنشینان، از جمله یک سگ که در  
کشتی بود جان خود را از دست داده بودند، در حالیکه کوچکترین نشانی  
از نیروی مهاجم، مسمومیت و جز آن دیده نمی شد. و اینکه چرا و چگونه  
جان سپرده‌اند؟ پرسشی بود که کسی پاسخ آنرا نداد و این صحنه غم‌انگیز  
نیز این سان پایان یافت.<sup>۱</sup>

البته این حادثه در مثلث برمودا واقع نشده، بلکه در یک منطقه  
بسیار دوردستی، در میان جزایر فیلیپین و اندونزی روی داده است.

۲— در یکی از روزهای دسامبر ۱۹۵۵ کشتی مسافربری  
«جایت» که با مدرنترین دستگاهها مجهز بود و «توماس میلر» ناخدای با  
تجربه معروف آنرا هدایت می کرد با بیست سرنشین از ایتالیا عازم برخی  
از جزایر دریای اژه بود. فاصله نقطه مبدا و مقصد ۲۵۰ میل بود.

ناخدا میلر منطقه را به خوبی می شناخت و پیش‌بینی می کرد که  
در ظرف دو روز به مقصد برسد. و کسی در آن تردید نداشت.

هوا بسیار خوب بود و دریا کاملاً آرام بود ولی کشتی هرگز به  
مقصد نرسید.

چندین کشتی و هواپیما در عملیات اکتشافی شرکت کردند و بعد

از ۳۸ روز، کشتی را در نزدیکی جزیره «فیجی» یافتند.

در گزارش «روبرت جیمس» چنین آمده است:

— ما تمام اجزاء کشتی را پیدا کردیم، ولی کوچکترین اثر و نشانی از اجساد سرنشینان به دست نیاوردیم. قایق‌های نجات و مواد غذایی در جای خود می‌باشد و کوچکترین دلیلی بر حمله و تهاجم و درگیری و اعمال زور به چشم نمی‌خورد.

به نظر می‌رسد که کشتی شبانه راه افتاده، و هیچگونه دومی بر سر راهش نبوده، و تمام برنامه‌ها دلخواه بوده است... همه دستگاہها از کار افتاده و ساعت الکتریکی در سر ساعت ۱۰ از کار افتاده است.

سالونها کاملاً مرتب و منظم است و هیچ بی‌سروسامانی که علامت درگیری و تهاجم باشد، دیده نمی‌شود.

تاکنون کسی از سرگذشت آن کشتی، و سرنوشت ناخدا میلرو

دیگر سرنشینان آن چیزی نمی‌داند.<sup>۲</sup>

۳— در همانسال داستان مشابهی برسر کشتی «کایاماروه» آمد.

داستان از این قرار بود که در سال ۱۹۵۵م. دولت ژاپن متوجه شد که در جنوب شرقی کشور منطقه خطرناکی هست که دهها کشتی در آنجا ناپدید شده، و هواپیماهایی به هنگام پرواز از روی آن منطقه ناپدید شده است.

دولت ژاپن ناگزیر شد آن منطقه را برای کشتیرانی، خطرناک

اعلام کند و از رفت و آمد کشتیها در آن منطقه جلوگیری به عمل آورد.

دولت ژاپن یک اکیپ علمی با کشتی «کایاماروه» به منطقه

فرستاد تا به تحقیقات علمی پردازند و راز ناپدید شدن کشتیها را باز یابند.

دانشمندان جهت پژوهش علمی رهسپار منطقه شدند و دیگر

برنگشتند و تاکنون سرنخی از سرنوشت پژوهشگران به دست نیامده

است.<sup>۳</sup>

۴— در ماه مه ۱۹۶۸ یک ناوشکن آمریکا به نام سکور بیون با ۹۹

۲— روزنامه جمهوری، چاپ بغداد ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ به نقل از مجله «علم و زندگی» شوروی.

۳— روزنامه جمهوری شماره ۲۵۰۸ چاپ بغداد به تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۷۵

سرنشین ناپدید شد و هیچ خبر و اثری از آن به دست نیامد.<sup>۴</sup>

۵- در ژوئیه ۱۹۶۹ دو کشتی رها شده در نزدیکی مجمع‌الجزایر آزور (در شمال اقیانوس اطلس) کشف شد که قایقهای نجات، مواد غذایی و منبع آب آشامیدنی کاملاً سالم بود و از سرگذشت کشتی و سرنوشت سرنشینهای آنها خبری نبود.<sup>۵</sup>

۶- در سال ۱۹۷۰ یک هواپیمای باربری شوروی در حالیکه به زلزله‌زدگان پرو (در آمریکای جنوبی) اعانه می‌برد، ناپدید شد و خبری از آن به دست نیامد. آخرین تماسی که این هواپیما با بی‌سیم انجام داده بود، در منطقه گرینلند (گروئنلند) در شمال اقیانوس اطلس بود.<sup>۶</sup>

۷- نفتکش «بیرجی ایسترا» نیز دقیقاً به همین سرنوشت دچار شد. این نفتکش در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۵ از بندر توبارو در برزیل، عازم «کیمستو» در خلیج توکیو شد.

محموله این کشتی آهن خام بود که ارزش آنرا ۹ میلیون دینار عراقی تخمین می‌زنند.

تعداد ۳۲ نفر ملوان با این کشتی به راه افتادند.

مقرر بود که این کشتی در مدت ۳۷ روز این مسیر را بپیماید و در پنجم ژانویه ۱۹۷۶ به مقصد برسد. ولی این کشتی، هرگز به مقصد نرسید. و پس از تلاش فراوان سرنخی از سرگذشت آن و سرنوشت سرنشینان آن به دست نیامد.<sup>۷</sup>

### سرگذشتی جالب:

پنج سال پیش در روز ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷ داستان جالبی اتفاق افتاد که همه خبرگزاریهای مهم جهان آنرا در همانروز نقل کردند.<sup>۱</sup>

۴- همان مدرک.

۵- روزنامه جمهوریت شماره ۲۸۲۸ به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶

۶- همان مدرک.

۷- مجله الف‌باء چاپ ۳۱ مه ۱۹۷۸

۱- روزنامه جمهوریت چاپ بغداد ۲۹ دسامبر ۱۹۷۷

این داستان یکی از پیچیده‌ترین حوادث مثلث برمودا است. در این حادثه نزدیک بود که هواپیمای دی. سی. ۸ به سرنوشت مرگباری دچار شود که در آخرین لحظات سقوط مورد عفو قرار گرفت. سرنشینان این هواپیما از چند قدمی مرگ برگشتند و چیزی نمانده بود که در کام حوادث فرو بروند و به قربانیان مثلث برمودا بپیوندند.

مشروح داستان این هواپیما را از زبان جراید می‌شنویم:

در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷ یک فروند هواپیمای دی. سی. ۸ متعلق به شرکت هواپیمائی «برانیف ایرلین» از نیویورک به مقصد پاناما به پرواز درآمد. و مقرر بود که این مسیر را در مدت دو ساعت بپیماید.

هواپیما به جزایر پاناما نزدیک می‌شد، و جزیره‌های پاناما در زیر

بالهای هواپیما خودنمایی می‌کرد، که ناگهان حادثه‌ای روی داد!

نخست هواپیما تکان مختصری خورد و سپس اوج گرفت و در

نهایت اوج خود، فرفره‌وار به دور خود چرخید و سپس راه افتاد. سرنشینان

هواپیما به شدت احساس وحشت کردند، زمین و زمان در دیده‌هایشان تیره

و تار شد. و در حالیکه دودستی بر صندلیهای خود چنگ زده بودند از

یکدیگر می‌پرسیدند: چه شده؟

گفتگوهائی که در میان مسافران رد و بدل می‌شد حاکی از ترس

و وحشت صرف نبود، بلکه از یک نوع بهت‌زدگی حکایت می‌کرد.

آنگاه هواپیما در زیر آسمان صاف کبودرنگ به پرواز خود ادامه

داد و در کابین کاپیتان تمام دستگاهها به خوبی کار می‌کرد و هرگز

عقر به‌ای در برابر او علامت خطر را نشان نمی‌داد. و در عین حال باز هم

هواپیما به هدایت کاپیتان اهمیتی نمی‌داد و از فرمانهای او پیروی

نمی‌کرد و تحت فرمان خارجی که اثرش در صفحه‌ی هواپیما منعکس نبود به

راه خود ادامه می‌داد! و هر لحظه به سطح اقیانوس نزدیکتر می‌شد... تا

جائیکه مسافران از دریچه‌های کوچک هواپیما امواج اقیانوس را در

نزدیکی خود مشاهده می‌کردند! در لحظاتی که نزدیک بود هواپیما طعمه‌

امواج دریا شود، ناگهان معجزه‌ای شد و هواپیما به طور اعجاز‌آمیزی نجات

یافت و از ۲۰۰ متری سطح اقیانوس به حال عادی بازگشت و تحت فرمان کاپیتان درآمد.

در اثر این فرود خارج ازحد معمول، شماری از مسافران زخم برداشتند.

کاپیتان وقتی که بر هواپیما سیطره یافت خود را در نزدیکی میامی دید و برای ارزیابی وضع هواپیما در فرودگاه میامی فرود آمد. پس از بررسی فراوان کوچکترین نقص فنی در هواپیما نیافتند و هرگز راز آن حوادث را نتوانستند دریابند.

پژوهشگران پس از تلاش فراوان به این نتیجه رسیدند که این رویدادهای عجیب و غریب فقط یک عامل داشته، و آن تجاوز به حریم هوایی «مثلث برمودا» است.<sup>۲</sup>

این حادثه و صدها حادثه اعجاب انگیز و ابهام آمیز دیگری ما را ناگزیر می کند که پرسیم:

— این رویدادها چگونه توجیه می شود؟!!

— چگونه ممکن است چنین حوادثی روی دهد؟!!

— اگر دانش بتواند سرآین حوادث را بازگو کند، آیا می تواند

مرزی تعیین کند که چه افراد و چه هواپیماهایی باید در کام مرگ فرو بروند و چه اشخاصی ممکن است مورد عفو قرار بگیرند؟!!

— چگونه است که اسناد غیربهادار و دستگاہهای جهت یابی از

این کشتیها گرفته می شود ولی به طلاجات و جواهرات آنها رغبتی ابراز نمی شود؟!!

— آیا در این منطقه یک قدرت تصمیم گیرنده است که در مورد

افرادیکه در صدد عملیات اکتشافی برمی آیند و به حریم آبی و فضائی آن تجاوز می کنند حکم جلب و اعدام صادر می شود و افرادی که ندانسته به

حریم آن وارد شوند پس از یک تنبیه مختصر مورد عفو قرار می گیرند؟!!

— آیا این نیروی تصمیم گیرنده، همان قوانین طبیعت چون جاذبه



نیرومند و نیروی مغناطیسی استثنائی است - آنچنانکه برخی از دانشمندان می‌پندارند - یا یک نیروی غیبی است که در این منطقه اقامت دارد و به احدی اجازه نمی‌دهد که قدم در حریم آبی و هوایی آن بگذارد!؟

- و آیا ممکن است میان رویدادهای این منطقه و بشقابهای پرنده ارتباطی باشد، که دهها بار رفت و آمد بشقابها به مثلث برمودا در گزارشهای رسانه‌های گروهی آمده است!؟

حقیقت امر را جز خدا کسی نمی‌داند و گرنه پژوهشگرانی که در زمینه رویدادهای مثلث برمودا دهها سال مطالعه کرده‌اند، سرانجام بدون به دست آوردن نتیجه مورد اطمینانی از تحقیق دست کشیده‌اند و هرگز نتوانسته‌اند تئوری قابل اعتمادی ابراز نمایند.

در اینجا مناسب است که تئوریهای ابراز شده دانشمندان را نقل کنیم تا خواننده را در جریان نظریات ابراز شده قرار بدهیم.

ماهرگز بعید نمی‌شماریم که روزی دانش به شناخت سبب حقیقی این رویدادها موفق شود و راز واقعی آنها را دریابد.

چنانکه بعید نمی‌دانیم که روزی دانش به مطالبی برسد که امروز آنها را مسخره می‌کند، مثلاً به این نتیجه برسد که یک نیروی الهی در منطقه اقامت دارد! زیرا بسیار شده که دانشمندان مادی مطالبی را سالهای متمادی مورد استهزاء قرار داده‌اند و سپس مسلم شده و خود استهزاء کنندگانها به آن اعتراف کرده‌اند، از قبیل: تنویم مغناطیسی و احضار ارواح و گفتگو با ارواح (تلپاتی).

این گفتار ما به این معنی نیست که ما یقین داشته باشیم که رویدادهای مثلث برمودا از یک نیروی غیبی ناشی می‌شود، بلکه هیچ بعید نیست که همه این حوادث معلول یک سلسله قوانین طبیعی باشد که آفریدگار جهان در این نقطه از جهان به ودیعت نهاده باشد.

### دانشمندان و مثلث برمودا

رویدادهای مثلث برمودا به عنوان یک سلسله حوادث پیچیده

فضائی به دانشمندان متخصص این فن عرضه شد که شاید بتوانند راه حلی برای تکرار نشدن این حوادث پیدا کنند، زیرا این حوادث یکی از زیانبارترین حوادث دریائی و هوائی است که از این رهگذر به زندگی هزاران خلبان، ملوان، خدمه و مسافر خاتمه داده شده و صدها کشتی، هواپیما، زیردریائی، ناوگان و ناوشکن در این حوادث ناپدید شده اند.

نتیجه پژوهش هزاران پژوهشگر این شد که تعدادی فرضیه و تئوری غیرقابل اعتماد که احیاناً با یکدیگر نیز تضاد داشتند، عرضه شد که این تئوریه‌ها هرگز مشکلی را حل نکرد.

عقیم ماندن پژوهش دانشمندان موجب شد که ابرقدرتها در صدد حل مشکل برآیند و مسئله را از ابعاد گسترده تری مورد مطالعه قرار دهند تا شاید راز این همه حوادث مرگبار گشوده شود.

آمریکا و شوروی پس از جلسات مشترک فراوانی که با کارشناسان فنی دو کشور برگزار کردند، پروژه‌ای به نام «پروژه بولیمود» تنظیم کردند تا این مشکل را حل کند.

### پروژه بولیمود:

داستان تأسیس پروژه بولیمود را مجله «بارالیلی» چاپ بلغارستان در تحت عنوان «افسانه‌های مثلث برمودا» چنین می نویسد:

دو کشور آمریکا و شوروی تصمیم گرفتند که تلاشهای خود را در راه حل مشکلات مثلث برمودا هماهنگ کنند و با تشریک مساعی و سرمایه گذاری مشترک، نیروهای مادی و معنوی خود را یکجا بسیج کنند تا شاید این مشکل گشوده شود.

در نخستین روزهای تأسیس این پروژه مشترک نخستین اکیپ پژوهشی با کشتی «ویکتور بوغایف» از بندر «هالیفاکس کندی»<sup>۱</sup> به سوی جزایر برمودا به راه افتادند. در این پروژه قرار است چهار کشتی شوروی و پنج کشتی آمریکا تشریک مساعی کنند. و این پژوهش علمی تا پایان سال ۱۹۷۸ ادامه خواهد داشت. (یعنی: به مدت یکسال و نیم).

۱- هالیفاکس، پایتخت ایالت «نوو اسکوتیا» از ایالت‌های کانادا می باشد. (مترجم)

این برنامه جزء یک پروژه گسترده ایست که به «پروژه بولیمود» نامیده شده و اساس آن بر مبنای مطالعات صدها دانشمند از دهها کشور جهان در مورد حوادث مثلث برمودا پی ریزی شده، و هم اکنون از طرف دو دولت آمریکا و شوروی در دست اجرا می باشد.

در این پروژه علمی در مورد مسائل زیر بحث و تحقیق خواهد شد: رویدادهای اقیانوسی، گردابهای دریائی، امواج دریائی، جاذبه و مغناطیس، حوادث جوی، چاههای هوائی، و دیگر مسائل هوائی - دریائی.

مجله بلغاری می افزاید:

نظیر این تعاون و همکاری پیشتر میان آمریکا، کانادا، و انگلستان در پروژه ماگنیت برای مطالعه مغناطیس استثنائی در مثلث برمودا عملی بود.

سپس روزنامه بلغاری اظهار امیدواری می کند که همکاری صمیمانه دو ابرقدرت در پروژه بولیمود بتواند راهگشای مشکلات مثلث برمودا باشد.

سپس توضیح می دهد که کشتی و یکتور بوغایف که با مدرنترین دستگاههای الکترونیکی مجهز است، یکسال تمام در یکی از زاویه های مثلث برمودا مستقر خواهد شد که تمام حرکتها و فعل و انفعالات منطقه را زیر نظر بگیرد و دیگر کشتی ها به پژوهش در پیرامون مسائل دیگر خواهد پرداخت.<sup>۲</sup>

**یک نظر سخیف:**

در برابر تلاشهای پی گیری که پژوهشگران کشورهای بزرگ جهان با همکاری یکدیگر برای کشف علمی رازهای مثلث برمودا آغاز کرده اند، تعدادی از دست به قلمها که هرگز حاضر نمی شوند هیچ مطلبی را در رابطه با ماوراءطبیعت بپذیرند و می کوشند که همه مسائل را با فورمولهای مادی توجیه کنند و تمام مسائل خارق عادت را از ریشه و

<sup>۲</sup> مجله الفكر الجدید چاپ بغداد شماره اوت ۱۹۷۷ به نقل از مجله بارالیلی بلغارستان.

بن انکار می کنند، در مورد مثلث برمودا نیز طبق شیوه معمول راه انکار را پیش گرفته اند.

لئونید برایکونسکی، نویسنده روسی تمام اخبار و گزارشهای مربوط به ناپدید شدن کشتی ها و هواپیماها را بر فراز مثلث برمودا، پیشگویی دروغ خواند. جالبتر اینکه آنها را ساخته و پرداخته روزنامه های سرمایه داری دانسته است.<sup>۳</sup>

یک دانشمند کانادائی نیز به نام «دافید کوش» کتابی در پیرامون اسرار مثلث برمودا نوشته است که تمام رویدادهای مثلث برمودا را خرافات خوانده، ناپدید شدن کشتیها و هواپیماها را در اثر کثرت ترافیک آنها دانسته است. او می گوید: چون در این منطقه رفت و آمد زیاد است، طبعاً حوادث نیز زیاد خواهد بود.

مجله بلغاری بارالیلی این نظریه را رد کرده می نویسد: شماره هواپیماهای ناپدید شده در آسمان مثلث، و کشتی های مفقود شده در مثلث برمودا به قدری زیاد است که هرگز شخص عاقلی نمی تواند ناپدید شدن هزاران هواپیما و کشتی را در منطقه محدودی یک امر طبیعی، و معلول سنگینی ترافیک منطقه بداند.<sup>۴</sup>

به گفته رسانه های گروهی، دافید کوش به برخی از اسناد سست پایه آمریکا استناد می کند که براساس آنها باید راز حوادث مثلث برمودا در انقلابات جوی منطقه دانست، زیرا در این منطقه گاهی گردبادهائی می وزد که در ظرف ۱۰ دقیقه همه چیز را در کام خود فرو می برد.<sup>۵</sup>

اگر واقعاً مسئله به این سادگی باشد که این دو دانشمند روسی و کانادائی می پندارند، پس چرا هزاران نفر از پژوهشگران سراسر جهان عمری را در تحقیق از مسائل این منطقه تباه کرده اند و در پایان به شکست

۳- روزنامه العراق، شماره ۲۴۰ به تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۷۶ به نقل از روزنامهها پراودا چاپ شوروی

۴- خبرگزاری جهانی مطبوعات، چاپ پاریس، شماره ۵۵۷ به تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۸

۵- الکفرالجدید، شماره اوت ۱۹۷۷ به نقل از مجله بلغاری.

خود در گشودن این راز اعتراف کرده‌اند؟ و چرا دولتهائی چون آمریکا و شوروی میلیاردها دلار از بودجه کشور را به تحقیق در این زمینه اختصاص داده‌اند؟ و پروژه‌هائی چون «بولیمود» و «ماگنیت» را بنیان گذاشته‌اند؟!

## تئوریهای دیگر:

در برابر این نظر سخیف، تئوریهای دیگری است که مسئله را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار داده، در راه حل مشکل کوشیده‌اند و تئوریهائی برای گشودن این راز ابراز نموده‌اند:

برخی از پژوهشگران بین حوادث مثلث برمودا و بشقابهای پرنده ارتباطی قائل شده‌اند.

بعضی دیگر شکل مثلث را در پدید آمدن این حوادث مؤثر دانسته‌اند.

برخی دیگر این حوادث را مربوط به اشعه‌هائی می‌دانند که از شهر خیالی اطلنطید<sup>۱</sup> برمی‌خیزد و موجب بروز این حوادث می‌شود.

و برخی دیگر آنها را معلول هرمهائی می‌دانند که چون اهرام مصر در زیر آب وجود دارد و موجب این رویدادها می‌شوند.

اینک هر یک از این تئوریه‌ها را با کمی شرح به خوانندگان گرامی تقدیم می‌نمائیم:

### ۱- برمودا و بشقابهای پرنده:

مجله بارالیلی چاپ بلغارستان در مقاله‌ای تحت عنوان «معمای مثلث برمودا» می‌نویسد: برخی از دانشمندان اصرار دارند بر اینکه در منطقه مثلث برمودا، بشقابهای پرنده به کثرت در رفت و آمد است و این مثلث مرکز این بشقابهاست و به همین جهت هرکشتی و یا هواپیمائی به این منطقه نزدیک می‌شود آنرا نابود می‌سازد تا کسی نتواند از اخبار آنجا مطلع

۱- از نظر میتولوژی، اطلنطید اسم جزیره‌ای بوده در دنیای باستان، در اقیانوس اطلس، در غرب جبل القاروق که در هزاران سال پیش به زیر آب فرورفته است. (مترجم)

شود.<sup>۲</sup>

کسی که این تئوری را ابراز کرده و آنرا اساس تلاشهای خود قرار داده، دانشمند معروف آمریکائی چارلز بیرلتر است که در کتاب خود موسوم به «اسرار مثلث برمودا کشف شد» ادعا کرده است که تمام این حوادث مرگبار را بر سر هواپیماها و کشتیها همین بشقابهای پرنده می آورند.<sup>۳</sup>

این تئوری با اعجاب و استهزاء دانشمندان روبرو شد و همه جا نظریه او را به باد مسخره گرفتند ولی بعداً مطالبی از اقیانوس هند گزارش شد که این نظریه را قوت بخشید، و عجیبی آنرا کاهش داد.

از اقیانوس هند گزارش داده شد که چندین بار اشیاء نورانی در سطح آب دیده شده است که ناخدا ایفانز انگلیسی و متخصص هیدروگرافی، سرعت اشعه هائی را که از قعر دریا صادر می شد و این اشیاء نورانی را به وجود می آورد، محاسبه کرد و آنرا ۱۳۰ کیلومتر در ساعت یافت. و ثابت شد که در مناطقی که اشیاء نورانی دیده می شود آب دریا به شدت به ارتعاش در می آید.

اشیاء نورانی در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۱ در تنگه سیام (تایلند) دیده شده، و در سال ۱۹۶۷ سه بار در همان نقطه دیده شده است.<sup>۴</sup>

مجله علمی «سیانس ای. فی» چاپ فرانسه می نویسد: در ۱۰ سال گذشته ۵۰ بار این اشیاء نورانی در این منطقه دیده شده است.

جالب اینکه در مناطق نزدیک به نقطه دیده شدن اشیاء نورانی کشتیهائی دیده شده که به هیچوجه آثار نقص و شکستی در آن دیده نمی شود ولی تمام سرنشینان آنها به صورت مرموزی به هلاکت رسیده اند.

روزنامه جمهوریت آنرا یک تصادف می نامد! ولی تصادف است یا رابطه ای در کار هست؟ ما نمی دانیم. آنچه می دانیم این است که چندین بار به هنگام دیده شدن اشیاء نورانی، کشتیهائی در آن منطقه به

۲- الفکر الجدید، شماره ماه اوت ۱۹۷۷

۳- مجله الفباء، شماره ۵۰۶ به تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۸

۴- روزنامه جمهوریت شماره ۲۸۲۸ به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶

شکل یاد شده برفراز آب رها شده، کشف شده است.

برنسللی لیبوترترینج در کتاب خود «مهمانان ناشناخته» می نویسد: بشقابهای پرنده در این اواخر بسیار دیده می شود و بهترین مثال آن «مثلث برمودا» است که در آنجا پیش از هر منطقه دیگر دیده شده است.<sup>۵</sup>

وی اضافه می کند که بعد از مثلث برمودا، منطقه دیگری که اشیاء نورانی به کثرت در آن دیده شده، مثلث خطرناک معروف به مثلث شیطان در اقیانوس آرام، و در نزدیکی ژاپن است.

ترینج سپس می نویسد: در تمام مناطق جهان مدخلی برای ورود و خروج بشقابهای پرنده وجود دارد، سپس چند مورد را مثال می آورد، از جمله: دریاچه تی تی کا کا، در میان دو ایالت پرو و بولیوی (از ایالتهای آمریکای جنوبی)، کوه هیمالیا و صحرای غربی.

سپس می نویسد: در تمام این مناطق (که مثلث برمودا در رأس همه آنهاست) اجسام پرنده عجیب و غریبی دیده شده که برخی از آنها بسیار نورانی بوده و برخی دیگر به شکلهای گوناگون، و غیرمأنوس.<sup>۶</sup>

یک دانشمند دیگر به نام «ایفان لی سندرسن» آمریکائی در کتاب خود به نام «اسرار نهفته» تأکید می کند براینکه در همه مواردی که حوادثی چون حوادث مرگبار مثلث برمودا روی داده، اشیاء مجهولی در آن مناطق دیده شده است و این رویدادها بی ارتباط به آن اشیاء نورانی و ابهام آمیز نمی باشد.

## ۲- برمودا و شکل خاص آن:

گروهی از دانشمندان آمریکائی که ایفان لی سندرسن نیز یکی از آنهاست، معتقدند که شکل خاص مثلث برمودا موجب بروز این حوادث است، براساس عکسی که سفینه فضائی «اسکای لاب» از کره زمین برداشته، مثلث برمودا از موقعیت خاصی برخوردار است و به شکل خاصی

۵- مجله الف باء به تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۸

۶- در بخش دوم کتاب در این باره سخن خواهیم گفت.

در فیلم منعکس شده است.

همچنین در موارد دیگری که مشابه این حوادث روی داده است آنها نیز از چنین ویژگی برخوردار هستند. فی المثل مثلث خطرناکی که در نزدیکی ژاپن به مثلث شیطان شهرت یافته است، همین ویژگی را داراست.

مجله «علم و زندگی» چاپ شوروی می نویسد: سندرسن و برخی دیگر از دانشمندان به نقاط مشترک دو مثلث پرداخته، می نویسند: هر دو مثلث در ۳۰ درجه عرض شمالی قرار دارد. و شمار درجه هائی که از طول جغرافیائی اشغال می کنند مشابه یکدیگر است. و هر دو مثلث از نظر موقعیت جغرافیائی نسبت به اقیانوس و خشکی مشابه هستند و در نیمکره شمالی در دو نقطه قرینه یکدیگر قرار دارند.<sup>۱</sup>

روزنامه جمهوریت می افزاید: رویدادهائی که در اقیانوس اطلس و در مناطقی چون آمریکای جنوبی، جنوب آفریقا و استرالیا روی داده است، در مناطقی کاملاً شبیه به یکدیگر واقع شده است. و از اینجا نتیجه می گیرد که در میان اشکال هندسی و این رویدادها رابطه ای هست که باید قوانین فیزیکی آنرا کشف کرد. و اضافه می کند که غالباً این حوادث در مناطقی اتفاق می افتد که جریانهای آبی گرم با جریانهای آبی سرد با یکدیگر ملاقات می کنند.<sup>۲</sup>

### ۳- برمودا و اهرام دریائی:

مجله بلغاری بارالیلی می نویسد: چارلز بیرلتس دانشمند آمریکائی، اصرار دارد بر اینکه هرمهائی در منطقه برمودا در کف اقیانوس مشابه اهرام مصر وجود دارد، و باید یک سفر زیردریائی برای کشف این اهرام و اثبات ارتباط حوادث مثلث با آنها توسط گروهی از دانشمندان انجام شود.

زیرا به طوریکه رادار زیر دریائی ها نشان می دهد هرمی در کف

۱- روزنامه جمهوریت، شماره ۲۸۲۸ چاپ بغداد به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶

۲- همان مدرک.



اقیانوس وجود دارد که ارتفاع آن ۱۲۸ متر و قاعده اش ۱۶۴ متر است و در عمق ۹۰۰ متری از سطح آب قرار دارد. جالب اینکه این هرم از نظر وسعت جغرافیائی کاملاً شبیه هرم خنوپس در مصر است.

خبرگزاری عراق به نقل از خبرگزاری فرانسه نقل کرد که به زودی یک اکیپ علمی (در ماه اوت ۱۹۷۸) به منطقه مثلث برمودا اعزام خواهد شد تا در مورد حوادثی که در سالهای اخیر در این منطقه روی داده و بیش از هزار نفر قربانی داشته، و بیش از صد کشتی و هواپیما در ضمن آن حوادث ناپدید شده است، تحقیق نماید.

این هیئت علمی تحقیقات دامنه داری از جسمی که گفته می شود به شکل هرم در عمق ۳۰۰ پائی وجود دارد به عمل خواهد آورد. در گزارشهای دیگری آمده است که ارتفاع این هرم ۱۵۰ پا و طول قاعده اش ۳۰۰ متر می باشد که به فاصله ۲۰۰ میل در جنوب جزایر باهاما قرار دارد.<sup>۳</sup>

این گروه علمی از دانشمندانی از میامی و مارسیل<sup>۴</sup> تشکیل یافته، تا پیوند احتمالی بین حوادث مثلث برمودا و این هرم را به دست بیاورند. پس از بشقاب پرنده و شکل هندسی مثلث، سومین تئوری همان رابطه حوادث این منطقه با هرم یاد شده است.

### تئوری های علمی:

اکنون که موقعیت جغرافیائی مثلث برمودا را گفتیم و رویدادهای شگفت انگیز و ابهام آمیز منطقه را بیان کردیم و سرگردانی دانشمندان و ناتوانی آنها از حل مشکل، و تئوری برخی از دانشمندان را در این زمینه بازگو کردیم. اینک وقت آن فرا رسیده که تئوریهای علمی دانشمندان را در این زمینه بیاوریم.

تلاش بر این است که مهمترین فرضیه های علمی را از رسانه های گروهی و از کتابهایی که در این زمینه نگارش یافته، به خوانندگان

۳- مجله الف باء شماره ۵۱۳ به تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۸

۴- مارسیل یا مارسی بندر مهمی است در جنوب فرانسه بر کرانه دریای مدیترانه. (مترجم)

گرامی تقدیم کنیم.

منابع ما در این بخش مجلات علمی و روزنامه های کشور است که اسامی آنها در پاورقیهای صفحات گذشته به خواننده گرامی تقدیم شد، که غالباً از مجلات علمی سرتاسر جهان ترجمه شده است.

سبب اینکه ما این ابراز نظرها را به عنوان «تئوری» مطرح می کنیم، اینست که این نظریه ها هنوز جنبه پراتیک پیدا نکرده است، فقط یک سلسله فرضیه هائی است که از طرف دانشمندان ابراز شده و خود دانشمندان نیز ادعا نمی کنند که نظرشان صددرصد حتمی است، بلکه خود معترف هستند که صرفاً یک فرضیه و تئوری است.

همین تعبیر دانشمندان بیانگر این واقعیت است که هنوز حوادث مثلث برمودا در هاله ای از ابهام فرورفته است و همه تلاش پژوهشگران برای کشف ارتباط رویدادهای منطقه با قوانین فیزیکی است.

هر پژوهشگری حوادث مثلث برمودا را از زاویه فن تخصصی خود مورد مطالعه قرار می دهد و به فرضیه ای برخلاف فرضیه دیگران می رسد، چنانکه به هنگام مطالعه تئوریهای این اختلاف نظرها کاملاً مشخص است. و این خود بیانگر ابهام و سرگیجه ایست که هنوز بر دانشمندان و پژوهشگران حاکم است.

و اینک مهمترین تئوریهای علمی:

### ۱- تئوری مغناطیس استثنائی:

برخی از دانشمندان می گویند: در این منطقه نیروی مغناطیسی غیرطبیعی و غیرعادی وجود دارد که می تواند موجب اختلال در دستگاههای کشتیها و هواپیماها باشد و دستگاههای قطب نما و ارتفاع سنج را از کار بیندازد («یلکین»)، از دانشمندان شوروی این تئوری را در روزنامه «الازفستیا» چاپ شوروی ابراز کرده، و این حوادث را به نوسانهای مغناطیسی در منطقه مربوط دانسته است.

اگر این تئوری را بپذیریم، آیا صاحبان تئوری می توانند برای ما توضیح بدهند که چگونه نوسانهای مغناطیسی موجب می شود که برخی

کشتیها به کلی ناپدید می شود و اثری از آن نمی ماند، ولی برخی دیگر پس از مدتی یافت می شود، در برخی همه سرنشینها و کاپیتانها ناپدید می شوند و در برخی دیگر جسد سرنشینها در جای خود خشک شده و به صورت مرموزی از دنیا رفته اند؟!

## ۲- تئوری چاههای هوایی:

برخی از دانشمندان اظهار می دارند براینکه در نتیجه مغناطیس استثنائی و دگرگونی نیروی جاذبه در منطقه مثلث برمودا چاههای هوایی و دریائی در منطقه پدید می آید.

به گفته این دانشمندان نیروی جاذبه در این منطقه از همه مناطق جهان متفاوت است و به همین دلیل چاههای هوایی و دریائی در این منطقه پدید می آید.

هوایماهایی که برفراز مثلث برمودا پرواز می کنند توسط این چاهها مکیده می شوند و به ماوراء جورانده می شوند که دیگر امید بازگشتی برای آنها وجود ندارد.

و کشتی هائی که در این منطقه حرکت می کنند به چاههای دریائی کشانده می شوند و به اعماق اقیانوس فرستاده می شوند.

در این تئوری، این پرسش پیش می آید که: اگر چاههای هوایی و دریائی موجب ناپدید شدن کشتیها و هوایماهاست، پس چگونه است که برخی از کشتیها بدون کوچکترین نقص و عیب، حتی بدون کوچکترین خراشی در منطقه یافت می شوند که سرنشینان آنها به صورت مرموزی، حتی بدون کوچکترین علامت درگیری و تهاجم، ربوده شده اند؟!

مطابق تئوری یادشده، آنچه توسط چاههای دریائی ربوده شود به اعماق اقیانوس رانده می شود و دیگر بر نمی گردد. در حالیکه کشتیهای فراوانی در این منطقه یافت شده که کوچکترین نشانه ای از اینکه به گودال و گردابی برخورد کرده باشد، در میان نیست، ولی همه سرنشینان آنها ربوده شده اند. و یا بدون کوچکترین نشانه ای از نیروی مهاجم بر صندلی های خود مرده اند!

### ۳- تئوری اشعه هسته‌ای:

برخی از دانشمندان معتقدند که در منطقه مثلث برمودا اشعه هسته‌ای وجود دارد، و می‌گویند: این اشعه تأثیری همچون اشعه لیزر دارد. و می‌گویند: هنگامی که آب و هوا صاف باشد، خورشید به کانونی تبدیل می‌شود که اشعه هسته‌ای صادر می‌کند.

هنگامی که این اشعه به سطح اقیانوس رسید، اشعه‌ای برضد آن از آب برمی‌خیزد. وقتی که این اشعه به هواپیما رسید، آنرا آب می‌کند و نابود می‌سازد. و دیگر اثری از آن باقی نمی‌ماند.

لئونید بریخوفسکیخ، رئیس آکادمی علوم شوروی، این تئوری را به باد مسخره گرفته چنین می‌نویسد: برخی از دانشمندانها که «اشعه لیزر» را به خوبی شناخته‌اند، خیال می‌کنند که کشتیها و هواپیماها توسط اشعه لیزر ذوب می‌شوند و از بین می‌روند.<sup>۱</sup>

این تئوری نیز برای توجیه حوادث مرگبار مثلث برمودا کافی نیست. زیرا اگر این اشعه چنین ویژگی‌ای دارد، پس کشتیهای که تحت تأثیر چنین اشعه‌ای سرنشینان خود را از دست داده‌اند چگونه است که حیواناً به صورت سالم و بدون هیچ نقص و عیبی به دست آمده‌اند؟!

### ۴- تئوری امواج مافوق صوت:

آکادمی شولیکین، کاشف امواج مافوق صوت، اثبات کرده است که طوفان‌ها و تندبادها در اثنای وزیدن امواجی از خود پدید می‌آورند که سرعت آنها بیش از سرعت صوت است و در هر ثانیه به ۳۳۰ متر می‌رسد، این سرعت از سرعت خود تندباد هم بیشتر است.

زیست‌شناسان معتقدند که نوع ضعیف این امواج موجب وحشت شدید و بیماری دریائی می‌شود و نوع متوسط آن کوری ناگهانی می‌آورد و نوع شدید آن که به ۷ هیرتر برسد موجب مرگ می‌شود.

برخی از دانشمندان براساس مطالب فوق احتمال داده‌اند که

همین امواج موجب حوادث مرگبار مثلث برمودا باشد. زیرا ممکن است همین امواج موجب از کار افتادن قلب سرنشینها و یا بروز اختلال در عمل شرایین باشد، و یا آنچنان وحشت و دلهره در سرنشینان ایجاد شود که خود عوارض دیگری را به دنبال داشته باشد و آنها را برای فرار از کشتی وادار نماید.

این تئوری نیز همچون تئوریهای گذشته نمی تواند مشکل مثلث برمودا را بگشاید و نتوانسته نظر آکادمی علوم شوروی را به خود جلب کند. لئونید بریخوفسکیخ، رئیس اوقیانوگرافی آکادمی یاد شده، می گوید: پندارهای پوچ کسانی که می گویند اصوات مادون سمع (غیرقابل شنیدن) که امواج دریا به هنگام طوفان صادر می کند، موجب مرگ سرنشینان کشتی است، هرگز نمی تواند با دلیلهای قطعی منطبق باشد.<sup>۲</sup> و ممکن است بپرسیم که اگر این امواج آنچنان وحشت ایجاد کند که از کشتی در صدد فرار برآیند، پس چگونه است که در هیچ حادثه ای حتی مسئول بی سیم از جای خود تکان نخورده است و همه سرنشینان به صندلی خود چسبیده و خشک شده اند.

## ۵- تئوری آبشارهای دریائی:

برخی از مهندسین شوروی معتقدند که عامل این همه حوادث مرگبار مثلث برمودا آبشارهائی است که در اثر برخورد امواج کوه پیکر دریا با برخی از جریانهای دریائی ایجاد می شود، گاهی ارتفاع این آبشارها به چندین کیلومتر می رسد. و این آبشارها کافی است که کشتیهای غول پیکر را در کام خود فرو ببرد.

این تئوری نیز مشکل را حل نمی کند. زیرا اولاً: مشکل هواپیماهای ناپدید شده به قوت خود باقی است. ثانیاً: کشتیهای که بعداً یافت می شود، یا سرنشینهایشان ر بوده شده، و یا در جای خود خشکشان زده است. و توجیهی در این تئوری براین رویدادها وجود ندارد.

## ۶- تئوری شکافتن قعر اقیانوس:

برخی از پژوهشگران گفته اند که کف اقیانوس در این منطقه گاه و بیگاه شکافته می شود و آبهای فراوانی را همراه با کشتیها می بلعد و در کام خود فرو می برد. و حوادث جوی منطقه نیز ممکن است در اثر گردبادهائی باشد که به آن «گردباد مضاد» می گویند.

آکادمی علوم شوروی، این تئوری را نیز به باد مسخره گرفته، چنین می گوید: طراحان این تئوری، آیا نمی دانند که کوچکترین لرزش و حرکتی در هر نقطه ای از قشر زمین پدید آید، از طرف دهها مرکز زلزله سنج قید می شود. و هرگز ممکن نیست چنین رویدادهای مهم در کف اقیانوس به وقوع بپیوندند و در هیچ مرکزی ثبت نشود.

سپس اضافه می کند: تا کنون در هیچ مرکزی لرزش و جنبشی در منطقه برمودا به ثبت نرسیده است، کجا رسد به حوادثی که موجب نابودی اینهمه کشتی شود.<sup>۳</sup>

### چند پرسش:

پس از نقل فشرده تئوریهای ابراز شده، به این نتیجه می رسیم که هیچکدام از تئوریهای یاد شده نمی تواند مشکل مثلث برمودا را حل کند و این حقیقتی است که بسیاری از دانشمندان به آن تصریح می کنند.

از این رهگذر شایسته آنست که دامن سخن فرا چینیم و بیش از این سخن پریشان نگوئیم. تا شاید روزی راز این حوادث آشکار شود و عامل واقعی اینهمه رویدادها روشن گردد.

اینجا مناسب است پرسشهایی را که مجله «علم و زندگی» چاپ شوروی مطرح کرده است، در اینجا نقل کنیم تا نارسائی تئوریهای یاد شده روشنتر گردد:

۱- چرا رویدادهای برمودا در هاله ای از ابهام فرورفته است؟

۲- چرا پژوهشگران از گشودن راز مثلث برمودا ناتوان شده اند؟

۳- چرا پس از اینهمه سرمایه گذاری هنوز سرنخی به دست نیامده است؟

۴- ناپدید شدن سرنشینان کشتیها را چگونه توجیه کنیم؟

۵- چرا تاکنون یکی از این ناخداها به هنگام ترک کشتی تلگراف و تلکسی نزده است؟

۶- اگر حادثه وحشتناکی روی داده است، چرا مسئولین بی سیم از جای خود برنخاسته، و در صدد فرار برنیامده اند؟

۷- اگر کشتیهای ناپدید شده با حوادثی نظیر رعد و برق از بین رفته اند، چرا تاکنون احدی از سرنشینان آنها در صدد استفاده از قایق نجات برنیامده، و خبر و نشانی از چنین رویدادها را نیاورده است؟

۸- اگر هواپیماهای ناپدید شده در اثر سوانح جوی از بین رفته اند چرا تا کنون خلبانی با چتر نجات جان به سلامت نبرده است؟  
اینها پرسشهایی بود که مجله «علم و زندگی» شوروی طرح کرده بود و ما چند پرسش دیگر به آنها می افزائیم:

۹- چرا در کشتیهای یافت شده، فقط دستگاه جهت یابی و اسناد مربوط به کشتی ر بوده شده، و دیگر کالاهای موجود در کشتی سالم مانده است؟ حتی به پول و جواهرات دست برد نشده است؟

۱۰- چرا در کشتیهایی که جسد های سرنشینان به دست آمده، آثار وحشت و اضطراب در چهره های آنها دقیقاً نقش بسته است؟  
۱۱- چرا همگی با مرگ مرموز از بین رفته اند؟

۱۲- در گزارشهایی که برخی از خلبانها به برج مراقبت ارسال کرده اند، تعبیرهایی از قبیل «ما بیچاره شدیم»، «همه مردند» «حادثه مرگبار بر ما روی داد»، «من هم می میرم» و امثال این تعبیرها، چگونه توجیه می شود؟ چرا همگی بمیرند؟ چرا حادثه مرگباری روی دهد؟

علیرغم پیشرفت روزافزون دانش بشری در فرهنگ و تمدن و تکنولوژی، این پرسشها هنوز بی پاسخ مانده، و مثلث برمودا به صورت منطقه غیرقابل نفوذ مانده است. دیگر هیچ هواپیمائی هوس نمی کند که برفراز

این منطقه به پرواز درآید. و هیچ کشتی غول‌پیکری جرأت ندارد که درآبهای گرم و هوای مطبوع این منطقه به حرکت درآید.

و جای هیچ شگفت نیست، زیرا از دریای بیکران دانش جز قطره‌های ناچیز به انسان داده نشده است. و قرآن کریم از چهارده قرن پیش اعلام می‌کند:

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»<sup>۱</sup>.

یادآوری این آیه برای یأس و ناامیدی نیست، بلکه برای توجه به کمبودها و درخواست توفیقات بیشتر در بحث و تحقیق است، که قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد در دعاهای خود چنین بگوید:

«وَقُلْ رَبِّي زِدْنِي عِلْمًا»<sup>۲</sup>.

۱- از دانش به جز بهره‌ای اندک به شما داده نشده است (اسراء: ۸۵).

۲- بگو: پروردگارا من! بردانش من بیفزای (طه: ۱۱۴).



# ۲

## بشقابهای پرنده

- \* نخستین بشقاب پرنده
- \* اقوال دانشمندان
- \* چه کسی این بشقابها را در اختیار دارد

در مدت ۳۲ سال یا بیشتر که نخستین بشقاب پرنده دیده شده، سخن از بشقاب پرنده به پایان نرسیده است.

کسی که برای اولین بار یک شیئی نورانی در اطراف کره زمین دید با تعجب فریاد برآورد: «این بشقاب پرنده را ببینید» و از آن روز این اشیاء نورانی که گاه و بیگاه در افق دیده می شوند، بشقاب پرنده نام یافتند. در اصطلاح دانشمندان نیز به آنها «اشیاء پرنده ناشناخته»<sup>۱</sup> می گویند. این اشیاء شبیه توده هائی از نور است که دیدگان را خیره می سازد. که برخی از آنها شکل یک جسم استوانه ای به خود می گیرد و معمولاً به بزرگی یک جمبوجت دیده می شوند.

قسمت فوقانی این اشیاء نورانی با شعله های سرخ مشتعل به نظر می رسد. و برخی از آنها در هاله ای از نور خیره کننده دیده می شوند.

بشقابهای پرنده در هر نقطه ای دیده شوند، موجب قطع کامل دستگاههای مخابراتی از تلفن و بی سیم می شوند و تا مدتی که از منطقه دور نشده اند، این دستگاهها به هیچوجه درست نمی شوند.

این اشیاء پرنده هنگامی که بخواهند در یک چشم به هم زدن از

منطقه دور می شوند و از دیده ها ناپدید می گردند. و اگر دستگاهی بخواهد به این اشیاء نزدیک شود، نور خود را خاموش کرده، ناپدید می شوند.<sup>۱</sup>  
 براساس آمار و ارقام منتشر شده، سرعت سیر این بشقابها به ۷۰۰۰ کیلومتر در ثانیه می رسد! و از ارتفاع بسیار کم حرکت می کنند. و به شکلهای گوناگون در می آیند.

این اشیاء نورانی قدرت عجیبی به مانور، گردش، صعود عمودی، فرود عمودی، فرورفتن در اعماق دریا، خروج سریع از دریا، ناپدید شدن در فضا، حرکت سریع و آرام دارند.

وقتی این اشیاء ظاهر می شود، گذشته از دستگاههای مخابراتی، وسائل الکترونیکی و عقربه های مغناطیسی نیز از کار می افتند.

این ویژگیها که در بشقاب پرنده مشاهده می شود، مسائلی است که دنیای دانش و صنعت، با اینهمه پیشرفت سریع در تکنولوژی به آن راه نیافته است.<sup>۲</sup>

داستان بشقابهای پرنده، هنگامی که برای اولین بار به گوش کسی می رسد، برای او باور نکردنی می نماید. و معمولاً آنرا به باد مسخره می گیرد.

برخی این داستانها را خیال باطل، خرافات، دیوانگی، ساخته و پرداخته سینماهای غرب، توطئه جهان سرمایه داری برای گول زدن جهان سوم و... می نامند.

ولی واقعیت غیر از آن است. اینها خیال نیست واقعیت است.

البرت اینشتاین (اینشتن) مغز متفکر عصر و مشهورترین فیزیکدان

قرن و صاحب نظریه نسبیت، چنین می نویسد:

«بشقابهای پرنده بدون تردید وجود دارند... گروهی که

بشقابهای پرنده را در دست دارند، یک تیره از انسان خاکی هستند که بیست

۱- مجله الوطن العربی، شماره ۹۳ به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸

۲- مجله الف باء شماره ۵۰۳ به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۷۸

هزار سال پیش کره زمین را ترک گفته اند.»<sup>۳</sup>

جان کوکتو، عضو مجمع علمی فرانسوی می گوید: تردید در مورد بشقابهای پرنده را هرگز نتوان پذیرفت.<sup>۴</sup>

هیрман ادبرت، متخصص موشک، می گوید: من معتقدم که در فضا مخلوقاتی هستند که از هوش و نبوغ خارق العاده ای برخوردارند و بشقابهای پرنده را برای مراقبت از اوضاع ما به کره زمین می فرستند.<sup>۵</sup>

استاد مصطفی محمود در مقاله ای که تحت عنوان «دَجَال با بشقاب پرنده می آید»، نوشته است، اظهار می دارد بر اینکه: وجود اشیاء نورانی که گاهی در فضا ظاهر می شود و ناپدید می شود، با تواتر به ما رسیده است و هرگز نتوان در این باره تردید کرد. این همان تواتری است که روایات پیامبر اکرم (ص) نیز به وسیله آن به ما رسیده است. اگر در اینجا تردید کنیم، در آنجا هم چنین تردیدی جایز خواهد بود.<sup>۶</sup>

از فرازهای بالا در می آید که داستان بشقابهای پرنده، افسانه نیست، بلکه کاملاً جدی است. اما تردیدهایی که از طرف توده مردم ابراز می شود آنهم طبیعی است. چون هر چیزی که در یک منطقه برای نخستین بار مطرح شود، یک سلسله شک و تردید را همراه خواهد داشت. سرخپوستان هند هنگامی که برای نخستین بار تفنگ را دیدند به انکار برخواستند و آنرا نوعی سحر پنداشتند. و زنجی ها و قتیکه هواپیماها را مشاهده کردند، هرگز باور نمی کردند که یک جسم غول پیکری بتواند در فضا پرواز کند و شکی نداشتند در اینکه یک نوع سحر و جادو به کار رفته است.

ما نیز که از درک حقیقت بشقابهای پرنده ناتوان هستیم آنرا با تردید و انکار تلقی می کنیم.

دانیل روبس، عضو مجمع علمی فرانسوی می نویسد:

۳- مجله الاسوع العربی، شماره ۱۰۰۷ به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۷۹

۴ و ۵- همان مدرک.

۶- مجله صباح الخیر، شماره ۱۱۹۶ به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸

برای ما مردم قرن بیستم، در برابر بشقابهای پرنده، همان حالت روانی دست می دهد، که برای سرخپوستان هند به هنگام دیدن تفنگها، و برای زنجی ها به هنگام دیدن هواپیماها دست می داد.

ولی ما، چرا با شک و تردید با این مسئله روبرو می شویم؟ چرا نگوئیم که در یک سیاره دیگر تمدن برتر و موجودات عالیتتری هست که از نظر دانش و فرهنگ هزاران سال از ما پیشرفته تر هستند و همه اسرار پیچیده اتم را دریافته اند.<sup>۷</sup>

برای اثبات جدی بودن مسئله «بشقابهای پرنده» برخورد جدی «سازمان ملل متحد» با این قضیه کافی است.

سازمان ملل متحد سه سال پیش از همه اعضای خود خواست که مؤسسه های مجهزی در کشورهای خود برای ثبت و ضبط دقیق مسائل مربوط به بشقابهای پرنده تأسیس کنند تا اگر بشقابی به کشور آنها نزدیک شود، تمام حرکات آن از طرف مؤسسه یاد شده قید شود و مرکز ثابتی هم تأسیس شود که تابع سازمان ملل باشد، و معلومات ثبت شده در هر کشوری به این مرکز گزارش داده شود. تا شاید بتوانند از ابهام و پیچیدگی مسائل مربوط به بشقابهای پرنده بکاهند.<sup>۸</sup>

روی این بیان، داستان بشقابهای پرنده، افسانه نیست بلکه حقیقت ناشناخته ایست که محافل علمی جهان وجودش را می پذیرد و در راه کشف حقیقتش گام می سپارد. و روزنامه های کثیرالانتشاری که اعتبار جهانی دارند و در پژوهشهای علمی مورد اعتماد پژوهشگران می باشند، بحثهای علمی فراوانی در این زمینه منتشر کرده، راه تردید را به روی همگان بسته اند. آکادمی علمی فرانسه و دیگر مجامع علمی اروپا به آنها «اشیاء پرنده ناشناخته» نام نهاده اند.

واژه «بشقاب پرنده» از مرز رسانه های گروهی گذشته، در دائرةالمعارفهای مهم دنیا جایی برای خود اختصاص داده است.

۷- مجله الاسبوع العربی، شماره ۱۰۰۷ به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۷۹

۸- مجله الصیاد، شماره ۱۷۸۶ به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۷۹

دائرة المعارف معروف بریتانیا، فصلی را به بشقابهای پرنده اختصاص داده، بحث نسبتاً مشروحی در این باره انجام داده، می نویسد: «اجسام پرنده ناشناخته را می توانیم چنین تعریف کنیم: آنها اجسامی هستند که در فضا و یا برفراز زمین دیده می شوند، و در رادارها مشاهده می شوند ولی قوانین کشف شده امروزی از تفسیر آنها ناتوان است».<sup>۹</sup>

داستان بشقابهای پرنده، در دانشگاهها، آزمایشگاهها، آکادمی ها، کامپیوترها و دیگر ابعاد زندگی علمی شرق و غرب راه یافته، ورشته ای از علوم برای کشف حقیقت آن به نام «یوفولوژی» به وجود آمده است.

واژه «یوفو» علامت اختصاری سه کلمه «اجسام پرنده ناشناخته» می باشد، که از حروف اول سه کلمه یاد شده ترکیب یافته است.<sup>۱۰</sup>

از کلمه «یوفو» واژه های دیگری ساخته شده، از جمله «یوفولوژی» به معنای: علمی که از اشیاء پرنده ناشناخته بحث می کند. و «یوفولوژیست» به معنای: کسی که متخصص در علم یاد شده می باشد.

اینک ببینیم سرگذشت بشقابهای پرنده چیست؟ و تاکنون چندبار دیده شده است؟

### داستان بشقابهای پرنده:

پیش از آنکه داستان بشقابهای پرنده و چگونگی دیده شدن آنها را بررسی کنیم، اشاره کوتاهی به شماره بشقابهای دیده شده می کنیم: تاکنون بیش از سه میلیون بار گزارش مشاهده اشیا نوری در آمارهای رسمی و غیررسمی آمده است.

این گزارشها اثبات نمی کنند که همه تعداد فوق مربوط به بشقابهای پرنده بوده است. و اثبات نمی کند که همه مشاهدات راست

۹- مجله الکفاح العربی، شماره ۲۳ به تاریخ ۲۰ الی ۲۶ نوامبر ۱۹۷۸

۱۰- واژه «یوفو» از سه حرف U.F.O تشکیل شده که حرف U علامت اختصاری

UNIDENTIED به معنای ناشناخته و مجهول الهویه، و F علامت اختصاری FLYING به

معنای پرواز کننده، و O علامت اختصاری OBJECTS به معنای اشیاء و موجودات است و در

نتیجه «یوفو» به معنای «اشیاء پرنده ناشناخته» خواهد بود (مترجم)

بوده است. بلکه پژوهشهای علمی ثابت می کند که در موارد فراوانی اشتباه روی داده است. یکی از این پژوهشها مربوط به وزارت دفاع بریتانیاست که ۱۶۳۱ فقره مشاهده اشياء نورانی را مورد تحقیق قرار داده به نتایج زیر رسیده است:

۷۵۰ فقره مربوط به موشکهای هدایت شونده بوده است.

۲۰۰ فقره مربوط به سفینه های فضائی و قمرهای مصنوعی بوده

است.

۱۰۰ فقره مربوط به بالونهای هسته های فضائی بوده است.

۱۷۰ فقره مربوط به ستاره های عادی بوده است.<sup>۱</sup>

از این آمار نتیجه می گیریم که از ۱۶۳۱ فقره مشاهده اشياء

نورانی ۱۳۲۰ فقره اش مربوط به بشقابهای پرنده نبوده است. فقط ۳۱۱ مورد بوده که وزارت دفاع بریتانیا نتوانسته آنها را توجیه کند.

روی این بیان، مواردی که مشاهده اشياء نورانی ادعا می شود، دو

نوع است، یک نوع از آنها حقیقت دارد و آمار رسمی مراکز علمی جهان

آنها گزارش می دهد. و نوع دیگر مواردی است که به عللی امر بر ادعا

کننده مشتبه شده، شهاب، ستاره، و یا هر شیئی نورانی را به صورت غیر

عادی پنداشته و به عنوان مشاهده بشقاب پرنده ادعا کرده است.

از موارد غیر قابل تردید، یکی موردی است که آنرا پرفسور هانیک،

استاد آسترونومی در دانشگاه نورثوسترن آمریکا، تأیید کرده است. پرفسور

هانیک، یوفولوژیست معروفی است که او را «گالیله یوفولوژی» نامند.<sup>۲</sup> و

همچنین پرفسور هارد استاد دانشگاه کالیفورنیا نیز آنها را تأیید کرده است.

روزنامه نگار معروف «رونالد شیلر» از پرفسور هانیک و پرفسور

هارد پرسید: در مورد هزاران گزارشی که از دیده شدن بشقابهای پرنده

رسیده است، به نظر شما کدامیک تشکیک ناپذیر است؟ آنها چند مورد را

به عنوان مثالهای قطعی و تردید ناپذیر بیان کردند که یکی از آنها داستان

۱- به نقل از رادیو لندن، روز پنجشنبه ۸ فوریه ۱۹۷۹

۲- مجلة البقظه شماره ۵۵۸ چاپ کویت به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۷۸

زیر است:

روز هشتم اکتبر ۱۹۷۳ گروهی از خلبانهای ورزیده آمریکائی با یک هلیکوپتر نظامی در ارتفاع ۲۵۰۰ پایی در هوای روشن و صافی در پرواز بودند که ناگهان یک شیئی نورانی در برابر دیدگانشان پدید آمد که با سرعت وحشتناکی به سوی آنها در حرکت بود.

کاپیتان لورنس کوین، برای اینکه با این جسم برخورد نکند، یکمرتبه پائین آمد و در ارتفاع کمتر از ۱۷۰۰ پایی به پرواز خود ادامه داد. وقتی خلبانها به بالای سرشان نگاه کردند، دیدند آن جسم نورانی به فاصله ۵۰۰ پا در وسط آسمان ایستاده است.

کاپیتان کوین می گوید: این جسم از یک ماده معدنی قرمز ساخته شده، و طول آن بین ۵۰ الی ۶۰ قدم بود. قسمت عقب این جسم دنباله ای از نور خیره کننده داشت که از آن فاصله کابین هلیکوپتر را غرق در نور ساخته بود.

کوین می گوید: پس از اینکه در حدود یک دقیقه بالای سر ما ایستاده بود، یکمرتبه با سرعت سرسام آوری از ما دور شد. ولی کوچکترین صدائی از آن شنیده نمی شد.

کاپیتان کوین می افزاید: هنگامی که آن شیئی نورانی از ما دور می شد یک مرتبه متوجه شدم که عقربه ارتفاع سنج ۳۵۰۰ پایی را نشان می دهد، در حالیکه یک لحظه پیش ۱۷۰۰ را نشان می داد و من دستی به دستگاههای اوج گیری نزده بودم، بلکه برای گریختن از آن جسم من هنوز در صدد فرود بودم!

مجله «الوطن العربی» اضافه می کند که در مدت دیده شدن آن جسم نورانی، رادیو از کار افتاده بود!

مجله «الکفاح العربی» می پرسد: آیا به هنگام مشاهده آن جسم نورانی چه عاملی باعث شده که هلیکوپتر علیرغم فرودش به سوی آن جسم کشیده شود؟ آیا هلیکوپتر در حومه مغناطیسی آن جسم قرار گرفته است؟ احدی پاسخ آنرا نمی داند!



این یک نمونه از داستانهای تردید ناپذیر بشقابهای پرنده بود. در اینجا نمونه‌های دیگری هست که خود دانشمندان یوفولوژیست به چشم خود دیده‌اند، مانند فیلیپ کلاس، ستاره‌شناس و یوفولوژیست معروف و امثال او.<sup>۳</sup>

### نخستین بشقاب پرنده:

در مورد اینکه چه کسی و در چه تاریخی برای نخستین بار بشقاب پرنده را دیده است؟ مورد اختلاف است. برخی معتقدند که «کنیث آرنولد» نخستین کسی است که در حدود ۳۵ سال پیش بشقاب پرنده را دیده است.<sup>۴</sup> و بعضی‌ها نام او را «کنیث آذر» نوشته‌اند.<sup>۵</sup> و برخی دیگر «آرنولد کیث» قید کرده‌اند.<sup>۶</sup>

اما اینکه در چه تاریخی و چگونه دیده است؟ در همه منابع، روز ۲۴ ژوئن ۱۹۴۷ قید شده است.

براساس گزارشی که از رسانه‌های گروهی پخش شد، وی در تاریخ یاد شده، تعداد ۹ عدد شیئی نورانی را در آسمان دید که به سرعت سرسام آوری در حرکت بوده‌اند.

ولی در مورد اینکه او در چه حالی بوده است؟ باز هم اختلاف هست: طبق نوشته «دائرة المعارف بریتانیا» او برفراز هواپیمای شخصی خود در نزدیکی سلسله جبال رینیار بوده است. و طبق گزارش رادیولندن در نزدیکی خانه‌اش حرکت آنها را دیده است و براساس نوشته مجله کویتی «العربی» او در ارتفاع ۹۲۰۰ پایی و برفراز رشته کوههای کاسکار بوده است. خبرگزاری نوفوستی شوروی، او را برفراز رشته کوههای روکی گزارش داده است.<sup>۷</sup>

۳- اینجا مؤلف یک نمونه هم از مواردی که بعداً کشف خلاف شده آورده بود که ما در ترجمه نیاوردیم.

۴- دائرة المعارف بریتانیا.

۵- رادیولندن.

۶- مجله «العربی» شماره ۲۴۳ چاپ کویت، فوریه ۱۹۷۹

۷- مجله علوم، شماره ۳۳ به تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۷

به طوریکه ملاحظه شد، نام و محل دیده شدن اشیاء نورانی به اختلاف قید شده است. ولی تاریخ آن همان ۲۴ ژوئن ۱۹۴۷ می باشد. ما معتقدیم که نمیتوان این رؤیت را سرآغاز داستانهای بشقابهای پرنده دانست، زیرا پیش از تاریخ یاد شده صدها بار اشیاء نورانی دیده شده که یکی از آنها داستان معروف «تل ۶۰» می باشد که سالیان درازی پیش از تاریخ فوق رؤیت شده است.<sup>۸</sup>

### میلیونها بشقاب پرنده:

به طوریکه در صفحات گذشته از نظر خوانندگان گرامی گذشت، تعداد بشقابهای دیده شده را بیش از سه میلیون فقره قید کرده اند. تعداد سرسام آور بشقابها موجب شده که در محافل علمی به صورت جدی تلقی بشود و هرگز مورد تردید و انکار قرار نگیرد.

در میان کسانی که بشقابهای پرنده را دیده اند، از هر طبقه ای یافت می شود. از پژوهشگر گرفته تا استاد دانشگاه، خلبان، ملوان، کاپیتان، فیزیکدان، شیمیست، پزشک و مهندس و هر طبقه دیگر وجود دارد و در مناطق مختلف و در فواصل مختلف رؤیت شده است. همین رقم میلیونی که در سالهای متمادی در کشورهای مختلف و از طرف طبقات مختلف گزارش شده است، موجب می گردد که احدی نتواند آنرا ناچیز پنداشته، نادیده بگیرد.<sup>۱</sup>

آنچه ما در اینجا نقل خواهیم کرد، قطره ای از دریا و نمونه ای از هزارها هزار می باشد که در گزارشهای رسمی قید شده و از خبر گزاریهای شرق و غرب پخش شده است. و اینک نمونه ای چند:

۱- ساعت ۱۱ شب به وقت محلی در ۱۵ اکتبر ۱۹۴۸ هواپیمای آرتشی «اف-۶۱» از فرودگاه «فوکوکا» در ژاپن به پرواز درآمد. کاپیتان اولیفر هیمفیل آنرا هدایت می کرد و بارتون هالز مسئول رادار بود، که بشقاب پرنده را در اوج آسمان مشاهده کردند و چندین بار رادار هواپیما

۸- این داستان در سال ۱۹۱۵ واقع شده است.

۱- مجله الصیاد، شماره ۱۷۸۰ بتاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸

آنها نشان داد. شش بار به سوی آن حرکت کردند تا اندکی به آن نزدیک شوند و معلومات بیشتری به دست آورند. در هر بار تاخواستند به آن نزدیک شوند، با سرعت بسیار فوق العاده ای از آن نقطه دور شد. و سرانجام نتوانست به آن نزدیک شود.<sup>۲</sup>

در گزارش رسمی ژاپن آمده است که هواپیمای اف-۶۱ در تعقیب آن ۱۲ هزار قدم از مسیر خود دور شده بود و برای رفتن به مقصد خود ناگزیر شد ۱۸۰ درجه برگردد تا رهسپار مقصد خود گردد.

در گزارش آمده است بشقاب پرنده قادر بود که عمودی اوج بگیرد و عمودی فرود آید و می توانست به قدری اوج بگیرد که از رادار هواپیما مخفی شود.

کاپیتان هیمفیل می افزاید که حرکات بشقاب دقیقاً روی حساب بود و روشن بود که موقعیت هواپیمای ما را درک می کند و براساس آن تغییر موضع می دهد.

این حادثه در ۳۴ سال پیش در ژاپن اتفاق افتاده است و امروز در جهان هیچ دستگاهی نبود که با آن سرعت پرواز کند و یا به آن مقدار اوج بگیرد و یا همانند آن به صورت عمودی اوج گرفته، فرود آید. به خصوص که کاپیتان هیمفیل هنگامی که با مرکز فرود گاه تماس گرفت، آنها گفتند در این مدت مطلقاً هواپیمای دیگری در منطقه نبوده است.

۲- آنچه در زبان خلبانان به عنوان «دشمن خلبانها» شهرت یافته و سالیان دراز موجب نگرانی آنها بود، سراز بشقاب پرنده در آورد. داستان از این قرار است:

رابرت ایمنجر و دیگرگان نوشته اند که در جنگ جهانی دوم خلبانان متفقیین اشیاء نورانی می دیدند که در فضا پرواز می کنند و به هواپیماهای اینها نزدیک می شوند و با نور افکنهای نیرومند خود، چشمهای خلبانها را خیره می کنند و احیاناً در اطراف هواپیماها مثل فرفره با سرعت سرسام آوری می چرخند.

در آغاز کار، کارشناسان متفقین<sup>۳</sup> تصور می کردند که اینها یکنوع سلاح است که متفقین از آنها آگاه نیستند. و چون اینها بر فراز اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس دیده می شدند متفقین می گفتند: آنچه بر فراز اقیانوس آرام دیده می شود از آن ژاپن است. ولی چون با گذشت زمان معلوم شد که این اشیاء نورانی کوچکترین آسیبی به هواپیماها نمی زنند، مطمئن شدند که اینها اسلحه دشمن نیست، بلکه باید توجه دیگری برای آنها پیدا کنند. پس از اوج گیری مسائل مربوط به بشقابهای پرنده متوجه شدند که آنها نیز از نوع بشقابهای پرنده بوده است.<sup>۴</sup>

۳- داستان سفینه مادر، در سال ۱۹۶۱ وحشت و حیرت دانشمندان را برانگیخت. داستان از این قرار است:

در گزارش برتوفینولیو، نویسنده جهانی ایتالیائی آمده است که سفینه فضائی مادر، در تابستان ۱۹۶۱ به هنگام تأسیس پایگاه موشکی جدیدی برای شبکه دفاعی مسکوبا یک گروه بشقاب پرنده روبرو گردید. فرمانده سفینه مادر دستور داد که به سوی بشقابها موشک پرتاب کنند، ولی با کمال تعجب متوجه شد که همه موشکها در نزدیکی سفینه منفجر می شود و به سوی بشقابها پرتاب نمی شود. بار دوم دستور آتش داد. این بار نیز همه موشکها در نزدیکی سفینه منفجر شد.

بار سوم دستور آتش داد. ولی این بار هیچ موشکی پرتاب نشد. و معلوم شد که همه دستگاههای الکترونی پایگاه بدون هیچ دلیلی از کار افتاده است. و هرگز دلیل آن روشن نشده.<sup>۵</sup>

۴- فضانوردان شوروی با آنها همه عنایت خاصی که به پوشیده

۳- «متفقین» اصطلاحاً در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) به انگلستان، فرانسه، آمریکا، شوروی و یاران آنها گفته می شود که در برابر کشورهای محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) می جنگیدند.  
«مترجم»

۴- مجله آخر ساعه، شماره ۲۳۹۵ بتاريخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸

۵- مجله المصور، سری هشتم، به نقل از کتاب راجه عنایت.

نگهداشتن اسرار و رویدادهای خود دارند، فاش کردند که در هشتم ژوئیه ۱۹۶۴ به هنگام بازگشت از سفر فضائی وقتی که به جوزمین نزدیک شدند اشیاء نورانی پرنده‌ای را در فضا دیدند.

۵- و در روز ۱۲ اکتبر همانسال گروه دیگری از فضانوردان شوروی فاش ساختند که در اثنای یک سلسله عملیات فضائی بشقابهای پرنده‌ای را در فضا دیده‌اند که به سرعت حرکت می‌کنند و در اطراف سفینه‌های آنها می‌گردند.<sup>۶</sup>

فضانوردان شوروی بارها تصریح کرده‌اند که بشقابهای پرنده را در فضا دیده‌اند و متوجه شده‌اند که بشقابها از سفینه‌های اینها مراقبت می‌کنند و حرکاتشان را زیر نظر دارند.

برخی از فضانوردان از بشقابها عکس و فیلم گرفته‌اند که جزء اسناد برخی پایگاههای فضائی کشورشان نگهداری می‌شود.

۶- مؤسسه «ناسا» از پایگاههای فضائی آمریکا مسئول جمع‌آوری معلومات تهیه شده در مورد بشقابهای پرنده است و نتیجه تحقیقات در پرونده‌های مخصوصی در گاو صندوقهای نفوذ ناپذیری حفاظت می‌شود. از مطالبیکه از این مؤسسه به بیرون انتقال یافته است اینستکه تا کنون دهها فضانورد آمریکائی صدها بشقاب پرنده را دیده و از آنها عکس و فیلم تهیه کرده است و از رویدادهائی که به هنگام ظهور بشقابها اتفاق می‌افتد فیلم جالب و مهیجی تهیه کرده‌اند که در این سازمان نگهداری می‌شود.<sup>۷</sup>

۷- روز سیزدهم سپتامبر ۱۹۶۶ فضانورد معروف گوردون، در حالیکه سفینه جیمینی ۱۱ را هدایت می‌کرد، جسم نورانی پرنده‌ای را دید که در نور خورشید به رنگ نارنجی دیده می‌شد، این جسم از راه دور با سرعت سرسام‌آوری به سفینه نزدیک شد و از سفینه گذشت و به دور آن گردش کرد و سپس از اوج خود کاست و در ارتفاعی پائین‌تر از ارتفاع

۶- مجلة الكفاح العربی سال ۲۳ شماره ۷۰۶ به تاریخ ۲۰-۲۶ نوامبر ۱۹۷۸

۷- همان مدرک.

سفینه ناپدید شد.

این حادثه در هجدهمین گردش سفینه بر فراز اقیانوس آرام اتفاق افتاد.

گوردون موفق شد که دو عکس از آن بگیرد. این جسم در عکس به شکل بیضی، و شبیه عکسی است که فضانورد معروف آلدوین از یک بشقاب پرنده برداشته است.<sup>۸</sup>

۸- روز نهم ژوئیه ۱۹۶۹ یعنی دقیقاً یکروز پیش از آنکه انسان بر فراز کره ماه فرود آید، آرمسترانگ و رفیقش آلدوین هنگامی که با آپولو ۱۱ در اطراف کره ماه گردش می کردند و مشغول تحقیق در شکل کره ماه بودند، یکمرتبه متوجه شدند که دو سفینه فضائی دیگر، که یکی بزرگ و دیگری کوچک است در اطراف کره ماه مشغول عملیاتی هستند که هیچ سفینه ساخت بشر قادر به چنین عملیاتی نیست.

این دو سفینه بسیار بسیار پر نور بودند و در ضمن عملیات از یکدیگر فاصله می گرفتند و سپس به یکدیگر نزدیک می شدند.

آرمسترانگ می گوید: من از دیدن آن دو سفینه نورانی بسیار دچار وحشت شدم، چون تا کنون چنین چیزی را ندیده بودم و مطمئن بودم که سفینه های ساخت بشر قادر به چنین عملیاتی نیستند و یقین دارم که این دو جسم نورانی را با چشم غیر مسلح دیدم.

ولی آلدوین وحشت زده نشد زیرا او چندین بار نظیر آنها را دیده بود.<sup>۹</sup>

۹- فضانورد معروف «آلدوین» همسفر آرمسترانگ در آپولو ۱۱ سه سال پیش از سفر جنجالی اش، در سال ۱۹۶۶ به هنگام گردش در اطراف زمین با سفینه جیمینی ۱۲، تعداد چهار شیئی نورانی دید که در این گردش او را دنبال می کنند و تمام کارهای او را زیر نظر دارند. و در یک سفر دیگر یک شیئی نورانی کوچکتری را دید. ولی به هنگام

۸- مجله الکفاح العربی سال ۲۳ شماره ۷۰۶

۹- همان مدرک.

مراجعت از سفر جنجالی خود (۱۹۶۹) همراه آرمسترانگ، از این بشقابها عکس و فیلم گرفت که کلاً در آرشیو پایگاه فضائی «ناسا» نگهداری می شود.

چرا این فیلمها در روزنامه ها و مجلات علمی چاپ نمی شود؟ بسیار روشن است، برای اینکه سازمان ناسا و دیگر سازمانهای مشابه تا کنون نتوانستند این اشیاء نورانی پرنده را توجیه کنند و نمی خواهند عجز و ناتوانی خود را از توجیه چنین مسائلی در معرض تماشای جهانیان قرار بدهند. ولی در گزارش «ناسا» آمده است که فیلمها حقیقی است و مؤسسه از تفسیر و توجیه آنها ناتوان است.<sup>۱۰</sup>

آمریکا از این مخفی کاریها زیاد دارد، در مورد پژوهشگران «پروژه کتاب ازرق» نیز که به منظور مطالعه و تحقیق در مورد بشقابهای پرنده تأسیس شده بود و دستور آن رسماً به نیروی هوائی صادر شده بود، بدون اعلام نتیجه به کار خود پایان داد. و نتیجه آنهمه تحقیق و پژوهش در آرشیو نیروی هوائی مکتوم ماند.

۱۰- داستان دیگری از مشاهده بشقاب پرنده توسط سرنشینان آپولو ۱۱ شاهد دیگری بر مخفی کاری ایالات متحده است. داستان از این قرار است:

آلدوین و آرمسترانگ در دومین دور پرواز جنجالی خود، در حالیکه از شبکه سرتاسری رادیو و تلو یزیون آمریکا صدای آنها پخش می شد، گزارش دادند: «یک شیئی نورانی به سفینه ما نور افکنده است! این شیئی نورانی بسیار حیرت انگیز است! ما چیزی نمی فهمیم! این نور از همه پوششهای سفینه نفوذ می کند و خود سایه ندارد! جداً عجیب است...!»

در این لحظه که صدای فضانوردان مستقیماً از شبکه سرتاسری پخش می شد، مرکز تولید صدا و سیما، صدای فضانوردان را قطع کرد و پس از مدتی به تفسیر گزارش فضانوردان پرداخت و چنین گفت: «آنچه فضانوردان دیده اند موشکی بود که همراه سفینه به سوی کره ماه پرتاب شده

بود!»!

این تفسیر کسی را قانع نکرد، چون هرگز معقول نبود که موشک تا آنجا اشتعالش را حفظ کند. همچنین هرگز امکان نداشت که نور موشک از جداره‌های سفینه نفوذ کند و همه جای سفینه را روشن کند و خود سایه نداشته باشد.<sup>۱۱</sup>

۱۱- داستان آپولو ۱۷ از همه جالبتر است:

هارسون شمیدت و یوجین سیرفان، سرنشینان آپولو ۱۷ به هنگام گرش در اطراف کره ماه، درحالی‌که لحظه به لحظه با مرکز زمین در تماس بودند، یکمرتبه گزارش داد:

- یک جسم غولپیکری از دور دیده می شود به شکل هرم است، حرکات عجیبی دارد.

- صدای انفجار می آید. آنتن سفینه ما به صورت مرموزی از کار افتاده و نوک آن به دور خود، دور می زند.

- ما را زیر نظر دارند، ما خودمان را لودادیم، ما را کشف کردند.

- این شیئی نورانی بالای سرما پرواز اکتشافی دارد.

- می ترسیم این یک شهاب باشد.

از مرکز زمین در پاسخ گفتند: نترسید، چیز مهمی نیست، در همه پروازها شبیه آن دیده شده و به کسی آسیب نرسانیده است. «جون غلین» هم در سفر پیشین مشابه آنرا دیده است.

فضانوردان به شدت به وحشت افتاده بودند و خود را در چند قدمی مرگ می پنداشتند. آنها خیال می کردند که سفینه آنها نیز با خطر نابودی مواجه است ولی بعداً متوجه شدند که این همان بشقاب پرنده ایست که تا کنون به کسی آسیب نرسانیده است ولی در همه عملیات فضائی حضور داشته است.

اینها نمونه ای از مشاهده بشقابهای پرنده توسط فضانوردان بود،



ولی رؤیت بشقابها منحصر به خلبانان و فضانوردان نیست بلکه گروهی از دانشمندان نیز شخصاً آنها دیده است که فیلیپ کلاس یکی از آنهاست:

۱۲- ستاره‌شناس معروف «فیلیپ کلاس» روز پنجم اکتبر ۱۹۷۳ ساعت ۸ بعد از ظهر شیئی نورانی عجیبی را دید که در منطقه اریزونا در حرکت بود و چند دقیقه بعد ناپدید شد.

او طبق روش دائمی خود کاغذ و قلمش را درآورد و مشخصات آنها نوشت. و از آن تاریخ مراقب آسمان است که در صورت تکرار چنین وضعی آنها را ثبت کند.

این خبر در برنامه صبح پنجشنبه هشتم فوریه ۱۹۷۹ از رادیو لندن پخش شد.

۱۳- در ایالت کنتوکی آمریکا، در منطقه مشهور به مثلث دشت سبز مشاهده بشقاب پرنده به قدری تکرار شده که دانشگاه فرانکفورت (پایتخت ایالت کنتوکی) جمعی از اساتید دانشگاه را مأموریت داده که در این زمینه تحقیق کنند.<sup>۱۲</sup>

در گزارش این هیئت آمده است: سه فقره از گزارشهایی که در ماههای اخیر رسیده است جای تردید نیست:

۱۴- گزارش اول از طرف دو نفر از مأموران آتش نشانی رسیده است که در منطقه دشت سبز مشغول اطفاء حریق بوده‌اند، یک بشقاب پرنده را دیده‌اند که در حدود یکساعت در تعقیب آنها بوده است.

۱۵- گزارش دوم را آقای قسیس و همسرش فرستاده‌اند که یک روز صبح هنگامی که رهسپار کلیسا بودند، در اثنای راه یک شیئی نورانی دیدند که بشکل استوانه است و شباهتی به هواپیماها ندارد مدتی بر فراز سر آنها پرواز کرد، سپس به طرز شگفت‌آوری دور شد و ناپدید گشت.

۱۶- گزارش سوم مربوط به یک جوان ۱۷ ساله است که بشقابی را بر فراز دشت سبز در حال حرکت دیده است و موفق شده که تصویر خوبی از آن بردارد و به هیئت علمی ارسال نماید.

۱۷- اسقف تیودور هیزبورج، رئیس دانشگاه نوتردام، اعلام کرده است که در اثنای مسافرتی که برای صید ماهی با «پول بیچنار» رئیس سابق دانشگاه، و «آلرشد بیتر آلارد» انجام می دادند، بشقابی را دیده اند که با نور خیره کننده و سرعت سرسام آوری در حرکت است. همراهان او نیز تأکید داشتند آنها نیز به روشنی آنرا مشاهده کرده اند. ۱۳

۱۸- رادیو لندن در پاسخ پرسشی که در مورد بشقابهای پرنده شده بود که آیا حقیقت دارد یا نه؟ چنین گفت: یکی از فیلمبرداران تلویزیون در «پایمیرو» توانسته است که از یک بشقاب پرنده تصویری را بردارد و این تصویرها از تلویزیون پخش شده است و در همان روزها این گزارش در روزنامه های محلی منعکس شده است.

۱۹- سه سال پیش تعدادی بشقاب پرنده برفراز نیوزلند دیده شد که تلویزیون نیوزلند موفق شد فیلم مفصلی از حرکت بشقابها تهیه کند و پخش نماید. این خبر از طرف همه خبرگزاریها پخش شد. و رادیو لندن نیز همان شب این خبر را پخش کرد.

۲۰- خبرگزاری یونایتیدپرس از ژوهانسبورگ (جنوب آفریقا) گزارش داد که دیروز (روز پنجشنبه ۴ ژانویه ۱۹۷۹) یک خانم و کودکش، ۶ تن مخلوق عجیب الخلقه را دیده بود که در جلوی یک جسم نورانی پرنده، ایستاده اند، و آن جسم نورانی، نورهای رنگین و خیره کننده ای از خود تولید می کند و برفرازیکی از راههای زراعتی به پرواز درآمده است.

این خانم که «میگان کویزیت» نام دارد، بهت زده این مخلوقات را تماشا می کرد که آنها در صدد سخن گفتن با او برآمدند و خانم کویزیت وحشتزده جیغ کشید.

آنها وقتی که وحشت او را دیدند، به داخل بشقاب رفته، مقداری از او دور شدند.

خانم کویزیت می افزاید: من بشقاب پرنده را از فاصله ۲۰ متری

دیدم. پنج یا شش تن مخلوق عجیب الخلقه را دیدم که لباس عجیبی پوشیده بودند و چکمه هایشان به پیراهنشان متصل بود. برخی از آنها ریش داشتند و ماسکهای چوبی چون ماسک فضاانوران به صورت زده بودند.

یکبار دیگر که یکی از آنها به سوی خانم کویزیت نگاه کرده است، خانم کویزیت به خود جرئت داده، به او «هلو» (سلام) گفته است. آنگاه صدای بلند و آهنگینی در پاسخ شنیده که مفهوم آنرا درک نکرده است.

آنگاه به بچه اش گفته که به خانه رفته، پدرش را فراخواند. و در همان لحظه آن شش تن به داخل بشقاب پرنده رفته، درب آنرا که یک درب یک متر و نیمی بوده و از بالا به پائین کشیده می شد، بسته، به پرواز درآمده، چند لحظه بعد در پشت ابرها ناپدید شده اند.<sup>۱۴</sup>

\*\*\*

باتوجه به نمونه های یاد شده، روشن می شود که داستان بشقابهای پرنده در تمام نقاط جهان و از طرف همه طبقات دیده شده است: در آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه، نیوزلند، ژاپن، آفریقا، آرژانتین و کشورهای عربی.

آخرین بشقابی که (— تازمان تألیف کتاب) دیده شده، چندروز پیش (۲۱ ژانویه ۱۹۷۹) بود که در کویت دیده شد.

و همه خبرگزاریها خبر آنرا در گزارش خود آوردند. و به دنبال آن هیئت دولت جلسه کرده، لجنه ای را متشکل از وزارت نیرو، پست، تلگراف، داخله، دفاع و هواپیمای کشوری مأمور کرد که با همکاری گروهی از دانشمندان آکادمی علمی کویت به تحقیق در مورد این حادثه پردازند.

خبرگزاریها گفتند: این بشقاب پرنده که اخیراً در کویت دیده شده، جسمی نورانی به قطر ۴۵ متر و ارتفاع ۸ متر بوده است. و در میان افرادی که آنرا دیده اند، کسیکه از همه به آن جسم نزدیکتر بوده، از فاصله

صدمتری بوده است. ۱۵

نتیجه ای که در این لجنه به دست آمد این بود که هرگز احتمال آن نمی رود که این شیئی نورانی مربوط به یک دولت دیگری باشد که برای جاسوسی و یا هدف دیگری به اینجا آمده باشد.

زیرا تا جاییکه ما اطلاع داریم در این دنیا دولتی نیست که از نظر تکنولوژی قادر به ساختن چنین دستگاهی باشد.

این بشقاب در ۵۰ کیلومتری شهر کویت و در نزدیکی مرکز استخباراتی قمرهای مصنوعی فرود آمده بود. و تعداد هفت نفر از مهندسين فنی شرکت نفت کویت آنرا دیده بودند و یک کارشناس آمریکائی نیز آنرا دیده بود.

داستان بشقاب پرنده یاد شده را مجله «الكفاح العربی» چنین

می نویسد:

گروهی از مهندسين فنی در مرکز پالایشگاه شرکت نفت کویت از صفحه دستگاه الکترونیکی متوجه شدند که یکی از واحدهای پالایشگاه از کار افتاده است. هفت نفر از مهندسين به همراهی یک نفر کارشناس آمریکائی به محل آن واحد پالایشگاه رفتند و دیدند یک جسم عجیب و غریبی در ۲۵۰ متری پمپ بر زمین نشسته است.

این جسم به شکل استوانه ای بود و حجم آن کمی بزرگتر از یک هواپیمای جمبوجت بود. و یک گنبد قرمز رنگی داشت. هنگامی که به محل موتور رفتند، دیدند که درب ساختمان باز است و همه دستگاههای موجود در این واحد پالایشگاه از کار افتاده است ولی هیچ دلیل روشنی برای از کار افتادن دستگاهها در بین نیست.

برخی از تکنیسینها تصمیم گرفتند که به آن جسم نورانی نزدیک شوند ولی برخی دیگر آنها را از این کار بر حذر داشتند.

مدت ۷ دقیقه به حالت تردید ایستادند و به آن نگاه کردند. ناگاه در برابر دیدگان تماشاگران از زمین برخاست و با آرامی خاصی که همه

سفینه‌ها و هواپیماها از نظیر آن ناتوان هستند، از آنها دور شد و سرانجام در فضا ناپدید شد. از این بشقاب به هنگام برخاستن و حرکت کردن، کوچکترین صدائی شنیده نشد.

مهندسين فنی و کارشناس آمریکائی به محل پالایشگاه برگشتند و با کمال تعجب مشاهده کردند که همه دستگاهها با دور شدن بشقاب، خود به خود به کار افتاده‌اند.<sup>۱۶</sup>

همه تماشاگران مهندس فنی و کارشناس مسائل فضائی و صاحب اطلاعات وسیع از انواع سفینه‌های موجود در جهان بودند. همگی اتفاق نظر داشتند که این جسم نورانی از سفینه‌های موجود در روی زمین نیست. بلکه از همان بشقابهای پرنده‌ایست که تا کنون حقیقت آن برای کسی روشن نیست. بلکه آنچه تا کنون ثابت شده اینست که هزاران بار این نوع اشیاء نورانی در تمام مناطق جهان دیده شده است و بیش از آن چیزی از حقیقت آنها کشف نشده است.

از شگفت‌انگیزترین داستانهای بشقاب پرنده، داستان معروف «تل ۶۰» می‌باشد که به جهت شهرت آن در اینجا نقل نمی‌کنیم.<sup>۱۷</sup>

### اقوال دانشمندان:

بعد از مطالعه نمونه‌هایی از گزارشهای مربوط به بشقابهای پرنده لازمست بررسی کوتاهی در اطراف گفتار دانشمندان داشته باشیم. پیش از آنکه تفسیر و توجیه آنها را بازگو کنیم، یادآور می‌شویم که دانشمندان تمام ابزار و دستگاههای امروزی را در این باره به کار انداخته‌اند و از همه آنها نتیجه مثبت گرفته‌اند.

فی المثل کامپیوتر را در اینجا مثال می‌آوریم:

دانشمندان مغزهای الکترونیکی (کامپیوتر) را در زمینه بشقابهای پرنده استخدام کرده‌اند و تمام معلومات موجود را به آن داده‌اند و

۱۶- الکفاح العربی، سال ۲۳ شماره ۷۰۶ به تاریخ ۲۰-۲۶ نوامبر ۱۹۷۸

۱۷- مجله الف باء شماره ۵۰۶ بتاريخ ۳۱ مه ۱۹۷۵ و روزنامه الانوار شماره ۶۴۳۸ به تاریخ ۱۹

نتیجه ای که از آن گرفته اند تأیید وجود بشقابهای پرنده است.

دکتر ژاک والیه، دانشمندان و فیزیکدان معروف فرانسه، که ۱۶ سال از عمر خود را در این پدیده شگفت سپری کرده است می گوید: کامپیوتر تا کنون در حدود ۱۰۰۰ فقره رؤیت بشقاب پرنده را قید کرده است. و این رقم در حدود ۱۳ درصد بشقابهایی است که بیننده‌های آنها به مراکز علمی مراجعه کرده، رؤیت خود را تقدیم نموده‌اند. اما بشقابهایی که دیده شده ولی بیننده‌ها به مراکز خاص علمی مراجعه نکرده‌اند بیرون از شمار است.<sup>۱</sup>

مجله الف‌باء می نویسد: معلوماتی که به کامپیوتر داده شده، نتیجه می‌دهد که مغزهای الکترونیکی، واقعیت بشقابهای پرنده را اثبات می‌کند.

این مجله می‌افزاید: کسانی که ادعای رؤیت بشقابها را می‌کنند، نخست به وسیله دستگاہهای کشف دروغ آزمایش می‌شوند و گاهی به وسیله خوابهای مغناطیسی مورد آزمایش قرار می‌گیرند. نتیجه آزمایشها این بوده که ۹۵ درصد ادعاها راست بوده است.<sup>۲</sup>

از آغاز سال ۱۹۷۸ مسیحی برنامه مشترکی توسط ۱۰ دولت برای تحقیق در مورد بشقابهای پرنده با استخدام کامپیوتر آغاز شده است. دولت‌های یاد شده عبارتند از: آمریکا، کانادا، بلژیک، فرانسه، دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند، انگلیس و آلمان غربی.

رئیس بخش سوئد «بیرتیل کولیمان» امیدوار است که این برنامه مشترک بتواند حرکتهای بشقابهای پرنده را در نیمکره شمال زیر نظر قرار دهد.<sup>۳</sup>

از این خبرها که جسته گریخته به بیرون از محافل علمی رخنه می‌کند، معلوم می‌شود که تحقیق و پژوهش در این زمینه در کشورهای

۱- مجله الکفاح العربی سال ۲۳ شماره ۷۰۶ بتاریخ ۲۰-۲۶ نوامبر ۱۹۷۸

۲- مجله الف‌باء شماره ۵۰۳ بتاریخ ۱۰ مه ۱۹۷۸

۳- مجله الکفاح العربی سال ۲۳ ش ۷۰۶

مختلف جهان ادامه دارد ولی چه رازی در آن نهفته است که نتیجه این تحقیقات به هیچوجه اعلام نمی شود.

یکی از مهمترین سمینارهایی که در این زمینه برگزار شده، سمینار با شکوهی است که با شرکت صدها دانشمند از کشورهای مختلف جهان در ارمنستان شوروی برگزار گردید. در این سمینار گفته شد: کشف اسرار بشقابهای پرنده دگرگونی شگرفی در زندگی انسان بر روی کرهٔ خاکی خواهد گذاشت.<sup>۴</sup>

در این سمینار از همهٔ کشورهای جهان خواسته شد که دست به دست هم داده، طی یک برنامهٔ جهانی، پدیدهٔ بشقابهای پرنده را مورد تحقیق قرار دهند. در این سمینار دکتر آ. آدریک از آمریکا و دکتر آ. کارواستیف از شوروی و جمعی از دیگر کشورها به عنوان اعضای اصلی و هستهٔ مرکزی این برنامه انتخاب شدند.

با اینهمه اهتمام که از طرف آکادمی های علمی جهان به این پدیده ابراز می شود، هرگز نتیجهٔ روشنی به دست نمی آید و در اعلام نتیجه از یک سیاست مرموزی پیروی می شود. هدف اصلی چنین منظوری شود که در افکار عمومی تلقین شود که بشقابهای پرنده چیز مهمی نیست و هرگز لزومی ندارد که در اطرافش فکر کنند.

پرفسور دیمتری مارتینوف، رئیس کرسی فیزیک فلکی در دانشگاه، مسکو در مصاحبه ای با خبرنگار تاس می گوید: بشقابهای پرنده چیز تازه ای نیست، همواره مردم یک اشیاء نورانی در آسمان می دیدند و داستانهایی در این زمینه در کتاب مقدس آمده است!

سپس می افزاید: تحقیقات علمی نشان می دهد کسانی که ادعا می کنند بشقابهای پرنده را دیده اند، یا هواپیما، سفینه، بالون دیده اند و یا ستاره های نورانی و سنگهای سرگردان را دیده اند!

او می گوید: و برخی دیگر از این ادعاها صرفاً خیال و پندار است که از انعکاس نور و امثال آن پدید می آید. و حقیقتی به جز در سطح قوس و

قزح ندارد.<sup>۵</sup>

آکادمی لیف آرتسیموفج شوروی نیز سخنان او را تکرار کرده می گوید: سخن از بشقاب پرنده اساس درستی ندارد! و در روزنامه رسمی شوروی بشقابهای پرنده به عنوان پندارهای پوچ و شایعات بی اساس اعلام شده است! در صورتیکه در ماده سوم از پیمان مهمی که در ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۱ بین آمریکا و شوروی به امضا رسید، آمده است: «دو کشور متعهد می شوند که هرگونه معلوماتی در مورد بشقابهای پرنده به دست آورند با کشور هم پیمان تبادل کنند، تا ظهور این بشقابها یا تفسیر غلط آنها موجب بروز جنگ هسته ای میان دو کشور نگردد».

این پیمان را آندره گرومیکو، از طرف شوروی، و ولیم دوجرز از طرف آمریکا، امضا کردند.<sup>۶</sup>

از متن این پیمان، که ۱۰ سال پیش توسط وزرای امور خارجه آمریکا و شوروی به امضاء رسیده است، به خوبی روشن است که هر دو کشور وجود بشقاب پرنده را باور کرده اند و از تفسیر آن تا کنون فرو مانده اند. ولی روی دلائلی نمی خواهند اعتقاد خود را برای همگان شرح دهند. بلکه می خواهند مردم آنها را افسانه بپندارند. در صورتیکه خودشان آنچنان جدی تلقی می کنند که می ترسند تفسیر غلط آن موجب بروز جنگ هسته ای بشود.

نتیجه می گیریم که داستان بشقابهای پرنده نیز همچون حوادث مثلث برمودا ناشناخته مانده، و تا کنون تفسیر و توجیه قابل اعتمادی از آن نشده است در اینجا دانشمندی هستند که فرضیه هائی را ارائه کرده اند، تا شاید بتوانند این مشکل را بگشایند. ولی تا کنون نه تنها مشکلی را نگشوده اند، بلکه بر تعداد مشکلات افزوده اند.

یکی از این فرضیه ها، تئوری دو دانشمند زیست شناس (بیولوژیست) به نامهای: اف. کالاهان، ودی. مانکین است که

۵- مجله علوم، شماره ۳۳ به تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۷ به نقل از نوفوستی شوروی.

۶- مجله الکفاح العربی، شماره ۲۷ بتاريخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸



می گویند: هنگامی که حشرات در حومه مغناطیسی قرار می گیرند ممکن است آنجا یک نوع خلأ الکتریکی در مکانهای نزدیک به آن نقطه ایجاد شود که این خلأ با یک نوع «نور» همراه باشد. و هنگامی که حشرات از حومه مغناطیسی خارج شدند، آن نور ناپدید شود.<sup>۷</sup>

این دوزیست شناس معتقدند که برای پیدایش چنین خلأی باید یک سلسله شرائط جوئی دست به دست هم بدهند تا چنین خلأئی به وجود بیاید.

آنها می گویند: ممکن است در پرتو شرائط خاصی حومه مغناطیسی نیرومندی در آتمسفر زمین، همراه با گردبادهای توأم با رعد ایجاد شود که موجب چنین خلأ الکتریکی بشود.

آنها اضافه می کنند: مایعات موجود در اندام حشرات زنده «هادی» خوبی برای الکتریسته است و امکان دارد که پرواز دسته جمعی گروه انبوهی از حشرات، و عبور آنها از حومه مغناطیسی موجب پیدایش نوری در فضا بشود که به صورت بشقاب پرنده دیده شود.<sup>۸</sup>

این خلاصه تئوری دو بیولوژیست متعلق به وزارت کشاورزی آمریکا است! ولی نمی دانیم او چگونه غفلت کرده است از اینکه غالب بشقابهای پرنده در روز روشن و در هوای صاف و به دور از هر گونه رعد و برق و گردباد و غیره دیده شده اند!

و آیا فراموش کرده اند که در غالب رؤیتها، بشقابها مدت درازی با هواپیماها سرگرم بوده، بالا و پائین رفته، حرکت آنها را زیر نظر داشته اند! و خلبانها تردیدی نداشته اند که آن اجسام نورانی در تعقیب این هواپیماها می باشند.

و آیا غفلت کرده اند که آمار رسمی وجود آنها را اثبات کرده، و کامپیوتر آنها تأیید کرده است.

یک دانشمند فیزیکدان که از اساتید دانشگاه هاروارد است،

۷- روزنامه القیس، شماره ۲۳۴۱ بتاريخ ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸

۸- همان مدرک.

تئوری دیگری ابراز کرده می گوید: بشقابهای پرنده چیزی جز اوهام و خرافات نیست که در شرائط جوی غیرعادی به چشم بعضی ها به اشتباه جلوه کرده، و خیر آنها در رسانه های گروهی آگراندیسمان شده، این افسانه های خبری را به وجود آورده است!

این استاد فیزیک، چگونه غفلت کرده است از اینکه این اجسام نورانی اگر افسانه باشند، پس چگونه در رادار دیده می شوند و در دوربین های عکاسی منعکس می شوند و در فیلمهای سینمایی ظاهر می شوند؟! آیا واقعاً تصور می کنند که اوهام و خیالات هم قابل عکسبرداری است و می تواند در رادار ظاهر شود و دستگاههای فراوانی را از کار بیندازد؟!!

در اینجا تئوری سومی هست که می گوید: بشقابهای پرنده سفینه های فضائی دیگر کرات منظومه شمسی است که برای مطالعه کره زمین به سوی کره خاکی فرستاده می شود.

این تئوری طرفدار فراوانی دارد و شاید بهترین تئوری ابراز شده باشد، ولی فرضیه صرف است و هرگز دلیلی آنرا به مرحله ثبوت نزدیک نساخته است.

و اگر این تئوری، آنها را متعلق به خارج از منظومه شمسی بداند، مسئله مشکلتر می شود، زیرا آمدن آنها از نزدیکترین ستاره با سرعت سرسام آوری که دارند بیش از ۵۰ میلیون سال، وقت لازم دارد.<sup>۹</sup>

تئوری دیگری که از سالیان متمادی معروف شده، که این بشقابها، دستگاههای جاسوسی دولتهای بزرگ است و نمی خواهند به وجود آن اعتراف کنند، دیگر طرفداری ندارد. و بطلان آن روشن شده است. زیرا خود ابرقدرتها با تمام امکانات در صدد کشف حقیقت آن برآمده اند و تا کنون توفیقی به دست نیاورده اند. دیگر اینکه هیچ دولتی از نظر تکنولوژی به حدی نرسیده است که شبیه آنها را بسازد. و گرنه

۹- نزدیکترین ستاره به ما «آلفای قنطورس» است که بیش از ۴ سال نوری فاصله دارد، و آخرین سرعتی که از بشقابها ثبت شده ۷۰۰۰ کیلومتر در ثانیه است. (مترجم)

هوایماهای جنگنده را براساس فنی آنها می ساختند تا بتوانند از ویژگیهای آنها (سرعت سیر، صعود و فرود عمودی، از کار انداختن دستگاهها، ناپدید شدن و دیگر مزایای آنها) در ساخت جنگنده ها استفاده کنند. و تردیدی نیست در اینکه شرق و غرب از نظر تکنولوژی به این حد نرسیده است.

داستان بشقابهای پرنده، همچون حوادث «مثلث برمودا» جزء پدیده‌هایی است که بشر قرن بیستم از حل آن فرو مانده است. در اینجا یک سوال پیش می آید:

### چه کسی این بشقابها را در اختیار دارد؟!

پاسخ به این پرسش بسیار سخت است و فقط پاسخ مغز متفکر قرن، البرت اینشتن، صاحب نظریه معروف نسبیت، ممکن است، گامی به سوی حقیقت و روزنه‌ای به سوی واقعیت باشد. آنجا که می گوید:

«ملتی که این اشیاء نورانی را در اختیار دارند، گروهی از نژاد بشر هستند که ۲۰/۰۰۰ سال پیش زمین را ترک گفته اند»<sup>۱۰</sup>

شاید/نظریه انیشتن راهگشای پژوهشگران باشد، و سرانجام به کشف واقعیت منتهی گردد. ولی ضرورتی ندارد که این تیره از بشر متعلق به ۲۰/۰۰۰ سال پیش باشند، شاید متعلق به هزار و اندی سال پیش باشند.

و ضرورتی ندارد که این گروه کره خاکی را ترک گفته باشند، ممکن است فقط بخش خاکی کره زمین را ترک گفته باشند و در منطقه وسیعی از اقیانوس اقامت گزیده باشند. آنجا که مثلث برمودا نامیده می شود و هیچ هوایما و سفینه ای نمی تواند بفرز آن به پرواز درآید. و هیچ کشتی اقیانوس پیمائی نمی تواند به حریم آبی آن نزدیک شود.

شاید آنها متعلق به وارثان حقیقی این کره خاکی باشد که از هزار و اندی سال پیش در پشت پرده غیبت منتظر فرمان الهی است که ظهور کرده، حکومت واحد جهانی را بنیان گذارد و حکومت عدل الهی را براساس عدالت و آزادی حقیقی استوار سازد. که نوید آن در قرآن کریم

چنین آمده است:

«وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱۱</sup>

۱۱- ما اراده نموده ایم بر کسانی که در زمین به زبونی کشیده شده اند، بر آنها منت نهاده، آنانرا پشویان و وارثان زمین قرار دهیم. (قصص: ۵)

۳

جزیره خضراء

✽ متن داستان

در بخش نخست از «مثلث برمودا» و حوادث اعجاب انگیز و ابهام آمیزی که در آنجا روی می دهد سخن گفتیم و ناتوانی علم را از تفسیر و توجیه رویدادهای مثلث به عرض خوانندگان گرامی رسانیدیم. و در بخش دوم از پدیده «بشقابهای پرنده» و ناشناخته بودن آنها تا به امروز سخن گفتیم.

در این بخش هفت قرن به عقب برمی گردیم تا شرح مسافرت یکی از بندگان صالح خدا را که توفیق یافته، به دیاریار سفر کرده، در آن سرزمین مقدس گام نهاده، و روزی چند از هوای مبارک آن استنشاق نموده است به خوانندگان گرامی تقدیم نمائیم:

این مرد خوشبخت در قرن هفتم می زیست و در نجف اشرف، در کنار حرم مطهر حضرت امیرمؤمنان (ع) اقامت داشت. او «شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی» بود.\*

او به جزیره‌ای در اقیانوس اطلس سفر کرده، که احتمالاً همان مثلث برمودا می باشد. که پس از مراجعت وصف آنرا بیان کرده و در کتابها منعکس شده است. پس از گذشت هفت قرن، رویدادهای

---

\* به یادداشت شماره ۲ مراجعه شود.

مثلت برمودا موجب شده که وصف این منطقه و جزیره‌ایکه در این منطقه از طرف خلبانها دیده شده، در رسانه‌های گروهی گزارش شود. ما از مقایسه گزارش رسانه‌ها با اوصافی که شیخ زین الدین بیان کرده است به این نتیجه می‌رسیم که شاید، این جزیره همان جزیره باشد و جزیره خضراء در مثلث برمودا واقع باشد.

در بخش نخست، از مجلات علمی دنیا گزارش خلبانها را از مثلث برمودا خواندیم که در ضمن آنها آمده بود:

«دریا شباهتی به دریا‌های دیگر ندارد».

«ما برفراز آب سفید رنگی هستیم».

«ما برفراز جزیره کوچکی هستیم».

عین این عبارتها را در این سرگذشت، از زبان شیخ زین الدین در قرن هفتم نقل خواهیم کرد.

به طوری که تفصیل داستان را خواهیم خواند، شیخ زین الدین با همراهی استادش به اسپانیا و اندلس مسافرت می‌کند و از اندلس با یک کاروان تجارتی به سرزمین بربر (مغرب) می‌رود. سپس رهسپار جزیره‌ای در اقیانوس اطلس می‌شود که به آن «جزیره رافضه» (جزیره شیعیان) می‌گفتند. از آنجا توسط شخصی که از جزیره خضراء آمده، به «جزیره خضراء» هدایت شده است.

شیخ زین الدین پس از ۱۶ روز دریانوردی به آبهای سفید رسیده است، و به آن خیره شده است. راهنما از او می‌پرسد: چه شده این چنین خیره شده‌ای؟! و شیخ زین الدین پاسخ می‌دهد: من آنرا برخلاف رنگ دریا می‌بینم. راهنما می‌گوید: بلی این دریا سفید است.<sup>۱</sup>

این عبارت دقیقاً همان عبارت خلبان است که گزارش می‌دهد: «اینجا شباهتی به دریا ندارد، اینجا آب سفید است، ما وارد آبهای سفید شدیم».

پس از مقایسه فرازهای سرگذشت شیخ زین الدین با گزارشهای

خلبانهایی که بر فراز مثلث برمودا به پرواز در آمده دیگر برنگشته اند، به این نتیجه می‌رسیم که تشابه عجیبی بین عبارات شیخ زین الدین، با گزارشهای خلبانها وجود دارد.

واگر این داستان را با سرنوشت کشتیها و ناوها مقایسه کنیم، باز هم تشابه جالبی خواهیم یافت.

شیخ زین الدین از راهنمای خود نقل می‌کند: «اینها آبهای سفید است و آن جزیره خضرا ست. این آبها از هر طرف جزیره را احاطه کرده است. از حکمت خدا کشتیهای دشمنان ما از هر طرف وارد این آبها بشود هر چه محکم باشد باز هم به برکت مولای ما و پیشوای ما حضرت ولی عصر (عج) غرق می‌شود»<sup>۲</sup>.

پس از خواندن این فراز، یک بار دیگر سرگذشت کاپیتانها، ملوانها، کشتیها، ناوها و ناوشکنها را در بخش نخست بخوانید که بعد از ورود به آبهای سفید در مثلث برمودا دیگر احدی از آنها برنگشته است! و اینک متن داستان شیخ زین الدین و شرح مسافرت ایشان به جزیره خضرا را از «بحار الانوار» می‌آوریم:

### بحار الانوار

کتاب پرارج «بحار الانوار» که داستان جزیره خضرا را از آن نقل می‌کنیم، مهم‌ترین اثر مرحوم علامه مجلسی است که چاپ جدید آن در ۱۱۰ جلد و در بیش از ۵۰۰۰۰ صفحه چاپ شده است.

اسم کامل این کتاب «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار» می‌باشد یعنی: دریاهاى نور، که در برگیرنده سخنان درر بار ائمة اطهار است. و حقیقت نیز همان است. این دائرة المعارف بزرگ شیعه سخنان پرارج پیشوایان معصوم (ع) را گرد آورده و از دستبرد حوادث به دور نگهداشته است.

داستان جزیره خضرا در جلد ۵۲ این کتاب پرارج نقل شده که ما



آنرا از متن عربی بحارالانوار به فارسی برگردانیدیم<sup>۱</sup> و هر کجا لازم بود پاورقی‌هایی به آن افزودیم و اینک ترجمه متن بحارالانوار:  
**جزیره خضرا:**

رساله‌ای یافتیم مشتمل بر داستان مشهور جزیره خضراء در آبهای سفید، که خواستم آنرا در این کتاب نقل کنم، زیرا مشتمل بر داستان کسی بود که به خدمت آنحضرت رسیده است. و چون این داستان در کتابهای قدما نبود، آنرا در بخش جداگانه‌ای آوردم، که آنچنانکه یافتیم نقل می‌کنم:

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش خداوندی را که نعمت معرفت خود را به ما ارزانی داشت، و توفیق پیروی اشرف مخلوقات و برگزیده کاینات حضرت محمد بن عبدالله (ص) را به ما عنایت فرمود. و ما را به محبت و مودت امیرمؤمنان (ع) و دیگر پیشوایان معصوم از اهل بیت پیامبر (ص) مخصوص و مفتخر گردانید، که درود فراوان و تحیات بی کران بر همه آنان باد.

پس از حمد و ثنا، در خزانه امیرمؤمنان، پیشوای پرهیزگاران، سرور اوصیاء و حجت پروردگار جهانیان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام رساله‌ای یافتیم<sup>۲</sup> به خط شیخ فاضل، عالم عامل «فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی» که متن آن چنین است:

پس از حمد پروردگار و درود بر پیامبر و اهل بیت بزرگوار آنحضرت، چنین گوید، این بنده محتاج به عفو پروردگار «فضل

۱- بحارالانوار جلد ۵۲ ص ۱۵۹-۱۷۴

۲- مرحوم علامه مجلسی از گوینده این جمله نام نمی‌برد ولی مرحوم میرزای نوری صاحب این رساله را «شهادت اول» دانسته است و دلایلی آورده که این رساله را شهید اول یافته و به خط خود استنساخ کرده است.

(نجم الثاقب، ص ۲۹۶) «مترجم» [به یادداشت شماره ۱ مراجعه شود]

بن یحیی بن علی طیبی کوفی امامی»: \*

روز نیمه شعبان ۶۹۹ هجری در مشهد سرور شهیدان، خامس آل عبا، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) از دو استاد فاضل، و دانشمند عامل، استاد «شمس الدین بن نجیح خلی» و استاد «جلال الدین عبدالله بن حوام خلی» شنیدم که آنان در مشهد امامین همامین، حضرت عسکرین (ع) در ساقرا (سرمین راه) داستان جالبی را از شیخ صالح، پرهیزگار، متقی و بزرگوار «زین الدین علی بن فاضل مازندرانی» شنیده اند، که چگونه موفق شده به دیار یار رفته، و جزیره خضرا را در دریای سفید<sup>۲</sup> زیارت کرده است.

باشنیدن داستان هیجان انگیز تشرف شیخ زین الدین به جزیره خضراء، شوق عجیبی در من ایجاد شد که به خدمت شیخ زین الدین بروم و داستان را از زبان خودش بشنوم و واسطه ای در بین نباشد از خدا خواستم که این دیدار را آسان گرداند. تصمیم گرفتم که راهی سامرا شوم، ولی ایشان سامرا را به قصد «خله» ترک گفت. تا مثل روش دیرینه اش از خله رهسپار نجف اشرف گردد.

در اوایل شوال همانسال (۶۹۹) در خله انتظار مقدم شیخ زین الدین را می کشیدم که ناگاه از ورودش آگاه شدم و برای زیارتش بیرون رفتم. مرد بزرگواری را دیدم که سوار براسب است و عازم منزل شخصیت بزرگ و معروف خله، سید فخرالدین حسن بن علی موسوی مازندرانی (که عمرش

\* به یادداشت شماره ۳ مراجعه فرمائید.

۲- ما در این حکایت همه جا «بحرایض» را به «دریای سفید» ترجمه کرده ایم ولی منظور از دریای سفید «آبهای سفید» است که در متن حکایت تصریح شده است و ربطی به «دریای سفید» واقع در شمال روسیه و جنوب شبه جزیره کولا، ندارد. و ربطی به دریای مدیترانه هم ندارد. چون اصطلاح معروف «بحرایض متوسط» یک اصطلاح جدید است و در گذشته اسامی دیگری از قبیل: بحر روم، بحر متوسط و بحر اصم به آن گفته می شد. (فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۴۳) در هیچ موردی از این حکایت «بحرایض متوسط» گفته نشده تا به معنای دریای مدیترانه باشد. و دریای سفید قطب شمالی هم قطعاً منظور نیست. روی این بیان منظور از «بحرایض» همان آبهای سفید است، چنانکه در چند مورد از این حکایت «الماء الأبيض» (آب سفید) تعبیر شده است. «مترجم»

طولانی باد) می باشد.

من تا آنروز شیخ زین الدین را ندیده بودم ولی به خاطرم گذشت که این سواره همان شیخ بزرگوار خواهد بود. به دنبال او راه افتادم و راهی منزل سید فخرالدین شدم.

وقتی به درخانه سید فخرالدین رسیدم. او را نزدیک درخانه یافتم که با خوشروئی از من استقبال کرد، و قدم شیخ زین الدین را مرده داد. دلم از شدت سرور و خوشحالی می طپید و هرگز نتوانستم که خودم را نگه بدارم و در فرصت دیگری به خدمتش برسم. همراه سید بزرگوار وارد منزل شدم و از دستهای مبارک «شیخ زین الدین» بوسیدم.

شیخ زین الدین از سید فخرالدین خواست که مرا معرفی کند. سید فخرالدین گفت: او «فضل بن یحیی طیبی» و مشتاق دیدار شماست.

شیخ زین الدین به پاخواست و مرا در کنار خود نشاند و چون با پدرم آشنائی داشت، از حال پدرم و برادرم شیخ صلاح الدین جو یا شد. در روزهایی که شیخ زین الدین با پدرم و برادرم رفت و آمد داشت من در شهر «واسط» بودم و در خدمت دانشمند فقید «ابو اسحاق ابراهیم بن محمد واسطی» که از علمای شیعه بود مشغول تحصیل بودم.

مدتی با شیخ زین الدین به گفتگو پرداختم و از لابه لای گفتگو دریافتم که شیخ زین الدین مرد دانشمندی است و در علوم فقه و حدیث و ادبیات عربی پرمایه است.

آنگاه از شیخ زین الدین خواستم که حکایتی را که شیخ شمس الدین و شیخ جلال الدین خلی برایم تعریف کرده بودند شخصاً برایم تعریف کنند.

شیخ زین الدین حکایت تشرف خود را از آغاز تا انجام در منزل سید فخرالدین و در حضور او، و در حضور گروهی از علمای حله که برای زیارت شیخ آمده بودند، برای من تعریف کردند.

متن حکایت شیخ زین الدین که در روز یازدهم شوال ۶۹۹ هجری در حله و در منزل سید فخرالدین، از زبان خودش شنیدم، بدون هیچگونه

تغییر و تبدیل چنین است:



شیخ زین الدین، علی بن فاضل مازندرانی فرمود:

سالیان درازی در دمشق مشغول تحصیل علوم دینی بودم. استادی داشتم به نام «شیخ عبدالرحیم حنفی» (خدایش به راه راست هدایت کند) که در خدمت او اصول و ادبیات عربی می خواندم. و استاد دیگری داشتم به نام «زین الدین مغربی اندلسی مالکی» که مرد دانشمند و فاضلی بود و بر قرائت‌های سبعة آگاهی کامل داشت و در اغلب علوم چون صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و اصول مهارت داشت. او مردی خوش اخلاق و به دور از جدال و عناد بود و با مذهب تشیع دشمنی نداشت. وقتی می خواست نظر شیعه را مطرح کند می گفت: «علمای امامیه چنین می فرمایند»، در صورتی که دیگر علمای سنی برای اهانت «رافضی» تعبیر می کردند. و ویژگیهای اخلاقی او باعث شد که از دیگر اساتیدم بریدم و همه درسهایم را در خدمت ایشان تحصیل کردم.

مدتها گذشت که من در حلقه های درس او می نشستم و از خرمن علم او خوشه ها می چیدم، که برای او مسافرتی پیش آمد و تصمیم گرفت دمشق را به قصد مصر ترک کند. به دلیل محبت فراوانی که در میان ما بود، مفارقت او بر من سخت گران آمد. او نیز اظهار نمود که نمی تواند دوری مرا تحمل کند. و پیشنهاد کرد که در این سفر او را همراهی کنم. گروهی از شاگردان غیر بومی نیز تصمیم گرفتند در خدمت استاد مسافرت کنند. مسافرت بسیار خوشی داشتیم و همه جا از خدمت استاد استفاده می کردیم تا به قاهره رسیدیم، که بزرگترین شهر مصر است.

استاد مدت ۹ ماه در قاهره اقامت کرد و فضیلتی مصر از شهرهای مختلف به قاهره آمدند تا از خدمت استاد استفاده کنند. او در این مدت در مسجد «الازهر» مشغول تدریس بود. و فضیلتی مصر از خدمتشان استفاده می کردند. و ما در بهترین وضع در آنجا اقامت داشتیم.

یک روز کاروانی از اندلس آمد و نامه ای از پدر استاد آورد که

نوشته بود حال پدرت به شدت وخیم است، و او می خواهد پیش از مرگ شما را ببیند. حتماً تأخیر نکنید و پدرتان را دریابید.

استاد وقتی نامه را خواند بسیار متأثر شد و برای بیماری پدرش اشک ریخت. و تصمیم گرفت که رهسپار اندلس شود.

برخی از شاگردان تصمیم گرفتند که در این مسافرت استاد را همراهی کنند. من نیز نمی توانستم از او جدا شوم که بسیار به او علاقمند بودم و استاد نیز به من محبت فراوان داشت.

به راه افتادیم و پس از طی منازل به شبه جزیره اندلس (اسپانیای امروزی) رسیدیم. در اولین آبادی اندلس من به شدت تب کردم و از حرکت بازماندم. استاد به شدت متأثر شد و با دیده های اشک آلود به من گفت: جدائی تو برای من بسیار سخت است.

استاد که ناگزیر بود به راه خود ادامه دهد، مرا به واعظ آن آبادی سپرد و ۱۰ درهم به او داد که وضع من مشخص شود. به او گفت اگر خدا به من شفا عنایت کند، مرا تا شهر او ببرد. با من نیز پیمان بست و خود به راه افتاد. فاصله شهر استاد تا آن آبادی از کرانه دریا مسافت ۵ روز راه بود.

من سه روز در آن آبادی ماندم که قدرت حرکت نداشتم. روز سوم نزدیکیهای غروب تب من قطع شد، بیرون آمدم و در کوچه های ده به گردش پرداختم.

با قافله ای روبرو شدم که از کوههای نزدیک کرانه «بحر غربی»<sup>۳</sup> بازگشته بودند و پشم و روغن و دیگر لوازم زندگی خریداری می کردند.

از وضع شهرهای آنها جويا شدم، گفتند که آنها از نزدیکی

---

۳- بحر غربی، یکی دیگر از نامهای «مدیترانه» در زمانهای گذشته بود به کار بردن این تعبیر خود نشانه آنست که «بحرایض» به دریای مدیترانه مربوط نمی شود بلکه چنانکه قبلاً یاد آور شدیم، این نام در گذشته در مورد مدیترانه بکار نمی رفت و اکنون هم «بحرایض متوسط» تعبیر می شود «مترجم»

سرزمین بربر آمده‌اند.<sup>۴</sup> و سرزمین آنها در کرانه دریا و در نزدیکی «جزیره‌های شیعیان» است.

هنگامی که اسم «جزیره‌های شیعیان» را شنیدم، دلم برای دیدن آن سامان بی تاب گردید.

گفتند که از اینجا تا سرزمین آنها مسافت ۲۵ روز راه فاصله است و دوروز از راه بی آب و علف باید برویم. ولی بعد از آن راه خوبی هست و آبادی‌ها به یکدیگر پیوسته است.

مرکبی را به سه درهم کرایه کردم که منطقه بی آب و علف را بر آن سوار شوم. پس از گذشتن از آن دشت، هنگامی که به اولین آبادی رسیدم، مرکب را به صاحبش رد کردم و پس از آن به اراده خودم از یک آبادی به آبادی با پای پیاده می‌رفتم، تا به سرزمین آنها رسیدم.

آنجا به من گفتند: شما مسافت سه روز راه دارید تا به جزیره‌های شیعیان برسید.

بدون درنگ راه را ادامه دادم تا سرانجام به جزایر شیعیان رسیدم. به شهری رسیدیم که دارای چهار قلعه و برجهای بلند و محکمی بود. دیوارهای جزیره از کرانه‌های دریا برافراشته شده بود. از دروازه بزرگ شهر، که دروازه بربر نام داشت وارد شدم و در کوچه‌های شهر به گردش پرداختم. از مسجد شهر پرسیدم، راهنمایی کردند و به مسجد رفتم. مسجد شهر بسیار بزرگ و با شکوه بود، در کرانه غربی جزیره و مشرف به دریا بود.

در گوشه‌ای از مسجد نشستم تا دمی استراحت کنم، ناگهان صدای مؤذن برخاست و اذان ظهر را گفت. و در اذان «حَسْبُ عَلِيٍّ خَيْرٌ الْعَمَلِ» گفت،<sup>۵</sup> چون از اذان فارغ شد، برای تعجیل ظهور ولی عصر (عج)

۴- بربر به قومی گفته می‌شد که از تمدن دور بودند و در شمال آفریقا در کرانه‌های اقیانوس اطلس زندگی می‌کردند. بیشتر ساکنان مراکش، صحرا و موریتانی از قوم بربر بودند. «مترجم»

۵- اهل سنت علی‌رغم روایات بسیاری که نقل کرده‌اند که پیامبر اسلام (ص) «حسب علی خیر العمل» می‌فرمود، به پیروی از خلیفه دوم آنرا ترک می‌کنند. (مترجم) به یادداشت شماره ۴ مراجعه فرمائید.

دعا کرد. من دیگر نتوانستم جلو گریه ام را بگیرم و بشدت اشک شوق ریختم.

مردم گروه گروه وارد مسجد شدند، از چشمه ای که در زیر درختی سمت شرقی مسجد روان بود وضو ساختند. هنگامی که دیدم بر طبق تعالیم اهل بیت (ع) وضومی گیرند بسیار خوشحال شدم. سپس یک مرد خوش سیما از میان آنها وارد محراب شد و صفها آراسته گشت و نماز ظهر را با جماعت ادا کردند نماز را با آداب و سنن واجب و مستحبی از مقدمات و تعقیبات و تسبیحات، مطابق روش منقول از پیشوایان معصوم (ع) انجام دادند.

از رنج راه دور و دراز بقدری خسته بودم که نتوانستم با آنها به نماز برخیزم. چون از نماز فارغ شدند به من نگاه کردند و از اینکه من در جماعت آنها شرکت نکردم، انتقاد کردند و پرسیدند: اهل کجا هستی و چه مذهبی داری؟

گفتم: از مردم عراق هستم و به یکتائی خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) گواهی می دهم.

گفتند: این شهادت که تو گفتی، به تو هیچ سودی ندارد جز اینکه در دنیا خونت بر مسلمانان حرام است. چرا شهادت سوم را نمی گوئی تا اهل بهشت باشی؟

گفتم: آن چیست؟ مرا ارشاد فرمائید، خداوند شما را بیامرزد.

امام جماعت گفت: شهادت سوم اینست که شهادت بدهی: امیرمؤمنان، سرور پرهیزگاران و پیشوای روسفیدان حضرت علی بن ابیطالب و یازده فرزندش (ع) جانشینان و خلفای بلا فصل پیامبر اکرم (ص) می باشند، که خداوند طاعت آنها را واجب کرده، امر و نهی خود را توسط آنها به مردم رسانیده و آنها را حجت خود در روی زمین قرار داده و به برکت آنها به مردم امان داده است.

پیامبر صادق امین (ص) در شب معراج و در آن مقام تقرب «قَاب

قَوْسَيْنِ أَوْلَادِنِي» بدون هیچ واسطه از پروردگار عالم شنیده است که آنها را یکی پس از دیگری نام برده و اطاعتشان را بر خلائق واجب گردانیده است.

چون به سخنانشان گوش دادم خدای را سپاس گفتم و بی نهایت مسرور و خوشحال شدم و همه رنج سفر از بین رفت و آنانرا آگاه ساختم از اینکه من هم در مذهب آنها هستم و به گفتار آنان معتقدم با عنایت خاصی به من توجه کردند و محلی را در یکی از گوشه های مسجد برای من اختصاص دادند. و در مدت اقامت من در آن شهر با محبت و احترام با من رفتار کردند. و امام مسجد همواره با من بود و من از مصاحبت او بسیار خوشوقت بودم.

یک روز از امام مسجد پرسیدم: من در این شهر زراعتی نمی بینم، پس آذوقه شما از کجا می آید؟

گفت: از جزیره خضراء، در آبهای سفید، از جزیره های اولاد حضرت صاحب الزمان (عج).

گفتم: سالی چند بار آذوقه برای شما می آید؟

گفت: دو بار می آید، یکی آمده و یکی خواهد آمد.

گفتم: کی خواهد آمد؟

گفت: چهار ماه دیگر.

از طولانی بودن مدت اندوهگین شدم، هر روز از خدا می خواستم که این بارزود تریاید و من با چشم خود آنرا ببینم. مدت چهل روز من آنجا اقامت کردم و در این مدت در نهایت تکریم و احترام بودم.

عصر روز چهارم احساس کردم که دلم گرفته است، به کنار دریا رفتم و در آنجا به سیاحت پرداختم. به طرف مغرب می نگریستم، که گفته بودند آذوقه آنها از آن سمت می آید، از دور چیزی را دیدم که در حرکت است. پرسیدم که آیا در دریا مرغهای سفیدی هست؟ گفتند: نه، مگر چیزی دیدی؟ گفتم: آری. گفتند: پس آذوقه ما می آید. اینها



کشتیهائی است که هر سال از شهرهای فرزندان امام زمان (عج) به سوی ما می آیند.

چیزی نگذشت که کشتیها رسیدند. ولی اهل شهر می گفتند: این بار کشتیها زودتر از وقت معین آمده است.

نخست یک کشتی بزرگ لنگر انداخت، سپس ۶ کشتی دیگر پهلو گرفت تا هفت کشتی کامل گشت.

از کشتی بزرگ پیرمردی بلند قامت، چهار شانه، خوش سیما، با جامه های آراسته، پیاده شد و وارد مسجد گردید وضوء کاملی ساخت، آنچنانکه از پیشوایان معصوم (ع) رسیده است و نماز ظهر و عصر را خواند و چون از نماز فارغ شد روی به من کرده سلام گفت و من پاسخ گفتم. گفت:

نام تو چیست؟ به نظرم نام تو «علی» باشد.

گفتم: آری، آنگاه مانند کسی که با من سابقه آشنائی چندین ساله داشته باشد، به گفتگو پرداخت. سپس گفت:

نام پدر شما چیست؟ خیال می کنم «فاضل» باشد؟

من مطمئن شدم که این شخص در این مسافرت با ما بوده است که این چنین از نام و نسب من آگاه است.

پرسیدم: از کجا مرا می شناسی؟ آیا از دمشق تا مصر با ما همسفر بودی؟ گفت: نه. گفتم: از مصر تا اندلس با ما بودی؟ گفت: نه. من هرگز با شما نبودم، به جان مولای ما حضرت صاحب الزمان (عج).

گفتم: پس نام من و پدرم را از کجا می دانی؟

گفت: نام و نشانی و خصوصیات تو و مرحوم پدرت به من گفته شده است و من ترا با خودم به جزیره خضرا خواهم برد.

من بسیار خوشحال شدم و از خوشحالی در پوست نمی گنجیدم. به طوریکه اهل شهر می گفتند: او هر بار که می آمد سه روز آنجا می ماند، ولی این بار یک هفته آنجا اقامت کرد. آذوقه را به صاحبانش که مقرر بود رسانید و از آنها دستخط گرفت که آذوقه شان رسید. آنگاه عازم حرکت

شد و مرا با خودش برد.

شانزده روز در خدمت آن پیرمرد که نامش محمد بود با کشتی، طی مسافت کردیم. روز شانزدهم به منطقه ای رسیدیم که آب دریا سفید بود! من از روی تعجب خیره خیره به آب نگاه می کردم.

پیرمرد پرسید: چه شده؟ به دریا این قدر خیره شده ای! گفتم: من دریا را به رنگ دیگری بینم این شباهتی به آب دریا ندارد.

گفت: آری اینجا آبها سفید است، اینجا دریای سفید است و آنجا «جزیره خضرا» است.

این آبهای سفید از هر طرف، جزیره را احاطه کرده است از هر طرف به سوی جزیره خضرا بیائی، به این آبها برخورد می کنی. از حکمت خدا و ببرکت مولا و پیشوای ما حضرت صاحب الزمان (عج) کشتیهای دشمنان ما در این آبها غرق می شود، هر چه قدر هم محکم باشند.

از آب دریا خوردم، شیرین همانند آب فرات بود.

آبهای سفید را پیمودیم تا به جزیره خضراء رسیدیم که همواره آباد، و ساکنانش دلشاد باد.

کشتی در کنار جزیره پهلو گرفت و ما از کشتی پیاده شده وارد شهر شدیم.

آن شهر در میان هفت قلعه استوار با دیوارهای محکم و برجهای به آسمان کشیده شده، با آبشارها و چشمه سارها و اقسام میوه ها، زیباترین شهری بود که دیدم.

در این شهر بازارهای وسیع و حمامهای فراوان وجود داشت و بیشتر ساختمانهای آن از مرمر شفاف ساخته شده بود. و مردمان شهر با قامتی راست و استوار و جامه هائی آراسته و قیافه هائی جذاب، در هاله ای از شکوه و وقار دیده ها را خیره می ساختند.

از دیدن شهر و شکوه آن، آنچنان مسرور شدم که روحم از این مناظر پرواز می کرد.

مدتی در منزل شیخ محمد استراحت کرده به مسجد رفتم.

در مسجد جماعت انبوهی بود و در میان آنها مردی نشسته بود که من از وصف او ناتوانم. بسیار باوقار، متین و با هیبت بود. او را «سید شمس الدین محمد عالم» می خواندند.

جماعتی که دور جناب سید شمس الدین حلقه زده بودند در محضر او قرآن، اصول دین، فقه و اقسام علوم عربی را فرا می گرفتند.

فقهی که جناب سید شمس الدین تدریس می کرد، مسئله مسئله بود، و هر مسئله ای را از حضرت صاحب الزمان (عج) نقل می کرد.

هنگامی که به محضر سید بزرگوار شرفیاب شدم، به من خوشامد فرمود، و در کنار خود مرا جای داد. و از رنج راه و مشقت سفر پرسید. و بیان داشت که تمام احوالات من به محضرشان رسیده است و شیخ محمد که مرا به جزیره خضراء هدایت نموده به امر جناب سید شمس الدین بوده است، که خداوند سایه اش را مستدام بدارد.

سپس دستور داد که غرفه ای را در گوشه ای از گوشه های مسجد به من اختصاص دهند که در آنجا راحت باشم. سپس خطاب به من کرده فرمود: اینجا از آن تست، هر وقت که خواستی تنها باش و استراحت کن. از محضر سید مرخص شدم و به غرفه خود رفتم و تا عصر به استراحت پرداختم.

طرف عصر، کسیکه مسئول من بود به من پیغام آورد که در غرفه ام باشم که جناب سید شمس الدین با گروهی از یاران برای صرف شام به غرفه من خواهند آمد.

با کمال خوشوقتی پذیرا شدم.

طولی نکشید که جناب سید با جمعی از اصحابش تشریف آوردند و سفره ها پهن شد و غذا چیده شد. در محضر جناب سید شام خوردیم و برای نماز مغرب و عشا رهسپار مسجد شدیم.<sup>۱</sup>

---

۱- از این جمله معلوم می شود که در جزیره خضراء نیز به طوریکه در صدر اسلام مرسوم بود، روزی دوبار (صبح و عصر) غذا می خورند که روزی سه وعده غذا خوردن نه اسلامی است و نه بهداشتی. «مترجم»

پس از ادای نماز مغرب و عشا، جناب سید به منزلش تشریف بردند و من به غرفه ام باز گشتم.

هیجده روز بدین منوال گذشت و هر روز از محضر جناب سید شمس الدین استفاده می بردیم که خداوند به سلامت بدارد. نخستین نماز جمعه که در محضر جناب سید برگزار شد، دیدم که سید، جمعه را به عنوان دو رکعت واجب ادا کردند و من از ایشان پیروی نموده، نماز جمعه را با ایشان ادا کردم.

چون از نماز فارغ شد، عرضه داشتم: نماز جمعه را به عنوان واجب ادا کردید! فرمود: آری. چون تمام شرائط وجوب جمعه فراهم است. توی دلم گفتم: شاید حضرت ولی عصر (عج) در نماز شرکت داشتند. چون خلوت شد، از جناب سید پرسیدم: آیا امام علیه السلام در نماز حاضر بودند؟ فرمود: نه، ولی من نایب خاص آنحضرت هستم و به امریکه از ناحیه مقدسه صادر شده، جمعه را اقامه می کنم.<sup>۲</sup>

از جناب شمس الدین پرسیدم: آیا امام را دیده ای؟ فرمود: نه، ولی پدرم (رحمة الله علیه) می گفت: که صدای آنحضرت را شنیده بود ولی شخص آنحضرت را ندیده بود. اما پدرش (رحمة الله علیه) هم شخص آنحضرت را دیده بود و هم صدایش را شنیده بود.

پرسیدم: چگونه است که به یکی این افتخار نصیب می شود و به دیگری نمی شود.

فرمود: برادر! خداوند تبارک و تعالی، هر که را بخواهد، مشمول الطاف خود گرداند. همه اینها براساس حکمت الهی است. خداوند برخی از بندگانش را به اعطای مقام رسالت، نبوت، و امامت گرامی داشته است و آنها را حجت خود قرار داده است تا هر که هلاک شود حجت

۲- در مورد نماز جمعه در غیبت حضرت ولی عصر (عج) اختلاف فراوان هست که برخی از فقها واجب تعیینی و برخی تخییری و بعضی از آنها حرام و بعضی دیگر غیر مشروع دانسته و بعضی به قصد رجا و به امید مطلوبیت فتوی به جواز داده اند، و غالب مراجع عصر در صورت اقامه نماز جمعه احتیاطاً نماز ظهر را نیز لازم دانسته اند و بعضی از مراجع بزرگوار فقط در صورتی نماز جمعه را از نماز ظهر مکفی می دانند که امام جمعه مجتهد عادل و یا منصوب از طرف مرجع تقلید برای اداء نماز جمعه باشد. «مترجم»

بر او تمام باشد و هر که هدایت شود بر اساس برهان و حجت به راه راست هدایت شود.

خداوند از روی لطف، لحظه‌ای روی زمین را خالی از حجت قرار نداده است<sup>۳</sup> و برای هر حجّتی سفیری قرار داده است که فرمانهای او را ابلاغ نماید.

آنگاه جناب سید شمس‌الدین دست مرا گرفت و به خارج شهر برد و به سوی بستانها رفتیم. در آنجا رودها و بستانهای بسیار می‌دیدم که انواع و اقسام میوه‌ها از انگور و انار و گلابی و غیره در آنجا موجود بود که در ایران و عراق و شامات نظیر آنها را ندیده بودم و در بزرگی و زیبایی و شیرینی با میوه‌های مشابهش قابل قیاس نبود.

در بستانها قدم می‌زدیم که مرد خوش صورتی با دو قطعه جامه از پشم سفید از نزدیکی ما گذشت. از سید پرسیدم این مرد کیست؟ که هیبتش مرا به شگفت واداشت؟

فرمود: این کوه بلند را می‌بینی؟

گفتم: آری.

فرمود: در وسط آن محل باشکوهی است که در آنجا چشمه‌ای زیر درخت پرشاخ و برگ هست و در آنجا قبه‌ای از آجر هست و این مرد با یک نفر دیگر خادم آن قبه هستند. من هر صبح جمعه به آنجا می‌روم و از آنجا امام علیه‌السلام را زیارت می‌کنم.

من در آنجا دو رکعت نماز می‌خوانم و در آنجا ورقه‌ای می‌یابم که هر چه نیاز دارم در آن نوشته شده است.

هر حادثه‌ای پیش آید و هر محاکمه‌ای در میان مؤمنین انجام دهم، حکمش را در آن ورقه می‌یابم و به آن عمل می‌کنم.

تو نیز شایسته است که به آنجا بروی و امام علیه‌السلام را از آنجا

۳. از طریق شیعه و سنی روایت شده که اگر یک لحظه روی زمین از حجت خالی باشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد، و قطعی است که بقای این جهان و دوام این دوران به برکت حضرت ولی عصر امام زمان (عج) می‌باشد. در این زمینه به کتاب «او خواهد آمد» مراجعه فرمائید. «مترجم»

زیارت کنی.

به دستور جناب سید برفراز کوه رفتم و آن قبه را به طوریکه جناب سید توصیف کرده بود، یافتم. آنجا دو نفر خادم بود، یکی مرا شناخت و به من خوشامد گفت و دیگری مرا شناخت و به من اعتراض کرد.

خادمی که مرا در حضور سید دیده بود به او گفت: من او را می شناسم، من او را در خدمت سید شمس الدین دیده ام. پس او نیز به من عنایت فرمود و بامن به گفتگو پرداختند. آنگاه نان و انگور آوردند خوردم، سپس از آب آن چشمه خوردم و وضو گرفتم و دو رکعت نماز خواندم.

از خادمها پرسیدم: رؤیت امام علیه السلام چگونه میسر است؟ گفتند: هرگز ممکن نیست و ما اجازه نداریم که به کسی خبر بدهیم.

از آنها درخواست کردم که در حق من دعا کنند پس در حق من دعا کردند و از خدمتشان مرخص شدم و از کوه پائین آمدم.

وقتی به شهر رسیدم به منزل سید شمس الدین رفتم، در خانه نبود. به منزل شیخ محمد رفتم که راهنمای من بود، و درباره کوه و آنچه در آن دیده بودم با او صحبت کردم و گفتم که یکی از خادمها به من اعتراض کرد.

او گفت: به جز سید شمس الدین و امثال او، کسی حق ندارد به این کوه برود و بهمین جهت مورد اعتراض واقع شده ای.

از او در مورد جناب سید شمس الدین پرسیدم، گفت: او از اولاد حضرت صاحب الزمان (عج) است و میان او و حضرت ولی عصر (عج) ۵ واسطه هست.

\* \* \*

شیخ زین الدین علی بن فاضل می گوید: به جناب سید شمس الدین (اطال الله بقاءه) گفتم: آیا اجازه می فرمائید که مسائل مورد نیاز را از محضر شما فرا گرفته به شیعیان نقل کنم و قرآن را در محضر شما بخوانم و مطالبی که بر من مشکل شده از محضرتان استفاده نمایم؟

فرمود: اگر چنین ضرورتی هست، از قرآن شروع کن. در محضر جناب سید شمس الدین شروع به قرائت قرآن کردم. در هر

آیه‌ای که در میان قاریان اختلافی بود به موارد اختلاف اشاره می‌کردم و می‌گفتم: «حمزه چنین خوانده»، «کسائی چنین خوانده»، «عاصم چنین خوانده» و «ابن کثیر چنین خوانده است».

جناب سید شمس‌الدین فرمود: ما اینها را نمی‌شناسیم، قرآن بر هفت حرف نازل شده است، مجموع قرآن پیش از هجرت و بعد از هجرت به تدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد. بعد از «حجة الوداع» جبرئیل امین بر آنحضرت نازل شد و گفت: یا محمد (ص) قرآن را بخوان تا آغاز و انجام هر سوره‌ای را برای شما بازگویم، و شأن نزول آنها را بیان کنم.

آنگاه امیرمؤمنان (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، حسان بن ثابت، و گروهی از برگزیدگان اصحاب جمع شدند و پیامبر اکرم (ص) قرآن را از اول تا آخر قرائت فرمود. در هر آیه‌ای اختلافی بود جبرئیل آنرا بیان می‌کرد و امیرمؤمنان (ع) آنرا بر روی ورقه‌ای از پوست می‌نوشت. همه قرآن قرائت حضرت امیر (ع) است...

قرآنیکه امیرمؤمنان (ع) به خط خود آنرا نوشته است، در محضر حضرت ولی عصر (عج) محفوظ است. تمام احکام حتی «ارش خدش» (دیه خراش) نیز در آن هست. اما این قرآن که در دست شماست، بدون شبهه کلام خالق است و هیچ تردیدی در صحت آن نیست. و این، مطلبی است که از حضرت ولی عصر (عج) صادر شده است.<sup>۴</sup>



۴- مطابق احادیث فراوان، در قرآنی که به خط حضرت علی علیه السلام نوشته شده تمام خصوصیات، شأن نزولها، تفسیر و شرح آیات درج شده است که خلفا آنرا نپذیرفتند. زیرا پذیرفتن آن به مفهوم استعفا از مقام و منصبی بود که همه چیز را فدای آن کرده بودند. ولی آنچه مسلم است قرآنی که در دست ماست دقیقاً وحی خداست و حتی یک حرف هم در آن تحریف نشده است و در این زمینه کتابهای فراوانی نوشته شده که تازه‌ترین آنها کتاب پراج «البیان» به قلم مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی آقای خوئی می‌باشد که به فارسی نیز ترجمه شده است.

شیخ زین الدین علی بن فاضل گفت: از جناب سید شمس الدین مسائل بسیاری پرسیدم و فرا گرفتم که بیش از ۹۰ مسئله است و آنها را در یک مجلد گردآوردم و آنرا «فوائد شمسیه» نام نهادم. که فقط به شیعیان خالص آنرا ارائه می دهم. انشاءالله تونیز آنرا خواهی دید.<sup>۵</sup>

جمعه دوم که جمعه وسطی از جمعه های ماه بود، نماز جمعه را با جناب سید شمس الدین خواندم. پس از نماز جناب سید برای بیان مسائل، ارشاد وافاده مؤمنان در مجلس نشست و من به سخنان او گوش می دادم که ناگان متوجه شدم در بیرون مسجد صدای هرج و مرج می آید. از جناب سید پرسیدم، این چه صدائی است؟ فرمود:

— در هر روز جمعه، در وسط هر ماه لشکریان ما سوار می شوند و انتظار فرج می کشند.

از سید بزرگوار اجازه گرفتم و برای تماشای آنها بیرون رفتم. جمعیت انبوهی را دیدم که تسبیح، تحمید و تهلیل می گفتند و برای تعجیل فرج امام قائم به امر خدا، و ناصح به دین خدا حضرت (م ح م د) ابن الحسن المهدی، حضرت صاحب الزمان (عج) دعا می کردند.

وقتی به مسجد باز گشتم جناب سید شمس الدین فرمود: آیا لشکر ما را دیدی؟ گفتم: آری. فرمود: آیا امرای آنها را شمردی؟ گفتم: به. فرمود: تعداد آنها ۳۰۰ نفر می باشد. فقط ۱۳ نفر مانده است که تعداد یاران حضرت ولی عصر (عج) کامل شود.

پرسیدم: سرور من! آیا فرج کی خواهد بود؟ فرمود: برادر من! آگاهی از آن مخصوص حضرت پروردگار است و موکول به مشیت حضرت احدیت است. ای بسا شخص امام (عج) نیز از آن آگاه نباشد.

برای فرج نشانه هائی هست که یکی از آنها سخن گفتن ذوالفقار<sup>۶</sup> است که از غلاف خود خارج شود و بگوید: ای ولی خدا به پاخیز، و به

۵. لفظ «تو» خطاب به «فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی» است که راوی بلا واسطه

داستان جزیره است. «مترجم»

۶. ذوالفقار نام شمشیر امیر مؤمنان است که طبق روایات اینک در محضر حضرت ولی

عصر (عج) می باشد.



وسیله من و به نام خدا دشمنان خدا را نابود کن.

ویکی از آنها سه صد است که همه، آنها را می شنوند:

۱- ای گروه مؤمنان «أَزَقْتِ الْأَزَقَةَ»، (وقت ظهور فرارسیده)

۲- لعنت خدا بر کسانی باد که بر محمد وال محمد ستم روا

داشتند.

۳- سیمائی بر خورشید ظاهر شده ندا می دهد: خداوند، ولی عصر

حضرت (م ح م د) ابن الحسن المهدی را برانگیخته است، به سخنان او گوش فرا دهید و اوامر او را اطاعت کنید.

گفتم: مولای من، از اساتید ما روایتی به ما رسیده است که

حضرت ولی عصر (عج) در مورد غیبت کبری فرموده است: پس از غیبت

موج، هر کس ادعا کند که مرا دیده است او را تکذیب کنید. پس چگونه

است که برخی از شما او را دیده اند؟

فرمود: این روایت صحیح است ولی مربوط به زمانی است که

دشمنان اهل بیت از فرعونهای بنی عباس فراوان بودند و شیعیان ناچار بودند

حتی از آوردن نام مبارک آقا، پرهیز کنند. اما اکنون، زمان طولانی شده و

دشمنان نومید گشته اند و سرزمین ما به دور از تیررس دشمنان است و آنها

از برکت حضرت صاحب الزمان (عج) راهی ندارند که به ما برسند و به ما

ناراحتی ایجاد کنند.

گفتم: علمای شیعه نقل می کنند که حضرت، خمس را به

شیعیان خود از اولاد حضرت علی (ع) مباح ساخته است.

فرمود: بلی چنین است.

گفتم: آیا شیعیان می توانند از برده هائی که اهل سنت اسیر

گرفته اند خریداری کنند؟ فرمود: آری و از غیر آنها. زیرا امام (ع)

می فرماید: با آنها آنچه رفتار کنید که آنها با خود انجام می دهند.

[این دو مسئله، غیر از مسائلی است که در کتاب فوائد الشمسیه

گرد آوردم].

جناب سید شمس الدین فرمود: حضرت ولی عصر (عج) در یک

سال فرد، از مکه معظمه در میان رکن و مقام ظاهر می شود. مؤمنان باید در انتظار آن روز باشند. گفتم: سرور من، بسیار علاقمندم تا هنگامی که خداوند اجازه فرج و امر به ظهور فرماید در خدمت شما بمانم. فرمود: برادر جان به من دستور رسیده که شما به وطن خود باز گردید که هرگز برای من و برای شما امکان مخالفت نیست. زیرا شما اهل و عیال دارید و مدتی از آنها دور شده‌اید و بیش از این جایز نیست از آنها دور باشید.

بسیار اندوهگین شدم و اشک ریختم و عرضه داشتم آیا می توان در این زمینه بار دوم کسب تکلیف کرد؟ فرمود: نه.

گفتم: آیا به من اجازه می فرمائید همه آنچه دیده‌ام بازگو کنم؟ فرمود: آری برای آرامش دل مؤمنان می توانی. به جز فلان و فلان را. آنگاه مطالبی را که نباید نقل کنم برای من معین فرمود.

گفتم: سرور من، آیا نمی توان به جمال عالم آرای حضرت ولی عصر (عج) نگاه کرد؟ فرمود: نه. ولی بدان که هر مؤمن مخلص او را می بیند ولی نمی شناسد.

گفتم: من از بندگان مخلص آقا هستم ولی آنحضرت را ندیده‌ام. فرمود: نخیر، شما دو بار جمال آقا را دیده‌ای.

یکی هنگامی که برای اولین بار به سامرآمی رفتی. که یاران تو جلوتر از شما رفتند و شما تنها ماندی، تا به رودخانه ای رسیدی که آب نداشت. آنجا سواره‌ای را دیدی که براسب سفید سوار است و نیزه‌ای بلند در دست دارد و سرنیزه اش دمشقی است. آنجا بر جامه هایت ترسیدی، فرمود: ترس باشتاب برو که دوستانت در زیر درخت در انتظار تو نشسته اند.

آن واقعه دقیقاً یادم آمد و گفتم: آری چنین اتفاقی بر من افتاده است مولای من.

فرمود: و یکبار دیگر هنگامی که با استاد اندلسی خود از دمشق به سوی مصر راه افتادی و در راه از قافله جدا ماندی و به شدت ترس و وحشت بر تو غلبه کرد. آنجا نیز سواره‌ای را دیدی که براسب پیشانی سفیدی سوار

است و نیزه‌ای به دست دارد و به تو فرمود: نترس که در دست راست تو آبادی هست، برو به آن آبادی و شب را در آنجا بیتوته کن. مذهب و آئین خود را آنجا باز گوی که آنها و چند آبادی دیگر در جنوب دمشق بر آئین علی بن ابیطالب و پیشوایان معصوم از فرزندان او هستند. آیا چنین بود ای پسر فاضل؟ گفتم: آری چنین بود و من رفتم شب را در آنجا خوابیدم، و از آنها پرسیدم: چه مذهبی دارید؟ بدون تقیه گفتند: ما بر مذهب علی بن ابیطالب و پیشوایان معصوم از اهل بیت او هستیم و به من خیلی احترام کردند. و از آنها پرسیدم: این مذهب چگونه به دست شما رسیده است؟ آنها گفتند: هنگامی که عثمان جناب ابوذر غفاری را به شام تبعید کرد، معاویه نیز او را به سرزمین ما تبعید کرد، از برکت مقدم جناب ابوذر چندین آبادی در این منطقه با مذهب اهل بیت عصمت و طهارت آشنا شدند که یکی از آنها آبادی ماست.<sup>۶</sup>

به جناب سید شمس الدین گفتم: سید و سرور من! آیا امام علیه السلام در هر فاصله‌ای خانه خدا را زیارت می‌کند؟ فرمود: ای پسر فاضل! دنیا زیر پای «مؤمن» یک قدم بیش نیست، کجا رسد به کسیکه جهان به برکت او و پدران او بر پاست، آری امام علیه السلام هر سال در موسم حج شرکت می‌فرمایند و پدران بزرگوارش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می‌کنند و به سرزمین ما باز می‌گردند.

سپس جناب سید شمس الدین به من دستور دادند که در مراجعت درنگ نکنم و در بلاد مغرب توقف نکنم.

جناب سید فرمودند که بر درهمهای آنها نوشته شده:

لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص) علی ولی الله، م ح م د  
ابن الحسن القائم بامرالله، و ۵ درهم از آنها به من عنایت فرمود که برای

---

ع این مطلب دقیقاً با منابع تاریخی تطبیق می‌کند، زیرا معاویه جناب ابوذر را به جنوب دمشق، آنجا که امروزه جبل عامل معروف است تبعید کرد و این منطقه از جنوب لبنان به برکت آن جناب با مذهب اهل بیت آشنا شد و به صورت یکی از دژهای محکم اهل بیت (ع) درآمد و مردانی چون شهید اول و شهید ثانی از آنجا برخاستند، که متأسفانه امروز در زیر حملات شدید اسرائیل از زمین و دریا و هوا قرار دارد. «مترجم»

برکت آنها را حفاظت می کنم.

آنگاه جناب سید مقرر فرمود که مرا با همان کشتی که آمده بودم به نخستین آبادی که در سرزمین بربر رسیده بودم، باز گردانیدند.<sup>۷</sup> جناب سید به من مقداری گندم و جو دادند که در آن سرزمین بربر آنها را به ۱۴۰ دینار طلا از دینارهای مغرب فروختم، و با آن پول عزیمت حج نمودم.

برای امتثال امر جناب سید شمس الدین به اندلس رفتم، و از سرزمین بربر به طرابلس غرب رفتم و از آنجا با حجاج مغربی به مکه معظمه مشرف شدم. و پس از ادای مراسم حج به عراق باز گشتم و تصمیم دارم تا آخر عمر در نجف اشرف اقامت کنم و مجاور حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) باشم.

شیخ زین الدین علی بن فاضل گفت: در جزیره خضرا فقط نام ۵ نفر از علمای شیعه مطرح بود:

۱- سید مرتضی (علم الهدی)

۲- شیخ طوسی

۳- محمد بن یعقوب کلینی

۴- ابن بابویه

۵- شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلی، قدس الله ارواحهم.



این آخرین مطلبی است که از شیخ صالح و پرهیزگار، دانشمند و متقی، علی بن فاضل شنیدم که خداوند فیوضات او را مستدام بدارد و در میان دانشمندان و پرهیزگاران زمان امثال او را فراوان گرداند.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلی الله علی خیر خلقه سید البریه، محمد و اله الطاهرین المعصومین و سلم تسليماً كثيراً.

۷- یعنی دیگر به جزیره های شیعیان باز نگشته است و یکسره به سرزمین بربرها برگشته

## وادی خضرا

هرکسی آزاد از قید تعلقها بود  
در شمار سالکین وادی معنی بود  
طور سینا جلوه گاه نور یزدان بر کلیم  
سینه صافی دلان چون سینه سینا بود  
مرده است آندل که از مهر خدا بی بهره است  
دل اگر جای خدا شد زنده و احیا بود  
دل نباشد لایق از خالی نشد از غیر دوست  
قلب عاشق محرم اسرار ما اوحی بود  
فاش گویم سر ما اوحی تولای علیست (ع)  
بی تولای علی (ع) توحید بی معنا بود  
دانی ایدل چیست معیار ولای مرتضی (ع)  
در زمان ما، که عصر غیبت کبری بود  
انتظار و حب مهدی (عج) شاخص حب علیست  
آنکه اندر انتظارش خالق یکتا بود  
جان عالم باد قربانش که از روز نخست  
از فیوضاتش بپا دنیا و مافیها بود  
خوش به حال عاشقی مخلص که او را در جهان  
بر سر کویش باذن حضرتش سُکنا بود  
کوی مهدی (عج) شهرک مخصوص خصمین اوست  
در صحائف نام آنجا وادی خضرا بود  
سر و اسراری خدا بنهاده در این سرزمین  
واقف از اسرار آنجا ایزد دانا بود  
گر زمین را پیکری گیری برایش عضوهاست  
وادی خضرا یقیناً قلب آن اعضا بود  
در سلوک اهل معنی طی منزلها شود  
سیر اهل معرفت یکروز هم زانجا بود  
«ملتجی» تنها ظهور آن امام منتقم  
باعث شادی قلب حضرت زهرا (س) بود  
علی اصغر - یونسیان (ملتجی)

- \* جزیره خضراً در اخبار و آثار
- \* علی بن فاضل کیست
- \* فضل بن یحیی کیست
- \* حی علی خیر العمل
- \* شهادت ثالثه
- \* پاسخ به شبهات
- \* سخن آخر

## یادداشت اول:

### جزیره خضراء در اخبار و آثار

۱- نخستین کتابی که در مورد «جزیره خضراء» نوشته شده، کتاب «الجزیره الخضراء» تألیف: «فضل بن یحیی» از علمای قرن هشتم است.

فضل بن یحیی داستان تشریف «علی بن فاضل» را به «جزیره خضراء» نخست در کربلا (۱۵ شعبان ۶۹۹) از آقایان: شمس الدین محمد بن نجیح حلی و جلال الدین عبدالله بن حوام حلی شنید. آنگاه رهسپار حله شد تا به خدمت «علی بن فاضل» برسد و داستان تشریفش را بدون واسطه از شخص ایشان بشنود.

فضل بن یحیی روز ۱۱ شوال ۶۹۹ به آرزوی خود نائل آمد و داستان تشریف «علی بن فاضل مازندرانی» را از زبان خودش شنید و آنرا در کتابی به نام «الجزیره الخضراء» گرد آورد. ترجمه فارسی آن در بخش سوم این کتاب به خوانندگان گرامی تقدیم شد.

۲- قاضی نورالله شوشتری در کتاب پراج «المجالس» می نویسد: «محمد بن مکی» معروف به «شهید اول» داستان جزیره خضراء را با سند خود از علی بن فاضل نقل کرده و به خط خود نوشته

است.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه شهید اول برجسته‌ترین و یا یکی از برجسته‌ترین فقهای شیعه می‌باشد و این داستان را به صورت مسند از علی بن فاضل نقل کرده و به خط خود نوشته است بر اهمیت مطلب افزوده می‌شود. و چون عصر شهید اول به علی بن فاضل بسیار نزدیک بوده، بیش از یک واسطه در بین نخواهد بود، زیرا علی بن فاضل در سال ۶۹۹ هـ داستان تشریف خود را نقل کرده، و شهید اول در سال ۷۳۴ متولد، و به سال ۷۸۶ به شهادت رسیده است.<sup>۲</sup> روی این بیان اگر شهید اول عصر علی بن فاضل را درک نکرده باشد، شاگردان و معاصران او را درک نموده است.

ملا کاظم هزار جریبی، شاگرد آغا باقر بهبهانی (استاد اکبر) در کتاب «مناقب» تصریح دارد بر اینکه رساله ای که در خزانه امیر مؤمنان (ع) یافت شده به خط شهید اول می‌باشد.

و پیش از ایشان «قاضی نورالله شوشتری» تصریح کرده بر اینکه شهید اول داستان جزیره خضراء را به خط خود نوشته است.<sup>۳</sup> از این رهگذر مرحوم میرزای نوری تردیدی ندارد در اینکه رساله یافت شده در خزانه امیر مؤمنان (ع) به خط شهید اول بوده است.<sup>۴</sup>

۳- علی بن حسین بن عبدالعالی، متوفی ۵۹۴۰ و مشهور به «محقق کرکی» که از فقهای مشهور جهان تشیع است، این کتاب را در عهد شاه طهماسب صفوی به فارسی ترجمه کرده، به نام او مصدّر نموده است. این ترجمه در هندوستان چاپ و منتشر شده است.

محقق کرکی این ترجمه را از روی رساله «فضل بن یحیی» ترجمه کرده است.<sup>۵</sup>

۴- محمد بن اسدالله شوشتری به امر سلطان صاحب قران کتابی در پیرامون وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) به نام «اثبات وجود

۱- الذریعه ج ۵ ص ۱۰۶

۲- الاعلام زرکلی، ج ۷ ص ۱۰۹

۳- مجالس المؤمنین ج ۱ ص ۷۹

۴- نجم الثاقب ص ۲۹۶

۵- الذریعه، ج ۴ ص ۹۳



حضرت صاحب الزمان» نوشته، و ترجمه رساله جزیره خضراء را در آن درج نموده است. ولی معلوم نیست که همان ترجمه محقق کرکی است، یا مؤلف شخصاً آنرا از عربی به فارسی برگردانده است.

قاضی نورالله شوشتری درباره این کتاب فرموده است:

«این کتاب، رساله پراچی است که بر مؤمنان لازمست آنرا محافظت

نمایند».<sup>۶</sup>

۵- قاضی نورالله شوشتری در موارد متعددی از کتاب پراچ خود «المجالس» از جزیره خضراء بحث کرده و در زمینه رویدادهای عصر ظهور و سیرت حضرت مهدی (عج) به قصه جزیره خضراء استناد نموده اند<sup>۷</sup> عنایت خاصی که قاضی نورالله شوشتری به این داستان ابراز نموده اند برای اثبات اهمیت این داستان کافی است.<sup>۸</sup>

۶- شیخ حرعاملی، صاحب کتاب معروف «وسائل الشیعه» و متوفی ۱۱۰۴ هـ. داستان جزیره خضراء را در کتاب گرانقدر «اثبابة الهداة» در ضمن معجزات حضرت ولی عصر (عج) آورده است.<sup>۹</sup>

نقل این داستان از طرف محدث بزرگواری چون صاحب وسائل در یک کتاب کلامی و عقیدتی چون «اثبابة الهداة» از اهمیت خاص و اعتبار فوق العاده آن حکایت می کند.

۷- علامه مجلسی، متوفی ۱۱۱۰ هـ. متن کامل رساله

۶- الذریعه، ج ۱ ص ۱۰۹

۷- نجم الثاقب ص ۲۹۷

۸- قاضی نورالله شوشتری، مشهور به «شهید ثالث» از اولاد امام زین العابدین (ع) می باشد که در سال ۹۵۶ هـ. دیده به جهان گشود و در سال ۱۰۱۹ هـ. در اکبرآباد هند به جرم دفاع از حریم تشیع به شهادت رسید.

۹۷ جلد کتاب ارزنده از او به یادگار مانده که معروفترین آنها «احقاق الحق» است که تا کنون ۱۶ جلد آن تحت اشراف آیه الله نجفی چاپ و منتشر شده است.

قبر شریف ایشان در آگره مورد توجه و زیارتگاه خاص و عام است.

آگره از شهرهای معروف هند است و بنای معروف تاج محل در آن واقع است. شرح زندگی شهید ثالث را می توان در کتابهای «شهداء الفضیلة»، «امل الأمل»، «روضات الجنات»، «معجم المؤلفین»، «الاعلام زرکلی» و غیره مطالعه کرد.

۹- اثبابة الهداة ج ۳ ص ۷۰۷ و چاپ مترجم آن: ج ۷ ص ۳۷۱

«الجزيرة الخضراء» را در کتاب پراج و بی نظیر «بحار الانوار» نقل کرده است.<sup>۱۰</sup>

۸- میرمحمد میرلوحی، معاصر علامه مجلسی در کتاب «کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی» داستان جزیره خضراء را معتبر و صحیح تعبیر کرده، می نویسد:

«من این حدیث معتبر را در کتاب «ریاض المؤمنین» آورده ام».<sup>۱۱</sup>  
 ۹- میرزا عبداللّه اصفهانی که از طرف سلطان روم به «افندی» ملقب شد و در حدود سال ۱۱۳۰ هـ؛ درگذشت، در کتاب پراج «ریاض العلماء» جزیره خضراء را نقل کرده است.<sup>۱۲</sup>

۱۰- سید شبر فرزند محمد بن ثوان موسوی حویزی، از علمای قرن دوازدهم و متوفی بعد از ۱۱۸۶ کتابی به نام «الجزيرة الخضراء» تألیف نموده که متأسفانه کتاب به دست ما نرسیده است. ولی یکی از معاصرین ایشان در کتابی که به عنوان شرح حال ایشان نوشته، بیش از ۳۰ جلد از تألیفات او را نام برده که یکی از آنها «الجزيرة الخضراء» می باشد.<sup>۱۳</sup>

۱۱- وحید بهبهانی پیشوای اصولیین، متوفی ۱۲۰۶ و معروف به «استاد اکبر» در حاشیه مدارک به داستان جزیره خضراء استناد کرده بر طبق آن فتوی داده است.

علامه بهبهانی بعد از رد ادله قائلین به وجوب نماز جمعه در عصر غیبت و نقل قسمتی از ادله استحباب آن می فرماید:  
 داستان مازندرانی که به جزیره حضرت صاحب الزمان (عج) رفته است به روشنی دلالت می کند بر اینکه نماز جمعه از خصائص امام و یا نائب خاص آنحضرت (که برای اقامه نماز جمعه نصب شده باشد) می باشد.<sup>۱۴</sup>

۱۰- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۹-۱۷۴

۱۱- نجم الثاقب ص ۲۹۶

۱۲- ریاض العلماء ج ۴ ص ۱۷۵ و ۳۷۶

۱۳- الذریعه، ج ۵ ص ۱۰۵

۱۴- حاشیه وحید بهبهانی بر مدارک ص ۲۲۱

۱۲- آیت الله بحر العلوم، متوفی ۱۲۱۲ هـ؛ که خود از تشرف یافتگان به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (عج) است در رجال خود به هنگام بحث از سیدمرتضی علم الهدی به قصه جزیره خضراء استشهاد می کند. ۱۵

۱۳- شیخ اسدالله شوشتری، متوفی ۱۲۳۷ هـ. در کتاب «مقابس الانوار» در ضمن مناقب صاحب شرایع (محقق حلی) و در کتاب «کشف القناع» در مقام اثبات امکان رؤیت در زمان غیبت به این داستان استدلال کرده است. ۱۶

۱۴- سید عبدالله شبّر، متوفی ۱۲۴۲ هـ. «جلاء العیون» علامه مجلسی را به عربی برگردانده، آنرا شرح و بسط داده، و داستان جزیره خضراء را در بخش حضرت ولی عصر (عج) آورده است.

۱۵- صاحب روضات، متوفی ۱۳۱۳ هـ. در ضمن مناقب سید مرتضی علم الهدی به داستان جزیره خضراء استناد نموده است. ۱۷

۱۶- مرحوم حاجی نوری، متوفی ۱۳۲۰ هـ. ترجمه کامل داستان خضراء را در کتاب «نجم الثاقب» درج کرده است. ۱۸

۱۷- حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، متوفی ۱۳۶۹ هـ. متن کامل آنرا در کتاب پیراج «العبری الحسان» آورده است. ۱۹

۱۸- میرزا محمد رضا نصیری طوسی، متوفی حدود ۱۱۰۰ هـ. در تفسیر گرانقدر خود «تفسیر الائمة الاطهار» به مناسبت بحث گردآوری قران کریم توسط امیر مومنان (ع) و بودن آن در محضر حضرت بقیه الله (عج) متن کامل رساله جزیره خضراء را درج کرده، به آن استناد می کند. ۲۰

۱۵- الفوائد الرجالیه، ج ۳ ص ۱۳۶

۱۶- مقابس الانوار ص ۱۶

۱۷- روضات الجنات، ج ۴ ص ۲۹۸

۱۸- نجم الثاقب ص ۲۸۴-۲۹۶

۱۹- العبری الحسان، ج ۲ ص ۱۲۷-۱۳۰

۲۰- تفسیر الائمة الاطهار، جلد اول، برگ ۹۲ تا ۹۹- مخطوط.

- ۱۹- سیدهاشم بحرانی، متوفی ۱۱۰۷ هـ. در کتاب پراج «تبصرة الولی فیمن رأی المهدی» متن کامل رساله جزیره خضراء را درج نموده، در پایان از زبان «فضل بن یحیی» نقل می‌کند که «علی بن فاضل» فرمود: «وهم اکنون هشت سال و نیم است، که از آن سرزمین مقدس جدا شده‌ام، و ملاقات من با جناب سیدشمس الدین، در سال ۶۹۰ بوده است».<sup>۲۱</sup>
- ۲۰- حاج سیداسماعیل نوری طبرسی، متوفی ۱۳۲۱ هـ. فشرده داستان جزیره خضراء را در کتاب معروف خود «کفایة الموحدین» نقل کرده، علی بن فاضل را بسیار ستوده، و در حق او فرموده است: «علی بن فاضل از اجله و ابرار علما و نیکان، و از خواص طائفة امامیه، و اوحد (یگانه) زمان خود در زهد و تقوی بوده».<sup>۲۲</sup>

\*\*\*

---

۲۱- تبصرة الولی، برگ ۴۰۵ و ۶۰۴ - مخطوط ..

۲۲- کفایة الموحدین ج ۳ ص ۳۹۰-۳۹۷.

یادداشت دوم:

### علی بن فاضل کیست؟

زین الدین علی بن فاضل مازندرانی که سعادت تشریف به جزیره خضراء را پیدا کرده، پیش از تشریف، در دمشق مشغول تحصیل علوم دینی بود. و بیشتر تحصیلاتش را در محضر «زین الدین علی مغربی» از علمای اندلس، فرا گرفت.

در سال ۶۹۰ هجری برای استادش سفر اندلس (اسپانیا) پیش آمد. او نیز استادش را در این سفر همراهی نمود. و پیش از آنکه به زادگاه استادش برسد در اولین آبادی اسپانیا به سختی بیمار شد و ناگزیر از استادش جدا گشت. سه روز در آن آبادی بستری شد و پس از بهبودی با قافله بربر به سرزمین آنها رفت و با تلاش فراوان و تحمل سختی های بیشمار به جزایر شیعیان رفت و از آنجا به «جزیره خضراء» هدایت شد که تفصیل این مسافرت در بخش سوم کتاب به خوانندگان گرامی تقدیم گردید.

علی بن فاضل پس از مراجعت از جزیره خضراء به مکه معظمه رفت و در مراسم حج حضور یافت و بعد از سپری شدن موسم حج به عراق رفت و در سامرا اقامت گزید.

علی بن فاضل داستان تشریفش را در نیمه شعبان ۶۹۹ هـ . در سامرا به دو نفر از علمای شیعه بازگو کرد. و در شوال همانسال مشروح تشریف خودش را در «حله» در منزل سید فخرالدین مازندرانی به «فضل بن یحیی» بازگفت.

علی بن فاضل در این تشریف مطالبی را از محضر جناب سید شمس الدین فرا گرفت و آنها را در کتابی گرد آورد. و این کتاب را «فوائد شمسیه» نام نهاد.

علی بن فاضل این کتاب را از توده مردم مخفی می داشت و فقط به اشخاص مورد اعتماد ارائه می داد.

مقام والای علی بن فاضل بالا تر از آنست که نیازی به شرح و بیان داشته باشد، هر کس از علمای اعلام متعرض شرح حال او شده اند، او را به عنوان «دانشمندی بزرگوار، مردی پرهیزگار، و در زهد و تقوی یگانه روزگار» خوانده اند.<sup>۱</sup>

در فضیلت و وثاقت علی بن فاضل همین بس که فقیهی چون وحید بهبهانی بر طبق نقل او فتوی داده، و دانشمندی چون شیخ حر عاملی داستان او را در کتاب عقیدتی «اثبات الهداة» آورده است، و علمای رجال و تراجم چون علامه بحر العلوم، شیخ اسدالله شوشتری، سید عبدالله شبر، صاحب روضات و دیگران به داستان او استناد نموده اند و فقیهی چون شهید اول داستانش را نوشته، و فقیه دیگری چون محقق کرکی آنرا ترجمه کرده است، و محدثین بزرگواری چون علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی و حاجی نوری داستانش را در کتابهای خود آورده، تقوی و پرهیزگاری او را ستوده اند.<sup>۲</sup>

علی بن فاضل اهل مازندران و از شهرکی به نام «ابریم» بود.<sup>۳</sup>

۱- العبقری الحسان ج ۲ ص ۱۲۷

۲- ریاض العلماء ج ۴ ص ۱۷۵

۳- نجم الثاقب ص ۲۹۶

یادداشت سوم:

### فضل بن یحیی کیست؟

مؤلف «الجزیره الخضراء» که داستان جزیره خضراء را بدون واسطه از «علی بن فاضل» شنیده و آنرا به صورت کتابی در آورده «فضل بن یحیی بن مظفر طیبی» است.

فضل بن یحیی، اهل کوفه و مقیم واسط بود و به شغل کتابت اشتغال داشت. و جزء ۱۲ نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فرا گرفتند.<sup>۱</sup>

علی بن عیسی اربلی متوفی ۶۹۲ کتاب پرارج خود «کشف الغمه» را در حضور دوازده تن از دانشمندان عصر خود قرائت کرد و آنها آنرا استماع کرده برای خود استنساخ نمودند.<sup>۲</sup> مؤلف به همه آن دوازده نفر اجازه روایتی داده است، قرائت کتاب در چندین جلسه انجام یافته و در ۲۴ رمضان ۶۹۱ پایان یافته است. در تمام جلسات کاتب جلسه «فضل بن یحیی» بوده و همه اجازات به خط او بوده است.<sup>۳</sup>

کشف الغمه ایکه به خط «فضل بن یحیی» بوده تا قرن یازدهم باقی

۱- الذریعه ج ۵ ص ۱۰۶

۲- اسامی آن دوازده نفر در «الذریعه» ج ۱ ص ۲۱۹ آمده است.

۳- الحقائق الراهنه، ص ۴، ۱۲، ۳۷، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۱ و ۲۱۰

مانده و به دست «محمدعلی جزئی» رسیده، و او نسخه اش را در سال ۱۰۵۳ از روی خط «فضل» استنساخ نموده است.<sup>۴</sup>

شیخ حرعاملی (صاحب وسائل) شرح زندگی اش را چنین می نویسد: «فضل بن یحیی، دانشمند جلیل القدری است که در واسط به کار کتابت اشتغال داشت و در سال ۶۹۱ کشف الغمه را در حضور مؤلفش خواند و نسخه اش را با نسخه مؤلف تطبیق کرد...»<sup>۵</sup>

پدرش «یحیی بن مظفر» نیز دانشمند، ادیب و شاعر بود. او نیز جزء دوازده نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فرا گرفته اند و از او صاحب اجازه ایست که مرحوم شیخ حرعاملی آنرا دیده است.<sup>۶</sup> آیت الله خوئی بعد از اینکه او را به عنوان دانشمندی بزرگوار ستوده است می فرماید:

«فضل بن یحیی در واسط به کتابت اشتغال داشت و کشف الغمه را از مؤلفش «علی بن عیسی اربلی» روایت می کند. او کشف الغمه را به خط خود نوشته و با نسخه مؤلف تطبیق کرده است. فضل بن یحیی در سال ۵۶۹۱. از صاحب کشف الغمه اجازه دریافت نموده است.»<sup>۷</sup>

میرزا عبدالله اصفهانی معروف به افندی می نویسد: من در مشهد در آخر نسخه قدیمی «کشف الغمه» اجازه مؤلف کشف الغمه را برای فضل بن یحیی دیدم که این اجازه نیز مانند دیگر اجازه های مؤلف به خط فضل بود، و مؤلف در آخر آنرا تأیید و امضا کرده بود و تاریخش به سال ۶۹۲ هجری بود.<sup>۸</sup>

وی همچنین می نویسد که دستخط مأمون الرشید در مورد تعیین امام رضا (ع) به ولایتعهدی و دستخط امام رضا (ع) در پشت آن، در غره محرم ۶۹۹ به دست «فضل بن یحیی» رسیده و فضل آنرا استنساخ و مقابله

۴- همان مدرک ص ۱۶۱

۵- امل الاصل ج ۲ ص ۲۱۷

۶- همان مدرک ص ۳۴۸

۷- معجم رجال الحدیث، ج ۱۳ ص ۳۴۱

۸- ریاض العلماء ج ۴ ص ۳۷۸



نموده است و آن مطابق است با همان متنی که استاد ما علامه مجلسی در بحارالانوار در شرح زندگی آنحضرت آورده است.<sup>۹</sup>  
تاریخ وفات فضل در دست نیست، فقط می دانیم که وی تا سال ۶۹۹ زنده بوده است.<sup>۱۰</sup>

\*\*\*

---

۹- همان مدرک ص ۳۷۶

۱۰- معجم المؤلفین، ج ۱۳ ص ۴۱۱

## یادداشت چهارم:

### حَتّی علی خیر العمل

ما به پیروی از پیشوایان معصوم «حَتّی علی خیر العمل» را از اجزاء اذان و اقامه می دانیم و اذان و اقامه را بدون آن باطل می دانیم. جزء بودن این فصل در اذان و اقامه در میان فقهای شیعه اجماعی است.<sup>۱</sup> ولی اهل سنت به پیروی از پیشوایان غیر معصوم خود آنرا ترک می کنند و گفتنش را حرام و یا مکروه می دانند و می گویند: حَتّی علی خیر العمل جزء اذان و اقامه نیست و نباید آنرا در میان فصلهای اذان و اقامه گفت<sup>۲</sup> از نظر شیعه هیچ تردیدی نیست که اذان و اقامه در اسلام با این فصل تشریح شده و ترک آن موجب بطلان اذان و اقامه می باشد.<sup>۳</sup> ولی در اینجا این مسئله را از نظر اهل سنت مورد مطالعه قرار می دهیم:

خوشبختانه این مسئله از نظر اهل تسنن نیز مورد پذیرش است که اذان و اقامه همراه با حَتّی علی خیر العمل تشریح شده است ولی آنها عمداً سنت پیامبر(ص) را ترک کرده از بدعت خلیفه پیروی می کنند:

۱- الانتصار سید مرتضی ص ۳۹

۲- سنن بیهقی ج ۱ ص ۴۲۵ و البحر الرائق ج ۱ ص ۲۷۵

۳- وسائل الشیعه، بحار مستدرک و...

دهها نفر از دانشمندان اهل تسنن در کتابهای حدیث، تاریخ و عقاید نقل کرده‌اند که روزی خلیفهٔ دوم بر فراز منبر قرار گرفت و چنین گفت: «سه چیز در زمان پیامبر (ص) حلال بود، که من از آنها نهی می‌کنم! و آنها را حرام می‌کنم! و هرکس مرتکب آنها بشود عقاب و تعزیر می‌کنم! آنها عبارتند از:

۱- متعه (ازدواج موقت)

۲- تمتع در حج

۳- گفتن حی علی خیر العمل».<sup>۴</sup>

روی این بیان هیچ تردیدی نمی‌ماند که حی علی خیر العمل در عهد رسول اکرم (ص) در اذان و اقامه گفته می‌شد ولی خلیفهٔ دوم آنرا برداشت و گفت هرکس مرتکب شود تعزیر شرعی می‌کنم.

قوشجی از طرف خلیفه عذر می‌آورد که اوفقیه بود و فقیه می‌تواند بر اساس اجتهاد خود عمل کند، اگرچه با اجتهاد دیگران مخالف باشد.<sup>۵</sup>

بدیهی است که هرگز فقیه حق ندارد در مقابل نصّ پیامبر (ص) اجتهاد کند و فقیه بودن خلیفه برای ما ثابت نشده است و ما یقین داریم که این کار به انگیزهٔ اختلاف در اجتهاد نبوده است و باید انگیزهٔ آنرا در جای دیگری جستجو کرد که برخی از علمای تسنن به آن اشاره کرده‌اند:

هنگامی که مردم دیدند جانشین بلا فصل پیامبر (ص) خانه نشین شده و دیگران بر تخت خلافت تکیه داده‌اند، مردم متوجه شدند که این حکومت، مشروع نیست و به دعوت‌های این حکومت به جهاد ترتیب اثر نمی‌دادند و آنرا نوعی کشورگشائی به حساب می‌آوردند، از این رو خلیفه می‌کوشید به هر نقشه‌ای که هست مردم را به جهاد بسیج کند. یکی از راه‌های بسیج کردن مردم این بود که اهمیت جهاد به مردم گوشزد شود و از عبادت‌های دیگر کمتر بحث شود که خود خلیفه به این نکته اعتراف کرده

۴- شرح تجرید قوشجی ص ۴۸۴ کنزالعرفان ج ۲ ص ۱۵۸ به نقل از طبرسی در مستتیر والغدیر ج ۶

ص ۲۱۳

۵- شرح تجرید قوشجی ص ۴۸۴

است:

ابوحنیفه، ابویوسف قاضی و دیگر علمای اهل سنت می گویند: در عهد پیامبر (ص) و در عهد ابوبکر و مدتی در عهد عمر، در اذان «حی علی خیرالعمل» گفته می شد ولی بعداً عمر گفت: من می ترسم اگر همواره در اذان این جمله گفته شود مردم به نماز روی بیاورند و جهاد را ترک کنند، آنگاه دستور داد که حی علی خیرالعمل گفته نشود.<sup>۶</sup>

عین همین بیان از امام باقر و امام صادق (ع) نیز نقل شده است.<sup>۷</sup>

از ابن عباس پرسیدند: چرا عمر حی علی خیرالعمل را از اذان حذف کرد؟ ابن عباس گفت: تا مردم خیلی به نماز روی نیاورند که جهاد فراموش شود.<sup>۸</sup>

تفتازانی در حاشیه اش بر شرح عضد می نویسد: حی علی خیرالعمل در عهد پیامبر (ص) ثابت بود و عمر دستور داد از آن پرهیز کنند، زیرا می ترسید که مردم از جهاد روی گردان بشوند. و به نماز تکیه کنند.<sup>۹</sup>

آنچه مسلم است اینست که مؤذن رسمی پیامبر (ص) جناب بلال همواره در اذان «حی علی خیرالعمل» می گفت.<sup>۱۰</sup>

عبدالرزاق در ضمن حدیث معراج نقل می کند که جبرئیل در آسمانها اذان گفت و هر فصلی را دو بار گفت و «حی علی خیرالعمل» را نیز دو بار گفت.<sup>۱۱</sup>

سیدمرتضی علم الهدی می فرماید: اهل سنت خود معترفند که در زمان پیامبر اکرم (ص) «حی علی خیرالعمل» در اذان گفته می شد ولی

۶- الايضاح ص ۲۰۲

۷- دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۱۴۲ و بحارج ۸۴ ص ۱۵۶

۸- بحارالانوار ج ۸۴ ص ۱۳۰ و علل الشرایع ج ۲ ص ۳۶۹

۹- دلائل الصلح ج ۳ بخش ۲ ص ۱۰۰ به نقل از مبادی فقه اسلامی ص ۳۸ و

سیرة المصطفی، سید هاشم معروف ص ۲۷۴ به نقل از الروض النظیر ج ۲ ص ۴۲

۱۰- کنز العمال ج ۸ ص ۳۴۳

۱۱- سعد السعود ص ۱۰۰، بحارالانوار ج ۸۴ ص ۱۰۷ و جامع احادیث الشیعه ج ۲ ص ۲۲۴

برخی از آنها ادعا کرده اند که در عهد پیامبر (ص) نسخ شده است.<sup>۱۲</sup>  
 علیرغم اینهمه تلاش خلیفه و پیروان او، باز هم جمعی از اصحاب  
 و تابعین آنرا ترک نکردند و در اذان و اقامه به آن مداومت کردند، که از  
 جمله آنها «عبدالله» پسر خلیفه است:

مالک بن انس، لیث بن سعد، محمد بن سیرین، نسربن ذعلوق،  
 عبدالرزاق و ابن ابی شیبه، هریک به سند خود از «عبدالله بن عمر» نقل  
 می کنند که در اذان و اقامه «حی علی خیر العمل» را می گفت.<sup>۱۳</sup>

بیهقی، طبری و دیگران به سندهای مختلف از «سهل بن حنیف»  
 نقل کرده اند که او نیز به «حی علی خیر العمل» مداومت داشت.<sup>۱۴</sup>  
 تنوخی از ابوالفرج نقل می کند که در زمان او حی علی خیر العمل  
 را در اذانها می گفتند.<sup>۱۵</sup>

قاضی نورالله شوشتری در «مجالس» نقل می کند که صلاح الدین  
 ایوبی در سال ۵۷۰ هـ. از مسائل ولایت مصر فراغت حاصل کرد و به  
 تسخیر بلاد شام همت گماشت و به این منظور به شامات آمد و در نزدیکی  
 حلب اردو زد. استاندار حلب در خود یارای مقاومت ندید. مردم حلب را  
 گرد آورد و با آنها اظهار محبت و خوشرفتاری کرد و آنها را به جنگ  
 صلاح الدین تشویق نمود. مردم حلب برای او شرائطی را مطرح کردند که  
 یکی از آنها اعاده «حی علی خیر العمل» به اذان بود. استاندار این شرطها  
 را پذیرفت و مردم حلب با او پیمان بستند که از او دفاع کرده با  
 صلاح الدین نبرد نکنند.<sup>۱۶</sup>

جالب توجه است که در سنن بیهقی و دیگر منابع اهل سنت از  
 امام زین العابدین (ع) روایت کرده اند که در اذان «حی علی خیر العمل» را

۱۲- الانتصار ص ۳۹

۱۳- سنن بیهقی ج ۱ ص ۴۲۴ مبادی الفقه الاسلامی عرفی ص ۳۸، شرح تجرید قوشجی ص ۴۸۴  
 المصنف ج ص ۴۶۰ و ۴۶۴

۱۴- سنن بیهقی ج ۱ ص ۴۲۵

۱۵- نشوار المحاضرات ج ۲ ص ۱۳۳

۱۶- خاتمة مستدرک ج ۳ ص ۴۷۵ و البداية والنهاية ج ۱۲ ص ۳۸۹ و ذیل تاریخ دمشق ص ۳۴۹

می گفت و می فرمود: «این اذان اول است» یعنی اذان صدر اسلام و اذان تحریف نشده زمان پیامبر (ص).<sup>۱۷</sup>

حلبی نقل می کند که در دولت آل بویه، شیعیان «حی علی خیر العمل» را در اذان می گفتند ولی هنگامی که سلجوقیان به قدرت رسیدند به شدت از آن جلوگیری کردند و به جای آن در اذان صبح «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» را رواج دادند، و این در سال ۴۴۸ اتفاق افتاد.<sup>۱۸</sup>

\*\*\*

### تثویب در اذان

پیروان مکتب خلفا به پیروی از خلیفه دوم در اذان، از گفتن «حی علی خیر العمل» خودداری می کنند و به جای آن در اذان صبح «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» می گویند.

گفتن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در اذان، در اصطلاح علمای فقه و حدیث «تثویب» نامیده می شود.<sup>۱۹</sup>

تثویب در فقه شیعه نیز مصطلح است و به معنای گفتن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» است. صاحب «وسائل الشیعه» باب بیست و دوم اذان را چنین عنوان می کند: «باب عدم جواز تثویب در اذان و اقامه، و آن گفتن: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ است» آنگاه حدیثی را از امام صادق (ع) نقل می کند که از آنحضرت در مورد تثویب در اذان و اقامه سؤال شد، و آنحضرت فرمود: ما آنرا نمی شناسیم.<sup>۲۰</sup>

صاحب جواهر از نهاییه، وسیله، سرائر، بیان، موجز، جامع المقاصد، مسالک، مجمع البرهان و... نقل می کند که مطلقاً آنرا تحریم کرده اند و از صاحب سرائر نقل می کند که بر حرمت آن ادعای اجماع نموده است.<sup>۲۱</sup>

۱۷- سنن بیهقی ج ۱ ص ۴۲۵، مبادی فقه اسلامی ص ۳۸ و مصنف ابن ابی شیبه.

۱۸- سیره حلبی ج ۲ ص ۱۰۵

۱۹- سنن ترمذی ج ۱ ص ۳۸۰ و سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۲۳۷

۲۰- وسائل الشیعه ج ۴ ص ۶۵۰

۲۱- جواهر، ج ۹ ص ۱۱۲ تا ص ۱۱۶

تثویب در لغت به معنای بازگشت است و علت اینکه گفتن «الصلوة خیر من النوم» را تثویب می نامند، اینست که مؤذن در اذان با گفتن «حی علی الصلوة» (بشتاب به سوی نماز) مردم را به سوی نماز فرا می خواند، هنگامی که برگردد و بگوید: «الصلوة خیر من النوم» (نماز بهتر از خوابست) در واقع به مضمون مطلب قبلی بازگشته است. از این رهگذر آنرا تثویب می گویند.<sup>۲۲</sup> و به همین دلیل گاهی اقامه را نیز «تثویب» می نامند، زیرا اقامه بازگشت به فصول اذان است.<sup>۲۳</sup>

ممکن است لفظ «تثویب» را در معانی دیگری هم به کار ببرند ولی هرکجا گفته شد «تثویب در اذان» یک معنی بیشتر ندارد و آن گفتن «الصلوة خیر من النوم» است.<sup>۲۴</sup> و ترمذی نیز پس از نقل معانی دیگر فقط این معنی را پذیرفته است.<sup>۲۵</sup>

در مورد اینکه تثویب در اذان جایز است یا نه؟ در میان اهل سنت اختلاف هست و غالباً قائل به کراهت هستند، زیرا بدعت است و بدعت در عبادت موجب بطلان است و شافعی آنرا غیر مشروع دانسته است.<sup>۲۵</sup> جالب توجه و شایان دقت است که شخص خلیفه آنرا بدعت نامیده است!<sup>۲۶</sup>

پسر خلیفه نیز آنرا بدعت می دانست و در مسجدی که این بدعت گفته می شد، از مسجد بیرون می رفت و در آنجا نماز نمی خواند: مجاهد می گوید: با عبدالله بن عمر وارد مسجدی شدیم که در آنجا نماز بخوانیم. مؤذن اذان می گفت، در ضمن اذان تثویب کرد (یعنی: الصلوة خیر من النوم گفت) عبدالله از مسجد خارج شد و به من گفت: مجاهد! زود باش، بیا بیرون، که از نزد این بدعتگزار بیرون رویم.

۲۲- فتح الباری، ج ۲ ص ۸۵

۲۳- صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۹۱

۲۴- شرح کرمانی بر بخاری ج ۵ ص ۷

۲۵- سنن ترمذی ج ۱ ص ۳۸۱

۵ حدائق ج ۷ ص ۴۱۸

۲۶- کنز العمال ج ۸ ص ۳۵۷ حدیث ش ۲۳۲۵۲

عبدالله در آنجا نماز نخواند. ۲۷

نخستین کسی که این بدعت را در اذان به زبان آورده «سعد قرظ» است که در خلافت عمر آنرا در اذان گفت و عمر به او اعتراض کرد که این بدعت است. ۲۸

در دهها حدیث که اذان بلال برای ما نقل شده، تثویب وجود ندارد. حتی سعد قرظ که خود یکی از راویان اذان بلال است اذان بلال را بدون تثویب (الصلوة خیر من النوم) نقل کرده است. ۲۹

مالک بن انس پیشوای مالکی ها، آغاز این بدعت را چنین می نویسد: یک روز مؤذن خلیفه دوم، پیش خلیفه رفت تا او را از فرا رسیدن وقت نماز صبح آگاه سازد، او را خوابیده یافت. برای بیدار کردن خلیفه با صدای بلند گفت: «الصلوة خیر من النوم» عمر از خواب بیدار شد و دستور داد این جمله را داخل اذان کنند و در اذان صبح بگویند. ۳۰

برخی از راویان اذان بلال، برای اینکه خلیفه را تبرئه کنند می گویند: بلال در اذان صبح می گفت: حی علی خیر العمل ولی پیامبر (ص) به او فرمود که به جای آن بگوید: الصلوة خیر من النوم ۳۱ در حالیکه دهها روایت اهل سنت صراحت دارد در اینکه جمله «الصلوة خیر من النوم» در عهد پیامبر (ص) وجود نداشت و در عهد عمر به آن افزوده گشت. ۳۲

از بررسی کتب حدیث، فقه و تاریخ اهل سنت و تناقضات عجیب موجود در آنها به خوبی روشن می شود که در عهد پیامبر اکرم (ص) بعد از

۲۷- سنن ترمذی ج ۱ ص ۳۸۲

۲۸- کنز العمال ج ۸ ص ۳۵۷

۲۹- سنن دارقطنی ج ۱ ص ۲۳۶

۳۰- موطأ مالک، ص ۵۵ و کنز العمال ج ۸ ص ۳۵۵

۳۱- کنز العمال ج ۸ ص ۳۴۵، مجمع الزوائد ج ۱ ص ۳۳۰، سنن بیهقی ج ۱ ص ۴۲۵ و مصنف

عبدالرزاق ج ۱ ص ۴۶۰

۳۲- ترمذی ج ۱ ص ۳۸۲، کنز العمال ج ۸ ص ۳۵۵-۳۵۷، موطأ مالک ج ۱ ص ۵۵، سنن دار

قطنی ج ۱ ص ۲۴۳ و سنن ابی داود ج ۱ ص ۸۹



«حی علی الفلاح» طبق تعلیم آنحضرت «حی علی خیرالعمل» گفته می شد و این سنت در عهد خلافت ابوبکر نیز رائج بود، ولی عمر برای اینکه به خیال خام خود مردم را به جهاد بسیج کند، آنرا ممنوع اعلام کرد و برای پر کردن جای خالی آن جمله «الصلوة خیر من النوم» را ابداع کرد.

آنگاه عاشقان زر و زور به جعل حدیث پرداخته، احادیث متناقضی را جعل کردند تا شاید اذان ابتکاری خلیفه را به پیامبر اکرم (ص) نسبت دهند و آنرا مشروع قلمداد کنند. چنانکه در مورد دیگر ابتکارات خلیفه نیز همین شیوه معمول بود.

\*\*\*

از داستانهای جالبی که در رابطه با حی علی خیرالعمل نقل شده، اینست که: چون حی علی خیرالعمل شعار شیعیان بود. حسین بن علی صاحب فح، نهضت خود را با شعار حی علی خیرالعمل شروع کرد:

فرماندار مدینه که از طرف منصور دوانیقی منصوب بود در مسجدالنبی نشسته بود و مؤذن بر فراز مناره مسجد اذان می گفت. حسین بن علی شمشیر به دست گرفته از مناره بالا رفت و به مؤذن گفت: بگو: «حی علی خیرالعمل» مؤذن خواست امتناع کند، وقتی شمشیر را دید، فریاد کشید: حی علی خیرالعمل:

هنگامی که فرماندار آنرا شنید، خیال کرد که یکی از علویها قیام کرده مدینه را به تصرف خود درآورده است. وحشت و اضطراب او را فرا گرفت. خواست بگوید: درهای مسجد را ببندید، گفت: استرها را ببندید! ۲۳

\*\*\*

۳۳- مقاتل الطالبیین ص ۴۴۶

۵- در تهیه این یادداشت از مجله الهادی سال پنجم شماره ۵ ص ۵۲-۵۸ چاپ دارالتبلیغ اسلامی قم، بهره فراوان برده ایم.

## یادداشت پنجم:

### شهادت ثالثه:

گواهی دادن به ولایت امیرمؤمنان (ع) بعد از گواهی به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) شهادت ثالثه نامیده می شود. در اذان و اقامه بعد از شهادت به رسالت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) اگر بگوئیم: «اشهد ان علیاً ولی الله» شهادت ثالثه را گفته ایم.

امروزه در تمام مناطق شیعه نشین شهادت ثالثه در اذان و اقامه رواج دارد و به صورت یکی از شعارهای شیعیان درآمده است. ولی در مورد اینکه از کی و چگونه این شعار رواج یافته، سخن به اختلاف گفته شده، آنچه مسلم است اینست که نقطه آغاز آن به عهد پیامبر (ص) بر می گردد و پیامبر اکرم (ص) آنرا تقریر و تأیید فرموده است و گروهی از اصحاب بزرگوار در اذان و اقامه به آن مداومت داشتند:

شیخ عبدالله مراغی، دانشمند معروف اهل سنت در کتاب خود

السلافة فی امر الخلافة می نویسد:

سلمان فارسی در زمان پیامبر (ص) در اذان و اقامه بعد از شهادت

به رسالت پیامبر اکرم (ص)، به ولایت امیرمؤمنان (ع) نیز شهادت

می داد. یکی از اصحاب به محضر پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شده، عرضه

داشت: یا رسول الله! امروز چیز عجیبی شنیدم که هرگز به گوشم نخورده بود! فرمود: چه شنیدی؟ گفتم: سلمان را دیدم که در اذان بعد از شهادت به رسالت، به ولایت علی بن ابیطالب (ع) شهادت می‌داد! پیامبر اکرم (ص) فرمود: چیز خوبی شنیده‌ای.<sup>۱</sup>

و در مورد ابوذر نیز نقل می‌کند که یکی از اصحاب به خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شده عرض کرد: یا رسول الله! ابوذر را دیدم که در اذان بعد از شهادت به رسالت به ولایت علی بن ابیطالب (ع) نیز شهادت می‌داد! پیامبر اکرم (ص) فرمود: مگر فراموش کرده‌ای که در غدیر خم گفتم: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ (من مولای هر که باشم، علی نیز مولای اوست) هر کس این پیمان را بشکند، جز به خودش آسیب نمی‌رساند.<sup>۲</sup>

براساس گفتار بالا، گفتن «اشهد ان علیاً ولی الله» در اذان سابقه طولانی دارد و به زمان رسول اکرم (ص) بر می‌گردد. و از تعبیرهای پیامبر اکرم (ص) کاملاً روشن است که بر آن صحه گذاشته و به اصطلاح آنرا «تقریر» فرموده است.

روی این بیان می‌توان گفت: شهادت ثالثه، سنت پیامبر (ص) است، زیرا «سنت» عبارت است از «گفتار معصوم، کردار معصوم و تقریر معصوم».

گذشته از تقریر پیامبر (ص) سلمان و ابوذر از کسانی نیستند که بدون فرمان پیامبر (ص) به چنین کاری اقدام کنند و خودسرانه چیزی را به فقرات اذان اضافه نمایند. که مقام شامخ آنها بر همگان روشن است.

سلمان کسی است که از طرف رسول اکرم (ص) به مدال: «سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» مفتخر گشته است.<sup>۳</sup>

و ابوذر کسی است که پیامبر بزرگوار (ص) در حق او فرموده است: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضِرَاءُ وَأَقَلَّتِ الْغُبْرَاءُ مِنْ ذِي لَهْجَةٍ أَصْدَقُ وَلَا أَوْفَى مِنْ

۱- جواهر الولاية ص ۳۷۹ و شهادت ثالثه ص ۳۴

۲- جواهر الولاية ص ۳۸۰ و شهادت ثالثه ص ۳۶

۳- فیض القدير، ج ۴ ص ۱۰۶

### آبی ذر

آسمان سایه نینداخته و زمین بر پشت خود حمل نکرده کسی را که راستگوتر و باوفاتر از ابوذر باشد.<sup>۴</sup>

در عهد خلفا و سلاطین بنی امیه و بنی عباس دوستان و طرفداران اهل بیت در شدت خفقان و اختناق زندگی می کردند و قدرت آنها نداشتند که شهادت ثالثه را به طور علنی شعار خود قرار دهند و اگر کسی آنها می گفت، هرگز به آن تظاهر نمی کرد، بلکه دشمنان اهل بیت بودند که به فرمان معاویه (علیه الهاویه) در اذانها و قنوتها و خطبه های نماز جمعه به امیرمؤمنان (ع) ناسزا می گفتند و این شعار خطباء و ائمه جمعه بود که به دست عمر بن عبدالعزیز این بدعت نکوهیده برچیده شد. ولی طرفداران معاویه مدتی سرسختی نشان دادند که عمر بن عبدالعزیز ناگزیر شد که در برخی شهرها (چون اصفهان) برای جلوگیری از این بدعت نکوهیده متوسل به زور شود.

هنگامی که شیعیان سرسختی دشمنان اهل بیت را دیدند، شهادت به ولایت علی بن ابیطالب (ع) را در اذان و اقامه شعار خود قرار دادند. و بر سر مأذنه ها و مناره ها روزی پنج بار بعد از شهادت به رسالت، شهادت بر ولایت را با صدائی هرچه رساتر اعلام نمودند.

این سنت پسندیده که از اصحاب بزرگواری چون سلمان و ابوذر به یادگار مانده و به تأیید پیامبر اکرم (ص) رسیده است، با فرهنگ شیعه در آمیخت و جزء شعائر آنها قرار گرفت و با سیره مستمره علمای شیعه به دست ما رسید.

شیعیان اهل بیت علیرغم فشار و اصراری که از طرف افراد وهابی گرا در این زمینه انجام می شود، به آن مداومت می کنند و در این زمینه هیچ اشکال شرعی نمی یابند، زیرا این شعار (اشهدان علیا ولی الله) متن سخنان پیامبر اکرم (ص) در حجة الوداع است که به هنگام بازگشت از حج در سرزمین غدیر خم (جحفه) در برابر دهها هزار نفر، خلافت

بلافصل امیرمؤمنان (ع) را به فرمان خدا اعلام کرده فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

به خصوص که از پیشوایان معصوم صریحاً فرمان صادر شده که پس از شهادت به یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم (ص) به ولایت امیرمؤمنان نیز گواهی داده شود:

۱- مرحوم طبرسی در کتاب پرارج «احتجاج» از قاسم بن معاویه نقل می کند که در ضمن روایتی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: هر وقت یکی از شما بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» باید اضافه کند: «علی امیرالمؤمنین».<sup>۵</sup>

۲- ابن مسعود در ضمن روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود: هر کس بخواهد به «عروة الوثقی» چنگ بزند، باید بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ».<sup>۶</sup>

گذشته از دو روایت فوق، روایات دیگری داریم که از آنها پیوند ناگسستنی شهادت به ولایت با شهادت به رسالت، به روشنی مشخص می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۳- سنان بن طریف از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود: ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند کرده است. هنگامی که آسمانها و زمین را آفرید، امر فرمود که منادی بانگ برآورد:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - سه بار -

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - سه بار -

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا - سه بار -<sup>۷</sup>

۴- ابن مسعود از پیامبر اکرم (ص) روایت می کند که فرمود: هنگامی که خداوند حضرت آدم را آفرید، حضرت آدم عطسه ای کرد و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». خطاب شد: ای آدم! ای بنده من! مرا ستایش کردی. به عزت و جلالتم سوگند، دوتن از بندگانم را خواهم آفرید، که

۵- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۵۸

۶- احقاق الحق ج ۴ ص ۱۲۹

۷- اصول کافی ج ۱ ص ۳۶۶، کتاب الحجّة، باب مولد النبی، حدیث هشتم.

اگر آنها نبودند هرگز ترا نمی آفریدم. حضرت آدم پرسید: آیا آنها از نسل من خواهند بود؟ خطاب شد: آری. سرت را بلند کن و بنگر. حضرت آدم سرش را بلند کرد و دید که بر عرش نوشته شده: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ مُقِيمُ الْحُجَّةِ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، مَنْ عَرَفَ حَقَّهُ زَكِيَ وَطَابَ وَمَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ كَفَرَ وَخَابَ، أَفْسَمْتُ بِعِزَّتِي إِنِّي أُدْخِلُ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي<sup>۸</sup> یعنی: «معبودی جز الله نیست، محمد فرستاده الله است که پیامبر رحمت است، علی ولی خداست که بر پا دارنده حجت خدا بر بندگان اوست. هر کس حق او را بشناسد پاک و پاکیزه می شود و هر کس حق او را انکار کند کافر و نومید می شود. به عزت خود سوگند یاد کرده ام که هر کس او را نافرمانی کند وارد دوزخ کنم اگرچه از من فرمان ببرد».

۵- عبدالله بن سلام از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که روی لواء الحمد<sup>۹</sup> نوشته شده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ.<sup>۱۰</sup>

۶- ابن مسعود در ضمن حدیث مفصلی نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج از بهشت و جهنم بازدید کرد و مشاهده فرمود که بر سر درب اول بهشت نوشته شده: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله.<sup>۱۱</sup>

۷- زید شهید، از پدرش امام زین العابدین (ع) نقل می کند که نقش نگین پیامبر (ص) «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» بود.<sup>۱۲</sup>

۸- احقاق الحق ج ۴ ص ۱۴۴

۹- لواء الحمد نام پرچمی است که روز قیامت در دست حضرت علی (ع) خواهد بود و همه پیامبران در زیر آن قرار خواهند گرفت (سفینه البحار ج ۲ ص ۵۱۵).

۱۰- احقاق الحق ج ۷ ص ۱۳۳

۱۱- احقاق الحق، جلد ۴ ص ۱۲۸

۱۲- اثبات الهداة، ج ۱ ص ۲۹۹

این روایت را حافظ ابومحمد، ابن ابی الفوارس در کتاب اربعین خود از طریق اهل سنت نیز نقل کرده است.<sup>۱۳</sup>

اینها چند نمونه از احادیث مربوط به ولایت امیرمؤمنان است که از آنها رابطه نزدیک و پیوند ناگسستنی شهادت به ولایت با شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر(ص) به خوبی روشن می شود.

در این مورد دو حدیث دیگر نیز مورد بحث هست که در خصوص اذان و اقامه وارد شده، که یکی از آنها به گفتن: اشهد انّ علیاً ولی الله دستور می دهد و دیگری به گفتن: اشهد انّ علیاً امیرالمؤمنین، متأسفانه متن این دو حدیث به دست ما نرسیده است، ولی به دست علمای قرن پنجم چون شیخ طوسی رسیده بود. مرحوم شیخ طوسی در مبسوط می فرماید: «گفتن: اشهد انّ علیاً امیرالمؤمنین، و آل محمد خیرالبریه، که در روایات شاذ وارد شده است، در اذان مورد عمل واقع نشده است و اگر کسی آنها بگوید گناه نکرده است».<sup>۱۴</sup>

مرحوم شیخ طوسی نظر به اینکه این دو حدیث را شاذ تشخیص داده، نقل نکرده است و به دست ما نرسیده است.<sup>۱۵</sup>

\*\*\*

مشهور در میان فقهای عصر ما اینست که «اشهد انّ علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست ولی گفتن آن برای تبرک و تیمن اشکالی ندارد ولی برخی از فقهای معاصر آنها را به طور قطع جزء اذان و اقامه دانسته اند:

۱- مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی، در بحث فقه استدلالی خود به استناد بیش از ۱۰ دلیل فقهی شهادت به ولایت را مثل دیگر فصلهای اذان و اقامه جزء آنها دانسته تقریرات درس آن

۱۳- احقاق الحق، ج ۴ ص ۱۴۳

۱۴- مبسوط ج ۱ ص ۹۹

۱۵- شاذ به روایتی گفته می شود که راویان آن همه مورد اعتماد باشند، جز اینکه فقط از یک طریق روایت شود و در برابر آن روایت دیگری باشد که گروهی آنها را روایت کرده باشند. (مقیاس الهدایه ص ۴۵).

و به تعبیر مرحوم مجلسی اول: خبر صحیح مخالف مشهور را شاذ گویند. (شرح فقیه ج ۱ ص ۱۸۲).

مرحوم توسط یکی از شاگردانش نوشته شده و به نام «الهدایة فی کون الشهادة بالولاية فی الاذان والاقامة جزءاً کسائر الاجزاء» منتشر شده است.

۲- مرحوم آیت الله آقامیرزا آقا اصطهباناتی شهادت به ولایت را جزء اذان و اقامه می دانند و می فرمایند اوضاع مساعد نشد که پیامبر اکرم (ص) آنرا به امت اسلامی اعلام فرماید.<sup>۱۶</sup>

گروهی دیگر از فقها به این قاطعیت نگفته اند ولی احتمال داده اند که شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه باشد که برخی از آنها را در اینجا نام می بریم:

۱- مرحوم علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) در کتاب پراج بحار الانوار می فرمایند: بعید نیست که شهادت به ولایت از اجزاء مستحبه اذان باشد، زیرا شیخ طوسی، علامه حلی و شهید اول تصریح کرده اند که احادیثی در این باره وارد شده است.<sup>۱۷</sup>

۲- صاحب حدائق مرحوم شیخ یوسف بحرانی (متوفی ۱۱۸۶) پس از نقل بیانات علامه مجلسی آنرا تأیید می کند و می گویند.<sup>۱۸</sup>

۳- مرحوم کاشف الغطاء متوفی ۱۳۷۳ در حاشیه اش بر عروة الوثقی می فرماید: ممکن است از عمومات ادله استفاده کنیم که شهادت بر ولایت و صلوات بر پیامبر (ص) از اجزاء مستحبه اذان و اقامه است.<sup>۱۹</sup>

۴- مرحوم صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶) به جزئیت آن تمایل کرده، ولی به این دلیل که علمای سلف به آن فتوی نداده اند، از فتوی دادن به آن خودداری می کند.<sup>۲۰</sup>

۵- مرحوم آیت الله حکیم (متوفی ۱۳۹۰) می فرمایند: در عصر ما شهادت ثالثه از شعائر ایمان و رمز تشیع است و از این جهت هم رجحان

۱۶- شرح رساله الحقوق ج ۲ ص ۱۰۳

۱۷- بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۱۱

۱۸- حدائق، ج ۷ ص ۴۰۳

۱۹- کلمات الاعلام، ص ۳۲

۲۰- جواهر، ج ۹ ص ۸۷



شرعی دارد. و گاهی گفتن آن واجب می شود ولی نه به قصد جزئیت. و از اینجا معلوم می شود که چرا در بحار شهادت به ولایت را جزء مستحبی اذان دانسته است، زیرا شیخ طوسی، علامه، شهید و غیر آنها شهادت داده اند به اینکه احادیثی در این زمینه وارد شده است. و حدیث احتجاج آنرا تأیید می کند.<sup>۲۱</sup>

\*\*\*

گروهی از فقهای شیعه، شهادت ثالثه را جزء اذان و اقامه نمی دانند ولی به استحباب شرعی آن فتوی داده اند که اسامی گروهی از آنها را در اینجا می آوریم:

- ۱- علامه مجلسی، متوفی ۱۱۱۰ هـ<sup>۲۲</sup>
- ۲- سید نعمه الله جزایری، متوفی ۱۱۱۲ هـ<sup>۲۳</sup>
- ۳- سید علی طباطبائی، صاحب ریاض، متوفی ۱۲۳۰ هـ<sup>۲۴</sup>
- ۴- فاضل نراقی، متوفی ۱۲۴۴ هـ<sup>۲۵</sup>
- ۵- حجة الاسلام شفتی، متوفی ۱۲۶۰ هـ<sup>۲۶</sup>
- ۶- شیخ محمدحسن، صاحب جواهر، متوفی ۱۲۶۶ هـ<sup>۲۷</sup>
- ۷- شیخ مرتضی انصاری، متوفی ۱۲۸۱ هـ<sup>۲۸</sup>
- ۸- میرزا محمدحسن شیرازی، متوفی ۱۳۱۲ هـ<sup>۲۹</sup>
- ۹- سید اسماعیل صدر، متوفی ۱۳۳۸ هـ<sup>۳۰</sup>
- ۱۰- سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروه، متوفی ۱۳۳۷ هـ<sup>۳۱</sup>
- ۱۱- میرزا محمد تقی شیرازی، متوفی ۱۳۳۹ هـ<sup>۳۲</sup>

۲۱- مستمسک ج ۵ ص ۵۴۵

۲۲- بحار الانوار ج ۸۴ ص ۱۱۱

۲۳- انوار النعمانیه ج ۱ ص ۱۶۹

۲۴- ریاض المسالك، كتاب الصلوة

۲۵- مستند الشیعه، كتاب الصلوة

۲۶- تحفة الابرار- مخطوط-

۲۷- نجات العباد ص ۱۰۵

۲۸ تا ۳۲- در حاشیه شان بر نجات العباد، ص ۱۰۵

- ۱۲- ملاًعلی زنجانی، متوفی ۱۲۹۰ هـ در شرح خود بر قواعد<sup>۳۳</sup>  
 ۱۳- شیخ عبدالله مازندرانی، متوفی ۱۳۰۹ هـ<sup>۳۴</sup>  
 ۱۴- شیخ احمد کاشف الغطاء، متوفی ۱۳۴۴ هـ<sup>۳۵</sup>  
 ۱۵- سیدحسن صدر، متوفی ۱۳۵۴ هـ<sup>۳۶</sup>  
 ۱۶- سیدعبدالحسین شرف الدین، متوفی ۱۳۷۷ هـ<sup>۳۷</sup>  
 ۱۷- شیخ محمدحسن مظفر، متوفی ۱۳۰۱ هـ<sup>۳۸</sup>  
 ۱۸- مرحوم آیت الله بروجردی، متوفی ۱۳۸۱ هـ<sup>۳۹</sup>  
 ۱۹- مرحوم آیت الله سید عبدالهادی شیرازی، متوفی ۱۳۸۱ هـ<sup>۴۰</sup>  
 ۲۰- حضرت آیت الله خوئی مدظله.<sup>۴۱</sup>

بیشتر مراجع معاصر تعبیر استحبابی ندارند ولی فرموده اند: «اگر به قصد قربت گفته شود خوبست» و اینک اسامی گروهی از آنها:

- ۱- مرحوم میرزا حسین نائینی<sup>۴۲</sup>  
 ۲- مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی<sup>۴۳</sup>  
 ۳- مرحوم سید محمد تقی خوانساری<sup>۴۴</sup>  
 ۴- آیت الله خوانساری<sup>۴۵</sup>  
 ۵- آیت الله قمی<sup>۴۷</sup>  
 ۶- آیت الله گلپایگانی<sup>۴۸</sup>

- ۳۳- نظام الفرائد ص ۳۲۷  
 ۳۴- ذخیره المعاد ص ۳۴۰  
 ۳۵- سفینه النجاة ص ۳۴  
 ۳۶- المسائل المهمه ص ۲۲  
 ۳۷- النص والاجتهاد ص ۱۴۳  
 ۳۸- وجیزة المسائل، ص ۲۶  
 ۳۹- المسائل الفقهیه، ص ۱۲۶  
 ۴۰- توضیح المسائل، مسألة ۹۲۸  
 ۴۱- منهاج الصالحین ج ۱ ص ۱۴۶  
 ۴۲ تا ۴۴- در حاشیه شان بر ذخیره العباد ص ۸۷  
 ۴۵- مجمع الفروع ص ۱۶۴  
 ۴۷- توضیح المسائل، مسألة ۹۲۸  
 ۴۸- همان مدرک

و برخی از فقها چون محقق همدانی<sup>۴۹</sup> و مرحوم آیت الله شاهرودی<sup>۵۰</sup> به قصد «امثال عمومات» تعبیر فرموده اند.

و برخی از فقها چون آخوند خراسانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری آنرا به قصد «رجحان فی نفسه» تعبیر فرموده اند.<sup>۵۱</sup>

گروهی از فقها چون مرحوم شیخ عبدالله مامقانی آنرا به قصد «نیمن وتبرک» بیان فرموده اند.<sup>۵۲</sup>

و گروهی دیگر چون مرحوم بحر العلوم در منظومه و آیت الله میلانی در حاشیه شان بر عروه، آنرا مکمل شهادتین تعبیر کرده اند.

مرحوم حاج سید ابوالحسن قزوینی می فرمایند: «اشهد ان علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست، بلکه باید به قصد اظهار ولایت و ایمان ادا شود.<sup>۵۳</sup>

مرحوم علامه سمنانی آنرا به قصد اجابت امر به ولایت و برای قبول شدن شهادتین و صحت اعمال تعبیر کرده است.<sup>۵۴</sup>

آیت الله نجفی در حاشیه شان بر عروه آنرا از روشنترین شعائر شیعه تعبیر کرده اند.

مرحوم حاج میرزا باقر زنجانی فرموده اند: بر جوانان شیعه لازم است که از خلف صالح خود پیروی کنند و این شعار مشروع خود را ترک نکنند که فقها بر استحبابش فتوی داده اند و کسی نمی تواند بر آن خرده بگیرد.<sup>۵۵</sup>

مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی می نویسند: ذکر آن محض اظهار عقیده است بر مقام سامی آن بزرگوار، و ابراز محبت و مودت است بر خاندان ولایت مطلقه:

۴۹- مصباح الفقیه ج ۲ ص ۲۲۰

۵۰- در حاشیه شان بر عروه

۵۱- مجمع المسائل محشی ص ۱۴۷ و ۱۷۶

۵۲- مناهج المتقین ص ۶۲

۵۳- هدایة الانام ص ۹۱

۵۴- ذخیره العباد ص ۷۷

۵۵- شرح رساله الحقوق ج ۲ ص ۱۲۶

آنرا که دوستی علی نیست کافر است

گوزاهد زمانه و گوش‌یخ راه باش<sup>۵۶</sup>

\*\*\*

اما در مورد اینکه شهادت ثالثه را به چه تعبیری باید گفت؟ در

احادیث دو تعبیر وارد شده:

۱- أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

۲- أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

هر کدام از این دو تعبیر گفته شود به عمومات عمل شده و شعار ایمانی و ولایتی انجام یافته است ولی برخی از فقها فرموده‌اند: بهتر است گفته شود: أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ تا بین دو حدیث جمع شود. و به هر دو حدیث امثال حاصل شود. از فقهای که به این نکته تصریح کرده‌اند، مرحوم حجة الاسلام شفتی<sup>۵۷</sup> و مرحوم ملا محمد بار فروشی است.<sup>۵۸</sup>

یکی از مراجع بزرگ عصر حاضر نکته دیگری را به آن افزوده چنین می‌فرمایند: «بهتر است شهادت به ولایت دیگر امامان معصوم نیز به آن ضمیمه شود»<sup>۵۹</sup>.

این بود خلاصه آنچه در این فرصت کوتاه توفیق گردآوری اش را یافتیم، علاقمندان می‌توانند به کتابهایی که در این زمینه تألیف شده مراجعه فرمایند.<sup>۶۰</sup>

\*\*\*

۵۶- خیر الامور- مخطوط-

۵۷- تحفة الابرار- مخطوط-

۵۸- شعائر الاسلام ص ۱۸۲

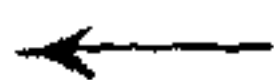
۵۹- هدایة العباد ص ۵۲

۶۰- برای بحمین بیشتر در مورد شهادت ثالثه مراجعه شود به.

۱- سرالایمان، تألیف: سید عبدالرزاق مفرم.

متن این رساله در کتاب «شرح رساله الحقوق» تألیف: سید حسن قبانچی، جلد دوم

صفحه ۸۳ تا ۱۳۴ درج شده است.



.....  
→ ۲- شهادت ثالثه در اذان و اقامه، تألیف: محمدبن ابراهیم مظفری از شاگردان آیه الله  
خوئی مقیم قزوین.

۳- کلمات الاعلام حول جواز الشهادة بالولاية، تألیف: رضا استادی از فضلاء حوزه  
علمیه قم.

۴- الهداية في كون الشهادة بالولاية في الاذان والاقامة جزءاً كسائر الاجزاء،  
تقریرات درس مرحوم حاج شیخ عبدالنبی عراقی.

## یادداشت ششم:

### پاسخ به شبهات

نویسنده فاضل و دانشمند، استاد ناجی نجاریخشی از کتاب را به پاسخ شبهات اختصاص داده و در چاپ دوم که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد، دهها صفحه بر آن افزوده است. وی در این بخش به تردیدها و اعتراضات کسانی که درباره جزیره خضراء دچار اشتباه شده و انتقادهائی نموده اند، پاسخ داده است، که ما برای رعایت اختصار، آن بخش را به طور فشرده بحث نموده، پژوهشگران را به چاپ دوم کتاب (الجزیره الخضراء وقضية مثلث برمودا) ارجاع می کنیم.

تا کنون تا جاییکه ما اطلاع داریم پنج نفر از نویسندگان در مورد جزیره خضراء ابراز تردید نموده اند:

### ۱- علینقی منزوی

مرحوم شیخ آغابزرگ طهرانی در چندین مورد در کتاب پراج «الذریعه» از «جزیره خضراء» بحث کرده، و آنرا به عنوان یک مطلب قطعی و تردیدناپذیر تلقی نموده است،<sup>۱</sup> ولی متأسفانه پسر آن مرحوم، آقای علینقی منزوی که الذریعه را در چاپخانه مجلس شورای ملی در تهران به طبع

۱- مانند جلد ۴ ص ۹۳، ج ۵ ص ۱۰۵ و ج ۱۶ ص ۳۴۳

رسانده، به هنگام چاپ، پاورقیهایی بر آن افزوده، که در این پاورقیها بر خلاف نظر مؤلف، عقاید شخصی خودش را ابراز نموده است. و درباره داستان خضراء پیش از هر موضوع دیگر حساسیت به خرج داده، تا جائی که آنرا افسانه و رمانتیک تعبیر کرده است!<sup>۲</sup>

پس از بحث و بررسی در مجلدات «الذریعه» به این نتیجه رسیدم که بیشتر پاورقیهای الذریعه هرگز نمی تواند از شخص مؤلف باشد، زیرا غالباً محتوای پاورقیها با متن کتاب تناقض صریح دارد. فی المثل: مرحوم شیخ آغا بزرگ در جلد ششم الذریعه، کتاب گرانقدر «حدیقه الشیعه» را از تألیفات مقدس اردبیلی دانسته، از «امل الامل»، «اللؤلؤة»، و «البلغه» نیز نقل کرده که این کتاب از تألیفات مقدس اردبیلی است و خود شواهد و قرائن بسیاری برای اثبات این مطلب آورده، و تردید میرزا معصوم علی<sup>۳</sup> را بی جا شمرده است<sup>۴</sup> ولی پسرش در پاورقی، آسمان و ریسمان را به هم بافته تا اثبات کند که «حدیقه» از تألیفات مقدس اردبیلی نیست! و دلیل مهمش اینست که: «چگونه ممکن است محقق بزرگواری چون مقدس اردبیلی، کتابی بنویسد که در آن مطالبی چون «داستان جزیره خضراء» باشد؟ در حالی که در سند آن اشتباه بزرگی است که مادر فرزند مرده را به خنده وا می دارد»<sup>۵</sup>!!!

جالب توجه و شایان دقت است که در «حدیقه الشیعه» نامی از جزیره خضراء برده نشده است و فقط داستان معروف انباری در آن نقل شده است.<sup>۶</sup>

از تعبیر ناشایستی که در مورد کتاب حدیقه به کار می برد به خوبی استفاده می شود که با «جزیره خضراء» دشمنی خاصی دارد و به هر

۲- الذریعه ج ۵ پاورقی ص ۱۰۸ و طبقات اعلام الشیعه قرن هشتم ص ۱۴۵ و ۱۶۱ و ۲۰۸

۳- وی از درویش شاه نعمه اللّهی، صاحب «طرائق الحقایق» و متوفی ۱۳۴۴ هـ. ق. است.

۴- الذریعه، ج ۶ ص ۳۸۵

۵- همان مدرک، پاورقی ص ۳۸۶ به عنوان «مصصح».

۶- حدیقه الشیعه ص ۷۶۵

مناسبتی می خواهد آنرا موهون سازد و به همین دلیل است که در «طبقات اعلام الشیعه» قرن هشتم، در شرح حال «علی بن فاضل» و «فضل بن یحیی» از جزیره خضراء نام برده، آنرا افسانه، خیالی و رمان تعبیر می کند.<sup>۷</sup>

این کتاب در سال ۱۹۷۵ در بیروت چاپ شده، در حالی که مؤلف در ۲۰ فوریه ۱۹۷۰ به رحمت ایزدی پیوسته بود.<sup>۸</sup> پسر مؤلف به طوریکه در روی جلد تصریح شده، آنرا «تحقیق» نموده، و به تعبیرما «تحریف» کرده است.

پسر مؤلف در مقدمه جلد اول از «طبقات اعلام الشیعه» از چگونگی چاپ «الذریعه» بحث کرده می گوید:

«مؤلف پس از مهاجرت از سامرا جلد اول «الذریعه» را به سال ۱۹۳۶ م. در نجف اشرف به چاپ رسانید و به دنبال آن جلد دوم را در سال ۱۹۳۷ و جلد سوم را در سال ۱۹۳۸ زیر نظر مستقیم خودش به طبع رسانید. آنگاه چون جنگ جهانی به پایان رسید و اوضاع ایران مساعد شد مرا جهت آموزش عالی به ایران فرستاد و مسوده های کتاب را توسط اینجانب روانه ایران نمود و من چاپ آنها را با اضافاتی شروع کردم و تا جلد پانزدهم به چاپ رسانیدم و...»<sup>۹</sup>

وی همچنین تصریح می کند که آنچه در «الذریعه» از فهرستها نقل شده، توسط من (علینقی) و برادرم (احمد منزوی) برای تکمیل فائده افزوده شده است.<sup>۱۰</sup>

روی این بیان، ما تردیدی نداریم در اینکه پاورقیهایی که در آنها «جزیره خضراء» تضعیف شده، به قلم پسر مؤلف است، زیرا:

۱- این پاورقیها با متن کتاب سازگار نیست.

۷- الحقائق الراهنه ص ۱۴۵ و ۱۶۱ و ۲۰۸

۸- الذریعه ج ۲۵ ص ۳۱۰

۹- مقدمه «نوابغ الرواة فی رابعة المئات» صفحه «کب».

۱۰- همان مدرک



- ۲- در برخی از آنها با افزوده شدن قید «مصحح» تصریح شده  
براینکه از مؤلف نیست بلکه از پسرش منزوی است.<sup>۱۱</sup>
- ۳- دو نفر از دوستان نزدیک مرحوم شیخ آغابزرگ که همواره؛ با  
آن مرحوم مانوس بودند، گواهی دادند که ما مکرر از آن مرحوم شنیده بودیم  
که به جزیره خضراء معتقد بود.
- ۴- عشق به جزیره خضراء آنچنان بازندگی آن مرحوم آمیخته بود  
که به هنگام بحث از اقامت «آیت الله مجدد شیرازی» در سامرا، چنین  
می‌فرماید:

«هنگامی که تصمیم قطعی مجدد شیرازی بر اقامت در سامرا!  
بگوش مردم رسید، برگزیده‌های شاگردانش به سامرا منتقل شدند و  
سامرا از نظر روحانیت و معنویت مانند «جزیره خضراء» شد...»<sup>۱۲</sup>

جای خوشوقتی است که متن «الذریعه» در مورد جزیره خضراء  
سالم مانده و تحریف و تبدیل در پاورقی به عمل آمده است ولی با کمال  
تأسف در «طبقات اعلام الشیعه» متن کتاب مورد تحریف واقع شده است:  
در جلد پنجم از کتاب «طبقات اعلام الشیعه» که به اعلام قرن هشتم  
اختصاص دارد، در هفت مورد از جزیره خضراء بحث شده است:

- ۱- در صفحه ۱۲ تحت عنوان: «احمد بن محمد بن علی اربلی»
- ۲- در صفحه ۴۳ تحت عنوان: «حسن بن علی مازندرانی»
- ۳- در صفحه ۱۲۱ تحت عنوان: «عبدالله بن حوام حلّی»
- ۴- در صفحه ۱۴۵ تحت عنوان: «علی بن فاضل مازندرانی»
- ۵- در صفحه ۱۵۲ تحت عنوان: «علی بن ابی الهیجاء اربلی»
- ۶- در صفحه ۱۶۱ تحت عنوان: «فضل بن یحیی طیبی»
- ۷- در صفحه ۲۰۸ تحت عنوان: «محمد بن نجیح حلّی»

که در مورد اولی و دومی و پنجمی آقای منزوی غفلت نموده که  
آنها را تحریف کند، و در مورد سومی متن کتاب سالم مانده، در پاورقی

۱۱- الذریعه ج ۶ پاورقی ص ۳۸۶

۱۲- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی ص ۴۱

آنرا «افسانه» تعبیر کرده، ولی در سه مورد دیگر (چهارمی، ششمی و هفتمی) متن کتاب را تحریف کرده، آنرا افسانه و جعلی خوانده، و همه شخصیت‌هایی را که نامشان در این رابطه آمده است، اشخاص خیالی تعبیر کرده است.<sup>۱۳۱</sup>

\*\*\*

در اینجا به تناسب تحریفاتی که علینقی منزوی در کتابهای مرحوم شیخ آغابزرگ انجام داده است، بی تناسب نیست که به یک مصیبت بزرگی که معارف شیعه را به شدت تهدید می کند، اشاره نموده، نظر مراجع و مسئولین را به آن جلب کنیم:

تحریف آثار بزرگان از جنایتهای بزرگی است که از دیرزمان در میان طوائف مختلف رائج و متداول بود و بزرگان ما همواره مراقب بودند که کتابهای گرانقدر ما از هرگونه تغییر و تحریفی مصون و محفوظ بماند، ولی با کمال تأسف مشاهده می شود که گروهی از بیماردلان به تحریف و دستبرد در کتب مرجع و مأخذ دست یازیده اند که یک نمونه بارز آن چاپ جدید کتاب «مکاسب» است:

کتاب مکاسب، تألیف «شیخ مرتضی انصاری» از کتب درسی حوزه های علمیه است که فضلا و دانشمندان یکبار متن آنرا به عنوان یک کتاب فقهی استدلالی در سطوح عالی می خوانند و یکبار دیگر همراه با شرح و استدلال در عالیترین مراحل تحصیل خود در طول سالیان متمادی می خوانند که آنرا در اصطلاح حوزه، درس خارج تعبیر می کنند و تدریس آن، اختصاص به مراجع تقلید و مجتهدین عالیمقام دارد.

این کتاب دهها بار به طور مستقل و صدها بار در ضمن شرح مختلف چاپ شده است و به طور قطع یکی از پرتیراژترین کتابهای فقهی است. این کتاب اخیراً در ۹ مجلد با تحقیقات و تعلیقات آقای کلانتر چاپ شده و به مکاسب کلانتر شهرت یافته است که در چندین مورد دستبرد شده است و به خصوص در هر موردی که مطلبی در رابطه با

دشمنان اهل بیت بوده حذف شده است، در صورتی که آقای کلانتر می توانست در متن کتاب امانت را رعایت کند و در پاورقی نظر خودش را بیان فرماید به عنوان نمونه می توانید به جلد سوم «مکاسب کلانتر» صفحه ۳۲۳ مراجعه فرمائید که فصل مهمی را از متن کتاب انداخته است، و مطالب سقط شده را می توانید در دیگر چاپهای مکاسب مطالعه فرمائید.<sup>۱۴</sup>

ما این کار را سرآغاز توطئه بزرگی می دانیم که اگر ادامه پیدا کند، از اعتبار کتابهای پراج شیعه خواهد کاست، و ارزش والای معارف شیعه را به خطر خواهد انداخت.

نمونه دیگر آن چاپهای اخیر «صحیفه سجادیه» است که از طرف «دارالتراث الاسلامی» بیروت در ۲۵۹ صفحه انتشار یافته، و مطالبی که با دلهای بیمارناشران وفق نمی داد، حذف شده است. مطالب سقط شده را می توانید در صحیفه سجادیه فیض الاسلام ص ۲۲ مطالعه فرمائید.



## ۲- قاضی طباطبائی

سید نعمت الله جزایری در کتاب «انوار نعمانیه» بابی را به غیبت حضرت ولی عصر (عج) اختصاص داده و در ضمن آن داستان تاجر مسیحی را به نقل از انباری آورده است<sup>۱</sup> آقای سید محمد علی قاضی در پاورقی آن، عین پاورقی «الذریعه» را نقل کرده، آنرا به شیخ آغا بزرگ استناد نموده و به عنوان «تحقیق انیق» ستوده است.<sup>۲</sup>

وی در این پاورقی «حدیقه الشیعه» را از کتب ضعیف و غیر قابل اعتماد و منسوب به مقدس اردبیلی معرفی کرده و به جلد ششم «الذریعه» ارجاع نموده است<sup>۳</sup> در صورتی که قبلاً یادآور شدیم که مرحوم شیخ

۱۴- فی المثل مراجعه شود به مکاسب شیخ انصاری به خط طاهر خوشنویس صفحه ۴۰ و ۴۱ که همراه با شرح مرحوم آیت الله شهیدی و جدا از آن دهها بار به چاپ رسیده است.

۱- انوار نعمانیه، ج ۲ ص ۵۹-۶۵

۲- انوار نعمانیه، ج ۲ ص ۶۸

۳- همان مدرک ص ۶۵

آغابزرگ هیچ تردیدی ندارد در اینکه حدیقه تألیف مقدس اردبیلی است<sup>۴</sup> و اما تردیدی که در پاورقی آن ابراز شده از طرف «علینقی منزوی» است و به قید «مصحح» مشخص شده است و در نتیجه ارزشی ندارد.

مرحوم شیخ حرّعاملی صاحب «وسائل الشیعه» در کتاب پراج «الاثناعشریه» دهها بار از کتاب «حدیقه» حدیث نقل کرده و آنرا از تألیفات مقدس اردبیلی دانسته است و به ابراز تردید برخی از محققانها اشاره کرده می‌فرماید: «برخی از ارباب تصوف و برخی از صوفی‌گرایان مقام شامخ مقدس اردبیلی را پائین می‌آورند و برخی دیگر در انتساب کتاب «حدیقه الشیعه» به ایشان تردید می‌کنند که تردید آنها از چند جهت باطل است... آنگاه به شش دلیل سخن آنها را رد کرده، انتساب کتاب را به مقدس اردبیلی اثبات می‌فرمایند.<sup>۵</sup>

آقای قاضی سپس گامی فراتر نهاده، داستان جزیره خضرا را نیز مورد تردید قرار داده است، در حالیکه آقای منزوی فقط داستان انباری را مورد انتقاد قرار داده بود. ولی آقای قاضی پس از نقل تحقیقات عمیق آقای منزوی (!) می‌گوید:

«داستان جزیره خضراء نیز چنین است... و درج آن در کتابها برای رفع استبعاد از زندگی حضرت ولی عصر (عج) در این داردنیاست، و تعیین جزیره خضراء در بحر ایض، در حالیکه همه نقاط روی زمین (اعم از دریا و خشکی) برای انسانها شناخته شده، مستلزم اینستکه بگوئیم این جزیره‌ها از دیده‌ها غائب است و بیگانگان را بر آنها راهی نیست و این ادعائی است که نیازمند دلیل است و با مجرد ادعا ثابت نمی‌شود...»<sup>۶</sup>

همین فراز کوتاه از نظریات آقای قاضی نقاط ضعف فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۴- رجوع شود به الذریعه ج ۶ ص ۳۸۵

۵- الاثناعشریه ص ۳۰

۶- انوار نعمانیه، ج ۲ پاورقی ص ۶۹

۱- برای تضعیف داستان جزیره خضراء هیچ دلیلی نیاورده، فقط آنرا به داستان انباری تشبیه کرده می گوید: «هكذا امر فی قصة جزيرة الخضراء» در صورتی که با یک تشبیه نتوان داستانی را که در کتب حدیث درج شده و فقیهی چون شهید اول به آن اعتنا کرده و به خط خود نوشته و محققى چون وحید بهبهانی به مضمون آن فتوی داده و رجالیون به مضمون آن استناد نموده اند، از اعتبار ساقط کرد.<sup>۶</sup>

۲- نقل این داستان فقط برای رفع استبعاد از زندگی حضرت ولی عصر (عج) نیست، بلکه برای اینست که دانشمندی بزرگوار چون علی بن فاضل، قهرمان این داستان است و دانشمندانی چون شیخ حرّ عاملی او را توثیق نموده اند. و دانشمندی چون فضل بن یحیی راوی داستان است و شخصیتی چون آیت الله خوئی او را ستوده است. و شخصیتی چون محقق کرکی آنرا ترجمه و نشر نموده است و فقیه بزرگوارى چون وحید بهبهانی به مضمون آن فتوی داده است و علمای رجال و تراجم چون صاحب روضات، مقابس و کشف القناع به مطالب آن استناد نموده اند. و محدث گرانقدری چون صاحب وسائل در کتاب عقیدتی «اثبات الهداة» آنرا در ضمن معجزات حضرت ولی عصر (عج) آورده است.

۳- تعبیر اینکه «همه نقاط روی زمین اعم از خشکی و دریا شناخته شده»، خالی از حقیقت است و نقاط متعددی از مناطق روی زمین هنوز ناشناخته است که یکی از آنها مثلث برمودا است که در این کتاب به تفصیل از آن سخن رفته است.

۴- تعبیر اینکه «این مستلزم آنست که این جزیره ها از دیده ها پوشیده باشد» درست نیست و چنین ملازمه ای وجود ندارد، بلکه کسی را قدرت و توانائی نیست که به این جزیره ها سفر کند، زیرا هر وسیله ای که به حریم فضائی و یا آبی آن تجاوز کند سرنگون شده در اعماق اقیانوس فرو می رود، چنانکه در بخش دوم کتاب مشروحاً بیان گردید.

۵- تعبیر «بیگانگان را بر آنها راهی نیست» دقیقاً درست است و

این ادعا گزاف نیست، بلکه ناپدید شدن صدها هواپیما و غرق شدن صدها کشتی اقیانوس پیما که قصد اکتشافی منطقه را داشته اند خود بهترین دلیل صدق این گفتار است.

این مدعیان در طلبش بی خبرانند  
آنرا که خبرشده خبری باز نیامد

\*\*\*

### ۳- شیخ محمد تقی تستری

پژوهشگر معاصر آقای شیخ محمد تقی تستری صاحب «قاموس الرجال» در کتاب پراج خود «الاخبار الدخيلة» به ارزیابی داستان جزیره خضراء پرداخته و تردیدهایی را ابراز نموده که در اینجا نقل می کنیم:

آقای تستری بعد از درج متن کامل داستان<sup>۱</sup> و نقل خلاصه تحقیقات مرحوم نوری به تحلیل داستان پرداخته چنین می فرماید:  
سبب موضوع بودن این داستان به قرار زیر است:

۱- در این داستان حسان بن ثابت از قراء شمرده شده، در حالیکه برادرش زید بن ثابت از قراء می باشد و او شاعر بود و دیگر افرادی که نامشان ذکر شده آنها نیز از قراء نبودند فقط ابن مسعود و ابی در میان آنها از قراء بود.

۲- ابوسعید خدری را همراه ابوعبیده نام برده، در حالی که اولی از دوستان اهل بیت و دومی از دشمنان اهل بیت می باشد.

۳- در این داستان می گوید: «فقط پنج نفر از علمای امامیه آنجا یاد می شد و آنها عبارت بودند از کلینی، ابن بابویه، مرتضی، طوسی و محقق». آنجا که می توانند احکام شرعی را از امام علیه السلام دریافت کنند، چه لزومی دارد که نامی از دیگران باشد در حالی که آنها هر یک فتوایی دارد که با دیگران مغایر است. و اگر از آنها یاد می شود، چرا از شیخ مفید یاد نمی شود که به شرف صدور نامه از ناحیه مقدسه مشرف شده

است؟<sup>۲</sup>

۴- سند معتبری ندارد.<sup>۳</sup>

در مورد مطلب اول، امر بر آقای تستری مشتبه شده است، زیرا در داستان جزیره خضرا این افراد به عنوان قاری مطرح نشده‌اند، بلکه آقای سیدشمس‌الدین می‌فرماید: «بعد از «حجة الوداع» جبرئیل آمد و گفت: یا رسول الله! قرآن را بخوان که اول و آخر هر سوره و شأن نزول هر آیه را بگویم. آنگاه علی بن ابیطالب و فرزندان بزرگوارش امام حسن و امام حسین، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، حسان بن ثابت و گروهی از برگزیدگان اصحاب در خدمت آنحضرت گرد آمدند و پیامبر اکرم (ص) قرآن را از اول تا آخر خواند و هر کجا اختلافی بود جبرئیل بیان کرد و امیرمؤمنان آنرا روی پوست نوشت، پس همه قرآن به قرائت امیرمؤمنان (ع) و وصی فرستاده رب العالمین است».<sup>۴</sup>

در این عبارت هرگز تعبیری یافت نمی‌شود که «حسان بن ثابت» را به عنوان «قاری» معرفی کند تا مورد اعتراض آقای تستری قرار بگیرد بلکه این عبارت می‌رساند که حسان نیز در آن جلسه حضور داشت.

در اینجا اشتباه دیگری از قلم آقای تستری صادر شده که از ایشان بسیار بعید است و آن اینکه «زید بن ثابت» را با «حسان بن ثابت» برادر تعبیر کرده‌اند،<sup>۵</sup> در صورتیکه زید باحسان برادر نبودند، بلکه زید فرزند ثابت بن ضحاک بود<sup>۶</sup> و حسان فرزند ثابت بن منذر بود<sup>۷</sup> که نسب هر دو به «مالک بن نجار» می‌رسد و او نیای هشتم آنهاست.

اعتراض دوم او نیز وارد نیست زیرا متن داستان از این قرار است

۲- الاخبار الدخيلة ص ۱۴۷

۳- همان مدرک ص ۱۴۸

۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۶۹

۵- الاخبار الدخيلة ص ۱۴۶

۶- اسد الغابه ج ۲ ص ۲۲۱

۷- همان مدرک ص ۴

که:

«خلیفه اول در میان مسلمانان اعلام کرد: هر کس در نزد او آیه ای و یا سوره ای از قرآن باشد بیاورد. آنگاه ابوعبیده جراح، عثمان، سعد وقاص، معاویه، عبدالرحمن بن عوف، طلحه، ابوسعید خدری، حسان بن ثابت و جمعی از مسلمانان به نزد او رفتند و این قرآن را گرد آوردند...»<sup>۸</sup>

اگر منظور آقای تستری اینست که چرا ابوسعید خدری همراه ابوعبیده به نزد خلیفه رفته است؟ اشکال وارد نیست، چون بر همه مسلمانان لازم بود که در حفظ و حراست قرآن کریم تلاش کنند.

اعتراض سوم ایشان نیز بی مورد است، زیرا اولاً یاد آن رادمردان برای تقلید و مراجعه نیست تا اعتراض شود که با وجود دسترسی به حضرت ولی عصر (عج) چرا نام دیگران مطرح می شود، ثانیاً علی بن فاضل سالیان متمادی در آنجا نبود که نام همه دانشمندان شیعه را بشنود بلکه او مدت کوتاهی آنجا بود، و به تناسبهای مختلف نام این پنج بزرگوار را شنیده است و نام بزرگان دیگری چون شیخ مفید مطرح نشده است. و به اصطلاح «اثبات شیئی نفی ماعدا نمی کند».

در مورد اعتراض چهارم در یادداشت اول بحث کردیم و در مورد اعتبار سند داستان به قدر کافی سخن گفتیم.

\*\*\*

#### ۴- سید محمد صدر

از کتابهای ارزنده ای که اخیراً در پیرامون حضرت ولی عصر (عج) نوشته شده «موسوعة الامام المهدي» است که در چهار جلد منتشر شده است:

۱- تاریخ غیبت صغری

۲- تاریخ غیبت کبری

۳- روز موعود

۴- تاریخ بعد از ظهور



نویسنده از شاگردان فاضل مرحوم آیت الله سیدمحمد باقر صدر و پسر عموی ایشان است و کتاب پرارج «بحث حول المهدي»<sup>۱</sup> آیت الله صدر به عنوان مقدمه براین «موسوعه» نوشته شده است.

فاضل معاصر آقای سیدمحمد صدر در کتاب «تاریخ غیبت کبری»<sup>۲</sup> داستان جزیره خضراء را با داستان «انباری» خلط کرده، هر نقطه ضعفی برای داستان انباری پیدا کرده، در مورد جزیره خضراء نیز به آن استناد نموده است و چنین خلط مبحث از پژوهشگری چون ایشان بسیار دور است.

زیرا داستان انباری در سال ۵۵۲۲ هـ. اتفاق افتاده<sup>۳</sup> و داستان علی بن فاضل در سال ۶۹۰ روی داده است. راوی داستان علی بن فاضل، یکی از دانشمندان معروف و پرهیزگار شیعه به نام «فضل بن یحیی» است و داستان را از شخص علی بن فاضل بدون واسطه نقل می کند که او را نیز دانشمندان به زهد و تقوی ستوده اند و از هر جهت مورد اعتماد است ولی داستان انباری به شخص مجهولی می رسد که انباری می گوید: «من او را نمی شناختم و قبلاً ندیده بودم» تنها چیزی که درباره اش می گوید اینست که وزیر او را احترام می کرد و به سخنانش از روی اعتناء گوش می داد.<sup>۴</sup> جالبتر اینکه در ضمن داستان او خود را مسیحی معرفی می کند و می گوید: «پدرم از طرف پنج نفر که مسیحی بودند جزیه داد: از طرف من، خودش و سه نفر دیگر»<sup>۵</sup> روی این بیان ما نمی توانیم به داستان

۱- این کتاب چندین بار به فارسی ترجمه شده و به نامهای گوناگون منتشر شده است:

الف: انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه: سید احمد علم الهدی.

ب: سخنی پیرامون مهدی، ترجمه محمد نبی زاده.

پ: پژوهشی پیرامون مهدی، ترجمه از انتشارات امید.

هریک از ترجمه های فوق چندین بار چاپ شده و ترجمه اولی یکبار هم به نام «سخنی پیرامون حضرت مهدی» در ضمن کتاب «نور مهدی» چاپ شده است.

۲- این کتاب اخیراً به فارسی برگردان شده و قسمت اول آن به نام «تاریخ غیبت

کبری» به قلم سید حسن افتخارزاده منتشر شده است.

۳ و ۱- جنة المأوی - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۱۴

۵- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۱۶

انباری استناد کنیم.

متن داستان انباری در کتابهای بسیاری آمده است از جمله:

- ۱- جنة المأوی، تألیف حاجی نوری<sup>۴</sup>
- ۲- حدیقة الشیعه، تألیف مقدس اردبیلی<sup>۵</sup>
- ۳- انوار نعمانیه، تألیف سید نعمه الله جزایری<sup>۶</sup>
- ۴- الصراط المستقیم، تألیف علی بن یونس عاملی بیاضی<sup>۷</sup>
- ۵- السلطان المفرج عن اهل الایمان، تألیف: علی بن عبدالحمید

نیلی، و...

در متن داستان مطلبی نیست که جعلی بودن آنرا قطعی سازد ولی مسیحی بودن راوی، برای تضعیف آن کافی است، مگر اینکه او در واقع مسلمان و شیعه باشد و از ترس وزیر خود را مسیحی معرفی کند تا در آن مقطع حساس از حریم تشیع دفاع کند و شاید به همین سبب است که شخصیتی چون مقدس اردبیلی داستانش را نقل کرده است. ولی به هر حال ما حجت شرعی برای اثباتش نداریم و به آن استناد نمی کنیم، ولی از آقای صدر هم انتظار نداریم که نقاط ضعف آنرا به پای جزیره خضراء محاسبه فرماید.

وی در کتاب «تاریخ غیبت کبری» اشتباهات فراوانی را مرتکب شده که برخی از آنها را مترجم در پاورقی یادآور شده است<sup>۸</sup> که ما دیگر آنها را تکرار نمی کنیم.

از اشتباهات آقای صدر اصرار عجیب ایشان است بر اینکه طبق روایت انباری و مازندرانی جزیره خضراء در دریای مدیترانه است<sup>۹</sup> در صورتیکه در هیچکدام کلمه «البحرالابيض المتوسط» وجود ندارد تا به

۴- همان مدرک ص ۲۱۳-۲۲۰

۵- ص ۷۶۵-۷۷۰

۶- ج ۲ ص ۵۸-۶۵

۷- از علمای قرن نهم، در فصل ۱۵ باب ۱۱

۸- تاریخ غیبت کبری، ترجمه سیدحسن افتخارزاده ص ۹۱، ۹۸ و ۱۰۰

۹- تاریخ الغیبة الکبری ص ۷۳ و ترجمه آن ص ۷۹ و ۸۱ و ۸۷

معنای دریای مدیترانه باشد، بلکه «الماء الابيض» وجود دارد که به معنای آب سفید است و نکته اینکه به آن «آب سفید» گفته می شود بیان گردید، زیرا آب به رنگ سفید بوده است<sup>۱۰</sup>، چنانکه در بحث مثلث برمودا نیز، این مسأله از اهمیت خاصی برخوردار است.

علی بن فاضل در آن داستان می گوید: من چون آبرا به رنگ سفید دیدم به آن خیره شدم، راهنما از من پرسید: چه شده که خیره شده ای؟ گفتم: از رنگ آب در شگفتم که تا کنون آبی به این رنگ ندیده ام او گفت: آری، این آب سفید چون دیواری گرد جزیره را احاطه کرده و مرکبهای دشمنان ما هرگز نمی توانند از این آبها عبور کنند<sup>۱۱</sup> جالب تر اینکه «چارلز برلیتز» احتمال می دهد که این آب سفید موجب حوادث برمودا می شود و می نویسد:

«جالب است در این باره گفته شود که وضعیت مرموز آبهای سفید که کلمبوس و فضانوردان اخیر متفقاً به آن اشاره کرده اند، به عملکرد نیروی یاد شده ارتباط دارد...»<sup>۱۲</sup>

روی این بیان اگر «البحر الابيض» گفته شود به این دلیل است که رنگ آب سفید است، و این تعبیر هیچ ربطی به اصطلاح «البحر الابيض المتوسط» ندارد که به معنای دریای مدیترانه است، زیرا:

۱- در این تعبیرها لفظ «متوسط» نیست و هرگز لفظ «البحر الابيض» به معنای مدیترانه به کار نرفته است و در مقام اختصار «البحر المتوسط» می گویند.

۲- هفت قرن پیش از این، دریای مدیترانه نامهای بسیاری داشت ولی این تعبیر هرگز در آن موقع گفته نمی شد و از مراجعه به کتابهای لغت و تاریخ و جغرافیا معلوم می شود که اصطلاح «البحر الابيض المتوسط» قرنها بعد از قرن هفتم پدید آمده است.

۱۰- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۶۶

۱۱- همان مدرک

۱۲- مثلث برمودا ص ۴۲۴

۳- در متن داستان تصریح شده براینکه مقصود از «بحر ابیض» ماء ابیض است، و سبب آن سفیدی رنگ آب می باشد. از اشتباهات آقای صدر این است که می نویسد: «کره زمین و جب به جب شناخته شده، و متر به متر مساحت شده و مردم بر همه گوشه و کنار آن آگاه شده اند ولی با اینهمه هیچکس بر چنین جایی دست نیافته است، و اگر وجود می داشت، به طور حتم و مسلم شناخته می شد و از مهمترین مراکز اسلامی به حساب می آمد. بنابراین به طور قطع چنین مکانی وجود ندارد»<sup>۱۳</sup> از پژوهشگری مثل ایشان بسیار دور است که با این قاطعیت ادعا کند که کره زمین و جب به جب شناسائی شده، در صورتیکه مناطق فراوانی روی زمین یافت می شود که هنوز هم ناشناخته مانده است که یکی از آنها «مثلث برمودا» می باشد. و اگر ادعای ایشان درست بود باز هم نمی توانستیم با این قاطعیت بگوئیم که پس چنین جزیره ای وجود ندارد، زیرا «عدم الوجدان لایدل علی الوجود» (نیافتن دلیل نبودن نیست).

آقای صدر آنگاه روایتی را از امام باقر (ع) نقل می کند که فرمود:

«هرگز فرج ما روی نخواهد داد تا وقتی که غربال شوید و غربال شوید و غربال شوید، تا اینکه خداوند تیره ها را از بین ببرد و صافها بماند» و سپس می گوید: این قبیل اخبار دلالت می کنند براینکه غیبت حضرت ولی عصر (عج) برای غربال شدن مردم است و این قانون الهی است و یک قانون همگانی است و نمی شود جامعه ای را استثنا بزنیم و سپس می افزایند: اگر جامعه ای از دیدار امام برخوردار باشند روایات امتحان و غربال شدن در حق آنها استثناء خواهد شد و آن برخلاف قانون مسلم و همگانی الهی است.<sup>۱۴</sup>

آقای صدر در متن داستان دقت نکرده اند و گرنه «سید شمس الدین» که نایب خاص آنحضرت در جزیره خضراء می باشد

۱۳- تاریخ الغیبة الکبری ص ۸۳ و ترجمه آن ص ۹۰

۱۴- همان مدرک ص ۸۸ و ترجمه اش ص ۹۵

هرگز آنحضرت را ندیده است<sup>۱۵</sup> و در نتیجه اگر انگیزه غیبت همان امتحان الهی باشد در حق او و دیگر ساکنان جزیره خضراء نیز صادق است. و ما یقین نداریم که حکمت غیبت همان باشد و این ادعای صرف است. و اگر حکمت آن همان آزمایش باشد لازم نیست که در حق همگان یکنواخت باشد، بلکه ممکن است در مورد ساکنان آن جزیره مقدسه به شکل دیگری باشد.

آقای صدر خیال می کنند که روایت خضراء با روایات دیگری که اقامت حضرت ولی عصر (عج) را در مدینه و دیگر اماکن معرفی کرده اند، منافات دارد<sup>۱۶</sup> در صورتی که ما معتقدیم منافات ندارد، زیرا ممکن است اقامت دائمی آنحضرت در جزیره خضراء باشد و در بلاد دیگری نیز محلی برای اقامت غیردائم داشته باشند.

وی همچنین معتقد است که کشورهای چون ایران و عراق با روایت صورتی که آنهم منافات ندارد، بلکه تصریح شده که آنحضرت همه ساله در مکه و اجداد طاهرین خود را در عراق و استان جناب سید شمس الدین می فرما بیش نیست، کجا رسد به شخصی که جز بیان دیده شدن آنحضرت در کشورهای اقامتشان در جزیره خضراء ندارد.

آقای صدر روایت جزیره را با روایت بعد ما ملت ظلماً و جوراً، منافی دانست.

۱۵- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۶۷

۱۶- تاریخ الغیبة الکبری ص ۸۸ و ترجمه اش ص ۱

۱۷- همان مدرک

۱۸- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۷۳

۱۹- تاریخ الغیبة الکبری ص ۸۹

### تذکر و اعتذار

در تنظیم ارقام فهرست اعلام در مورد شماره های ۲۳۵ به بعد اشتباهی رخ داده است ، لذا در مورد واژه هایی که به این صفحات ارجاع شده ، به سه صفحه بعد مراجعه کنید .

در پاسخ ایشان نوشته است که ما تکرار نمی کنیم.<sup>۲۰</sup>  
 سپس آقای صدر اعتراض می کند بر اینکه چرا آقای علی بن  
 فاضل از مدارس و بیمارستانها و طرز داد و ستد جزیره بحث نکرده است<sup>۲۱</sup>  
 که به تعبیر مترجم آن، واقعاً کم لطفی است.  
 آنگاه فضای سبز و خرم جزیره را ناشی از نظام زمین داری و  
 طبقاتی جامعه دانسته و کلمه زشت و ناشایست «فئودالیت» را به کار  
 برده، که نیازی به پاسخ نیست و فقط ایشان را به مغز تکانی از واژه های  
 وارداتی و تعمق در مبانی اعتقادی اسلام توصیه می کنیم.

\*\*\*

### ۵- محمد باقر بهبودی

آقای بهبودی در پاورقی «بحار الانوار»<sup>۱</sup> به تبعیت از آقای منزوی  
 داستان «خضراء» را «رمانتیک» تعبیر کرده است که پاسخ آن در آغاز  
 همین یادداشت گفته شد.

ما زحمات طاقت فرسای آقای بهبودی را در تصحیح و تحقیق  
 بحار الانوار ارج می نهیم ولی قضاوت عجولانه و بی پایه اش را رد  
 می کنیم.

\*\*\*

آقای قاضی در پاورقی «انوار نعمانیه» از مرحوم شیخ جعفر کبیر  
 نقل می کند که او نیز به داستان خضراء انتقاد داشته است، کتاب  
 «حق الیقین» در دسترس ما نبود که به متن فرمایشات مرحوم کاشف الغطاء  
 مراجعه کنیم ولی آنچه در پاورقی انوار نعمانیه از ایشان نقل شده مربوط به  
 داستان انباری است که ما در صدد دفاع از آن نیستیم و شاید آقای قاضی  
 اشتباهاً آنرا به داستان جزیره خضراء مربوط دانسته است.

\*\*\*

۲۰- تاریخ غیبت کبری ص ۹۸

۲۱- همان مدرک ص ۱۰۰

۱- ج ۵۲ ص ۱۵۹

## سخن آخر

میرزا محمد استرآبادی متوفی ۱۰۲۶ هـ. و صاحب کتاب پراج «رجال» که به گفته میرزا عبداللّه افندی، کتابی در رجال بهتر از آن نوشته نشده<sup>۱</sup> یکی از تشرف یافتگان به پیشگاه قبله موعود و کعبه مقصود است. وی در ضمن نقل داستان تشرف خود می گوید: «در حین ملاقات یک بوته گل سرخ که موسم آن نبود به من عنایت فرمودند. من آنرا بوئیدم و بوسیدم و عرض نمودم: سیدمن! مولای من! این گل از کجاست؟! فرمودند: «از خرابات است!» و آنگاه از نظرم ناپدید شدند»<sup>۲</sup>.

مؤلف ریحانة الادب می افزاید:

خرابات، عبارت از جزیره هائی در مغرب از بحر محیط (اقیانوس اطلس) است که جزیره خضراء یاد شده در بحار الانوار و قاموس اللغة یکی از آنهاست.<sup>۳</sup>

صاحب روضات الجنات نیز پس از نقل داستان تشرف او می گوید: خرابات، جزیره هائی در بحر محیط (اقیانوس اطلس) است که جزیره خضراء مذکور در انساب سمعانی یکی از آنهاست.<sup>۴</sup>

۱- ریاض العلماء ج ۵ ص ۱۱۵.

۲- ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۶۴.

۳- همان مدرک ص ۳۶۵.

۴- روضات الجنات ج ۷ ص ۳۸.

و در منابع اخیر هر کجا داستان تشریف او را نقل کرده اند به تعبیر اقیانوس اطلس آورده اند.<sup>۵</sup>  
و این نیز تأیید دیگری است بر اینکه احتمالاً اقامتگاه آن مهرتابان و کعبه خوبان در غیر موسم حج، در اقیانوس اطلس می باشد.

این یادداشتهای در شب جمعه، غره رجب المرجب ۱۴۰۳ هجری  
(برابر ۲۶ فروردین ۶۲) در حوزه علمیة قم پایان یافت.  
(علی اکبر مهدی پور)



## منابع كتاب

\* منابع مؤلف  
\* منابع مترجم

## منابع مؤلف:

- ١- آخر ساعة، مجله مصرى
- ٢- الاسبوع العربى، مجله لبنانى
- ٣- الانباء، مجله كويتى
- ٤- انباء مسكو، چاپ شوروى
- ٥- الانوار، روزنامه
- ٦- الف باء مجله عراقى
- ٧- باراليلى، چاپ بلغار
- ٨- پراودا، چاپ شوروى
- ٩- جمهوريت، چاپ بغداد
- ١٠- دائرة المعارف برىتانىا
- ١١- الرأى العام، مجله كويتى
- ١٢- الرسالة، مجله كويتى
- ١٣- صباح الخير، مجله مصرى
- ١٤- الصياد، مجله لبنانى
- ١٥- طب وعلوم، چاپ بغداد
- ١٦- العراق، چاپ بغداد
- ١٧- العربى، مجله كويتى
- ١٨- علم و زندگى، چاپ شوروى
- ١٩- الفكر الجديد، مجله عراقى
- ٢٠- القبس، چاپ كويت
- ٢١- الكفاح العربى، چاپ لندن
- ٢٢- المصور، مجله مصرى
- ٢٣- موسوعة العربية الميسره
- ٢٤- نشرة وكالة الانباء، شوروى
- ٢٥- نهاية الارب، لغت
- ٢٦- الوطن العربى، چاپ پاریس
- ٢٧- اليقظه، مجله كويتى

## منابع مترجم:

- ۱- اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، چاپ ۱۴۰۱ قم
- ۲- الاثنا عشریة، شیخ حرّ عاملی، چاپ ۱۴۰۰ قم
- ۳- احتجاج طبرسی، تألیف: ابومنصور طبرسی، چاپ بیروت ۱۴۰۱
- ۴- الاخبار الدخیله، شیخ محمدتقی شوشتری، چاپ ۱۳۹۰ تهران
- ۵- ارشاد مفید، تألیف: محمدبن محمدبن نعمان، چاپ سوم بیروت
- ۶- اسدالغابه، ابن اثیر، چاپ افست مطبعة اسلامیه
- ۷- اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، چاپ ۱۳۸۸ اسلامیه
- ۸- اطلس کامل گیتاشناسی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ تهران
- ۹- الاعلام، خیرالدین زرکلی، چاپ پنجم ۱۹۸۰ بیروت
- ۱۰- اعلام الوری، تألیف: امین الاسلام طبرسی، چاپ بیروت
- ۱۱- الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، چاپ نجف اشرف
- ۱۲- امل الامل، شیخ حرّ عاملی، چاپ بیروت.
- ۱۳- الانوار النعمانیة، سید نعمة الله جزایری، چاپ تبریز- بنی هاشمی
- ۱۴- الايقاظ من الهجعة، تألیف: شیخ حرّ عاملی، چاپ قم
- ۱۵- بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ جدید- تهران-
- ۱۶- به من بگو چرا؟ آرکدی لثوکوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب- تهران

- ۱۷- البيان، آيت الله خوئي، چاپ ۱۳۹۹ كويت
- ۱۸- تاريخ الغيبة الكبرى، سيد محمد صدر، چاپ بيروت ۱۹۷۵
- ۱۹- تاريخ غيبت كبرى، ترجمه سيد حسن افتخارزاده، چاپ تهران ۱۳۶۱
- ۲۰- جغرافياي جهان براي خردسالان، ترجمه: احمد مقربي، چاپ چهارم
- ۲۱- جغرافياي كامل جهان، تأليف: حبيب الله شاملوئي، چاپ چهارم
- ۲۲- جمال الاسبوع، تأليف: سيد بن طاوس، چاپ قم
- ۲۳- جنة المأوى، ميرزاى نوري، به ضميمه بحار الانوار ج ۵۳
- ۲۴- جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفي، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ تهران
- ۲۵- الحاشية على مدارك الاحكام، وحيد بهبهاني، چاپ افست
- ۲۶- حدائق، شيخ يوسف بحراني، دارالكتب الاسلاميه نجف ۱۳۷۹
- ۲۷- الحقائق الراهنه، شيخ آغا بزرگ تهران، چاپ بيروت ۱۹۷۵
- ۲۸- خاتمه مستدرک، حاجي نوري، چاپ افست ۱۳۸۳
- ۲۹- دانشمند، مجله، سال سيزدهم و چهاردهم، تهران
- ۳۰- ذيل تاريخ دمشق، ابن قلاتسي، ابو يعلى، بيروت
- ۳۱- الذريعة الى تصانيف الشيعة، شيخ آغا بزرگ، چاپ دوم
- ۳۲- روضات الجنات، محقق خونساري، چاپ ۱۳۹۱ قم
- ۳۳- رياض العلماء و حياض الفضلاء ميرزا عبدالله افندي مطبعة خيام ۱۴۰۱
- ۳۴- سفينة البحار، شيخ عباس قمي، چاپ تهران - فراهاني
- ۳۵- سنن ابى داود، سليمان بن اشعث لجستاني، بيروت
- ۳۶- سنن بيهقي، احمد بن حسين بن على بيهقي
- ۳۷- سنن ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى ترمذى، بيروت
- ۳۸- سنن دارقطنى، على بن عمر دارقطنى، چاپ مدينه منوره
- ۳۹- سيرة حلبى، على بن برهان الدين حلبى، چاپ بيروت.
- ۴۰- شرح کرمانى بر بخارى، چاپ ۱۴۰۱ بيروت
- ۴۱- شرح رسالة الحقوق، سيد حسن قبانچى، نجف ۱۳۸۷

- ۴۲- شهادت ثالثه، محمد بن ابراهیم مظفری، چاپ ۱۳۹۹  
۴۳- صحیفه سجادیه، ترجمه فیض الاسلام، چاپ ۱۳۵۷ تهران  
۴۴- الطرائف فی معرفة المذاهب، سید بن طاوس، چاپ قم ۱۴۰۰  
۴۵- العبقری الحسان، شیخ علی اکبر نهاوندی، چاپ تهران.  
۴۶- علل الشرائع، شیخ صدوق، چاپ ۱۳۸۵ نجف اشرف  
۴۷- الغدیر، علامه امینی، چاپ کویت.  
۴۸- غیبت شیخ طوسی، چاپ نجف اشرف، چاپ سوم  
۴۹- غیبت نعمانی، تألیف: محمد بن ابراهیم نعمانی، چاپ تبریز -

صابری

- ۵۰- فتح الباری، شرح بخاری عسقلانی، ابن حجر عسقلانی، بیروت  
۵۱- فرهنگ معین، محمد معین، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ تهران  
۵۲- فرهنگنامه، چاپ اول ۱۳۴۶، تهران - فرانکلین  
۵۳- الفصول العشره، تألیف: شیخ مفید، چاپ قم  
۵۴- الفوائد الرجالیه، بحر العلوم، چاپ ۱۳۸۶ نجف اشرف  
۵۵- فیض القدیر، شرح جامع صغیر، مناوی، ۱۳۹۱ بیروت  
۵۶- قاموس الاعلام، شمس الدین سامی، چاپ استانبول  
۵۷- قاموس الرجال، شیخ محمد تقی شوشتری، چاپ ۱۳۹۱ تهران  
۵۸- کشف الاستار، حاجی نوری، مکتبه نینوی الحدیثه، با مقدمه آقای

سید علی میلانی

- ۵۹- کشف الغمه، تألیف: علی بن عیسی اربلی، چاپ تبریز -

بنی هاشمی

- ۶۰- کفایة الاثر، تألیف: علی بن محمد بن علی خراز قمی، چاپ قم  
۶۱- کلمات الاعلام حول جواز الشهادة بالولاية، رضا استادی، چاپ

۱۳۹۵

- ۶۲- کلمة الامام المهدي، تألیف: مرحوم سید حسن شیرازی، چاپ

بیروت

- ۶۳- کمال الدین، تألیف: شیخ صدوق، چاپ اسلامیہ - تهران
- ۶۴- کنز العمال، متقی ہندی، چاپ ۱۳۹۹ بیروت
- ۶۵- مثلث برمودا، چارلز برلیتز، ترجمہ محمد جواد پاکدل، تهران ۱۳۶۱
- ۶۶- مجلہ اطلاعات ہفتگی، سال ۱۳۵۷ ش.
- ۶۷- مجلہ آوای ہامون، چاپ مشہد، شمارہ های ۳۸ - ۴۲
- ۶۸- مجلہ الہادی، چاپ دارالتبلیغ اسلامی قم، سال پنجم
- ۶۹- مجالس المؤمنین، قاضی نوراللہ شوشتری - شہید ثالث -
- ۷۰- مجمع الفروع آیت اللہ خوانساری - تهران -
- ۷۱- مستمسک، آیت اللہ حکیم - نجف اشرف - چاپ سوم
- ۷۲- مرآة العقول علامہ مجلسی، ۱۳۹۸ تهران
- ۷۳- مصباح الزائر: سید ابن طاوس، چاپ تهران
- ۷۴- مصباح کفعمی، تألیف: مرحوم کفعمی، چاپ قم
- ۷۵- معجم رجال الحدیث، آیت اللہ خوئی، چاپ نجف اشرف
- ۷۶- معجم المؤلفین، عمر رضا کحالی، چاپ بیروت
- ۷۷- مکاسب شیخ انصاری، خط طاہر خوشنویس، چاپ تبریز
- ۷۸- مکاسب کلانتر، چاپ ۱۳۹۴ نجف اشرف
- ۷۹- مقابس الانوار و نفائس الاسرار، شیخ اسداللہ شوشتری، چاپ سنگی ۱۳۲۲
- ۸۰- مناهج المتقین، حاج شیخ عبداللہ مامقانی، چاپ ۱۳۴۴ نجف
- ۸۱- منتخب الاثر، تألیف: لطف اللہ صافی، چاپ سوم تهران
- ۸۲- منہاج الصالحین، آیت اللہ خوئی، چاپ دہم
- ۸۳- الموطأ، مالک بن انس، چاپ دوم ۱۳۹۹ بیروت
- ۸۴- النص والاجتہاد، شرف الدین عاملی، چاپ نجف اشرف
- ۸۵- نجم الثاقب، حاجی نوری، چاپ اسلامیہ - تهران
- ۸۶- نوابغ الرواة فی رابعة المئات، شیخ آغا بزرگ تهرانی
- ۸۷- نہج البلاغہ، ترجمہ دکتر اسداللہ مبشری، چاپ تهران

- ۸۸- هدایة العباد الی طریق الرشاد، کاظم بن الحسن الحسینی، چاپ دارالتبلیغ اسلامی قم
- ۸۹- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی، شیخ آغابزرگ طهرانی
- ۹۰- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی
- ۹۱- الوافی بالوفیات، صفدی، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۱
- ۹۲- ینابیع الموده، تألیف: سلیمان بن ابراهیم قندوزی، چاپ هشتم قم
- ۹۳- یوم الخلاص، تألیف: کامل سلیمان، چاپ اول بیروت و از مخطوطات:
- ۹۴- تبصرة الولی فیمن رأی المهدی، سید هاشم بحرانی، متوفی ۱۱۰۷هـ. کتابخانه عمومی آیت الله نجفی، بخش مخطوطات شماره ۱۱۱۵ برگ ۳۳۸ تا ۴۰۹.
- ۹۵- تفسیر الائمة الاطهار، محمد رضا بن عبدالحسن نصیری طوسی، از احفاد شیخ طوسی/ و متوفی حدود ۱۱۰۰هـ. که نسخه هائی از برخی مجلدات آن در قم، اصفهان، کاظمین و نجف اشرف موجود است. کتابخانه عمومی آیت الله نجفی، بخش مخطوطات، شماره ۸۵۳ جلد اول.
- ۹۶- مجالس المومنین، شهید ثالث قاضی نورالله شوشتری. کتابخانه عمومی آیت الله نجفی، بخش مخطوطات، شماره ۲۴۰۲ تاریخ کتابت ۱۰۴۴ هـ.

## فهرست اعلام

- \* اشخاص
- \* اماکن
- \* قبائل و مذاهب
- \* کتابها



## ۱- اشخاص

ابن اعجمی: ۲۶	آ
ابن بابویه: ۱۸۱، ۲۲۵	آدم (ع): ۲۰۸
ابن بادشاله: ۲۶	آدمیرال: ۲۶
ابن حجر: ۲۳۹	آدریک: ۱۵۰
ابن قاسم بن موسی: ۲۶	آذر، کنیث: ۱۳۶
ابن قلانسی: ۲۳۸	آرمسترانگ: ۱۴۱، ۱۴۲
ابن قولویه: ۲۹	آرنولد، کنث: ۱۳۶
ابن کثیر: ۱۷۶	آغانزرگ = شیخ آغانزرگ
ابن مسعود: ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۵	آلارد، الرشید: ۱۴۵
ابواسحاق: ابراهیم بن محمد	آلدرین: ۱۴۱، ۱۴۲
ابواسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی: ۲۹	الف
ابوبکر: ۲۰۴	ابراهیم بن ادريس: ۱۲
ابوثابت: ۲۶	ابراهیم بن محمد بن فارس: ۱۵
ابوجعفر رفا: ۲۶	ابراهیم بن محمد تبریزی: ۲۱
ابوجهل: ۵۵	ابراهیم بن محمد واسطی: ۱۶۴
ابوحنیفه: ۱۹۹	ابراهیم بن مهزیار: ۴۸
ابوداود: ۲۳۸	ابراهیم (پسر صاحب الزمان): ۵۱
ابوذری: ۱۸۰، ۲۰۶، ۲۰۷	ابن ابی شیبہ: ۲۰۰
ابورجا: ۲۶	ابن ابی الفوارس: ۲۱۰
ابوسعید خدری: ۱۷۶، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷	ابن اثیر: ۲۳۷

- ابوسعید غانم: ۲۳  
 ابوسفیان: ۵۵  
 ابوسهل: ۱۸، ۱۹  
 ابوسوره: ۲۳  
 ابوالعباس = محمد بن جعفر  
 ابوعبدالله بن فروخ: ۲۶  
 ابوعبدالله جنیدی: ۲۶  
 ابوعبدالله کندی: ۲۶  
 ابوعبیده جراح: ۲۲۵، ۲۲۷  
 ابوعلی اسدی: ۲۶  
 ابوعلی بن مطهر: ۲۳  
 ابوعلی خیزرانی: ۱۸  
 ابوغانم: ۱۸  
 ابوالادیان: ۱۹، ۲۰  
 ابوالحسن، علی بن حسن طائی: ۳۰  
 ابوالحسن علی بن عمر اعرج: ۳۰  
 ابوالفرج: ۲۰۰  
 ابوالفضل، عباس بن هشام: ۳۰  
 ابوالقاسم بن ابی حابس: ۲۶  
 ابوالقاسم بن دبیس: ۲۶  
 ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل = محقق حلی  
 ابولهب: ۵۵  
 ابومحمد = حسن بن وجناء  
 ابومحمد = عیسی بن مهدی  
 ابومحمد بن هارون: ۲۶  
 ابومحمد، فضل بن شاذان: ۳۰  
 ابونصر: ۱۰، ۱۸  
 ابوهارون: ۱۵  
 ابوعلی: ۲۳۸  
 ابویوسف، قاضی: ۱۹۹  
 ابی بن کعب: ۱۷۶، ۲۲۵، ۲۲۶  
 احمد بن ابراهیم بن ادیس: ۲۴  
 احمد بن ابی الحسن: ۲۶  
 احمد بن اسحاق: ۱۲، ۱۳، ۲۶  
 احمد بن عبدالله هاشمی: ۲۱  
 احمد بن عبدالوهاب نویری: ۹۰  
 احمد بن محمد بن علی، مازندرانی:  
 ۲۲۰  
 ادبرت، هیرمان: ۱۳۱  
 اردبیلی = مقدس  
 ارژنگی، حسین: ۶۵  
 ازدی: ۲۴  
 استادی، رضا: ۲۱۶، ۲۳۹  
 اسحاق کاتب: ۲۶  
 اسدی: ۲۹  
 اسماعیل بن علی نوبختی = ابوسهل  
 اسمیت، و یلبرت: ۶۶، ۷۰  
 اصطهباناتی (آیت الله: میرزا آقا): ۲۱۳  
 اصفهانی (آیت الله: سید ابوالحسن): ۲۱۳  
 افتخارزاده: ۲۲۸، ۲۳۸  
 افندی (میرزا عبد الله): ۵۳، ۱۸۸،  
 ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۳۸  
 \* امام علی = امیر المؤمنین (ع): ۳۹، ۵۳،  
 ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۶  
 ۱۸۶، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۶  
 \* امام حسن مجتبی (ع): ۱۲، ۵۰، ۱۷۶،  
 ۲۲۶  
 \* امام حسین (ع): ۱۶۳، ۱۷۶، ۲۲۶  
 \* امام زین العابدین (ع): ۱۸۷، ۲۰۰،  
 ۲۰۹  
 \* امام باقر (ع): ۲۳۱  
 \* امام صادق (ع): ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۵،

برنسلی = ترینج  
 بروجردی (آیت الله: حاج آقا حسین): ۲۱۳  
 بریکوفسکیخ، لئونید: ۱۲۳، ۱۲۲  
 بسامی: ۲۶  
 \* بقیة الله (عج): ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷  
 ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۷  
 ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۷۵  
 بلال: ۲۰۳  
 بلالی: ۲۶  
 بنچلی، پتر: ۶۴  
 بنی هاشمی: ۲۳۷  
 بهبهانی (وحید): ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۲  
 ۲۲۴، ۲۳۸  
 بهبودی، محمد باقر: ۲۳۳  
 بوتو، فینولیو: ۱۳۹  
 بیچنار، پول: ۱۴۵  
 بیهقی: ۲۰۰، ۲۳۸  
**پ**  
 \* پیامبر اکرم (ص): ۱۶، ۳۸، ۵۶  
 ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۶۷، ۱۶۸  
 ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳  
 ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 پاکدل، محمد جواد: ۶۵، ۲۴۰  
 پلاتو: ۶۵  
**ت**  
 تایلور: ۷۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲  
 تبریزی: ۲۱  
 ترمذی: ۲۰۲، ۲۳۸  
 ترینج: ۱۱۷  
 تستری: شوشتری

۴۸، ۵۰، ۸۰، ۲۰۸  
 \* امام کاظم (ع): ۲۴، ۲۹، ۳۰  
 \* امام رضا (ع): ۳۰، ۴۱، ۴۴، ۱۹۴  
 \* امام جواد (ع): ۱۳  
 \* امام هادی (ع): ۱۳، ۲۶، ۲۷  
 \* امام حسن عسکری (ع): ۱۰، ۱۱، ۱۲  
 ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹  
 ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵  
 \* امام زمان (عج): ۱۴  
 \* امام عصر (عج): ۱۵، ۲۳، ۱۷، ۱۷۴  
 \* \* \*  
 امینی، حاج شیخ عبدالحسین: ۲۳۹  
 انباری: ۳۹، ۵۰، ۵۴، ۲۱۸، ۲۲۳  
 ۲۲۸، ۲۲۹  
 انصاری، شیخ مرتضی: ۳۳، ۲۱۲  
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۰  
 اهری، عیسی: ۳۳  
 ایفانز: ۱۱۶  
 ایفان لی = ساندرسن  
 ایمنجر، رابرت: ۱۳۸  
 اینشرآین: ۱۳۰، ۱۵۴  
**ب**  
 بارفروشی (ملا محمد): ۲۱۵  
 بحرانی، شیخ یوسف: ۲۵، ۲۱۱، ۲۳۸  
 بحر العلوم (آیت الله: سید مهدی): ۳۱  
 ۳۳، ۵۳، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۱۴  
 بران، هاگ آچینگلوس: ۶۴  
 باریکونسکی، لئونید: ۱۱۴  
 برلیتزر، چارلز: ۵۹، ۷۰، ۷۲، ۱۱۶  
 ۱۱۸، ۲۳۰، ۲۴۰  
 برگس، رابرت: ۶۴

خوشنویس، طاهر: ۱۲۲، ۲۴۰  
خوئی (آیت الله: حاج سید ابوالقاسم):  
۱۷۶، ۱۹۴، ۲۱۶، ۲۲۴،

۲۳۸، ۲۴۰

خوانساری (آیت الله: حاج سید احمد):  
۲۱۳، ۲۴۰

خوانساری (آیت الله: سید محمد تقی):  
۲۱۳

خوانساری = صاحب روضات

### ح

\* حضرت حجت (عج): ۴۸

\* حجة بن الحسن (عج): ۸۶

\* حجت خدا: ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۳،  
۴۷

حائری (آیت الله: حاج شیخ عبدالکریم):  
۲۱۴

حاجز و شاء: ۲۱، ۲۶

حذیفة بن یمان: ۱۷۶، ۲۲۶

خر عاملی = شیخ حرّ

حسان بن ثابت: ۱۷۶، ۲۲۵، ۲۲۶،  
۲۲۷

حسن بن حسین: ۱۲

حسن بن علی (سلمه): ۲۱

حسن بن علی، مازندرانی: ۲۲۰

حسن بن علی، بطائنی: ۳۰

حسن بن فضل: ۲۶

حسن بن منذر: ۱۲

حسن بن نظر: ۲۶

حسن بن هارون: ۲۶

حسن بن وجناء: ۲۴، ۲۶

حسن بن یعقوب: ۲۶

تفتازانی: ۱۹۹

تنوخی: ۲۰۰

تیتلر، دیل: ۶۴

### ث

ثابت بن ضحاک: ۲۲۶

ثابت بن منذر: ۲۲۶

### ج

جابر بن عبدالله انصاری: ۱۷۶، ۲۲۶

جان گادوین: ۶۴

جان والاسن اسپنسر: ۶۴، ۶۸

جبرئیل امین: ۱۷۶، ۲۲۶

جزائری، سید نعمة الله: ۵۱، ۲۱۲،  
۲۲۲، ۲۳۷

جسوپ: ۶۵

جعفر (برادر امام حسن عسکری): ۲۰، ۲۱

جعفر بن حمدان: ۲۶

جعفری: ۲۶

جلال الدین، عبدالله بن حوام: ۱۶۳،  
۱۶۴، ۱۸۵

جیمز تورن: ۶۵

### چ

چارلز = برلیتر

چارلز = تایلور

چاک و یکلی: ۷۳

### خ

\* ختمی مرتبت (ص): ۳۷

خراز، علی بن محمد: ۲۳۹

خراسانی (آیت الله: محمد کاظم): ۲۱۴

خلیفة اول: ۲۲۷

خلیفة دوم: ۱۶۷، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲

۲۰۳

سعد قرظ: ۲۰۳  
 سعدوقاص: ۲۲۷  
 سلطان روم: ۱۸۸  
 سلمان فارسی: ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷  
 سمان: ۲۱  
 سمنانی (علامه): ۲۱۴  
 سنان بن طریف: ۲۰۸  
 سهروردی: ۴۹  
 سید بن طاوس: ۳۲، ۳۸، ۴۳، ۲۳۸،  
 ۲۴۰، ۲۳۹  
 سیدشبر: ۱۸۸  
 سیدشمس الدین: ۵۲، ۵۳، ۱۷۲،  
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،  
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱،  
 ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۲  
 سیدهاشم معروف: ۱۹۹  
 سیرقان، یوجین: ۱۴۳  
 ش  
 شافعی: ۲۰۲  
 شاملوئی: ۲۳۸  
 شاهرودی (آیت الله: حاج سید محمود):  
 ۲۱۴  
 شبر، سید عبد الله: ۱۸۹، ۱۹۲  
 شرف الدین، سید عبد الحسین: ۲۱۳  
 شفتی (حجة الاسلام): ۲۱۲، ۲۱۵  
 شمشاطی: ۲۶  
 شمس الدین بن نجیح: ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۵  
 شمیدت، هارسون: ۱۴۳  
 شهرزوری: ۴۹  
 شهید اول: ۵۳، ۱۶۲، ۱۸۰، ۱۸۵،  
 ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۴

حسین بن حمدان: ۲۴  
 حسین بن روح نوبختی: ۲۷  
 حصینی: ۲۶  
 حکیم (آیت الله: حاج سید محسن):  
 ۲۴۰، ۲۱۱  
 حکیمه: ۱۰، ۱۳، ۱۷  
 حلبی: ۲۰۱، ۲۳۸  
 د  
 دارقطنی: ۲۳۸  
 دجال: ۱۳۱  
 دوانیقی: ۲۰۴  
 دوجرز، ولیم: ۱۵۱  
 دیرگان: ۱۳۸  
 ر  
 \* رسول اکرم (ص): ۱۰، ۱۶، ۳۹، ۵۳،  
 ۵۵، ۱۹۸، ۲۲۶  
 روبرت، جیمس: ۱۰۷  
 روبس، دانبیل: ۱۳۱  
 زنجانی (آیت الله: حاج سید احمد): ۲۱۴  
 زنجانی (ملا علی): ۲۱۳  
 زهری: ۲۴  
 زید بن ثابت: ۲۲۶  
 زید شهید: ۲۰۹  
 زیدان: ۲۶  
 زین الدین، علی مغربی: ۱۶۵، ۱۹۱  
 زین الدین، مازندرانی = علی بن فاضل  
 س  
 سامی، شمس الدین: ۲۳۹  
 ساندرسن: ۶۴، ۶۸، ۹۵، ۱۱۷، ۱۱۸  
 ستایگر، جورج: ۱۰۲  
 سعد بن عبد الله قمی: ۱۶

صابری تبریزی: ۲۳۹  
 صاحب جواهر: ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۲  
 صاحب حدائق = بحرانی  
 صاحب روضات: ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۲۴،  
 ۲۳۸  
 صاحب سرائر: ۲۰۱  
 صاحب فنج: ۲۰۴  
 صاحب قران: ۱۸۶  
 صاحب وسائل = شیخ حرّ  
 صافی، لطف الله: ۲۴۰  
 صدر (آیت الله: سید صدرالدین): ۳۴  
 صدر (سید اسماعیل): ۲۱۲  
 صدر (سید حسن): ۲۱۳  
 صدر (سید محمد): ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹،  
 ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۸  
 صدر (سید محمد باقر = شهید): ۲۲۸  
 صدوق: ۲۳۹، ۲۴۰  
 صفدی: ۲۴۱  
 صلاح الدین ایوبی: ۲۰۰  
 صلاح الدین مازندرانی: ۱۶۴  
 ط  
 طاهر (پسر صاحب الامر): ۵۱  
 طباطبائی (سید علی، صاحب ریاض):  
 ۲۱۲  
 طبرسی، امین الاسلام: ۲۳۷  
 طبرسی، ابومنصور: ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۳۷  
 طبری: ۲۰۰  
 طلحه: ۲۲۷  
 طهرانی = شیخ آغا بزرگ  
 طهماسب (شاه): ۱۸۶  
 طوسی = شیخ طوسی

شهید ثانی: ۱۸۰  
 شهید ثالث = قاضی نورالله  
 شهیدی: ۲۲۲  
 شوشتری، شیخ اسدالله: ۱۸۹، ۱۹۲،  
 ۲۴۰  
 شوشتری، شیخ محمد تقی: ۲۲۵، ۲۲۶،  
 ۲۳۷، ۲۳۹  
 شیخ آغا بزرگ طهرانی: ۲۱۷، ۲۱۸،  
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۸  
 ۲۴۰، ۲۴۱  
 شیخ حرّ عاملی: ۳۹، ۵۲، ۵۳، ۱۸۷،  
 ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۲۳  
 ۲۲۴، ۲۳۷، ۲۴۱  
 شیخ زین الدین = علی بن فاضل  
 شیخ طوسی: ۳۱، ۴۰، ۱۸۱، ۲۱۰،  
 ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۳۹  
 شیخ محمد: ۱۷۱، ۱۷۲  
 شیخ مرتضی = انصاری  
 شیخ مفید: ۴۵، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۷،  
 ۲۳۹  
 شیرازی (سید حسن): ۲۳۹  
 شیرازی (سید عبدالهادی): ۲۱۳  
 شیرازی = مجدد  
 شیرازی (میرزا محمد تقی): ۲۱۲  
 شیرازی (میرزا محمد تقی): ۲۱۲  
 شیلر، رونالد: ۱۳۴  
 ص  
 \* صاحب الزمان (عج): ۱۶، ۱۹، ۴۲،  
 ۵۸، ۷۲، ۷۶، ۱۶۹، ۱۷۰،  
 ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۷  
 ۱۷۸، ۱۸۷

على بن ابي الهيجاء: ٢٢٠  
 على بن احمد: ٢٦  
 على بن حسين بن عبدالعالى = محقق  
 كركى  
 على بن حسين يمانى: ٢٤  
 على بن عبدالحميد نيلى: ٥١  
 على بن عيسى اربلى: ١٩٣، ١٩٤، ٢٣٩  
 على بن فاضل: ٣٩، ٥٢، ٥٣، ٥٤  
 ٥٧، ٧٢، ٨٦، ١٥٩، ١٦٠،  
 ١٦١، ١٦٢، ١٦٣، ١٦٤،  
 ١٦٥، ١٧٠، ١٧٥، ١٧٧،  
 ١٨٠، ١٨١، ١٨٥، ١٨٦،  
 ١٩١، ١٩٢، ١٩٣، ٢١٩،  
 ٢٢٠، ٢٢٤، ٢٢٧، ٢٢٨،  
 ٢٢٩، ٢٣٠  
 على بن محمد: ٢٦  
 على بن محمد بن اسحاق: ٢٦  
 على بن محمد سمري: ٢٧، ٢٨، ٣١  
 على بن يونس عاملى: ٥١  
 عمر بن خطاب: ١٩٩، ٢٠٣، ٢٠٤  
 عمر بن عبدالعزيز: ٢٠٧  
 عمرو اهوازى: ١٤  
 عنايت، راجه: ١٣٩  
 عيسى بن مهدي جوهرى: ٢٤  
 غ  
 غلين، جون: ١٤٣  
 ف  
 فضل بن يحيى: ٥٣، ٥٤، ١٦٢، ١٦٣،  
 ١٦٤، ١٧٧، ١٨٥، ١٨٦،  
 ١٩٢، ١٩٣، ١٩٤، ٢١٩،  
 ٢٢٠، ٢٢٤، ٢٢٨

طيبى = فضل بن يحيى  
 ع  
 عاصمى: ٢٦  
 عباس بن عبدالمطلب: ٢١  
 عبدالله بن حوام حلى: ٢٢٠  
 عبدالله بن سلام: ٢٠٩  
 عبدالله بن عمر: ٢٠٠، ٢٠٢، ٢٠٣  
 عبدالله بن مسعود: ١٧٦  
 عبدالله سورى: ١٦  
 عبدالله مراغى: ٢٠٥  
 عبدالرحمان (پسر صاحب الامر): ٥١  
 عبدالرحمان بن عوف: ٢٢٧  
 عبدالرحيم حنفى: ١٦٥  
 عبدالرزاق: ١٩٩، ٢٠٠  
 عبدالعزيز: ٣٨  
 عبدالمطلب: ٣٨  
 عثمان: ١٨٠، ٢٢٧  
 عثمان بن سعيد: ١٢، ٢٤، ٢٧  
 عراقى: ٢٥  
 عراقى، حاج شيخ عبدالنبي: ٢١٠، ٢١٦  
 عسقلانى (ابن حجر): ٢٣٩  
 عطار: ٢٦  
 عقيد: ١٦، ٢١  
 علامة حلى: ٣٢، ٢١١  
 علامة مجلسى = مجلسى  
 علم الهدى (سيد مرتضى): ٣١، ١٨١،  
 ١٨٩، ١٩٩، ٢٢٥  
 علم الهدى (سيد احمد): ٢٢٨  
 \* على بن ابيطالب (ع): ١٦٨، ١٧٦،  
 ١٨٠، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٩،  
 ٢١٥، ٢٢٦

- کحالہ، عمر رضا: ۲۴۰  
 کرکی = محقق  
 کریستف کلمب: ۶۲، ۷۱، ۷۲، ۲۳۰  
 کسائی: ۱۷۶  
 کفعمی: ۳۸، ۴۴، ۲۴۰  
 کلاس، فیلیپ: ۱۳۶  
 کلانتر: ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۰  
 کلمبوس = کریستف  
 کلینی: ۱۸۱، ۲۲۵، ۲۳۷  
 کوش، دافید: ۱۱۴  
 کوش، لارنس دیوید: ۶۶  
 کوکتو، جان: ۱۳۱  
 کولیمان، بیرتیل: ۱۴۹  
 کویزیت، میگان: ۱۴۵  
 کوین، لورنس: ۱۳۵  
 کیٹ، آرنولد: ۱۳۶  
**گ**  
 گالیله: ۱۳۴  
 گرومیکو، آندرہ: ۱۵۱  
 گلپایگانی (آیت اللہ: حاج سید محمد رضا):  
 ۲۱۳  
 گنجوی، سیروس: ۶۵  
 گوردون: ۱۴۰، ۱۴۱  
**ل**  
 لٹوکوم، آرکدی: ۲۳۷  
 لسلی، لیچر: ۶۶  
 لومتر، آہ: ۸۳  
 لیث بن سعد: ۲۰۰  
 لیندبرک: ۹۵  
**م**  
 مارتینوف، دیمتری: ۱۵۰  
 فضل بن یزید: ۲۶  
 فخرالدین مازندرانی: ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۲  
 فیض الاسلام: ۲۲۲، ۲۳۹  
**ق**  
 قائم (عج): ۱۳، ۳۹، ۱۷۷  
 قاسم (پسر صاحب الامر): ۵۱  
 قاسم بن علاء: ۲۶  
 قاسم بن موسی: ۲۶  
 قاضی طباطبائی، سید محمد علی: ۲۲۲،  
 ۲۲۳، ۲۳۳  
 قاضی نور اللہ شوشتری: ۵۳، ۱۸۵،  
 ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۰، ۲۴۰  
 قبانچی، سید حسن: ۲۱۵، ۲۳۸  
 قزوینی، سید ابوالحسن: ۲۱۴  
 قسیس: ۱۴۴  
 قمی (آیت اللہ: حاج آقا حسن): ۲۱۳  
 قمی، حاج شیخ عباس: ۲۳۸  
 قندوزی: ۲۴۱  
 قوشچی: ۱۹۸  
**ک**  
 کامل بن ابراہیم مدنی: ۱۶، ۱۷  
 کاتزنوف، الکساندر: ۶۵  
 کارل، الکسیس: ۸۱  
 کارواستیف: ۱۵۰  
 کاشف الغطاء، شیخ جعفر کبیر: ۲۳۳  
 کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین: ۲۱۱  
 کاشف الغطاء، شیخ احمد: ۲۱۳  
 کاظم بن الحسن (آیت اللہ: سید): ۲۴۱  
 کالاہان: ۱۵۱  
 کامل سلیمان: ۲۴۱  
 کایس، ادگار: ۶۵، ۷۲



محمد بن شاذان: ۲۷	ماریه: ۱۸
محمد بن شعیب: ۲۷	مازندرانی، شیخ عبداللہ: ۲۱۳
محمد بن صالح: ۲۷	مازندرانی = علی بن فاضل
محمد بن عبید اللہ قمی: ۲۵	مالک بن انس: ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۴۰
محمد بن عثمان: ۱۴، ۲۵، ۲۷	مالک بن نجار: ۲۲۶
محمد بن کشمرد: ۲۷	مامقانی، حاج شیخ عبداللہ: ۲۱۴، ۲۴۰
محمد بن محمد کلینی: ۲۷	مأمون الرشید: ۱۹۴
محمد بن مشہدی: ۳۹	مانکین: ۱۵۱
محمد بن محمد مکی = شہید اول	مبشری، دکتر اسد اللہ: ۵۵، ۲۴۰
محمد بن نجیح حلی: ۲۲۰	متقی ہندی: ۲۴۰
محمد بن ہارون: ۲۷	مجاہد: ۲۰۲
محمد بن علی جزی: ۱۹۴	مجدد شیرازی: ۲۲۰
مرتضی = انصاری	مجروح: ۲۶
مرتضی = علم الہدی	مجلسی اول: ۲۱۰
مرداس: ۲۶	مجلسی (علامہ): ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۰،
مرزوقی: ۲۵	۵۰، ۵۳، ۸۵، ۱۶۱، ۱۶۲،
مسرور طباطبائی: ۲۶	۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۵،
مصطفی محمود: ۱۳۱	۲۱۱، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۴۰
مظفر، محمد حسن: ۲۱۳	محقق حلی: ۱۸۱، ۱۸۹، ۲۲۵
مظفری: ۲۱۶، ۲۳۹	محقق کرکی: ۵۳، ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۲۴
معاویہ: ۱۸۰، ۲۰۷، ۲۲۷	* محمد بن عبداللہ (ص): ۱۶۲، ۱۷۶،
معاویہ بن حکم: ۱۴	۱۸۰
معصوم علی: ۲۱۸	محمد بن ابراہیم کوفی: ۱۳
مقدس اردبیلی: ۳۲، ۳۳، ۵۱، ۵۳،	محمد بن ابراہیم مہزیار: ۲۷
۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۹	محمد بن ابی الحسن: ۲۷
مقربی، احمد: ۲۳۸	محمد بن اسحاق: ۲۷
مقرم، عبدالرزاق: ۲۱۵	محمد بن اسد اللہ شوشتری: ۱۸۶
مناوی: ۲۳۹	محمد بن اسماعیل: ۲۴
منزوی، احمد: ۲۱۹	محمد بن ایوب بن نوح: ۲۴
منزوی، علینقی: ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰،	محمد بن جعفر حمیری: ۲۳
۲۲۱، ۲۲۳	محمد بن سیرین: ۲۰۰

هارون بن فزار: ۲۷  
 هاشم (پسر صاحب الامر): ۵۱  
 هالتره بارتون: ۱۳۷  
 هانیک: ۱۳۴  
 هزار جریبی: ۱۸۶  
 همدانی، حاج آقارضا: ۲۱۴  
 هیزبورج، تیودور: ۱۴۵  
 هیمفیل، ابولیفیر: ۱۳۷، ۱۳۸

و

\* ولسی عصر (عج): ۱۱، ۱۳، ۱۸، ۱۹،  
 ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۴۰، ۴۱،  
 ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۶،  
 ۷۶، ۸۵، ۸۶، ۱۶۱، ۱۶۷،  
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،  
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹،  
 ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۲

والنتین، مانسون: ۶۴

والیه، ژاک: ۱۴۹

ویلکنز، هارولد: ۶۴

ی

یزدی (آیت الله: سید محمد کاظم): ۲۱۲

یزدی، شیخ علی: ۲۳۷

یحیی بن مظفر: ۱۹۴

یلکین: ۱۲۰

یعقوب بن منقوش: ۱۴

یوسف بن احمد: ۲۵

•••

\* مهدی (عج): ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸،

۲۰، ۲۶، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰،

۴۴، ۴۶، ۵۴

میرزا عبد الله اصفهانی = افندی

میرزای نوری = نوری

میرلوحی: ۴۰، ۱۸۸

میلانی (آیت الله: حاج سید محمد

هادی): ۲۱۴

میلانی، سید علی: ۲۳۹

میلر، توماس: ۱۰۶

ن

ناجی نجار (مؤلف): ۸۶، ۲۱۷

نبی زاده: ۲۲۸

نجفی مرعشی (آیت الله: حاج سید

شهاب الدین): ۱۸۷، ۲۱۴

نجفی، شیخ محمد حسن = صاحب جواهر

نراقی: ۲۱۲

نسرین ذعلوق: ۲۰۰

نسیم: ۱۸

نضربن حارث: ۵۵

نعمانی: ۲۳۹

نهاوندی: ۲۵، ۳۸، ۵۱، ۵۶

نوری، میرزا حسین طبرسی: ۳۲، ۳۶،

۳۸، ۴۰، ۵۱، ۵۳، ۱۶۲،

۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۲۵،

۲۳۸، ۲۳۹

▲

هارد: ۱۳۴

## ۲- اماکن

آ

آتلانتیک: ۶۹

آرام = اقیانوس

آرژانتین: ۱۴۶

آزور (جزیره): ۱۰۸، ۹۸، ۶۱

آفریقا: ۸۹، ۱۱۸، ۱۴۵، ۱۴۶

آگره: ۱۸۷

آلمان: ۱۴۹، ۱۳۹

آمریکا: ۸۹، ۹۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵

۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۲

۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰

۱۵۱، ۱۵۲

آنتیل (جزیره): ۶۰

آندروس: ۷۳

الف

ابریم: ۱۹۲

اروپا: ۸۹، ۹۰

اریزونا: ۱۴۴

اژه (دریا): ۱۰۶

اسپانیا: ۶۱، ۸۶، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۹۱

استانبول: ۲۳۹

استرالیا: ۱۱۸

اسکاتلند: ۹۹

اصفهان: ۲۰۷

اطلس = اقیانوس

اطلنطید: ۱۱۵

اقلیم هشتم: ۴۹

اقیانوس آرام: ۸۹

اقیانوس اطلس: ۳۶، ۵۲، ۵۴، ۵۵

۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۶۹

۷۴، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۸

۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۵۹، ۱۶۰

اکبرآباد: ۱۸۷

الازهر: ۱۶۵

اندلس: ۸۶، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۰

۱۸۱، ۱۹۱

اندونزی: ۱۰۵، ۱۰۶

انگلستان: ۸۹، ۹۱، ۹۹، ۱۰۵، ۱۳۹

۱۴۶، ۱۴۹

ایالات متحده: ۶۰، ۶۳، ۷۳، ۱۱۷

ت  
 تاج محل: ۱۸۷  
 تایلند: ۱۱۶  
 تبریز: ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰  
 تهامه: ۴۹  
 تهران: ۲۱۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰،  
 ۲۴۱  
 توبارو (بندر): ۱۰۸  
 توکیو: ۱۰۸  
 تی تی کا کا (دریاچه): ۱۱۷  
 ج  
 جابلسا: ۴۹، ۵۰، ۵۷  
 جابلقا: ۴۹، ۵۰، ۵۷  
 جبل الطارق (تنگه): ۸۹، ۱۱۵  
 جبل عامل: ۱۸۰  
 جحفه: ۲۰۷  
 جزیره خضراء: ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۷۲  
 ۷۴، ۷۵، ۸۵، ۸۶، ۱۶۰  
 ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۹  
 ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۵  
 ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۲  
 جزیره های جاویدان: ۹۰  
 جزیره های خوشبختی: ۹۰  
 جزیره های سیلی: ۹۰  
 جزیره های شیعیان: ۵۲، ۹۰، ۱۶۰  
 ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۹۱  
 جزیره های مبارکه: ۵۰  
 ح  
 حجاز: ۴۸، ۴۹، ۵۴  
 حرمین شریفین: ۲۵  
 حلب: ۲۰۰

ایتالیا: ۱۰۶، ۱۳۹  
 ایران: ۱۷۴، ۲۱۹، ۲۳۲  
 ب  
 بالتیک (دریا): ۸۹  
 باهاما (مجمع الجزایر): ۷۱، ۷۳، ۱۱۹  
 بحر غربی = مدیترانه  
 بحر ایض: ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰  
 بربر: ۵۰، ۵۲، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۸۱  
 ۱۹۱  
 برمودا (مجمع الجزایر): ۶۰، ۶۱، ۹۳  
 ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۲  
 بریتانیا: ۹۱، ۹۹، ۱۳۳، ۲۳۵  
 بغداد: ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۳  
 ۱۱۸، ۲۳۵  
 بلدالمهدی: ۵۰  
 بلژیک: ۱۴۹  
 بلغارستان: ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵  
 ۲۳۵  
 بولیوی: ۱۱۷  
 بیت الحمد: ۵۰  
 بیروت: ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۳۸  
 ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱  
 بیسکای (خلیج): ۸۹  
 ۷۳  
 پ  
 پاریس: ۱۱۴، ۲۳۵  
 پافین (خلیج): ۸۹  
 پاناما: ۸۹، ۱۰۵، ۱۰۹  
 پایمیرو: ۱۴۵  
 پرو: ۱۰۸، ۱۱۷  
 پورتوریکو: ۶۱، ۹۲، ۹۳

سنگال: ۸۹	حله: ۵۳، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۵، ۱۹۲
سهله (مسجد): ۳۹، ۴۲	حیره: ۲۳
سوئد: ۱۴۹	خ
سومرست (جزیره): ۶۰	خنوپس: ۱۱۹
سیام = تایلند	د
ش	دارالتبلیغ اسلامی: ۲۰۴، ۲۴۱
شام: ۲۰۰	داکار (بندر): ۸۹
شامات: ۲۵، ۱۷۴، ۲۰۰	دانمارک: ۱۴۹
شمال (دریای): ۸۹	دمشق: ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۰
شوروی: ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸	دومینیکن: ۶۱
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵	ر
۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴	رضوی (کوه): ۴۹
۱۲۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰	روسیه: ۱۶۳
۱۴۶، ۱۵۱، ۲۳۵	روکی (کوه): ۱۳۶
ص	رینیا (کوه): ۱۳۶
صافیہ (جزیره): ۵۱	ز
صحرا: ۱۱۷، ۱۶۷	زاهره (جزیره): ۵۱
ط	ژ
طرابلس: ۱۸۱	ژاپن: ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
طوس: ۵۴، ۱۸۰، ۲۳۲	۱۴۶
ظ	ژوهانسبورک: ۱۴۵
ظلوم (جزیره): ۵۱	س
ع	سارگاسو (دریا): ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۷۱
عراق: ۵۴، ۱۱۹، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۰	سامرا: ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۱۶۳، ۱۹۱
۱۸۱، ۱۹۱، ۲۳۲	۱۹۲، ۲۱۹، ۲۲۰
عناطیس (جزیره): ۵۱	سدا سکند: ۵۷
عوالی (حجاز): ۴۸	سرداب مقدس: ۴۱، ۴۴
غ	سفید (دریای): ۱۶۳
غار اصحاب کھف: ۵۷	سنت جورج (جزیره): ۶۰
غدیر خم: ۲۰۶، ۲۰۷	سنت دیوید (جزیره): ۶۰
ف	سن ژوان: ۶۰، ۶۱

گوپر (جزیره): ۶۰	فرانسه: ۹۱، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۹
گینه: ۸۹	
ل	فلوریدا: ۶۰، ۶۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰
لبنان: ۱۸۰، ۲۳۵	۱۰۳، ۱۰۲
لندن: ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۵، ۲۳۵	فنلاند: ۱۴۹
لونگ ایسلاند (جزیره): ۶۰	فیجی (جزیره): ۱۰۷
م	فیلیپین: ۱۰۶
مارسی: ۱۱۹	ق
مازندران: ۱۹۲	قاره جدید: ۶۲
مالاگا (تنگه): ۱۰۵	قاهره: ۱۶۵
مالزی: ۱۰۵	قطب شمال: ۱۶۳
مبارکه (جزیره): ۵۱	قم: ۱۱، ۲۳، ۷۶، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷
مشک برمودا: ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۸، ۷۴	ک
۷۵، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۲	کارائیب (دریا): ۶۱، ۶۷، ۹۲
۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰	کاسکار (کوه): ۱۳۶
۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱	کالیفورنیا: ۱۳۴
۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷	کانادا: ۸۹، ۱۱۲، ۱۴۹
۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۱	کربلا: ۱۸۵
۱۵۴، ۱۵۹، ۲۳۱	کرعه: ۴۹
مجلس شورای ملی: ۲۱۷	کشمیر: ۲۳
مدائن: ۱۹	کنتولی (ایالت): ۱۴۴
مدیترانه: ۸۹، ۱۱۹، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۲۹	کوفه: ۱۹۳
مدینه: ۲۰، ۲۴، ۴۸، ۱۸۰، ۲۰۴	کولا (شبه جزیره): ۱۶۳
۲۳۸، ۲۳۲	کویت: ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۵
مدینه النحاس: ۵۷	کیمستو: ۱۰۸
مراکش: ۱۶۷	گ
مسجد النبی (ص): ۲۰۴	گاسگونی (خلیج): ۸۹
مسکو: ۱۵۰	گروئلند: ۱۰۸
مشهد مقدس: ۱۹۴	گلف استریم: ۶۱، ۶۸، ۹۰، ۹۲
مصر: ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۶۵، ۱۷۰	
۱۷۹، ۲۰۰، ۲۳۵	

نووا اسکوتیا (ایالت): ١١٢	مغرب: ١٦٠
نیوزلند: ١٤٥، ١٤٦	مکزیک: ١١٩، ٨٩
نیویورک: ٦٠، ١٠٩	مکه: ٢٤، ٢٥، ١٧٩، ١٨١، ١٩١
ه	موریتانی: ١٦٧
هاروارد: ١٥٢	میامی: ٦٠، ٦١، ٩٥، ١٠٤، ١١٩
هالیفاکس (بند): ١١٢	ن
هامیلتون: ٦٠	ناسائو: ٧٣
هلند: ١٠٥	نجد: ٤٩
هند: ٢٣، ١٣١، ١٨٦، ١٨٧	نجف اشرف: ٨٦، ١٥٩
هودسن (خلیج): ٨٩	١٦٣، ١٨١، ٢١٩، ٢٣٧
هیمالیا (کوه): ١١٧	٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠
و	نروژ: ١٤٩
واسط: ١٦٤، ١٩٣، ١٩٤	نصیبین: ٢٤

### ۳- قبایل و مذاهب

ستی: ۱۷۴  
شیعه: ۱۳، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۹۷  
شیعیان: ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۱۷۷  
۱۷۸، ۲۰۱، ۲۰۷  
شاه نعمة اللہی: ۲۱۸  
صوفی ها: ۲۲۳  
علوی ها: ۹۰، ۲۰۴  
فینیقی ها: ۶۲  
کارتاژها: ۶۲  
مالکی: ۱۶۵، ۲۰۳  
مسیحی: ۵۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۲۹  
ناصری: ۵۱  
وهاپی: ۵۱، ۲۰۷

•••

آل بویه: ۲۰۱  
اسرائیل: ۱۸۰  
امامیه: ۲۲۵  
اهل سنت: ۵۰، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۷  
۲۰۳، ۲۰۵  
بربر: ۱۶۷  
بنی امیه: ۹۰  
بنی عباس: ۱۷۸  
بنی هاشم: ۱۲  
حنفی: ۱۶۵  
رافضی ها: ۱۶۵  
زنجی ها: ۱۳۱، ۱۳۲  
سرخپوستان: ۱۳۱  
سلجوقیان: ۲۰۱



## ۴ - کتابها

- |                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| اسرار مثلث برمودا: ۱۱۶           | آ                                |
| اسرار نهفته: ۱۱۷                 | آرگوسی (مجله): ۶۱                |
| اصول کافی: ۱۱، ۲۰۸، ۲۳۷          | آخرساعه (مجله): ۱۳۹، ۱۵۰، ۲۳۵    |
| اطلس کامل: ۷۳، ۲۳۷               | آوای هامون (مجله): ۶۴، ۶۵، ۲۴۰   |
| اطلاعات هفتگی (مجله): ۶۵، ۲۴۰    | الف                              |
| اعلام الوری: ۱۱، ۲۷، ۲۳۷         | اثبات الهداة: ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴ |
| الاعلام زرکلی: ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۳۷     | ۲۷، ۵۲، ۵۳، ۱۸۷، ۱۹۲             |
| افق نامرئی: ۶۰، ۶۳               | ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۳۷                    |
| الزام الناصب: ۱۰، ۳۲             | اثبات وجود صاحب الزمان: ۱۸۶      |
| الف باء (مجله): ۹۵، ۹۹، ۱۰۰      | اثنا عشریه: ۲۲۳، ۲۳۷             |
| ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۱۷               | احتجاج: ۴۸، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۳۷        |
| ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۴۸، ۱۴۹، ۲۳۵          | احقاق الحق: ۱۸۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰   |
| امل الامل: ۱۸۷، ۱۹۴، ۲۱۸، ۲۳۷    | الاخبار الدخیله: ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۷   |
| انباء مسکو (مجله): ۹۲، ۱۰۴، ۱۲۲  | اربعین: ۲۱۰                      |
| ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۳۵                    | ارشاد: ۱۱، ۱۴، ۲۴، ۲۳۷           |
| الانباء (مجله): ۱۴۶، ۲۳۵         | از جهانهای دور: ۸۲               |
| الانتصار: ۱۹۷، ۲۰۰               | الازفستیا (روزنامه): ۱۲۰         |
| انسان موجود ناشناخته: ۸۱         | الاسبوع العربی (مجله): ۹۳، ۱۱۰   |
| انقلاب مهدی و پندارها: ۲۲۸       | ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۳۵                    |
| انوار نعمانیه: ۵۱، ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۲۳ | اسدالغابه: ۲۲۶، ۲۳۷              |

تاریخ غیبت کبری: ۵۷، ۲۲۸، ۲۲۹،

۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۸

تاریخ الغیبة الكبرى: ۲۲۷، ۲۲۹،

۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۸

تاریخ الغیبة الصغرى: ۲۲۷

تاریخ ما بعد الظهور: ۲۲۷

تبصرة الولی: ۲۵

تجلیات امام عصر: ۲۵

تحفة الابرار: ۲۱۲، ۲۱۵

تحولات عمده: ۶۴

تنزیه الانبیاء: ۳۱

توضیح المسائل: ۲۱۳

### ج

جامع احادیث الشيعة: ۱۹۹

جامع المقاصد: ۲۰۱

الجزيرة الخضراء: ۵۳، ۱۸۵، ۱۸۷،

۱۸۸، ۱۹۳

الجزيرة الخضراء وقضية مثلث برمودا:

۲۱۷ -

جغرافیای جهان: ۶۰، ۲۳۸

جغرافیای کامل جهان: ۶۰، ۶۱، ۲۳۸

جلاء العیون: ۱۸۹

جمال الاسبوع: ۳۸، ۴۱، ۴۲-۴۴،

۲۳۸

جمهوریت (روزنامه): ۹۲، ۹۳، ۹۵،

۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵،

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۲۳۵

جنة المأوی: ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۵۱،

۵۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۸

جواهر الكلام: ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۳۸

جواهر الولاية: ۲۰۶

۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۷

الانوار (مجله): ۱۴۸، ۲۳۵

اوخواهد آمد: ۳۰، ۱۷۴

الایضاح: ۱۹۹

الایقاظ من الهجعة: ۳۹، ۲۳۷

این دنیاى بهم پیچیده: ۶۴

### ب

بارالسلی (مجله): ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۲۳۵

بالهای پرابهام: ۶۴

بحار الانوار: ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱،

۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴،

۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳،

۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۸،

۷۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۸،

۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۱،

۲۱۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰،

۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷

بحث حول المهدي: ۲۲۸

البحر الرائق: ۱۹۷

البدایة والنهاية: ۲۰۰

برزخ گمشده: ۶۴

البلغه: ۲۱۸

به من بگو چرا؟: ۸۲، ۲۳۷

البيان (تفسیر): ۱۷۶، ۲۳۸

البيان (فقه): ۲۰۱

### پ

پراودا (روزنامه): ۱۱۴، ۲۳۵

پدیدهای غیرعادی: ۶۴

پژوهشی پیرامون مهدی: ۲۲۸

### ت

۲۳۸، ۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸

ذیل تاریخ دمشق: ۲۳۸، ۲۰۰

ر

الرأى العام (مجله): ۱۴۷، ۲۳۵

رجال بحر العلوم = الفوائد الرجالية

رجال شیخ طوسی: ۳۰

رجال نجاشی: ۲۹، ۳۰

الرساله (مجله): ۱۴۴، ۲۳۵

الروض النظر: ۱۹۹

روضات الجنات: ۳۲، ۱۸۷، ۱۸۹

۲۳۷

رياض العلماء: ۵۲، ۵۳، ۱۸۸، ۱۹۲

۲۳۸، ۱۹۴

رياض المؤمنين: ۴۰، ۱۸۸

رياض المسالك: ۲۱۲

ز

زندگانی و شخصیت شیخ انصاری: ۳۳

س

ساکنین نامرئی: ۶۴

سخنی پیرامون مهدی: ۲۲۸

سر الايمان: ۲۱۵

سعد السعود: ۱۹۹

سفينة البحار: ۵۰، ۲۰۹، ۲۳۸

السلطان المفرج: ۵۱، ۲۲۹

سنن ابن ماجه: ۲۰۱

سنن ابی داود: ۲۰۳، ۲۳۸

سنن بیهقی: ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳

۲۳۸

سنن ترمذی: ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷

۲۳۸

سنن دارقطنی: ۲۰۳، ۲۳۸

چ

چهره هائیکه در جستجوی قائم پیرو شدند:

۲۵

ح

حاشیه ذخیره العباد: ۲۱۳

حاشیه عروه: ۲۱۱

حاشیه مدارک: ۱۸۸، ۲۳۸

حاشیه نجات العباد: ۲۱۲

حدائق: ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۳۸

حديقة الشيعة: ۵۱، ۵۳، ۲۱۸، ۲۲۲

۲۲۳، ۲۲۹

حق اليقين: ۲۳۳

الحقائق الراهنه: ۱۹۳، ۲۱۹، ۲۲۱

۲۳۸

حكمة الاشراف: ۴۹

خ

خاتمة مستدرک: ۲۰۰، ۲۳۸

خير الامور: ۲۱۵

د

دائرة المعارف بریتانیا: ۱۳۳، ۱۳۶

۲۳۵

دائرة المعارف حیات: ۶۰

دارالسلام: ۲۵

دانشمند (مجله): ۶۵، ۷۰، ۷۱، ۷۲

۲۳۸، ۷۴

در اعماق: ۶۴

دعائم الاسلام: ۱۹۹

دلائل الصدق: ۱۹۹

ذ

ذخیره المعاد: ۲۱۳

الذريعة: ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۳، ۲۱۷

علم وزندگی (مجله): ١٠٥، ١٠٧،  
١١٨، ١٢٤، ١٢٥، ٢٣٥  
علوم (مجله): ١٣٦، ١٥١، ٢٣٥  
عمل شهر رمضان: ٤٣  
غ  
الغدیر: ١٩٨، ٢٣٩  
غرق شدن کشتیها: ٦٤  
غیبت اعرج کوفی: ٣٠  
غیبت انماطی: ٢٩  
غیبت بطائنی: ٣٠  
غیبت شیخ طوسی: ١٠، ١١، ١٢، ١٣،  
١٤، ١٨، ٢٨، ٣١، ٣٦، ٣٩،  
٤٠، ٤١، ٤٤، ٤٥، ٤٧، ٤٨،

٢٣٩

غیبت طائی جرمی: ٣٠  
غیبت فضل بن شاذان: ٣٠  
غیبت ناشری: ٣٠  
غیبت نعمانی: ٣١، ٣٦، ٣٧، ٥٠،

٢٣٩

ف

فتح الباری: ٢٠٢، ٢٣٩  
فرهنگ معین: ١٢، ١٨، ٤٩، ١٦٣،

٢٣٩

فرهنگنامه: ٦٠، ٦١، ٢٣٩

الفصول العشرة: ٣١، ٤٥، ٢٣٩

الفکر الجديد (مجله): ٩٥، ١١٣، ١١٤،

١١٦، ٢٣٥

فهرست شیخ طوسی: ٢٩، ٣٠

الفوائد الرجاليه: ٣١، ٥٣، ١٨٩، ٢٣٩

الفوائد الشمسيه: ٥١، ١٧٧، ١٧٨، ١٩٢،

فیض القدير: ٣٠٦، ٢٣٩

سیانس (مجله): ١١٦

سيرة حلبی: ٢٠١، ٢٣٨

سيرة المصطفى: ١٩٩

ش

شرح تجريد: ١٩٨، ٢٠٠

شرح حکمة الاشراف: ٤٩

شرح رسالة الحقوق: ٢١١، ٢١٥، ٢٣٨

شرح عضد: ١٩٩

شرح فقيه: ٢١٠

شرح کرمانی: ٢٠٢، ٢٣٨

شعائر الاسلام: ٢١٥

شهادت ثالثة: ٢٠٦، ٢١٦، ٣٣٩

شهداء الفضيلة: ١٨٧

ص

صباح الخير (مجله): ١٣١، ٢٣٥

صحيفة سجادية: ٢٢٢، ٢٣٩

صحيفة سجادية: ٢٢٢، ٢٣٩

صحيفة المهدي: ٣٣

الصراط المستقيم: ٥١، ٢٢٩

الصياد (مجله): ١٣٢، ١٣٧، ٢٣٥

ط

طب وعلوم (مجله): ٩٣، ٢٣٥

طبقات اعلام اشيعه: ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٠

الطرائف: ٣٢، ٢٣٩

طرائق الحقايق: ٢١٨

ع

العبقري الحسان: ٢٥، ٣٨، ٥٠، ٥١،

٥٦، ١٨٩، ١٩١، ٢٣٩

العراق (مجله): ١١٤، ٢٣٥

العربي (مجله): ١٣٦، ٢٣٥

علل الشرائع: ١٩٩، ٢٣٩

## ق

قاموس الاعلام: ٦٠، ٦١، ٢٣٩

قاموس الرجال: ٣٠، ٢٢٤، ٢٣٩

القبس (مجلة): ٢٣٥

قسمت اقاليم ارض: ٥٠

## ك

كتاب مقدس: ١٥٠

كشف الاستار: ٢٣٩

كشف الغمه: ١١، ١٤، ١٥، ١٧، ١٨

٢٣٩، ٢٧، ١٩٣، ١٩٤

كشف القناع: ١٨٩، ٢٢٤، ٢٣٩

كفاية الاثر: ١٠، ٢٣٩

كفاية المهتدي: ٤٠، ١٨٨

الكفاح العربي (مجلة): ١٠٢، ١٣٣

١٣٥، ١٤٠، ١٤١، ١٤٢

٢٣٥، ١٤٧، ١٤٨، ١٤٩، ١٥١

كلمات الاعلام: ٢١١، ٢١٦، ٢٣٩

كلمة الامام المهدي: ٤٢، ٢٣٩

كمال الدين: ١٠، ١٢، ١٣، ١٤، ١٥

١٦، ١٧، ١٨، ١٩، ٢١، ٢٢

٢٣، ٢٤، ٢٧، ٢٨، ٣٧، ٤٧

٢٤٠، ٤٩

كنز العرفان: ١٩٨

كنز العمال: ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٤٠

## ل

لحظه هاي عجيب و پرابهام: ٦٤

## م

مبادئ الفقه الاسلامي: ١٩٩، ٢٠٠

مبسوط: ٢١٠

مثلث برمودا: ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣

٦٤، ٦٥، ٦٧، ٧٠، ٧١، ٧٢

٧٤، ٢٣٠، ٢٤٠

مجالس المؤمنين: ١٨٥، ١٨٦، ١٨٧

٢٤٠، ٢٠٠

مجمع البرهان: ٢٠١

مجمع الزوايد: ٢٠٣

مجمع الفروع: ٢١٣، ٢٤٠

مراة العقول: ٢٤٠

مرزهاي نجوم: ٨٣

مزار: ٣٩

المسائل الفقيهيه: ٢١٣

المسائل المهمه: ٢١٣

مسالك: ٢٠١

مستدرک: ١٩٧

مستمک: ٢١٢، ٢٤٠

مستند الشيعة: ٢١٢

مستنير: ١٩٨

مصباح الزائر: ٤١، ٤٢، ٤٤، ٤٦، ٢٤٠

مصباح كفعمي: ٤١، ٤٢، ٤٤، ٥٦

٢٤٠

المصنف: ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٣

المصور (مجلة): ١٣٨، ١٣٩، ٢٣٥

معجم رجال الحديث: ١٩٤، ٢٤٠

معجم المؤلفين: ١٨٧، ١٩٥، ٢٤٠

مکاسب شيخ انصاري: ٢٢١، ٢٢٢

٢٤٠

مکاسب کلانتر: ٢٢١، ٢٢٢، ٢٤٠

مقاتل الطالبين: ٢٠٤

مقابس الانوار: ١٨٩، ٢٢٤، ٢٤٠

مقباس الهدايه: ٢١٠

مناقب: ١٨٦

منتخب الاثر: ١٠، ١٦، ٣٠، ٣٢

- منهاج الصالحين: ٢١٣، ٢٤٠  
 مهج الدعوات: ٥٦  
 مهمانهای ناشناخته: ١١٧  
 المهدي: ٣٤  
 موجز: ٢٠١  
 الموسوعة العربية الميسره: ٧٣، ٩٠، ٩٩،  
 ٢٣٥  
 موسوعة الامام المهدي: ٢٢٦  
 الموطأ: ٢٠٣، ٢٤٠  
 ن  
 نجات العباد: ٢١٢  
 نجم الثاقب: ٢٥، ٣٣، ٣٤، ٣٨، ٣٩،  
 ٤٠، ٤٢، ٤٩، ٥١، ٥٣، ٥٥  
 ٥٧، ١٦٢، ١٨٦، ١٨٨، ١٨٩،  
 ٢٤٠، ١٩٢  
 نجوم بی تلسکوب: ٨٢  
 نشره وكالة الانباء (مجله): ١١٤، ٢٣٥  
 نشوار المحاضرات: ٢٠٠  
 الفص والاجتهاد: ٢١٣  
 نظام الفرائد: ٢١٣  
 نهايه: ٢٠١  
 نهاية الارب: ٩١، ٢٣٥  
 \* نهج البلاغه: ٥٥، ٢٤٠
- نوابغ الرواة: ٢١٩  
 نور مهدي: ٢٢٨  
 نوفوستي: ١٥١  
 ه  
 الهادي (مجله): ٢٠٤، ٢٤٠  
 هداية العباد: ٢١٥، ٢٤١  
 الهداية: ٢١١، ٢١٦  
 هدية الرازي: ٢٢٠، ٢٤١  
 و  
 وجيزة المسائل: ٢١٣  
 وسائل الشيعة: ١٨٧، ١٩٧، ٢٠١،  
 ٢٢٣، ٢٤١  
 الوافي بالوفيات: ٢٤١  
 الوطن العربي (مجله): ١٣٠، ١٣٥،  
 ٢٣٥  
 وسيله: ٢٠١  
 ي  
 اليقظه: ١٣٤، ٢٣٥  
 ينابيع الموده: ٣٠، ٣٣، ٢٤١  
 يوم الخلاص: ١٢، ١٣، ٢٤١  
 اليوم الموعود: ٢٢٧  
 \* \* \*

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار مترجم .....
۹	مطلع نور .....
۱۱	خبر میلاد مسعود بین اخفاء و افشاء .....
۱۴	تجلیات امام زمان (عج) در عصر پدر .....
۲۰	تجلی حجت خدا در تشییع پدر .....
۲۳	تجلیات امام عصر (عج) در غیبت صغری .....
۲۶	معجزات حضرت مهدی (عج) .....
۲۷	در آستانه غیبت کبری .....
۲۹	غیبت کبری .....
۳۱	تجلیات امام عصر در غیبت کبری .....
۳۵	زندگی شخصی حضرت مهدی (عج) .....
۳۶	اولاد حضرت بقیه الله (عج) .....
۳۷	همسر و فرزند .....
۳۷	قواعد کلی .....
۳۸	روایات .....
۴۰	دعاها .....
۴۷	اقامتگاه حضرت ولی عصر (عج) .....
۵۲	جزیره خضراء .....

۲۷۰ ..... فهرست

صفحه	عنوان
۵۹	مثلث برمودا
۶۰	موقعیت جغرافیائی
۶۰	جزایر برمودا
۶۱	دریای سارگاسو
۶۲	سابقه دراز
۶۴	نتیجه تحقیقات پژوهشگران
۶۶	تئوریا
۷۱	آبهای سفید
۷۵	تذکر لازم
۷۷	پیشگفتار مؤلف
۸۷	مثلث برمودا
۹۱	موقعیت جغرافیائی مثلث برمودا
۹۴	سرگردانی دانشمندان
۹۷	در برمودا چه می گذرد؟
۱۱۱	دانشمندان و مثلث برمودا
۱۱۵	تئوریا
۱۲۷	بشقابهای پرنده
۱۳۶	نخستین بشقاب پرنده
۱۴۸	اقوال دانشمندان
۱۵۴	چه کسی این بشقابها را در اختیار دارد؟
۱۵۷	جزیره خضراء
۱۶۲	متن داستان
۱۸۲	وادی خضراء (شعر)
۱۸۳	یادداشتهای مترجم
۱۸۵	یادداشت اول: جزیره خضراء در اخبار و آثار
۱۹۱	یادداشت دوم: علی بن فاضل کیست؟
۱۹۳	یادداشت سوم: فضل بن یحیی کیست؟



صفحه	عنوان
۱۹۷	یادداشت چهارم: حتی علی خیرالعمل
۲۰۱	تثویب در اذان
۲۰۵	یادداشت پنجم: شهادت ثالثه
۲۱۷	یادداشت ششم: پاسخ به شبهات
۲۳۷	فهرست منابع
۲۳۹	منابع مؤلف
۲۴۰	منابع مترجم
۲۴۵	فهرست اعلام
۲۴۷	۱- اشخاص
۲۵۷	۲- اماکن
۲۶۲	۳- قبائل و مذاهب
۲۶۳	۴- کتابها